مجموعهٔ

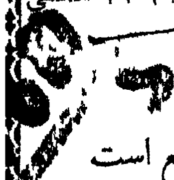
اصول محاکمات حقوقی

و قانون ثبت و غیره

چاپ سوم

اسخراج از قوانین مصوبه

از ذیقعده ۱۳۲۹ قمری الی دهم شهریور ۱۳۱۳ شمسی



مشتمل بر :

کلیه موادی که فعلاً مجری و منبع است

قیمت مقطوع در طهران ۸ ریال و در ولایات باضافه کرایه پست

مرکز فروش کلّی خیابان ناصریه شجاعی ـ گلستانه

چاپخانهٔ فردین و برادر ـ طهران

مجموعهٔ

قوانین موقتی

مربوطه باصول محاکمات حقوقی



کلیات

از قانون اصول محاکمات حقوقی

مصوب ۴ [illegible] ۱۳۲۵

موادّ عمومی

ماده ۱ — محاکم عدلیه بدعاوی حقوقی که رجوع بآنها است موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یا فصل مینمایند و آنچه را که موافق قانون راجع بآنها نبوده و خصایص محاکم اختصاصی است رد مینمایند و اموری که راجع بمحاضر عدول مجتهدین جامع الشرایط است نپذیرفته و بطوری که قانون معین میکند بمحاضر مزبوره ارجاع کرده و بر طبق احکام آنها حکم اجرا میدهند .

ماده ۲ — محاکم عدلیه فقط وقتی شروع برسیدگی دعوی

حقوقی مینمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را بطوریکه قانون معین میکند کرده باشند .

ماده ۳ ـ محاکم عدلیه مکلفند که بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده و بموجب آن حکم داده یا فصل نمایند و در صورتیکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نباشد و یا ناقص و یا متناقض باشد باید محاکم عدلیه موافق روح و مفاد عمومی قوانین موضوعه امور را قطع و فصل نمایند .

ماده ۴ ـ اکیداً ممنوع است که محاکم عدلیه بعذر اینکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نیست و یا ناقص و متناقض است صدور حکم را توقیف کنند . متخلفین از این قاعده در حکم اشخاصی خواهند بود که استنکاف از احقاق حق کرده باشند .

ماده ۵ ـ در محاکم عدلیه بماهیت دعاوی حقوقی فقط تا دو درجه میتوان رسیدگی نمود .

ماده ۶ ـ در محاکم عدلیه هیچ دعوائی نمیتواند از حیث ماهیت قابل رسیدگی در درجه بالا تر باشد مادام که در درجهٔ پائین تر در آن باب حکم صادر نشده است .

ماده ۷ ـ هیچ ادارهٔ دولتی و مقام رسمی نمیتواند حکم محکمهٔ عدلیه را تغییر بدهد مگر خود محکمهٔ که حکم داده است یا محکمهٔ بالا تر در مواردیکه قانون معین میکند .

از قانون اصول تشکیلات عدلیه

مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷

ماده ۲ ص محاکم بدو نوع است عمومی و اختصاصی :

ماده ۳ ص محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیر از آنچه قانون صراحتاً استثناء کرده است .

محاکم عمومی دو درجه است : ابتدائی ـ استیناف .

تبصره ـ برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائی محاکم‌صلحیه در نقاطیکه مقتضی‌است برقرار میشود .

ماده ۴ ص محاکم اختصاصی آنست که بهیچ‌امری حق‌رسیدگی ندارد غیر از آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است .

ماده ۵ ص مافوق محاکم مزبوره در ماده سوم دیوان عالی‌تمیز در پایتخت مملکت تشکیل میشود .

ماده ٦ ص تقسیمات مملکت ایران از حیث تأسیس محاکم عدلیه بقرار ذیل است :

حوزه صلحیه ـ حوزه ابتدائی ـ حوزه استیناف .

ماده ۷ ص حوزه صلحیه عبارت‌است از قسمتی از خاك ایران که در قلمرو یك محکمه صلحیه واقع‌است .

ماده ۸ ص حوزه ابتدائی عبارت است از قسمتی از مملکت ایران که در قلمرو یك محکمهٔ ابتدائی واقع است . هر حوزهٔ

ابتدائی ممکن است مشتمل بر چند حوزهٔ صلحیه باشد .

ماده ۹ ص حوزهٔ استینافی عبارت است از قسمتی از مملکت که در قلمرو یك محکمهٔ استیناف واقع است و هر حوزهٔ استینافی مشتمل است بر چند حوزهٔ ابتدائی .

ماده ۱۰ ص قوه قضائیه دیوان تمیز شامل کلیه محاکم عدلیه ایران است .

ماده ۱۱ ص صلحیه ها و محاکم ابتدائی و استیناف مطابق قانون بماهیت دعوی رسیدگی کرده حکم میدهند ، دیوان تمیز در غیر مواردی که قانون استثنا کرده داخل ماهیت دعوی نشده فقط حق نقض و ابرام احکام و نظارت در محافظت قانون و اجرای آنرا بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد .

ماده ۱۲ ص برای تحقیقات راجعه بجنحه و جنایت مستنطقین معین میشوند .

تبصره ــ در صورتیکه مستنطقین در محل حاضر نبوده یا معذور از انجام وظیفه باشد عضو علی‌البدل یا امین صلح حاضر در مقر محکمه بتقاضای مدعی‌العموم یا قائم‌مقام او وظیفهٔ مستنطق را انجام میدهد .

ماده ۱۳ ص در نزد محاکم عدلیه اداره مدعی عمومی برای انجام وظایف مقرره تأسیس میشود .

ماده ۱۴ ص در معیت محاکم اشخاص مفصلهٔ ذیل میباشند :

مدیران دفاتر و اجزاء ــ اجزای تحریر وضبط و ثبت ــ

مأمورین احضار واعلام و اجراء ـ طبیب قانونی ـ مترجم ـ در صورت لزوم وکلای عدلیه .
ترتیبات راجعه بتأسیس هرکدام از مشاغل فوق بموجب قانون معین میشود .

محاکم صلحیه

از اصول تشکیلات عدلیه

مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷

ماده ۱۵ ص محاکم صلح در شهرها و قصبات و بلوکات تأسیس میشود .
ماده ۱۶ ص عده حوزه های صلحیه را نظر بمقتضیات وقت و محل وزیر عدلیه معین و صورت آنرا اعلان مینماید .
ماده ۱۷ ص محکمه صلحیه تشکیل میشود از یکنفر امین صلح
ماده ۱۸ ص نصاب مدعی به در محاکم صلح پانصد تومان و در نقاطیکه در مقر صلحیه محکمه ابتدائی تشکیل شده نصاب صلحیه یکهزار تومان است .
ماده ۱۹ ص رسیدگی بامور خلافی و جنحه های کوچک با محاکم صلح است .
ماده ۲۰ ص در نقاطیکه محکمه صلحیه وجود ندارد محکمه ابتدائی در کارهای صلحیه نیز رسیدگی خواهد کرد این وظیفه را حاکم محکمه شخصاً انجام داده یا عضو علی البدل را مأمور

انجام آن مینماید .

ماده ۲۱ ص امنای صلح برای رسیدگی دائمی محـل معینی خواهند داشت ولی شکایات را با رعایت حدود قانون در هر نقطهٔ از نقاط حوزهٔ خود قبول میکنند .

ماده ۲۲ ص در صورت غیبت یا مرض امین صلح یکی از امنای صلح نزدیکترین محل بطوریکه قبلا مابین امنای صلحیه مقرراست موقتاً وظایف اورا انجام میدهد و یا قائم مقامی برای امین صلح غایب یا مریض موقتاً برحسب نظامنامه معین میشود .

ماده ۲۳ ص احکام غیرقطعی محکمه صلح موافق قانون اصول محاکمات در محکمه ابتدائی که صلحیه در حوزهٔ آن واقع است استینافاً رسیدگی میشود .

تبصره ــ مرجع استینافی احکامی که مطابق ماده بیستم از محاکم بدایت صـادر میشود محکمه ابتدائی است که وزارت عدلیه با رعایت قرب مسافت و مقتضیات دیگر در ضمن نظامنامه مخصوص معین میکند .

ماده ۲۴ ص در نقاطیکه صلحیه در خارج از مقـر محکمه ابتدائی است امین صلح مکلف است در امور جنائی و جنحه های بزرگ وظیفه مستنطق را انجام داده دوسیه عمل را بپارکه بدایت صلاحیت‌دار بفرستند .

ماده ۲۵ ص برای رسیدگی بدعاوی که مدعی به آن بیش از بیست تومـان نیست اعم از منقول و غیر منقول و همچنین برای

رسیدگی بدعاوی خلافی وزارت عدلیه میتوانـد محاکم صلح مخصوصی تأسیس نماید .
احکام محاکم مزبور قطعی و غیرقابل استیناف خواهد بود صلحیه های مزبور بصلحیه ناحیه موسوم است .
ماده ۲۶ ص در نقاطیکه در مقر صلح ناحیه صلح محدود یا محکمه بدایت تشکیل نشده حدّ نصاب مدعی به یکصد تومان است ولی احکامی که محکوم به آن بیش از بیست تومان باشد قابل استیناف خواهد بود .
ماده ۲۷ ص مرجع استینافی احکام صلح ناحیه را وزارت عدلیه با رعایت قرب مسافت و سایر مقتضیات درضمن نظامنامه مخصوص معین خواهد کرد .
ماده ۲۸ ص صلح ناحیه صلاحیت رسیدگی بدعوای تصرف عدوانی و رفع مزاحمت را در حدود صلاحیتی که مطابق موادّ ۲۵و۲۶ داراست خواهد داشت صلح ناحیه درصورتیکه طرفین دعوی توافق کنند بهردعوی وتا هرمیزانی رسیدگی خواهد کرد .
ماده ۲۹ ص در نقاطیکه صلح ناحیه نیست و صلحیه یا محکمه بدایت امور صلـح ناحیه را انجام میدهند حکمی که محکوم به آن بیش از بیست تومان نباشد قابل استیناف نیست .
ماده ۳۰ ص اشخاصیکه میخواهند درمحاکم صلح نواحی اقامه دعوی نمایند نمیتوانند ادعای خودرا که ناشی از یك مدرك است تجزیه کرده و برای هر قسمت عرضحال جداگـانه بدهند مگر اینکه در محکمه مزبوره از بقیه ادعای خود صرف نظر نمایند .

از قانون اصول محاکمات حقوقی

مصوب ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹

فصل اول ـ در صلاحیت

ماده ۸ ـ امور راجعه بمحاکم صلحیه از قرار ذیل است :

اولا ـ دعاوی راجعه باموال اعم از منقول و غیر منقول و دیون ومنافع درصورتیکه مدعی‌به بیش ازچهار صد تومان (۱) نباشد و هرگاه محدود بزمان معین نباشد یا مدت آن طولانی باشد باید قیمت ده سال آنرا میزان قرار داد .

ثانیاً ـ دعاوی ضرر و خسارت ناشی از امتیازات از قبیل حق‌الطبع و حق‌التصنیف و امثال و غیر آن و دعاوی حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتیکه در هر یك از این دومورد مدعی‌به بیش از چهار صد تومان نباشد .

ثالثاً ـ مطالبه تخلیه ید از اعیان مرهونه ومستأجره و امثال آن درصورتیکه منافع یکسالهٔ اعیان مذکوره بیش از چهارصد تومان نبوده و اصل مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتیکه نزاع در اصل مالکیت باشد حد نصاب صلحیه معتبر است .

رابعاً ـ کلیه دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق‌العبور و حق المجراء و حق المرتع و دعوای ممانعت از حق کسی در ملك دیگری یا مزاحمت کسی از تصرف مالك در ملك خودش

---

(۱) چهار صد تومان مطابق قانون سابق است - حدود نصاب فعلی صلحیه مطابق ماده ۱۸ اصول تشکیلات است (صفحه ۵) .

و دعاوی راجعه بحقوق غیرمالی مثل حق‌الحضانه و حق‌الولایه وحق‌الوصایه و غیر آن .

خامساً ــ دعاوی تصرف عدوانی درغیر منقول تا هر مقدار باشد .

سادساً ــ دعاوی راجع باشیائیکه قیمت معینی ندارد مثل اعیان اوراق و اسناد و فرامین و نشانهای دولتی وامثال آن که دارای نوعی از اعتبار و متعلق اغراض و مقاصد نیست .

سابعاً ــ مطالبهٔ وفاء شروط و عهودیکه در ضمن معاملات واقع میشود یا در معامله بنا بر آن بوده از قبیل دادن قباله و سند معامله یا معین کردن آن اعم از اینکه متعاملین قبلاً در معامله تفصیلا تبانی بر آن نموده باشند یا عادتاً مبنای معاملات بر آن باشد .

ثامناً ــ خواهش تأمین و حفظ دلائل و امارات مدعی به هرچه و هر مبلغ باشد .

تاسعاً ــ تقاضای اصلاح در هر دعوائی و به هر مقداریکه مدعابه باشد .

عاشراً ــ رسیدگی در دعوی تا هر میزان در صورتیکه طرفین دعوی بمحکمه صلحیه تراضی نمایند .

ماده ۹ ــ دعاوی معینهٔ ذیل بمحکمه صلحیه راجع نیست ولو مقدار مدعی‌به دویست و پنجاه تومان یا کمتر باشد .

۱ ــ دعاوی مربوط بمنال دیوانی ۲ ــ دعاوی راجعه بامتیازاتیکه از طرف دولت داده میشود .

مواد ۱۰ ــ ۱۱ ــ ۱۲ ــ ۱۳ برحسب قانون تسریع محاکمات نسخ شده

ماده ۱۴ ـ هردعوائی که در اثنای رسیدگی بدعوای اصلی اقامه شود اعم از اینکه از طرف مدعی باشد یا مدعی علیه بعنوان دعوای متقابل یا شخص ثالث و با دعوای اصلی از یك منشأ ناشی شده و یا مربوط بآن باشد راجع بهمان صلحیه است که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است لیکن اگر دعوای اصلی متوقف بر دعوای طاری باشد که از حیث مبلغ خارج از وظیفهٔ صلحیه است با دعوای اصلی بمحکمه ابتدائی ارجاع میشود ـ دعوای متقابل بموجب عرضحال جداگانه اقامه میشود لیکن دعوای مقاصه و تهاتر و هر عنوانی که دفاع محسوب شود محتاج بعرضحال جداگانه نیست .

ماده ۱۵ ـ در موارد اختلافاتیکه درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه حاصل میشود هرگاه طرفین اختلاف در حوزهٔ یك محکمهٔ ابتدائی واقع باشند رفع اختلاف در همان محکمهٔ ابتدائی بعمل میآید و اگر در حوزه های محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف راجع بمحکمه ابتدائی است که دعوای مختلف فیه بدواً درحوزهٔ آن اقامه شده وهرگاه دعوای مختلف فیه در یك تاریخ درحوزه‌های مختلفهٔ محاکم ابتدائی اقامه شده باشد رفع اختلاف با محکمهٔ استیناف است .

ماده ۱۶ ـ اگر اختلافی درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه و محاکم ابتدائی حاصل شود رفع آن با محکمه استینافی است که طرفین اختلاف در حوزهٔ آن واقعند وهرگاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف بعهدهٔ

آن محکمهٔ استیناف است که دعوای مختلف‌فیه بدواً در حوزهٔ آن اقامه شده است و هرگاه دعوای مختلف‌فیه در یك تاریخ درحوزه های مختلفه محاکم استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز است .

ماده ۱۷ ح ارباب رجوع درموارد حدوث اختلاف بیکی از محاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمهٔ راکه صلاحیت رسیدگی دارد درخواست مینمایند و درخواست مذکور با توضیحات خودمحکمه بمقامی که موافق ماده ۱۵و۱۶ ح صلاحیت رفع اختلاف را دارد تقدیم شده رسیدگی بدعوائیکه باعث اختلاف شده است تا صدور حکم آن‌مقام بتأخیر میافتد .

فصل دوم ـ درعرضحال و احضار

ماده ۱۸ ح عرضحالی که بمحاکم صلحیه در اقامه دعوی داده میشود ممکن است کتبی باشد یا شفاهی .

ماده ۱۹ ح عرضحال شفاهی را محکمهٔ صلحیه در دفتر ثبت کرده برای عارض قرائت میکنند و بعد بامضای عارض میرسانند هرگاه عارض سواد نداشته باشد دیگری ازطرف عارض امضا مینماید و جهة آن در دفتر قید میشود .

ماده ۲۰ ح هرگاه عرضحال خارج از صلاحیت محکمهٔ صلح باشد محکمهٔ صلح قرار عدم قبول عرضحال را باجهات آن‌داده عرضحال را بصاحبش رد میکنند وهرگاه عرضحال شفاهی باشد محکمهٔصلح بخواهش عارض سوادی ازقرارخودش بعارض‌میدهد

ماده ۲۱ ـ در عرضحال چه کتبی باشد وچه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد :

۱ ـ اسم و شهرت و محل اقامت وشغل خود و مدعی علیه و همچنین اطلاعات مذکوره را درباب مطلعین ارقضیه درصورتیکه مدعی باطلاع آنها استناد میکند برسبیل اجمال قید میکند .

۲ ـ دلایل موجوده ادعای خود را ۳ـ مقدار مدعی به (مگر در مواردی که تعیین مقدار ممکن نیست) .

۴ ـ توضیح اینکه چه میخواهد یا چه اقدامی باید بشود .

ماده ۲۲ ـ مقدار مدعی به مبلغی است که در عرضحال صریحاً قید شده است اجرت المثل وخساراتیکه بعداز تقدیم عرضحال بمدعی به تعلق میگیرد ممکن است علاوه شود ولو اینکه مجموعاً زیاده برحد نصاف صلحیه شود ـ مواردیکه تعیین مقدار مدعی به یا قیمت آن در ابتدای دعوی ممکن نیست داخل در صلاحیت صلحیه است مگر اینکه زائد بودن آن برحد نصاب صلحیه اجمالا معلوم باشد .

از ماده ۲۴ الی ۲۷ بموجب قانون تسریع نسخ شده است .

فصل سوم ـ در رسیدگی محکمهٔ صلح

ماده ۳۷ ـ بعد از شروع برسیدگی محکمه صلح بدواً تکالیف صلح بطرفین نموده وسعی خودرا دراصلاح ذات‌البین حتی در حین محاکمه تعقیب میکنند وفقط در صورت عدم موفقیت بعداز رسیدگی حکم میدهد .

ماده ۳۸ ـ درصورت اصلاح صلح نامهٔ کتبی نوشته شده بامضای طرفین یاوکلای آنها میرسد و کاریکه بمصالحه تمام‌شده از سر گرفتن

آن جائز نیست .

ماده ۳۹ بموجب قانون تسریع نسخ شده .

ماده ۴۰ ح دعوای تصرف عدوانی از کسی مسموع است که قبلا خود یا قائم مقام قانونی او متصرف بوده و عدواناً از تصرف او خارج کرده باشند مشروط بر اینکه بیش از یکسال از تاریخ تصرف عدوانی او نگذشته باشد .

ماده ۴۱ ح ـ در مورد دعوای تصرف عدوانی محکمه صلح داخل رسیدگی در نحوه تصرف مدعی و اسناد راجعه بآن نمیشود و فقط در باب تصرف عدوانی تحقیقات نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد و بعداز ختم دعوای تصرف عدوانی محکوم علیه اگر در نحوهٔ تصرف ادعا داشته باشد در صورتیکه میزان مدعی به خارج از صلاحیت صلحیه نیست در صلحیه اقامهٔ دعوا میکند و الا بمحکمه صالحه رجوع مینماید .

ماده ۴۱ مکرر ح ـ در مورد دعاوی مذکوره در فقرهٔ ششم ماده ۸ هرگاه مدعی علیه محکوم برد عین مدعی به گردید و عین محکوم به را ردّ ننمود مشار الیه بتأدیهٔ ضرر و خساراتی که از عدم ردّ عین محکوم به وارد و بتصدیق اهل خبره معین میگردد محکوم خواهد شد .

از ماده ۴۲ الی ۴۷ بموجب قانون تسریع نسخ شده .

در رسیدگی محکمه صلح

درمواردیکه محکمه مذکوره فقط حق اصلاح را دارد

ماده ۴۷ ح رجوع بمحاکم صلحیه برای اصلاح ذات‌البین یا بتراضی طرفین دعوی و یا بمیل یکی از آنان بعمل میآید .

ماده ۴۸ ـ ترتیب احضار و اعلام در مواردیکه محکمهٔ صلح فقط حق اصلاح ذات‌البین را دارد همانست که در فصل دوم مذکور است ولی در احضار نامه باید تصریح شود که معروض برای اصلاح بمحکمه دعوت میشود .

ماده ۴۹ ـ بعداز حضور متداعیین محکمه باظهارات و دلائل طرفین رسیدگی و تکلیف صلح و سعی در اصلاح ذات‌البین مینماید ـ در صورت عدم موفقیت باصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خود را در دفتر نوشته بامضای طرفین میرساند و هر گاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند مراتب را محکمهٔ صلح قید میکند .

ماده ۵۰ ـ در مورد ماده قبل محکمهٔ صلح نباید طرفین را بیجهت معطل نماید و همینکه مشاهده نمود که طرفی یا طرفین حاضر باصلاح نیستند باید طرفین را بحال خودشان واگذار کرده و اعلام نماید که دعوای خود را بمحاکمی که صلاحیت حکم را دارند رجوع نمایند .

ماده ۵۱ ـ هرگاه بعداز تبلیغ دو احضار نامه معروض حاضر نشده یا کتباً جواب داد که حاضر باصلاح نیست محکمه مراتب‌را در دفتر قید کرده وبعارض اعلام میدارد که بمحکمهٔ که صلاحیت حکم را دارد رجوع نماید .

ماده ۵۲ ـ هرگاه مدعی علیه بعداز تبلیغ یك یا دو احضاریه حاضر شده و بعد استنکاف از حضور نمود محکمه صلح بموجب ماده قبل رفتار مینماید .

ماده ۵۳ ــ استنکاف مدعی‌علیه از حضور درمحکمهٔ صلح یاعدم قبول‌صلح بعد از حضور درهر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین کارشانرا درمحکمهٔ‌دیگری که صلاحیت اصلاح را دارد به‌طیب خاطر رجوع‌نموده خواستار اصلاح شوند.

ماده ۵۴ ــ همینکه محکمهٔ صلح باصلاح ذات البین موفق شد مراتب را در دفتر قید کرده بامضای طرفین میرساند و صلح نامهٔ ممضی بامضای امین صلح و حاکم صلح وممهور بمهر محکمه مرتب نموده در دو نسخه بطرفین تسلیم مینماید.

ماده ۵۵ ــ هرگاه محکمهٔ‌صلح ازعرضحال مدعی مشاهده نماید که امر از امورمستعجله وفوتی بوده واقدام‌لازم‌خارج ازصلاحیت محکمه است یا محکمه تصور کند که اقدام او در احضار طرف و اصلاح‌ذات‌البین‌موجب تضییع حق‌عارض‌خواهدشدبمشارالیه‌اعلام میدارد که بمحکمهٔ که‌صلاحیت اقدام‌را دارد رجوع کند ومراتب را در دفتر خود قید میکند.

از ماده ۵۶ الی ۵۹ بموجب قانون تسریع نسخ شده.

فصل چهارم ــ در دلائل وتحقیقات

ماده ۵۶ ــ درمواردی که تحقیق محلی واستطلاع ازمطلعین و استعلام ازاهل خبره یا استفاده ازدلائل که درنزد طرف یاغیراست اقتضادارد ویامستند دعوای‌دفاترتجارتی وامثال آن‌است اشخاصیکه ظنین هستند براینکه استفاده ازدلائل‌فوق‌الذکر بعدهامتعذریامتعسر

خواهدشد میتوانند از محکمه خواهش تأمین آنهارا بنمایند ومقصود از تأمین دراین موارد فقط ملاحظه و صورت‌ثبت برداشتن اینگونه دلائل است .

ماده ٦٠ ـ خواهش تأمین دلائل چه درحین محاکمه وچه‌قبل‌از اقامه دعوی ممکن است .

ماده ٦١ ـ خواهش تأمین دلائل در صورتیکه قبل از اقامهٔ دعوی باشد راجع است بمحکمهٔ صلحی که موضوع معاینه یا تحقیق در حوزهٔ آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزهٔ آن مقیمند ، و هرگاه بعداز اقامهٔ دعوی (در حین محاکمه) باشد اقدام آن راجع بمحکمه صلحی است که مشغول برسیدگی است در این مورد درصورتی که تأمین دلائل فوریت‌داشته باشدطرفین میتوانند باجازهٔ محکمهٔ که مشغول رسیدگی است بمحکمهٔ صلحی که‌دلائل درحوزهٔ آن واقع است رجوع نمایند ومحکمه حق‌ندارد دردادن اجازه باوجود فوریت مطلب مسامحه نماید .

ماده ٦٢ ـ خواهش تأمین دلائل چه کتبی باشد چه شفاهی باید حاوی نکات ذیل باشد :

۱ ـ اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او .

۲ ـ اشاره باوضاع و احوالی که مبتنی است بردلایلی که تأمین آنرا میخواهند .

۳ ـ جهة خواهش تأمین دلائل .

ماده ٦٣ ـ در مواردیکه تأمین دلائل فوریت داشته باشد اجازهٔ

آنرا محکمهٔ صلح میدهد بدون اینکه بدواً طرف را احضار کند و اینقرار محکمهٔ صلحیه قابل‌شکایت نیست .

ماده ۶۴ ــ بعد از تأمین دلائل محکمهٔ صلح بخواهش مستدعی تأمین موافق دستوری رفتار مینماید که در باب معاینهٔ محل و خواستن عقیدهٔ اهل خبره و استعلام از اهل محل مقرر است .

ماده ۶۵ ــ درمواردیکه مستدعی تأمین دلایل طرف خودرا معین نکرده اجرای آن در صورتی بعمل میآید که از برای خواهش کننده ممکن نباشد اسم طرف خودرا معین نماید .

ماده ۶۶ ــ مقصود از تأمین دلائل حفظ آن است و بهیچوجه دلالت نمیکند براینکه دلائلی که تأمین شده حتماً درحین محاکمه مدرك ادعای صاحب آن خواهد بود یا دلائل تأمین شده حتماً معتبر خواهد بود .

ماده ۶۷ ــ هرگاه طرف مستدعی تأمین برای حضور درموقع اجرای تأمین احضار نشده باشد و یا احضاریه باو نرسیده باشد حق دارد درحین رسیدگی بدعوا تخلفی راکه از ترتیب قانون شده است خاطرنشان کند .

از ماده ۶۸ الی ۹۶ بموجب قانون تسریع نسخ شده است

فصل ششم ـ در حکم

ماده ۹۶ ــ در موارد احکام قطعی محکمه صلح درخود حکم موعدیرا معین میکند که محکوم علیه در ظرف آنموعد طوعاً حکم را مجری دارد .

ماده ۹۷ ح در صورتیکه بر محکمهٔ صلح ثابت شود که محکوم علیه نمیتواند تمام محکوم به را بپردازد میتواند نظر بمبلغ محکوم به و استطاعت محکوم علیه برای تأدیه وجه اقساطی قرار داده و در آن باب تصدیق بطرفین بدهد .

ماده ۹۸ ح هرگاه محکمه درضمن حکم قرار تأدیه محکوم به را باقساط داده و محکوم علیه در سر وعده قسط را ادا نکرده محکمهٔ صلح بتقاضای محکوم له تأدیهٔ بلا تأخیر تمام محکوم به را میدهد .

از ماده ۹۹ الی ۱۵۰ بموجب قانون تسریع و قانون محاضر شرع نسخ شده .

از قانون تسریع محاکمات راجع بصلحیه

ماده ۱۲ ت اصول محاکمه در محاکم صلحیه همان‌استکه برای محاکم ابتدائی مقرر شده مگر در مواردیکه مطابق مواد ۸ و ۹و۱۴و۱۵و۱۶و۱۷و۱۸و۱۹و۲۰و۲۱و۲۲و۳۷و۳۸و۴۰و۴۱ و۴۱مکرر ۴۷و۴۸و۴۹و۵۰و۵۱و۵۲و۵۳و۵۴و۵۵و۵۹و۶۰ و ۶۱و ۶۲و ۶۳و ۶۴و ۶۵و ۶۶و۶۷و ۹۶و۹۷و ۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی تکلیف خاصی برای محاکمات صلحیه معین شده است

ماده ۱۳ ت رسیدگی درمحاکم صلح اختصاری است .

ماده ۱۴ ت در مواردیکه قرار ها و احکام محاکم ابتدائی قابل تمیز است قرار ها و احکام محاکم صلحیه نیز قابل تمیز خواهد بود مگر قرارها و احکام امنای صلح ناحیه در مواردیکه قانوناً قابل استیناف و تمیز نیست .

ماده ۱۵ ت رسیدگی تمیزی احکام صلحیه و رسیدگی تمیزی قرارها و احکام محاکم بدایت که استینافاً صادر میشود در محکمهٔ استینافی بعمل خواهد آمد که محکمهٔ صادر کننده قرار یا حکم در حوزهٔ آن واقع است دراینصورت محکمهٔ استیناف بایدازحیث مدت قبول عرضحال وطرز رسیدگی وغیره مقررات این قانون و اصول محاکمات حقوقی وجزائی راجع برسیدگی‌تمیزی‌را رعایت نموده وقرار یاحکم را در مواردیکه قانوناً برای نقض مقرر است نقض و الا ابرام نماید درصورت نقض حکم محکمهٔ استیناف خود بماهیت دعوی‌رسیدگی کرده حکم خواهدداد واین‌حکم قابل‌تمیزنیست.
تبصره ـ در مورد این ماده مخارج محاکمه موافق تعرفه‌ایست که برای رسیدگی درتمیز مقرر است.

ماده ۱۶ ت هرگاه محاکم استیناف در احکامی که تمیزاً صادر میکنند در موضوعات متشابه آراء متباین داده یا رویه مخالف رویهٔ قضائی دیوان عالی تمیز اتخاذ کنند مدعی‌العموم دیوان عالی تمیز برای حفاظت قانون تقاضای‌تمیز نموده و رأی دیوان عالی‌تمیز را بعموم محاکم استیناف ابلاغ‌خواهد کرد.

قانون مأمورین صلح

مصوبه ۲۴ تیر و ۵ مرداد ۱۳۰۹

ماده اوّل ✿ اموریکه برحسب قانون مربوط بمحاکم صلحیه‌است توسط امین‌صلح (امین صلح ناحیه) و مأمورصلح انجام می‌یابد .

ماده ۲ ✿ حدود صلاحیت و وظایف امنای صلح و امنای صلح ناحیه همان است که در قوانین مصرح است حدود صلاحیت و وظایف مأمور صلح مطابق مواد این قانون خواهد بود .

ماده ۳ ✿ صلاحیت مأمور صلح درامور حقوقی ازقرار ذیلست :

الف ـ دعاوی حقوقی که مدعی‌به‌آن از بیست تومان بیشتر نیست مأمور صلح بارعایت ماده ۳۰ اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ شخصاً رسیدگی کرده حکم خواهد داد حکم مأمور صلح غیر قابل استیناف و تمیز است .

ب ـ در دعاوی که میزان مدعی به از ۲۰تومان بیشتر بوده و از ۵۰۰ تومان تجاوز نکند مأمور صلح امررا ارجاع بحکمیت مینماید ـ ازحکمی که مأمورصلح برطبق رأی حکم صادرمینماید میتوان استیناف داد .

ماده ۴ ✿ صلاحیت مأمور صلح درامور جزائی ازقرارذیلست .

الف ـ در دعاوی‌خلافی وجنحه های کوچك مأمور صلح مطابق قوانین حکم خواهد داد ـ حکم مأمور صلح در امور خلافی

فقط درصورتیکه مجازات از پنج تومان نقد یا دو روزحبس تجاوز کند قابل استیناف است وحکم استینافی در این موضوع قابل تمیز نیست

ب ـ در جنحه های مهم و جنایات مأمورصلح سمت مستنطقی دارد ودرمواردیکه دلایلی برقرارمتهم یاتبانی یامحو آثارجرم باشد حق صدور قرارتوقیف خواهد داشت اینقرار بلافاصله قابل اجراء است .

ماده ۵ ❁ مأمورصلح باید درظرف ۲۴ ساعت قرار توقیف را کتباً با ذکر دلائل بمتهم ابلاغ نموده و در ظرف همان مدت برای مدعی‌العموم بدایت حوزهٔ مأموریت خود نیز ارسال دارد .

ماده ٦ ❁ از قرارهای مأمور صلح در حدودیکه در اصول محاکمات جزائی مقرر است میتوان استیناف داد و در صورت اختلاف تقاضای رفع اختلاف کرد .

ماده ۷ ❁ مرجع رسیدگی استینافی بقرارهای مأمورصلح و رفع اختلاف بین مدعی‌العموم ومأمور صلح محکمهٔ بدایتی است که مأمور صلح درحوزهٔ آن مأموریت دارد .

ماده ۸ ❁ رسیدگی محکمه در موارد فوق باید بفوریت وخارج از نوبت بعمل آید قرار محکمهٔ ابتدائی در محاکم بالا تر قابل شکایت نیست .

ماده ۹ ❁ مأمور صلح بایدپس از تحقیقات عقیدهٔ خودرا ذیل دوسیه قید وآنرا نزدمدعی‌العموم حوزه مأموریت خود ارسال داردهر گاه مدعی‌العموم تحقیقات مأمورصلح راکامل دانست اقدام مقتضی داثر بمنع تعقیب ویااحاله امر بمحکمه صالحه خواهدنمود والابرای تکمیل

تحقیقات یا بخود مأمور صلح دستور داده و یا دوسیه را بمستنطق حوزه خود احاله میکند .

ماده ۱۰ ❁ مرجع استینافی احکام مأمورین صلح در حدود اصول محاکمات حقوقی و جزائی محکمهٔ بدایتی است که مأمور صلح در حوزهٔ آن مأموریت دارد .

ماده ۱۱ ❁ باستثنای طرز ارجاع امر بحکمیت و تعیین حکم و طرز رسیدگی حکمها و اجرای احکام و قرارها که بموجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه معین میشود سایر مقررات مربوطه برسیدگی و محاکمه و مخارج عدلیه وغیره همان استکه در اصول محاکمات حقوقی و جزائی وسایر قوانین مربوطه مصرح است .

ماده ۱۲ ❁ تعیین اینکه چه قسمت ازعایدات بمأمور صلح واجزاء دفتری واجرائی او داده شده وچه قسمت عاید خزانه دولت میگردد بموجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه معین خواهد شد .

ماده ۱۳ ❁ وزارت عـدلیـه مجاز است بهر نایب الحکومه که شایسته بداند سمت مأموریت صلح دهد دراینصورت نایب الحکومه در انجام وظایفی که مطابق این قانون بعهدهٔ او محول است مسئول وزارت عدلیه بوده و از این حیث بتخلفات اداری او بااستحضار وزارت داخله در محاکم اداری وزارت عدلیه رسیدگی خواهد شد تجدید نظر از حکم محکمهٔ اداری در محکمهٔ انتظامی بعمل خواهد آمد وحکم محکمهٔ مزبوره قطعی است .

ماده ۱۴ ❁ حوزهٔ مأموریت مأمورین صلح مطابق نظامنامه وجدولی است که بتصویب کمسیون عدلیه مجلس شورای ملی خواهد رسید .

ماده ۱۵ ❋ این قانون از اول شهریورماه ۱۳۰۹ بموقع اجرا گذارده خواهد شد .
ماده ۱۶ ❋ وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون است .

محاکم ابتدائی

از اصول تشکیلات عدلیه

مصوبه ۲۷ تیر ۱۳۰۷

ماده ۳۱ ص در هر حوزهٔ ابتدائی یك محکمهٔ ابتدائی برای رسیدگی بدعاوی حقوقی وجزائی تشکیل میشود صورت محل هائیکه باید درآنجا محاکم ابتدائی تشکیل شود و عدهٔ شعب محاکم ابتدائی را برحسب اقتضای محل و کثرت و قلت دعاوی وزیر عدلیه معین و اعلام مینماید .

ماده ۳۲ ص در جهائیکه محکمه دارای شعب باشد تخصیص هر شعبه بهریك ازانواع دعوی حقوقی‌وجزائی باوزارت عدلیه‌است .

ماده ۳۳ ص محکمهٔ ابتدائی تشکیل میشود از یکنفرحاکم ودر صورت‌تعددشعب‌هرشعبه‌دارای یکنفرحاکم‌خواهدبود دراینصورت رئیس شعبهٔ اول سمت ریاست‌کل را خواهد داشت .

ماده ۳۴ ص درصورتیکه محکمهٔ ابتدائی شعبه نداشته باشد هر محکمهٔ ابتدائی یك عضو علی‌البدل ویك مستنطق خواهد داشت هرگاه‌محکمه شعبه‌داشته باشدعدهٔ مستنطقین واعضای‌علی‌البدل‌را با رعایت‌مقتضیات محل‌و کثرت وقلت‌دعوی وزیرعدلیه معین‌مینماید .

ازقانون اصول محاکمات حقوقی

مصوب ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹

درصلاحیت محاکم ابتدائی

ماده ۱۵۰ ـ محاکم ابتدائی بکلیه دعاوی که بموجب قانون راجع بمحاکم عمومی است رسیدگی مینماید باستثناء اموریکه قانون بمحاکم صلحیه اختصاص داده .

ماده ۱۵۱ ـ ادعا یا درمحکمهٔ ابتدائی اقامه میشود که مدعی در حوزهٔ آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا در محکمهٔ که مدعی علیه درحوزهٔ آن ساکن یا اقامتگاه دائمی‌دارد ومستثنیات این‌ماده بموجب قوانین معین است هرگاه مدعی بمحکمهٔ اقامتگاه خود رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت و اقامت مدعی علیه را در محل اقامت خود بپردازد و بعد در صورتیکه ذیحق شد میتواند مبلغی را که از این بابت تأدیه کرده است در جزو خسارت خود منظور داشته از طرف خود مطالبه نماید .

ماده ۱۵۲ ـ محلی که شخص درآنجا از حیث شغل یا کسب یا خدمت قلمی یانظامی ویاعلاقهٔ ملکی اقامت دارد اقامتگاه دائمی محسوب میشود .

ماده ۱۵۳ ـ هرگاه میزان اقامت شخص مدعی‌علیه از حیث علاقهٔ ملکی‌است وعلاقهٔ ملکی در محل‌های متعدد دارد مدعی ازمیان آن محل‌ها محلی‌را انتخاب میکند که مدعی‌علیه درآنجاست .

ماده ۱۵۴ ـ هر گاه مدعی علیه اقامتگاه دائمی نداشته باشد مدعی میتواند در محل اقامت موقتی مدعی علیه اقامه دعوی نماید توقف مختصر مسافر درحین مسافرت که عادتاً وافی بمدت اتمام محاکمه نیست از این قاعده مستثنی است و اقامت موقتی حساب نمیشود .

ماده ۱۵۵ ـ درمورد اقامت موقتی مدعی علیه میتواند خواهش کند که کار را بمحکمهٔ احاله نماید که اقامتگاه دائمی او در حوزهٔ آن واقع است . دراینصورت محکمه بارضایت مدعی مسئول مدعی علیه را اجابت مینماید ـ مدعی علیه که نتواند اقامتگاه دائمی خود را در ایران ثابت نماید حق چنین خواهش را ندارد .

ماده ۱۵۶ ـ هر گاه مدعی علیه درخارج ایران بوده ودر ایران اقامتگاه دائمی او معین نباشد مدعی میتواند اقامهٔ دعوا در محکمهٔ نماید که مدعی علیه در حوزهٔ آن اموال غیرمنقوله دارد .

ماده ۱۵۶ مکرر ـ دعاوی راجعه بترکهٔ متوفی درصورتیکه دعوی مابین وراث باشد ویا ازطرف اشخاصی اقامه شود که خودرا ذیحق در تمام یاقسمتی از ترکه میدانند ویاراجع بوصایای متوفی باشد درمحل اقامتگاه دائمی متوفی اقامه میشود و دعاوی راجعه بشرکت مادام که شرکت باقی است در مرکز حقوقی و یا مرکز عملیات شرکت اقامه میشود وهر گاه دعوی راجع بشعبهٔ از شعب شرکت باشد ممکن است در محکمهٔ که شعبه درحوزهٔ آن واقع است رسیدگی شود ـ دعاوی افلاس در محکمهٔ اقامتگاه مدعی افلاس و دعوی حق الوکاله ومخارج وخسارت محاکمه در محکمهٔ که اصل دعوی

بدایةً درآنجا رسیدگی شده است اقامه میشود .

ماده ۱۵۷ ـ دعاوی حاصله ازحق مالکیت ومرحق دیگری نسبت باموال غیر منقوله و همچنین ادعاء خسارتیکه باموال غیر منقوله وارد آمده است در محکمهٔ رسیدگی میشود که اموال غیرمنقوله در حوزهٔ آن واقع است .

ماده ۱۵۸ ـ ادعائی که راجع‌است بمدعی‌علیهم متعدد یا اموال غیرمنقول متعدد که در حوزه های مختلف ابتدائی اقامت دارند و یا واقعند بانتخاب مدعی در یکی از محاکم مذکوره که صلاحیت دارد اقامه میشود .

ماده ۱۵۹ ـ هردعوائی که دراثناء رسیدگی بدعوای اصلی اقامه شودوبادعوای اصلی ازیك‌مشنأ ناشی‌شده ومربوط بان باشد اعم‌ازاین که ازطرف مدعی‌باشدیابعنوان‌دعوای‌متقابل ازطرف‌مدعی‌علیه ویا ازطرف‌شخص ثالثی‌راجع بمحکمه‌ایست که دعوای اصلی‌درآنجا اقامه‌شده‌است مگراینکه خارج ازصلاحیت ذاتی آن محکمه باشد .

ماده ۱۶۰ ـ هرگاه هنگام رسیدگی بدعوائی دعوای دیگری پیداشود که ازحیث ضمانت مربوط بادعای اولی‌اصلی‌باشد بادعای ثانوی نیز در همان محکمهٔ اولی رسیدگی خواهد شد ـ ولی اگر بقرینه یابعضی نوشتجات ثبت شود که‌ادعای اولی فقط برای جلب مدعی‌علیه دعوای ثانی‌است بمحکمهٔ که‌قانوناً مرجع آن‌دعوا نیست مدعی‌علیه دعوای ثانی حق دارد که‌آن دعوا را از آن محکمه بمحکمهٔ که راجع است احاله نماید .

ماده ۱۶۱ ـ درتمام دعاوی متداعیین میتوانند بتراضی محکمهٔ ابتدائی دیگری را غیراز آنچه قانون معین میکند برای رجوع انتخاب نمایند .

مبحث سوم ـ در اختلافات حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب تسویهٔ آن در محاکم عدلیه

ماده ۱۶۲ ـ هرمحکمه باید خودش معین کند دعوائی که در محکمه اقامه شده است بآن محکمه راجع است یا نه و نباید از محکمهٔ دیگر در آن باب تعلیمات بخواهد و هر گاه از طرف احد متداعیین نسبت بصلاحیت محکمه اعتراض بشود موافق مواد راجعه بایرادات رفتار خواهد شد .

ماده ۱۶۳ ـ هر گاه در موضوع یك دعوی دومحکمه دربارهٔ خود هر دو اثبات یا نفی صلاحیت نمودند اختلاف در صلاحیت متحقق میشود درصورتیکه طرفین اختلاف دو محکمهٔ ابتدائی باشند که در یك حوزهٔ استینافی واقعند حل اختلاف راجع به آن محکمهٔ استیناف است ـ و هر گاه در یك حوزهٔ استینافیه نباشند تسویهٔ اختلاف راجع بدیوان تمیز خواهد بود .

ماده ۱۶۴ ـ هریك از متداعیین که حل اختلافات را بخواهند باید تقاضانامهٔ خودرا دردو نسخه بمحکمه استیناف ودرصورتیکه حل اختلاف باید درديوان تمیز بعمل آید بدیوان تمیز ارسال دارند و بعد از آن بترتیبی که برای رسیدگی بقرار های محاکم ابتدائی در محکمهٔ استیناف مقرر است اقدام میشود ـ محاکمهٔ

ابتدائی موقتاً تا صدور حکم محکمهٔ عالی باید توقیف شود .
ماده ۱۶۵ ــ اختلافات راجعه بصلاحیت در محکمهٔ استیناف حضور مدعی‌العموم آن محکمه مطرح و قطع و فصل میشود
، ماده ۱۶۶ بموجب قانون تسریع نسخ شده .
ماده ۱۶۷ ــ تسویهٔ اختلافات حاصله فیمابین محاکم استیناف راجع بمحکمهٔ تمیز است .
ماده ۱۶۸ ــ اشتباهات حاصله از اینکه کاری که در محاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است یا ادارات دیگر دولتی باید در خود محاکم حل و تسویه شود .
ماده ۱۶۹ ــ طرح اختلاف در مورد ماده قبل یا بواسطهٔ شکایت اشخاص از قرار محکمه بعمل می آید و یا ادارهٔ که کار را خارج از صلاحیت محکمهٔ عدلیه میداند بتوسط مدعی‌العموم مراتب را بادلائل لازمه برئیس آنمحکمه اعلان میکنند .
ماده ۱۷۰ ــ درمورد شکایت اشخاص از قرار محکمهٔ ابتدائی در باب صلاحیت رجوع بماده ۱۶۲ وهمچنین درمورد اختلاف حاصل فیمابین محکمهٔ مذکوره و ادارهٔ دولتی حل مسئله راجع است به محکمهٔ استیناف ، ورسیدگی محکمهٔ ابتدائی تاصدور حکم محکمهٔ استیناف توقیف میشود لیکن محکمهٔ ابتدائی میتواند موافق قانون تأمین مدعی‌به را بخواهد .
ماده ۱۷۱ ــ درمحکمهٔ استیناف مجلس مخصوصی درتحت ریاست رئیس اول آنمحکمه مرکب از حاکم محل و سه نفر عضو محکمهٔ

استیناف و دو نفر از رؤسای ادارات محلّی بحکم اقدمیت تشکیل و با حضور رئیس ادارهٔ که طرف اختلاف‌است بموضوع اختلاف رسیدگی میشود وحکمی که ازمجلس مذکور بـاکثریت پس‌از اظهار عقیدهٔ مدعی‌العموم استیناف صادر میشود قطعی است .

ماده ۱۷۲ ـ هرگاه طرفین اختلاف محکمهٔ استیناف و یکی از ادارات دولتی باشد بترتیبی که در مادهٔ ۱۶۸ مـذکور است حل مسئله بمحکمهٔ تمیز رجوع میشود .

ماده ۱۷۳ ـ درمورد مادهٔ قبل‌درمحکمهٔ تمیزمجلس مخصوصی مرکب‌از پنجنفر اعضاء شعبهٔ حقوقی محکمهٔ تمیز و پنجنفرازاعضاء شورای دولتی درتحت ریاست رئیس اول محکمهٔ تمیز تشکیل و بمسئلهٔ مختلف فیها رسیدگی وحکم قطعی صادر میشود .

قانون راجع باختلاف صلاحیت محاکم عدلیه ودیوان محاکمات مالیه مصوّب پنجم بهمن ۱۳۱۲ .

ماده ۱ مرجع اختلاف راجع به صلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه دیوان عالی تمیز است .

ماده ۲ مفاد ماده ۱۷۰ قـانون اصول محـاکمات حقوقی مصوّب ۱۳۲۹قمری شامل اختلاف بین محاکم عدلیه و مالیه نخواهد بود

فصل دوم ـ در وکلای متداعیین

ماده ۱۷٤ ـ وکلای متداعیین باید دارای شرایط و اوصافی باشند که در مواد «۲۳٦ الی ۲۳۸(۱)» قانون تشکیلات عدلیه مقرر است .

ماده ۱۷۵ ـ وکالتنامهٔ که بوکیل رسمی وغیررسمی داده میشود باید بعداز تصدیق موثقین‌محلی بتصدیق مباشر ثبت‌اسناد یا حاکم صلح برسد ویا در محاضر شرع که مراجع رسمی‌عدلیه‌اند یا در یکی ازادارات رسمی‌دولتی یا ملّی که موکل شغل وخدمتی در آن اداره دارد مصدّق شود ویا بالاخره در دفترخانهٔ حکومتی یا نظمیه تصدیق شود که بعبارت اخری علم بتحقیق وکالت حاصل شود .

ماده ۱۷٦ ـ هرگاه در محلی مباشر ثبت‌اسناد و حاکم صلح وادارات دولتی هیچیك نباشند تصدیق موثقین محل کافی‌است .

ماده ۱۷۷ ـ هرگاه وکالت نامه غیر مصدّق یا وکالت شفاهی باشد باید موکل درمحکمه حاضر شده اقرار بصحت وکالت وکیل یا وکالتنامه و امضای‌خود نموده این نکته دردفتر محکمه ثبت شده بامضای موکل برسد .

تنبیه ـ در امور راجعه بمحاکم صلحیه تصدیق ضابط یا کدخدا یا ادارهٔ پلیس‌محل‌هم پذیرفته است وهرگاه وکالت شفاهی باشد در

---

(۱) نظر باینکه قانون تشکیلات سابق نسخ شده مواد ۲۳٦ الی ۲۳۸ هم محل استفاده نخواهد بود بنا براین بایستی‌دراین‌باب بفصل‌دوم اصول تشکیلات عدلیه فعلی ازماده ۹۸ ببعد مراجعه شود .

نزد حاکم صلح اظهار و در دفتر ثبت و بامضای موکل میرسد و اگر موکل سواد نداشته باشد شخص دیگری از طرف او امضا مینماید و این نکته در دفتر قید میشود .

ماده ۱۷۸ ــ وکیل نمایندهٔ موکل خودش است و هر اقدامی که در حدود وکالت نامه نماید کاملاً بموکل تعلّق میگیرد .

ماده ۱۷۹ ــ در وکالت نامه باید صریحاً قید شود که وکیل حق اقدامات ذیل را کلاً یا بعضاً دارد والا اقدامات وکیل در این موارد بموکل تعلّق نخواهد گرفت .

۱ ــ حق استیناف ۲ ــ حق دادن تمیز ۳ ــ حق صلح ۴ــ حق انتخاب محضر شرع ۵ ــ حق اظهار جعلیت نسبت بسند طرف مقابل و جواب دادن بطرف در صورتیکه او چنین اظهاری بکند ۶ ــ حق انتخاب حکم برای حکمیت ۷ ــ حق وکالت در توکیل ۸ ــ حق تعیین مصدّق .

تبصره ــ هرگاه موکل در وکالت نامه تصریح نماید باینکه اقرار وکیل برعلیه او بمنزلهٔ اقرار خود موکل است فبها والا محکمه لدی الاقتضا خود موکل را احضار خواهد کرد .

ماده ۱۸۰ ــ موکل حق دارد هر زمان که بخواهد وکیل خود را معزول کند و باید بمحکمه مراتب را کتباً یا شفاهاً اطلاع بدهد در این صورت هرگاه موکل مدعی علیه است محکمه مجبور نیست که رسیدگی را بتعویق بیندازد ولی اگر مدعی است بسته بخواهش مدعی علیه است که محکمه کار را توقیف نماید و یا منتظر تعیین وکیل

جدیدی نشده رسیدگی را تعقیب بکنند .

ماده۱۸۱ ـ اقدامات وکیل که در حدود وکالت نامهٔ او قبل از اعلام عزل بخود او وبمحکمه شده است کاملا معتبر خواهد بود . اظهار شفاهی درعزل وکیل باید در صورت‌مجلس قید و بامضای موکل برسد .

ماده۱۸۲ ـ وکیل حق دارد که از وکالت خود استعفا کند ولی بعد از استعفامحکمه وکالت اورابرای طرف مقابل نخواهد پذیرفت و درصورت غیبت موکل وکیل بایدطوری قبل از وقت اورا از استعفای خود مطلع نماید که موکل بتواند درموعد مقرر شخصاً در محکمه حضر شود یا وکیل جدیدی بفرستد .

ماده۱۸۳ ـ هرگاه موکل در همان شهر یکه مقر محکمه است نباشد بایدوکیل استعفای خود را در همان وقتی که بموکل مینویسد بمحکمه نیزاعلام نماید ـ رئیس محکمه دراین صورت نظر بمسافت موعدی رامعین میکند که تا انقضاء آن وکیل استعفا نکرده درحدود وکالت خودکارهای موکل خود را انجام بدهد واگر وکیل قبول کرد تا انقضای موعد در وکالت خود باقی خواهد بود .

ماده۱۸۴ ـ وکیلی که در وکالت نامه حق تقدیم عرضحال بمحکمهٔ عالیتر باو داده شده هرگاه پس ازصدور رأی ویا درموقع ابلاغ استعفا کندواز رؤیت امتناع نماید مؤثردرامر ابلاغ نیست و ابتدای مدت استیناف یا تمیز از روز ابلاغ حکم بوکیل معتبر است و هرگاه از اینجهة خسارتی بموکل وارد نماید وکیل مسئول خواهد بود .

ماده ۱۸۴ ح مکرر ـ وکلای متداعیین نمیتوانند مترافعه رسیدگی را که از طرف محکمه معین شده است تأخیر اندازند مگر اینکه در این موضوع اختیار کتبی از موکلین خود بمحکمه تقدیم دارند .

ماده ۱۸۵ ح ـ درصورت فوت وکیل کاریکه درتحت رسیدگی است توقیف میشود تاوقتی که موکل وکیل جدیدی معین کند ویا تا زمانیکه طرف مقابل موکل احضار او را از محکمه بخواهد ـ هرگاه بعد از احضار درموعد مقرر طرف غائب حاضر نشدو وکیل جدیدی هم معین نکرد محکمه بخواهش طرف برسیدگی مداومت میدهد .

ماده ۱۸۶ ح ۲۵ و ۲۶ بموجب قانون ... موقوف الاجرا است

فصل دوّم ـ اصول تشکیلات راجع بوکلای عدلیه

ماده ۹۸ ص ـ از تاریخ اجرای این قانون ببعد سوای وکلای مجاز هیچکس نمیتواند در جلسات محاکم عدلیه بسمت وکالت مداخله نماید مگر بطور اتفاقی منتها سالی در سه دعوی .

ماده ۹۹ ص ـ اجازهٔ وکالت فقط باشخاص ذیل داده میشود (۱)

الف ـ اشخاصیکه دارای شرایط مقرره در ماده ۲ قانون استخدام قضات هستند .

ب ـ اشخاصیکه سه سال درمحاکم عدلیه یا پارکه با رتبهٔ قضائی خدمت کرده‌اند .

ج ـ اشخاصیکه قبل‌از تاریخ اجرای این‌قانون سابقهٔ شغل‌وکالت درعدلیه داشته‌اند .

ماده ۱۰۰ ص ـ اشخاص‌ذیل حق وکالت در عدلیه ندارند :

۱ ـ اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایت در تحت محاکمه هستند .

۲ ـ محکومین بجنحه و جنایت .

۳ ـ اشخاصیکه از خدمت دولتی بعداز محاکمه بانفصال دائمی محکوم شده‌اند .

۴ ـ اشخاصیکه در ادارات دولتی یا بلدی شغل موظفی داشته باشند .

---

(۱) مطابق ماده ۶ قانون تعیین رتبهٔ محصلین کلاس قضائی ، فارغ التحصیلهای مدرسه های سیاسی و کلاس قضائی ممکن است بسمت وکالت مجاز در عدلیه پذیرفته شوند

۵ ـ اشخاصیکه بحکم محکمه یا بامر وزیر عدلیه مطابق ماده ۱۰۲ ممنوعند .
٦ ـ کسانیکه درتحت قیمومت و ولایت شرعی هستند .

ماده ۱۰۱ ص اشخاصیکه شرائط لازمه را دارا بوده ومیخواهند وکالت کنند باید بوزارت‌عدلیه تقاضانامه داده واجازه تحصیل‌نمایند

ماده ۱۰۲ ص ـ اجازه نامه همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر میشود ـ برای وکالت درمحاکم صلحیه پنجتومان ـ برای وکالت در محاکم بدایت و استیناف ده تومان ـ برای وکالت در تمیز پانزده تومن ـ شخص واحد میتواند وجه هرسه تعرفه را داده و در تمام محاکم محاکمه نماید .

ماده ۱۰۳ ص ـ وکلا مکلف برعایت مقررات و نظامنامه‌ئیکه وزارت عدلیه برای آنها تنظیم مینماید هستند .

ماده ۱۰۴ ص ـ محاکم درموقع اختلاف راجع بحق الوکاله و همچنین در موقع تعیین خسارت بیش از میزانی که در تعرفهٔ وزارت عدلیه معین میشود و علاوه بر نیم‌عشر مدعی به نخواهد بود حکم نمیدهند .

ماده ۱۰۵ ص ـ درصورتیکه وکیل بخواهد از وکالت خود استعفا نماید قبلا بموکل اطلاع دهد بطوریکه مشارالیه بتواند وکیل جدیدی بمحکمه معرفی نماید . وکیلی که بمفاد این ماده عمل نکرد وازاین راه موجب فوت حقی ازموکل خود شده ملزم است از عهدهٔ خسارتی که بموکل وارد شده برآید .

ماده ۱۰۶ ص ـ درصورتیکه ثابت شود وکیلی بموکل خود خیانت نموده از وکالت ممنوع و موافق قانون مجازات خواهد شد .
ماده ۱۰۷ ص ـ هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجرای مواد این فصل بی‌نظمی یامسامحه مشاهده کرده یا متوجه شدند وکیل از انجام وظیفهٔ وکالتی خود برنمیاید وهمچنین هرگاه ازسوء اخلاق و اعمال وکیلی مطلع گردیدند مکلفند بدون تأخیر مراتب را بوزیر عدلیه راپورت دهند .
ماده ۱۰۸ ص وزیر عدلیه میتواند پس از آنکه بوسیلهٔ محاکم ومدعیان عمومی یابوسائل دیگر ازسوء اعمال واخلاق وکیلی مطلع شداو راموقتاً از وکالت ممنوع داشته وتقاضای رسیدگی انتظامی کند بین ممنوع کردن وتقاضای رسیدگی انتظامی بیش ازیك هفته فاصله نخواهد شد .
ماده ۱۰۹ ص محاکمهٔ انتظامی وکلای عدلیه در محکمهٔ انتظامی بهمان طریقی بعمل می‌آید که برای مستخدمین قضائی دولت مقرر است .
ماده ۱۱۰ ص دراوّلین شکایتی که پس از اجرای این قانون موکلی از وکیل خود بکند و همچنین در صورت تقاضای وزیر عدلیه محکمهٔ انتظامی لااقل سه دوسیهٔ اخیر وکیل مورد تعقیب را برای تشخیص قابلیت و صلاحیت مطالعه کرده ازروی دوسیه‌ها و اسناد و مدارك واطلاعات دیگر حکم مقتضی‌را در منع وکالت یا محدود نمودن وکیل بوکالت درقسمتی ازمحاکم صادر مینماید .

ماده ۱۱۱ صـ مجازاتهای انتظامی وکلا از قرار ذیل است :

۱ ـ اخطار کتبی بدون ذکر در دوسیه .

۲ ـ توبیخ کتبی با ذکر در دوسیه .

۳ ـ انفصال موقت از شغل وکالت از سه ماه تا یکسال .

۴ ـ محدود کردن وکیل بوکالت در قسمتی از محاکم .

۵ ـ ممنوع کردن از شغل وکالت .

ماده واحده مصوبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۰

❁ اشخاص ممنوع‌الوکاله بعنوان انتقال حق یا مالی از غیر نمیتوانند اصالتاً در هریك از محاکم محاکمه نمایند و محاکم در این مورد آنهارا نخواهند پذیرفت مگر اینکه حق یا مال ارثاً منتقل شده باشد .

اصول محاکمات اصلاح شده (آزمایش)

اصول محاکمات عادی واختصاری

ماده ۱ ش ـ ترتیب محاکمات بردو قسم است : عادی واختصاری
ماده ۲ ش ـ جز در موردی که قانون استثناء کرده (ماده ۲۷۱) کلیه محاکمات در محاکم ابتدائی حقوق باید بطریق عادی بعمل آید .

باب اوّل ـ اصول محاکمات عادی

ماده ۳ ش ـ ترتیب محاکمهٔ عادی بطریق ذیل است :

مبحث اول ـ عرضحال ۱ ـ ترتیب عرضحال

ماده ۴ ش ـ محکمه بدون عرضحال کتبی شروع برسیدگی نمیکند .
ماده ۵ ش ـ در عرضحال باید نکات مفصلهٔ ذیل قید شود .
۱ ـ تعیین محکمهٔ که عرضحال بآن داده میشود ۲ ـ اسم ـ اسم خانواده وپدر وشغل و اقامتگاه مدعی ۳ ـ اسم ـ اسم خانواده وپدر وشغل واقامتگاه مدعی علیه ۴ـ اسم ـ اسم خانواده ـ اسم پدر شغل ـ اقامتگاه وکیل یا کسیکه بعنوان ولایت یا قیمومت بجای مدعی عرضحال داده (درصورتیکه عرضحال را آنها داده باشند) ودراینصورت اصل یاسواد وکالت نامه یا سندیکه سمت عرضحال دهنده را برای دادن عرضحال معین میکند باید ضمیمهٔ عرضحال شود ۵ ـ تعیین قیمت مدعی به مگراینکه تعیین قیمت ممکن

نبوده یا مدعی به مالی نباشد ۶ ـ تعهدات یا موجبات دیگری که حق مطالبه بمدعی داده و باعث ادعا شده است بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد ۷ ـ ذکر تمام ادلهٔ مثبته دعوا (یعنی ذکر تمام وسائلی که مدعی برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد واحکام و مطلعین وقرائن و اطلاعات محلّی وغیره‌ها) با قید اینکه ادلهٔ مثبته منحصر بهمین است .

تبصره ـ ادلهٔ مثبته باید در تحت نمره نوشته شده و پس از هر دلیلی که سند کتبی برای آن هست باید قید شود که سواد آن ضمیمه شده و اگر دلیل مدعی اطلاع مطلعین باشد باید پس از ذکر آن دلیل اسامی کلیه مطلعین با معرفی کامل بطوریکه هویت آنها مشخص گردد قید شود .

ماده ۶ ش ـ بواسطهٔ مرض یا بی‌سوادی ممکن است که کسی دیگر از طرف عارض عریضه را امضا کند ولی این نکته باید در عرضحال با جهة آن قید شود .

ماده ۷ ش ـ عرضحال باید روی اوراق رسمی وزارت عدلیه نوشته شود مگر درنقاطیکه وزارت عدلیه مراکزی برای فروش اوراق رسمی نداشته باشد .

ماده ۸ ش ـ عرضحال باید بزبان فارسی نوشته شود ولی امضاء ممکن است بخط غیر فارسی باشد (در صورتیکه امضاء کننده نتواند بخط فارسی امضا کند)

ماده ۹ ش ـ کلیهٔ سوادهای منضمه بعرضحال باید مصدّق باشد ـ

مقصود از سواد مصدق سوادی است که در دفتر یکی‌ازمحاکم عدلیه یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا محکمهٔ صلحیه و در جاهائیکه هیچکدام نباشد یکی‌از ادارات دیگر دولتی تطبیق آنرا با اصل تصدیق کرده باشند - درصورتیکه سواد سند در خارجه تهیه شده باشد باید در دفتر یکی‌از سفارتخانه ها یا قونسولگریهای ایران مصدق شود .

ماده ۱۰ ش - هرگاه اسناد مفصل باشد (مثل دفتر تجارتی و امثال آن) جاهائیکه مدرك ادعاست خارج نویس شده ضمیمهٔ عرضحال می‌شود .

ماده ۱۱ ش - هرگاه اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر سواد سند ترجمهٔ مصدّق آن نیزضمیمهٔ عرضحال شود (مقصود از ترجمهٔ مصدق ترجمه ایست که مترجمین رسمی عدلیه یا ادارات دیگر دولتی صحت ترجمه را تصدیق کرده باشند) .

ماده ۱۲ ش - عرضحال وکلیهٔ اوراق منضمه بآن باید دو نسخه باشد درصورت تعدّدمدعی‌علیه عرضحال ومنضمات آن باید بعدهٔ مدعی‌علیهم باشد بعلاوهٔ یك نسخه .

ماده ۱۳ ش - عرضحال را ممکن است شخصاً بمحکمه داد یا بتوسط وکیل یا پست فرستاد وکالت وکیل را در دادن عرضحال میتوان روی خود عرضحال قیدکرد با رعایت ماده ۱۷۵ قانون اصول محاکمات مصوّب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملّی .

ماده ۱۴ ش ـ عرضحال بدفتر محکمه ابتدائی صـلاحیت دار داده میشود (و درنقاطی که محکمهٔ ابتدائی دارای اطاقهای متعدد است بدفتر اطاق اوّل محکمه)

ماده ۱۵ ش ـ مدیردفتر محکمه یا مدیر دفتر اطاقی که کار بآنجا راجع است در عرضحال و منضمات آن دقت کـرده و بترتیب مواد ذیل عمل میکنند .

۳ ـ موارد ردّ عرضحال

ماده ۱٦ ش ـ درموارد ذیـل در ظرف دو روز مدیر دفتر عرضحال را بنظر محکمـه رسانده و بموجب قرار محکمه که منتها در ظرف دو روز باید داده شود عرضحال رد خواهد شد.

۱ ـ وقتیکـه در عرضحال معین نیست کـه چه کس اقامهٔ دعوا کرده است ـ مدعی علیه کیست ـ مدعی‌به چیست یا مدعی چه اقدامی را تقاضا میکند .

۲ ـ وقتیکه خود مدعی عرضحال را نداده و سمت عریضه دهنده در عرضحال تصریح نشده .

۳ ـ وقتیکه قیمت مدعابه معین نشده است و بغیر ازمواردی است که تعیین آن ممکن نیست و یا مدعی به مالی نیست .

درکلیهٔ این موارد محکمـه قرار ردّ عـرضحال را داده و سواد این قرار را که باید حاوی علّت رد باشد مدیر دفتر در ظرف دو روز بدهندهٔ عرضحال ابلاغ مینماید ـ هرگاه دهندهٔ

عرضحال ومحل اقامت ومعلوم نباشد سواد قرار در دفتر محکمه بدیوار الصاق خواهد شد .

ماده ۱۷ ش ـ از این قرار محکمه عرض میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار یا از روز الصاق سواد بدیوار دفتر محکمه بمحکمهٔ استیناف شکایت نماید .

۳ ـ موارد توقیف عرضحال

ماده ۱۸ ش ـ در موارد ذیل عرضحال قبول ولی برای جریان افتادن باید تکمیل شود :

۱ ـ در صورتیکه مدعی محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا بطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمیداند .

۲ ـ وقتیکه فقرات ٦ و ۷ و ۹ و ۱۰ ماده ۵ رعایت نشده باشد(۱) .

۳ ـ هرگاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد .

۴ ـ وقتیکه بعرضحال و اوراق منضمه بآن موافق قانون الصاق تمبر نشده باشد .

۵ ـ وقتیکه مخارج اعلان و یا مخارج قانونی دیگری تأدیه نشده باشد .

ماده ۱۹ ش ـ درموارد فوق باستثنای فقرهٔ سیم مدیر دفتر محکمه

(۱) ظاهراً مقصود مواد ۹ و ۱۰ میباشد زیرا ماده ۵ فقرات ۹ و ۱۰ ندارد

در ظرف دو روز نواقص عرضحال را بمدعی کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز باو مهلت میدهد که نواقص را رفع نماید و هرگاه نکرد محکمه قرار رد عرضحال را میدهد و این قرار موافق ماده ۱۶ بمدعی ابلاغ شده ومشارالیه مطابق ماده ۱۷ حق استیناف خواهد داشت .

۴ ـ در تقویم مدعی به

ماده ۲۰ ش ـ قیمت مدعی به مبلغی است که در عرضحال قید شده است واین قیمت فقط در تعیین صلاحیت محکمه و مخارج محاکمه مؤثر است .

ماده ۲۱ ش ـ تقویم مدعی به بترتیب ذیل بعمل میآید :

۱ ـ در صورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعی به عبارت است ازوجه نقد مذکور در عرضحال بعلاوهٔ خسارتی که از تعویق تأدیهٔ آن تا روز اقامه دعوا بر داین وارد شده است .

۲ ـ دردعاوی راجعه باموال غیر منقوله قیمت مدعی به مبلغی است که مدعی معین کرده ومدعی علیه دراولین لایحهٔ خود (یااولین جلسه در محاکمات اختصاری) آن مبلغ را تکذیب نکرده است .

۳ ـ در دعاوی چند نفر مدعی که هریك یکقسمت از کل را مطالبه مینمایند قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع تمام قسمتهائی که مطالبه میشود .

۴ ـ در دعاوی که موضوع آن حقوقی است که بمواعد معین پرداخته میشود مثل مال الاجاره وغیره قیمت مدعی به حاصل

جمع تمام اقساطی است که مطالبه میشود . هرگاه تأدیهٔ حق مزبور محدود بزمان معین نباشد یا مادام‌العمر باشد قیمت مدعی به مساوی است بحاصل جمع آنچه که باید درظرف ده‌سال کارسازی شود .

ماده ۲۲ ش ـ درمواردیکه مابین متداعیین درتعیین قیمت اموال غیر منقوله که موضوع ادعاست منازعه واختلافی حاصل شود حد وسط قیمت هائی که متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب خواهد شد یعنی قیمتی راکه مدعی ومدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تنصیف مینمایند ـ هرگاه موضوع اختلاف مابین متداعیین زیاد باشد یا درصورتیکه از برای محکمه تردیدی در باب قیمت واقعی مدعی به غیر منقول حاصل شود به تحقیقات محلی و استعلام عقیدهٔ اهل‌خبره محکمه قیمت واقعی را معین میکند .

مبحث دوّم

جریان محاکمه از قبول‌شدن عرضحال تا صدور رأی

۱ ـ ابلاغ

ماده ۲۳ ش ـ مدیر دفتر مکلف است منتها تا دو روز پس از وصول‌عرضحال تکلیف قبول‌وبجریان انداختن آنرا معین ومطابق مواد ۱۶ و۱۸و۱۹عمل کرده و پس‌از آنکه عرضحال قبول‌وقابل این شد که بجریان بیفتد یك نسخه‌عرضحال بامنضمات آنرادردوسیه مخصوصی که برای دعوا ترتیب داده ضبط‌ونسخهٔ دیگرعرضحال و منضمات آنرا بوسیله مأمور ابلاغ برای مدعی‌علیه بفرستد

ماده ۲۴ ش ـ در قسمتی که در عرضحال چاپی معین است نکات ذیل باید قید شود :
۱ ـ اسم مأمور ابلاغ ۲ ـ تاریخی که عرضحال بمأمور تحویل شده ۳ ـ تعیین اطاقی که رسیدگی خواهد کرد ۴ ـ موعد جواب کتبی ونتیجهٔ عدم ارسال جواب تا انقضای موعد .

ماده ۲۵ ش ـ عرضحال و منضمات آن بتوسط مأمور ابلاغ و احضار ابلاغ میشود مأمور ابلاغ منتها تا دو روز پس از آنکه عرضحال و منضمات آن باو داده شده باید مأموریت خود را انجام دهد .

ماده ۲۶ ش ـ اگر مدعی علیه درحوزهٔ دیگری اقامت دارد عرضحال توسط مدیر دفتر آن محکمه ابلاغ میشود واگر درجائی اقامت دارد که محکمه نیست توسط اداره نظمیه یاامنیه واگرنباشد توسط حکومت ابلاغ خواهد شد ـ هرگاه مدعی علیه درخارجه باشد ابلاغ نامه بتوسط وزارت امور خارجه تبلیغ میشود .

ماده ۲۷ ش ـ عرضحال با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود و هرگاه مأمور نتواند بشخص او برساند بیکی از اهل خانه و یا کسان او که متصدی امور او هستند تبلیغ و اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید بدهند مأمور ابلاغ در شهر بکمیسری و در نقاطیکه مأمور نظمیه نیست بحکومتی و اگر حکومت نیست بامنیه و بالاخره بکدخدا تسلیم کرده و درورقهٔ رسید مخصوصی رسید میگیرد ودراین صورت مأمورین مذکور مکلف هستند که عرضحال و منضمات آنرا

بمدعی علیه رسانیده رسید بگیرد والا مسؤل خساراتی خواهند بود که ممکن است از صدور حکم غیابی و غیره بمدعی علیه وارد شود .

ماده ۲۷ ش مکرر ـ کلیه نوشتجات راجعه بمتداعیین از محکمه بمحل اقامتی که معین کرده‌اند فرستاده میشود و مادام که تغییر محل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده‌اند نمی‌توانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتجاتیکه باقامتگاه اول آنان فرستاده شده متعذر شوند و در اینصورت کلیه نوشتجات راجعه بآنان در دفتر خانهٔ محکمه میماند و متداعیین نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد آن نوشتجات متعذر گردند .

ماده ۲۸ ش ـ در دعوی راجعه بشرکتها عرضحال ومنضمات آن بمدیر شرکت یا اشخاص دیگری که حق امضاء از طرف شرکت دارند تسلیم میشود ـ دردعوی راجعه بورشکسته یك نسخه عرضحال و منضمات آن بتوسط عضو ناظر بهیئت تصفیه ابلاغ خواهد شد و یك نسخه بشخص ورشکسته .

ماده ۲۹ ش ـ درصورتیکه مدعی علیه یکی از ادارات رسمی (اعم از دولتی ـ بلدی و مؤسساتی که در تحت نظر دولت اداره میشوند) و همچنین مؤسسات عام‌المنفعه باشد عرضحال و منضمات برئیس یا قائم‌مقام رئیس آن اداره یا مؤسسه داده میشود

ماده ۳۰ ش درحین ابلاغ مأمور تاریخ تبلیغ را درنسخهٔ عرضحال که تسلیم میکند قید مینماید ورسیدی در ورقهٔ مخصوص با تعیین

تاریخ تبلیغ خواهد گرفت .
هرگاه گیرندهٔ ابلاغنامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد مأمور این نکته را در ورقه رسید با جهة آن یادداشت میکند .

ماده ۳۱ ش ـ مأمور ابلاغ در مواقع لازمه دو نفر شاهد از اهل محل یا از ادارهٔ نظمیه با خود همراه برمیدارد که درصورت امتناع مدعی علیه از قبول عرضحال از مراتب مطلع و شاهد باشند و این نکته در ورقه خاصی قید و بامضای شهود میرسد .

ماده ۳۲ ش ـ مأمور ابلاغ درموارد ذیل نمیتواند عرضحال را ابلاغ نماید :

۱ ـ باشخاصیکه سلف یا اعقاب او هستند ۲ ـ ببرادر و خواهر و برادرزاده و خواهرزاده و غیر آنها تا قربای درجهٔ سوم ۳ ـ بزن و اقرباء عیال خود تا درجهٔ سوم ۴ ـ بمخدوم یا خدمهٔ خود ۵ ـ در مظان تهمت .

ماده ۳۳ ش ـ درصورتیکه عرضحال ومنضمات آن موافق مقررات مواد ۲۵ الی ۳۲ تبلیغ نشود بحکم محکمه ابلاغ از درجهٔ اعتبار ساقط میشود مگر درصورتیکه مدعی علیه جواب کتبی خود را داده و درضمن همان جواب تقاضای ابطال نکرده باشد و در اینصورت دیگر بعدها حق اعتراضی برطریق ابلاغ نخواهد داشت .

ماده ۳۴ ش ـ درصورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه رامعین کند عرضحال و خلاصهٔ ضمائم آن بخرج مدعی درمطبوعات اعلان میشود .

ماده ۳۵ ش ـ ابلاغ درمطبوعات سه دفعه متوالی بایداعلان شود مقصود از مطبوعات روزنامه‌هـای رسمی یا نیم رسمی پایتخت وولایت استو همچنین بعضی‌از روزنامه‌هائیکه درزبان خارجه طبع‌میشود واگرروزنامه‌های‌رسمی یانیم‌رسمی نباشد درجرائدی که‌نسبتاً زیاد منتشر میشود و وزارت‌عدلیه همه ساله اسامی آنهارا معین واعلان‌میکند ولی بمیل مدعی با وجود روزنامهٔ رسمی‌ونیم رسمی‌اعلان‌درسایرجرائد هم‌که زیاد منتشرمیشود جائزاست جز آنکه دراینصورت مخارج اعلان در روزنامجات غیررسمی‌جزء خسارت مدعی در صورتیکه ذیحق شود محسوب نخواهدشد .

۲ ـ ازابلاغ‌عرضحال تاجلسه

ماده ۳۶ ش ـ مدعی‌علیه‌درظرف‌ده‌روز پس‌از وصول‌عرضحال ومنضمات باید بادعای مدعی جواب داده و دلائل و اسناد خودرا مطابق‌ماده ۵ ذکر وسواد اسناد را ضمیمه نموده و درضمن همین جواب کتبی باید نسبت بصلاحیت محکمه وسایر ایرادات و دعوی جعل سند ومعاینهٔ محلی و تحقیق اهل‌خبره وعملیات‌دیگر که‌قبل‌از جلسهٔ محاکمه یا درحین محاکمه ممکن‌است بعمل آید هراظهاری دارد بنماید ـ جواب مدعی علیه و منضمات آن باید در دو نسخه باشد و(مواد ۷ تا ۱۱ بایدمراعات شود وهمچنین‌فقره ۷ ماده ۵) ودر صورت‌تعدد مدعی بعدهٔ مدعیین بعلاوهٔ یک نسخه .

ماده ۳۷ ش ـ هرگاه جواب مدعی علیه تا آخر روز دهم بدفتر محکمه واصل نشد محکمه بتقاضای مدعی غیاباً رسیدگی کرده حکم خواهد داد .

ماده ۳۸ ش ـ بعد از وصول جواب مدعی علیه مدیر دفتر باید یك نسخه از جواب را با منضمات ضبط و نسخهٔ دیگر را با منضمات در ظرف دو روز بوسیلهٔ مأمور بمدعی ابلاغ نماید و برای ابلاغ نیز مقررات ابلاغ بمدعی علیه از هرجهة منظور است .

ماده ۳۹ ش ـ مدعی باید هر جوابی که دارد در دو نسخه یا بیشتر مطابق ماده ۳۶ بنویسد و اگر باسناد جدیدی برای دفاع از ممانعت مدعی علیه در جواب خود متمسك شده سواد آن اسناد را نیز ضمیمهٔ هر نسخه نموده جواب ومنضمات آنرا در ظرف ده روز بدفتر محکمه تسلیم نماید .

ماده ۴۰ ش ـ مدیر دفتر باید درظرف دو روز بوسیلهٔ مأمور ابلاغ این جواب را بمدعی علیه رسانیده و مشار الیه آخرین جواب خود را تا پنج روز بدفتر محکمه برساند این جواب را مدیردفتر درظرف دو روز برای مدعی فرستاده ودرهمان موقع روز و ساعت جلسه رسیدگی را تعیین نموده بمتداعیین ومحکمه کتباً اطلاع داده رسید میگیرد .

تبصره ـ قواعد احضار مانند قواعد ابلاغ است .

ماده ۴۱ ش ـ مدعی میتواند تقاضای اولی خود را که در عرضحال تصریح کرده است کم و کسر کند و نیز میتواند آنرا

زیاد کند یا ماهیت تقاضای خود را تغییر دهد یا تقاضائی کند که از عرضحال او مستقیماً مفهوم و حاصل نیست مشروط بر اینکه منشأ این دعاوی همان منشأ ادعای اولی ومربوط بآن باشد در اینصورت باید تقاضای‌خودرا تا قبل از روزجلسه اطلاع بدهد.

مدیر دفتر سواد این تقاضا را با منضمات آن درظرف دو روز بمدعی علیه ابلاغ کرده و مشارالیه درظرف پنج روز باید جواب خودرا بدفتر محکمه برساند و دفتر باید درصورتیکه موقع تعیین جلسه رسیده باشد تعیین جلسه کرده بطرفین اطلاع دهد و سواد جواب مدعی علیه را نیز درضمن اعلام وقت برای مدعی ارسال دارد .

مواعد مخصوص

ماده ۴۲ ش ـ مواعد جواب مدعی و مدعی علیه درصورتیکه در خارج از مقر محکمه باشند بترتیب ذیل است :

۱ ـ هر گاه درایران باشند به نسبت هر شش فرسخ مسافت بین اقامت گاه آنهـا تا مقر محکمه یك روز بر موعـد مقرر اضافه میشود .

۲ ـ هر گاه درخارجه‌باشند برای ممالك و دول همجوار دو ماه و دول غیر همجوار سه ماه وبرای ممالك بعیده مثل‌امریکا و اقصای شرق ۴ ماه .

ماده ٤۳ ش ـ موعد وصول جواب مدعی علیه در صورتی که

اقامتگاه معین نداشته باشد از روز طبع آخرین اعلان درمطبوعات تا چهار ماه است .

ماده ۴۳ش مکرر ـ درصورتیکه مدعی علیه یك عرضحال متعدد باشد طویلترین موعدی که دربارهٔ یکنفر از آنان قانوناً باید معین شود شامل تمام آنها میباشد .

ماده ۴۴ ش ـ مدعی علیه در جواب خود میتواند محل اقامت خودرا غیر از آنکه مدعی تشخیص داده معین کند ومدعی علیه که محل اقامت او معین نشده و بواسطهٔ مطبوعات باو اعلان میشود میتواند عوض جواب تعیین محل اقامت خودرا بنماید که عرضحال ومنضمات آن حسب المقرر درآنجا ابلاغ شود وهر گاه مدعی بعد از اعلان درمطبوعات از محل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند تقاضای ابلاغ عرضحال موافق مقررات بنماید.

ماده ۴۵ ش ـ در موارد ذیل تعیین جلسه نمیشود :

۱ ـ مدعی عرضحال خود را استرداد و ترك دعوی کرده باشد .

۲ ـ مدعی علیه کاملاً و صریحاً بدعوای مدعی تسلیم شده باشد .

۳ ـ در صورت اصلاح طرفین که اصلاحنامه معتبر بمحکمه رسیده باشد .

۴ ـ در صورتیکه طرفین حق حضور خود را اسقاط کرده باشند ومحکمه باستیضاح محتاج نباشد دراین موارد مدیر

دفتر باید فوراً مراتب را برای تعیین تکلیف نهائی کتباً بمحکمه اطلاع داده و در دفتر مخصوص رسید بگیرد محکمه باید تادو روز تکلیف اینکه باید تعیین جلسه شود یا خیر معین کند ـ در صورتیکه یکی از طرفین حق حضور خودرا اسقاط کرده باشد مدیر دفتر فوراً وقبل از تعیین جلسه این مطلب را برئیس محکمه اطلاع داده ورئیس محکمه تا دو روز باید بمدیردفتر کتباً اطلاع داده که بیانات کتبی کسی که حق حضور خود را ساقط کرده مبهم است یا محتاج بتوضیح نیست . اگر رئیس بیانات را محتاج بتوضیح دید باید مدیر دفتر وقت جلسه‌را بکسیکه حق حضور خودرا اسقاط کرده اطلاع داده وصریحاً بنویسد محکمه بیانات شما را محتاج بتوضیح دیده وحضور شمارا در روزجلسه لازم میداند .

جلسهٔ محکمه

مادهٔ ۳۶۶ ش ـ جلسهٔ محکمه برای اولین روزی که مطابق دفتر وقت محکمه وقت رسیدگی دارد معین میشود ولی فاصلهٔ بین ابلاغ وقت ستند عیین و روز جلسه باید کمتر از سه روز نباشد .

مادهٔ ۳۶۷ ش ـ حاکم محکمه قبل از جلسه دوسیهٔ امر را مطالعه کرده هرقسمتی از آنرا که محتاج بتوضیح دید یادداشت کرده وخلاصهٔ از اظهارات و دلائل و اسناد طرفین ترتیب داده در روز جلسه با حضور طرفین یا وکلای آنها قرائت میکنند راجع بنکات محتاج بتوضیح توضیح میخواهد .

توضیحات باید بطور خلاصه گفته شده و خلاصهٔ آن در صورت مجلس قید شود و هر یك از طرفین حق دارند اگر نکتهٔ از نکات مهمه یا دلیلی از دلایل آنها درخلاصه ذکر نشده بود تذکر بدهند ، این تذکر باید بطور خلاصه وصرف تذکر باشد و بطور خلاصه درصورت مجلس قید شود .

ماده ۴۸ ش ــ در جلسهٔ محاکمه جز آنچه که در مادهٔ قبل ذکر شد مذاکره نمیشود و هیچ استدلال تازه یا سند جدیدی از طرفین پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۴۹ ش ــ جلسهٔ محاکمه علنی است هرگاه رسیدگی علنی غیر مناسب ، (مخالف شئون مذهبی یا منافی اخلاق حسنه یا نظم اجتماعی (مخل امنیت و آسایش عمومی) و یا مضر بمصالح ناموسی یکی از طرفین) باشد محکمه بتقاضای خود و تصدیق مدعی العموم ممکن است مقرر نموده قرار جلسهٔ غیر علنی را بدهد ــ این قرار در دفتر محکمه ثبت و در جلسه علنی اعلان میشود و نیز درغیر مورد مذکورهٔ فوق محکمه میتواند درصورت تقاضای کتبی متداعیین قرار محاکمه غیر علنی را بدهد .

ماده ۵۰ ش ــ هرگاه یکطرف در جلسه حاضر نباشد غیبت او مانع نیست که طرف دیگر توضیحات خودرا بدهد .

ماده ۵۱ ش ــ برای جلسهٔ محاکمه صورت مجلسی مشتمل بر خلاصهٔ مذاکرات جلسه مرتب شده بامضای طرفین و حکام محکمه میرسد .

در موارد ذیل عین کلام متداعیین باید نوشته شود :

۱ ـ وقتیکه بیان یکی از متداعیین مشتمل بر اقرار باشد
۲ ـ در موردی که یکی از طرفین بخواهد از کلام طرف استفاده نماید .
۳ ـ در صورتیکه محکمه بجهتی درج عین عبارت را لازم بداند .

ماده ۲۴۲ ح ـ درصورتیکه در یک ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها با یکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چند تقاضا را از همدیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشانرا نسبت بهر تقاضائی جداگانه بدهند

ماده ۲۴۳ ح ـ دراثناء مذاکرات شفاهی رئیس محکمه تکلیف صلح طرفین میکند وهرگاه طرفین مصالحه نمودند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد و مفاد آن غیر قابل استیناف است .

ماده ۲۴۴ ح ـ هرگاه مصالحه نشد مذاکرات طرفین امتداد میباید وهمینکه رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلائل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم میکند .

ماده ۲۴۵ [illegible] ۱۳۲۰ بموجب قانون [illegible] موقوف‌الاجراست

ماده ۲۴۵ ش ـ محکمه درجلسه بطرفین تکلیف صلح می کند هرگاه صلح کردند مراتب درصورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد درصورتیکه طرفین درهمان جلسهٔ محاکمه صلح نکردند محکمه محاکمه را ادامه داده وختامه میدهد .

تبصره ـ تکلیف صلح نباید طوری باشد که موجب تعویق محاکمه شود .

ماده ۵۳ ش ـ همینکه مسئله بر محکمه واضح و روشن شد باید محکمه ختم محاکمه را اعلان داده و در صورت مجلس قید نماید .

عقیده مدعی العموم

ماده ۵۴ ش ـ در مواردیکه مطابق اصول تشکیلات مدعی ـ العموم مداخله تبعی دارد مشارالیه باید عقیدهٔ خودرا درجلسه و در وقتی که باید اعلان ختم محاکمه بشود اظهار نماید و پس از بیان عقیدهٔ مدعی العموم محاکمه ختم میشود .

در وظایف مدعیان عمومی درامور حقوقی مستخرجه از فصل دوّم اصول تشکیلات عدلیه

ماده ۶۵ ص ـ مواردی را که مدعیین عمومی باید مداخله در محاکمات حقوقی نمایند موارد ابلاغ گویند .

ماده ۶۶ ص ـ موارد ابلاغ از قرار ذیل است :

۱ ـ دعاوی راجعه بمنافع عامه و حقوق عمومی مثل شوارع عامه و میاه و انهار و مراتع مباحه و امثال آن چنانکه دعوی مابین اهالی دو محل باشد یا یک محل چه طرفین دعوی محصور باشند چه نباشند .

۲ ـ دعاوی راجعه بدولت چنانکه دعوی متعلق بخزانه دولتیه باشد یا اوقاف عمومی وغیره .

۳ ـ دعاوی راجعه بوجوه بریه و امور خیریه که جهة عمومی داشته باشد ـ نسبت بوصایای عمومی و اوقاف عمومی و مثل ذلك.

۴ ـ دعاوی مربوطه بصغیر و مجنون و سفیه و غایب مفقودالاثر .

ماده ٦٧ ص - برای اینکه مدعی‌العموم بتواند وظایف خودرا نسبت بحفظ حقوق صغیر انجام دهد نظمیهٔ هرمحل مکلف است پس از اطلاع بهر فوتی که در حوزهٔ مأموریت آن اتفاق افتاد تحقیق نماید که شخص متوفی صغیری دارد یا خیر در صورت اول در ظرف ٢٤ ساعت نتیجهٔ تحقیقات خود را بپارکهٔ بدایت محل اطلاع دهد همچنین مأمور سجل احوال مکلف است در ظرف ٢۴ ساعت پس‌از اطلاع بوجود صغیری برای متوفی قضیه را بپارکهٔ بدایت محل راپورت دهد .

ماده ٦٨ ص - مدعی‌العموم موظف است پس‌از اطلاع بوجود صغیری ولو از طریقی غیر از مسائل فوق باشد ، منتها در ظرف یك هفته تحقیقات لازمه راجع بوجود ولی خاص - پدر - جد پدری - وصی منصوب که وصایت او مسلم باشد برای صغیر نموده در صورتیکه صغیر ولی خاص نداشته باشد برای تعیین تکلیف بمحکمهٔ شرع رجوع نماید .

تبصره - هرگاه کسی در خارج اقامتگاه دائمی خود فوت نمود پارکهٔ محل فوت نتیجهٔ خودرا راجع بوجود صغیر بپارکهٔ محل اقامت دائمی متوفی اطلاع خواهد داد .

ماده ٦٩ ص . هر یك از ادارات نظمیه و بلدیهٔ محل که مطلع بوجود مجنونی شوند مکلف هستند فوراً اطلاعات لازمه را بپارکهٔ بدایت حوزهٔ خود داده و مدعی العموم پس از کسب نظر اهل خبره بترتیب مرقوم در مادهٔ فوق رفتار خواهد نمود .

ماده ٧٠ ص . از هرطریقی بمدعی‌العموم سفاهت شخصی اطلاع

داده شود مشارالیه مکلف است بوسیلهٔ مطلعین اطلاعات کافیه بدست آورد و در صورتیکه سفاهت را مسلّم دید در محکمهٔ بدایت اقامهٔ دعوی کرده هرگاه محکمه سفاهت مدعی علیه را تصدیق نمود مدعی‌العموم دوسیهٔ امر را برای تعیین تکلیف قطعی و نصب قیم بمحکمهٔ شرع خواهد فرستاد .

ماده ۷۱ ص . در مورد غائب مفقودالاثر که حیات و ممات آن معلوم نیست مدعی‌العموم برای تعیین امین بمحکمهٔ شرع رجوع خواهد کرد .

ماده ۷۲ ص . مداخلهٔ مدعی‌العموم در موارد ابلاغ بر دو قسم است : مداخلهٔ اصلیه ــ مداخلهٔ تبعی .

ماده ۷۳ ص . مداخلهٔ اصلیه در مواردی است که دعوی مربوط بحقوق عمومی و منافع عامه است (رجوع بفقرهٔ اوّل و دوّم و سوّم ماده ٦٦) در این صورت مدعی العموم مثل مدعی یا مدعی علیه دخالت مینماید و اگر متداعیین خصوصی دعوی خود را باصلاح ختم نمایند صلح آنها خللی بحقوق عمومی وارد نمینماید و مدعی عمومی بنام حقوق عمومی محاکمه را تعقیب میکنند و اگر محکمه حکم داده و مدعی العموم بر آن حکم تسلیم نشد حق اعتراض و استیناف و اعادهٔ محاکمه و تمیز را موافق اصول محاکمات حقوقی دارد و همچنین هرگاه مدعی یا مدعی علیه خصوصی محکوم شدند وتسلیم بر حکم محکمه گردیدند مدعی عمومی با وجود تسلیم آنها حق اعتراض واستیناف واعادهٔ محاکمه و تمیز را دارد .

ماده ۷۴ ص . در مداخلهٔ تبعی (رجوع بفقرهٔ ۴ ماده ٦٦) مدعی‌العموم بسمت مشاور حقوق بیان عقیده مینماید و اگر متداعیین خصوصی منازعهٔ خود را بصلح ختم نموده یا بحکم محکمه تسلیم شوند مدعی‌العموم حق تعقیب دعوی و هیچگونه اعتراضی ندارد

ماده ۷۵ ص . در صورت مداخله اصلیه هر چند مدعی‌العموم بصفت مدعی محاکمه مینماید ولی نمیتواند ابتداء شروع بمحاکمه نماید بلکه بعداز اقامهٔ دعوی مدعی خصوصی مداخله خواهد کرد.

ماده ۷٦ ص . مدعی عمومی در هر دعوائی مداخله مینماید باید طرفدار حق بوده و با افکار و رأی خود طرفی را که بمقتضیات قانون محق فهمیده است تقویت نماید .

ماده ۷۷ ص . در مواردیکه مدعی‌العموم مداخلهٔ اصلی دارد هرگاه دعوی در حدود نصاب صلحیه باشد تاختم عمل درصلحیه مداخله نخواهد کرد ولی محکمهٔ صلح باید حکم خود ودر صورت اصلاح نتیجه را بمدعی‌العموم ابلاغ نماید تا مشارالیه بتواند لدی‌الاقتضا از حکم استیناف و درصورت اصلاح بوسیله مقتضی در محکمهٔ بدایت حق مداخلهٔ خود را اعمال نماید . در موارد دخالت تبعی وقتی که دعوی در حدود نصاب صلحیه است مدعی‌العموم بهیچوجه مداخله نخواهد داشت .

ماده ۷۸ ص ـ هرگاه بموجب حکم قطعی نقض قانون شده و هیچیك از طرفین دعوی در موعد مقرر استدعای تمیز نکرده باشند مدعی‌العموم محکمهٔ که آن حکم را صادر کرده مراتب را

بمدعی‌العموم تمیز اطلاع میدهد تا مشارالیه برای محافظت قانون تمیز حکم را بخواهد ـ در این مورد نقض دیوان تمیز در بارهٔ طرفین دعوی مؤثر نبوده و فقط برای حفظ قانون است .

صدور رأی

ماده ۵۵ ش ـ پس از اعلان ختم محاکمه محکمه هر گاه میتواند فوراً رأی میدهد و درمسائل غامضه منتها در ظرف پنج روز باید رأی خود را داده و حاکم محکمه مکلف است این نکته را در جلسهٔ علنی محکمه اعلان نماید و درصورت مجلس قید کند .

مبحث سوم ـ قانون آزمایش

حواشی محاکمه ۱ ـ دعوای متقابل

ماده ۵۶ ش . مدعی علیه حق دارد که در مقابل ادعای مدعی اقامهٔ دعوا نماید و چنین دعوی را در صورتیکه مربوط بدعوای اولی (اصلی) باشد دعوای متقابل نامند و بدان دعوی درهمان محکمه ، دعوای اصلی رسیدگی میشود مگر اینکه دعوی‌متقابل نوعاً از صلاحیت محکمه خارج باشد .

ماده ۵۷ ش . درصورتیکه ادعای مدعی علیه در مقابل دعوای مدعی‌دعوای متقابل نباشد یا باشد ولی‌رسیدگی بآن‌دعوی‌خارج از صلاحیت آن محکمه باشد محکمه بادعای مدعی‌علیه درضمن دعوای اصلی رسیدگی نمیکند بلکه باید مدعی علیه در همان محکمه یا محکمهٔ که صلاحیت دارد علیحده اقامهٔ دعوی نماید .

ماده ۵۸ ش ـ عرضحال دعوای متقابل در موقع تقـدیم اولین لایحهٔ جوابیه مدعی علیه داده میشود (در محاکمات اختصاری تا اولین جلسه) .

ماده ۵۹ الی ٦٦ آزمایش بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ شده .

۲ ـ ایرادات ـ مطابق قانون تسریع محاکمات

ماده ۱ ت . درموارد ذیل مدعی علیه میتواند بدون اینکهجواب مدعی را بدهد ایراد کند .

۱ ـ وقتی که دعوی ذاتاً راجع به محکمهٔ دیگری است .

۲ ـ وقتیکه دعوی‌ازجهة صلاحیت محلی راجع بمحکمهٔ دیگری است یا اینکه در همان محکمه یا محکمهٔ دیگـری همان موضوع ما بین همان اشخاص در تحت رسیدگی است و یا اگر همان موضوع نیست موضوعی است کـه با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد .

۳ ـ در صورتی که دعوی متوجه شخص مدعی علیه نباشد .

٤ ـ درصورتیکه مدعی بعلّت صغر یا عدم رشد یا جنون یا ممنوعیت از تصرف دراموال وحقوق مالی خود درنتیجهٔ حکم ورشکستگی اهلیت نداشته باشد .

۵ ـ هر گاه وکالت کسی که از طرف مدعی اقامه دعوی کرده محرز نباشد .

٦ ـ درصورت مرور زمان .

تبصره ـ عدم صلاحیت‌ذاتی عبارتست از عدم صلاحیت

محکمه صالحیه نسبت بامور راجعه بابتدائی و بالعکس و عدم صلاحیت محکمهٔ حقوق نسبت بامور جزائی و محکمهٔ جزائی نسبت بحقوق ومحکمهٔ ابتدائی نسبت باستیناف و بالعکس ومحاکم عمومی نسبت بمحاکم شرع و برعکس و عدم صلاحیت محاکم عدلیه نسبت بامور راجعه بمحاکم غیر عدلیه .

ماده ۲ ت ــ درمورد فقره ۵ مادهٔ قبل مدعی نیزحق ایراد دارد .

ماده ۳ ت ــ مدعی علیه نیز حق دارد که باستناد عدم اهلیت خود از ورود بماهیت دعوی امتناع کند .

ماده ۴ ت ــ عدم رعایت قوانین راجع بترتیب صورت عرضحال حق امتناع از جواب دادن بمدعی علیه نمیدهد .

ماده ۵ ت در مورد فقرات ۱ و ۴ و ۵ ماده اول و همچنین درمورد ماده ۳ محکمه نیزمکلف است قطع نظر ازاینکه ایراد ازطرف متداعیین شده یانشده باشدازرسیدگی بدعوی امتناع کند .

ماده ٦ ت ــ ایرادات مذکور در فقرات ۴ و ۵ ماده اول و همچنین ایراد مذکوردرماده سومرا درتمام مراحل میتوان کرد .

ماده ۷ ت ــ خواه مدعی علیه ایرادات مذکور در ماده ۱ را در ضمن جواب کتبی که بدعوی مدعی علیه میدهد درج کند خواه علیحده محکمه مکلف است که بدواً قبل از رسیدگی بماهیت دعوی بایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قراری بدهد .

راجع بقرارها مطابق قانون تسریع محاکمات

ماده ۸ ت ـ از قرارهائی که محاکم در امور حقوقی و تجارتی میدهند بجز قرارهای ذیل هیچ قراری قابل استیناف و تمیز نیست مگر با حکم در ماهیت دعوی .

۱ ـ قرار ارجاع بشرع ۲ ـ قرار عدم صلاحیت محاکم عدلیه باستناد صلاحیت مراجع غیر عدلیه ۳ ـ قرار ردّ عرضحال ـ ۴ ـ قرار اسقاط دعوی ۵ ـ قرار عدم اهلیت یکی از متداعیین بعلّت صغر یا عدم رشد و یا جنون و یا ممنوعیت از تصرف در اموال و حقوق مالی خود در نتیجهٔ حکم ورشکستگی ۶ ـ قرار قبول ایراد مرور زمان ۷ ـ قرار عدم توجه دعوی .

تبصره ـ قرار اسقاط دعوی در مورد اعتراض بثبت املاك فقط قابل استیناف است .

ماده ۹ ت ـ قرارهای عدم صلاحیت اعم از ذاتی و محلّی فقط قابل استیناف است (جز درمورد قرار ارجاع بشرع و قرار عدم صلاحیت محاکم عدلیه باستناد صلاحیت مراجع غیر عدلیه که بموجب ماده ۸ قبل از حکم در ماهیت دعوی قابل استیناف و تمیز است) .

درصورتیکه قرار عدم صلاحیت ذاتی یا محلّی مستقلا ازمحکمهٔ استیناف صادر شده باشد قابل تمیز خواهد بود .

ماده ۱۰ ت ـ قرارهای مذکور در ماده ۸ درصورتی قابل تمیز است که درمرحلهٔ استینافی صادر شده باشد خواه مستقلا و خواه

در تعقیب قراریکه درمرحلهٔ بدوی صادر شده است.

ماده ١١ ت ـ درمورد فقرات ١ و ٢ و ٦ مادهٔ ٨ مادام که تکلیف قطعی قرار در استیناف و تمیز معین نگردیده و یا مدت استیناف و تمیز مقتضی نشده ارجاع دوسیه ورسیدگی بدعوی توقیف خواهد شد.

٣ ـ ردّ حکام عدلیه

ماده ٦٦ ش ـ حکام عدلیه در موارد مفصله ذیل باید از رسیدگی امتناع نمایند و متداعیین حق خواهند داشت آنهارا ردّ کنند:

١ ـ وقتیکه حاکم نفع شخصی در ادعائیکه اقمه شده است داشته باشد.

٢ ـ وقتیکه حاکم یا زوجهٔ او با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجهٔ سوم دارند.

٣ ـ وقتیکه حاکم قیم یکی‌از متداعیین‌است یا کفیل امور اوست و یا یکی از متداعیین مباشر امور حاکم است.

۴ ـ وقتی که‌حاکم یازوجهٔ او وارث یکی‌ازمتداعیین هستند.

٥ ـ وقتیکه‌حاکم‌با یکی‌ازمتداعیین یا اشخاصیکه‌بانهاقرابت‌سببی یا نسبی تا درجهٔ سوم دارند محاکمهٔ جنائی یا جنحهٔ داشته‌اند و هنوز پنج سال درصورت جنائی و دو سال درصورت جنحهٔ از زمان آن محاکمه نگذشته است.

٦ ـ درصورتیکه مابین حاکم ویکی‌از متداعیین یا زوجهٔ او

محاکمهٔ حقوقی در محکمهٔ دیگری مطرح است .
۷ ـ وقتیکه حاکم سابقاً اظهار عقیده کتباً درباب ادعائی که اقامه شده نموده است (مگر در مواردی که قانون اجازه داده ازقبیل رسیدگی باعتراض بر حکم غیابی و اعادهٔ محاکمه) .
۸ ـ وقتیکه حاکم سابقاً در موضوع دعوی توصیه کرده و یا در مراجع رسمی شهادت داده است .
۹ ـ وقتیکه حاکم از تاریخ طرح دعوی بمنزل یکی از متداعیین یا وکلای آنها بمهمانی رفته .
ماده ۶۷ ش ـ امتناع حاکم از رسیدگی یا ردّ او باید منتها تا جلسهٔ اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهة ردّ حاکم درحین محاکمه حادث شود .
ماده ۶۸ ش ـ حاکم حق ندارد در غیر موارد مذکوره در مادهٔ ۶۶ ردّ را قبول کرده یا از رسیدگی امتناع نماید .
ماده ۶۹ ش ـ اظهار ردّ باید کتبی باشد ویا شفاهی اظهار شفاهی در صورت‌مجلس قید و بامضای اظهارکننده میرسد در اظهار ردّ باید جهات آن با دلائل ذکر شود .
ماده ۷۰ ش ـ خواهش ردّ بحاکم مردود ابلاغ و حاکم مکلف است در ظرف دو روز قراری صادر کند هرگاه حاکم ردّ را قبول نکرد طرف میتواند درظرف ده روز باستیناف شکایت کند .
شکایت‌نامه بخود حاکم داده شده و او بتوسط دفترمحکمه باید فوراً

شکایت نامه را برای محکمهٔ استیناف بفرستند (۱) .

ماده ۷۱ ش ـ هرگاه حاکم رد را قبول کرد یا خود او امتناع از رسیدگی نمود یا محکمهٔ عالی قرار اورا داد رسیدگی بشعبهٔ دیگر همان محکمه ارجاع و اگر شعبهٔ دیگری نباشد بعضو علی البدل و اگر عضو علی البدل نباشد بنزدیکترین محکمه رجوع میشود .

ماده ۷۲ ش ـ هرگاه حاکم مردود از اعضاء استیناف بوده و رد خودرا قبول نکرده همان شعبهٔ استیناف باید از اعضاء سایر شعب یا اعضاء علی البدل استیناف خودرا تکمیل کرده وبدون حضور حاکم مردود وبا حضور مدعی العموم قرار مقتضی را بدهد .

تبصره ـ مرجع شکایت متداعیین از قرار محکمهٔ استیناف راجع بحاکم مردود عضو استیناف دیوان عالی تمیز است .

ماده ۷۳ ش ـ اگر قرار بر رد حاکم عضو استیناف شد یاخود حاکم از ابتدا امتناع کرده ویا رد را قبول نمود محکمهٔ استیناف یا عضو علی البدل یاعضو شعبهٔ دیگر خودرا تکمیل کرده بدعوی رسیدگی میکند .

ماده ۷٤ ش ـ هرگاه چند نفر از اعضاء محکمهٔ استیناف رد شوند وعدهٔ باقیماندهٔ آن محکمه واعضاء علی البدل برای رسیدگی کافی نباشد امر راجع بدیوان تمیز میشود .

دیوان تمیز درصورتیکه خواهش رد را وارد دیدکار را بمحکمهٔ دیگری که در همان درجه باشد محول میکند .

---

(۱) این قسمت ظاهراً با ماده ۱ قانون تسریع اصطکاك دارد ولی تصور نمیرود مقصود مقنن نسخ این قسمت بوده باشد .

۴ ـ تقاضای ارائهٔ سند از طرف

ماده ۷۵ ش ـ اسناد کتبی عبارت از کلیهٔ نوشتجات طرفین اعم از اینکه رسمی باشد یا عادی.

ماده ۷۶ ش ـ هرگاه طرفی سندی ابراز کند که در آن سند بسند دیگر رجوع شده باشد طرف مقابل حق دارد ابراز آن سند دیگر را هم بخواهد.

ماده ۷۷ ش ـ هرگاه سندی مدرك ادعا یا اظهار یکی از طرفین بوده در نزد طرف مقابل باشد بتقاضای طرف باید آن سند ابراز شود و دراینصورت طرفیکه ابراز سند را ازطرف مقابل تقاضا میکند باید صریحاً اظهار کند که چه سندی را میخواهد و جهة ادعای او که آن سند در نزد طرف مقابل است چیست.

ماده ۷۸ ش ـ درمورد ماده قبل درصورتیکه طرف مقابل اعتراف وجود سند را در نزد خود نموده ولی امتناع از ابراز آن نماید محکمه میتواند آن سند را از جملهٔ دلائل مثبتهٔ مسئله بداند.

ماده ۷۹ ش ـ هرگاه یکی از طرفین بدفاتر و اسناد تجارتی طرف دیگر استناد کند که دفاتر مزبوره باید درمحکمه ابراز شود و درصورتیکه تسلیم دفاتر واسناد مزبوره درمحکمه ممکن نباشد محکمه عضویرا مأمور مینماید که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه وآنچه لازم است خارج نویس نماید.

ماده ۸۰ ش ـ هرگاه ابراز تمام سند یا اظهار علنی مفاد آن درمحکمه

برای یکی از متداعیین یاشخص ثالثی یا ادارهٔ دولتی بملاحظات شخصی یادولتی صحیح یامناسب نباشد حاکم محکمه یاعضو علی البدل یا مدیر دفتر بتعیین محکمه باحضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه وفقط آنچه راکه لازم و راجع بکار است خارج نویس مینماید .

ماده ۸۱ ش ـ برای تحصیل اصل سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمسئله متنازع فیها و در ادارات دولتی یا نزد مستخدمین دولتی است از محکمه تصدیقی بتقاضا کننده داده میشود که فلان سند یا فلان اطلاع درفلان موعد لازم است .

ماده ۸۲ ش ـ ادارات ومستخدمین دولتی بایدفوراً سوادمصدق اسناد را با اطلاعات لازمه بشخصیکه تصدیق نامهٔ محکمه را ابراز میکند بدهند چه خواهش او شفاهی باشد چه کتبی .

تنبیه ـ بدون ابرازتصدیقنامه هم ادارات واشخاص مذکور مکلفند که اطلاعات لازمه و سواد مصدق اسناد را بشخصی که تقاضا میکند بدهند ولی تقاضا باید کتبی باشد .

ماده ۸۳ ش ـ هرگاه ابراز اصل سند لازم باشد ادارات و اشخاص مذکوره در ماده ۸۱ بعد از ابراز تصدیقنامه محکمه اصل اسناد را مستقیماً بخود محکمه میفرستند . فرستادن دفاتر امور جاریه بمحکمه لازم نیست . استخراج از آن دفاتر در صورتیکه مصدق بتصدیق اداره باشد کافی است .

ماده ۸۴ ش ـ هرگاه یکی ازمتداعیین ازبابت دعوی جنحه وجنایت

ادعای خساراتی نماید که رجوع بدوسیه آن جنحه و جنایت لازم باشد بایددوسیهٔ مزبور بمحکمهٔ که تقاضای آنرا کرده است فرستاده شود.

ماده ۸۵ ش ــ هرگاه ادارات و مستخدمین دولتی نتوانند در موعدیکه محکمه معین کرده است اسناد یا اطلاعات لازمه را بدهند تصدیقی بتقاضا کننده داده تصریح مینمایند که برای چه تاریخ اسناد یا اطلاعات را خواهند داد و بموجب این تصدیق محکمه موعد جدیدی برای رسیدگی معین میکند.

خواستن اصل اسنادی که طرف سواد آنها را ارائه داده

ماده ۸۶ ش ــ هرگاه یکی از طرفین در ضمن مبادله لوایح کتبی لازم دانست اصل اسناد طرف مقابل را ببیند باید تا سه روز پس از ابلاغ سواد سندی که برؤیت اصل آن احتیاج است بدفتر محکمه اطلاع بدهد و مدیر دفتر مکلف است روز پنجم پس از این اطلاع را برای ارائه سند معین کرده وبطرفین اطلاع دهد ــ این اطلاع باید منتها در ظرف دو روز بطرفین ابلاغ شود کسیکه اصل سند مورد احتیاج را باید ارائه دهد مکلف است که در روز معین اصل سند را بدفتر آورده از اول وقت تا آخرین ساعت اداری دفتر در آنجا بگذارد.

هرگاه طرفی که تقاضای رؤیت اصل سند را کرده در آن روز حاضر نشد و در موعد مقرر برای جواب کتبی جواب نداد یا تقاضای ارائه اصل سندرا تکرار کرد. محکمه اورا در حکم کسی

قرار میدهد که در موعد مقرر جواب کتبی نداده .

هر گاه کسیکه باید اصل سند را ارائه بدهد در روز معین بترتیب فوق سند را حاضر نکرد اگر مدعی است بتقاضای مدعی علیه محکمه عرضحال او را ابطال میکند و تجدید دعوا موقوف بتجدید عرضحال است و اگر مدعی علیه است محکمه باید بتقاضای مدعی سند مذکور را از جزء دلائل خارج کند مگر اینکه مدعی یا مدعی‌علیه فقدان سند را ادعا کند .

ماده ۸۷ ش ـ هر گاه در مواردیکه بموجب مادهٔ قبل بایداصل سند در روزمعین بدفتر آوردیابرای رؤیت‌اصل در دفترحاضرشد طرفی در روز معین‌اصل‌را نیاورد یا برای‌رؤیت‌حاضرنشد وعذر موجهی داشت باید عذر خودرا بادلائل موجه بودن آن تا دو روز پس از روزی که معین شده بود بمحکمه کتباً اطلاع بدهد ، حاکم محکمه باید درظرف دو روز قراری راجع بموجه بودن یا نبودن‌عذر صادر نماید این قرارعلیحده ازحکم‌قابل‌استیناف‌نیست.

هر گاه محکمه عذر را موجه دید باید پنجمین روز پس ازقرار را برای ارائه سند معین‌نماید مگر اینکه عذر موجه‌طوری باشد که تا روز پنجم رفع آن ممکن نباشد دراینصورت روزی که رفع عذر را درآن روز میتوان پیش‌بینی کرد حاکم محکمه برای ارائه سند معین میکند مدیر دفتر این قرار را در ظرف دو روز بطرفین ابلاغ خواهد کرد .

ماده ۸۸ ش ـ هر گاه کسی که باید سند را ارائه دهد دسترس

بآن نداشته و برای بدست آوردن آن محتاج بمهلتی باشد باید قبل از انقضای موعـد برای آوردن سند از محکمـه استمهال کند و محکمه در صورتی که اظهارات اورا مقرون بدلائل صحیح دید بقدر کافی مهلت خواهـد داد و روز ارائه سند را بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۸۹ ش ـ هرگاه در روز معین اصل سند در دفتر حاضر نبوده وموافق مواد فوق محکمه مهلت‌داده و روز دیگری برای ارائه سند معین کرد کسیکه تقاضای ارائه اصل سند راکرده تا دو روز پس‌ازموعدرؤیت بایدجواب کتبی‌خودرا بدفترمحکمه برساند

۶ ـ انکار یا اظهار تردید (شك و شبهه) نسبت بسند و رسیدگی باعتبار آن

ماده ۹۰ ش ـ هرگاه طرفی منکر خط و مهر سند شود یادر صحت و سقم سند تردید نماید (استنکاف از جواب در حکم انکار است) بترتیب مواد ذیل رفتار خواهد شد .

ماده ۹۱ ش ـ اظهار تردید یا انکار باید در اوّلین لایحه‌که در جواب سند داده میشود بعمل آید .

ماده ۹۲ ش ـ در مقابل تردید یا انکار طرف دیگـر باید در اولین لایحهٔ جوابیهٔ خود صریحاً اعلام‌نماید که‌آن سندرا استرداد میکند یا نه هرگاه صاحب سند اعتراض نکرده ویا سند خودرا استرداد نمود محکمه باسناد و دلائل دیگر رجوع میکند (عدم اعتراض یا استرداد سند دلیل بر بطلان‌آن نخواهد بود) هرگاه

صاحب سند سندخودرا استرداد نکرد باعتبار آن رسیدگی میشود.
ماده ۹۳ ش ـ رسیدگی باعتبار سند از قرار تفصیل ذیل است :
۱ ـ تدقیق درصحت سند و تطبیق مفاد آن با اسناد ودلائل دیگر .
۲ ـ تحقیقات از شهودی که در سند قید شده است ویا از شهود و امـاراتی که طرفین بشهادت آنان برای تکذیب یاثبوت اصالت متمسك شده اند .
۳ ـ مطابقهٔ خط وامضای سند متنازع فیه با خط وامضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است .
ماده ۹۴ ش ـ تدقیق درصحت سند و تطبیق مفاد آن با اسناد دیگر ممکن است ازطرف محکمه بعهدهٔ عضو علی‌البدل یا مدیر دفتر واگذار شود و عضو مذکور بعد از اجرای تحقیقات ذیل سند را امضاء میکند و دراین مورد برای تطبیق با سند مشکوك باید اسنادی را انتخاب کرد که یا رسمی باشد ویا طرفین اصالت آن اسناد را اعتراف کرده باشند .
ماده ۹۵ ش ـ هرگاه تراشیدگی وامثال آن درسند باشد مأمور محکمه این نکته‌را درصورت مجلس قید وبامضای طرفین میرساند.
ماده ۹۶ ش ـ تدقیق خط و مهر بترتیبی بعمل می آید که در مواد ۱۱۱ الی ۱۱۷ مقرر است .

۷ ـ ادعای جعلیت و رسیدگی باز

ماده ۹۷ ش ـ هرگاه طرفی نسبت بسند طرف مقابل ادعای جعلیت دارد باید دراولین لایحه که‌درجواب آن سند داده‌میشود ادعای خود

را با تمام دلائل آن بنویسد .

ماده ۹۸ ش ـ درمقابل ادعای جعلیت طرف دیگر باید دراوّلین لایحهٔ جوابیهٔ خود یا صریحاً بنویسد که آن سندرا استرداد میکند یا مدافعات خود را در مقابل ادعای جعلیت اظهار کند (استرداد سند دلیل بر جعلیت آن نیست) .

ماده ۹۹ ش ـ هرگاه صاحب سند سند خودرا استرداد نمود یا در مقابل دعوی جعل اعتراضی نکرد محکمه آن سند را از عداد دلائل خارج کرده باسناد ودلائل دیگر رسیدگی مینماید .

هرگاه صاحب سند بر دعوی جعلیت اعتراض کرد در صورتیکه جعلیت مؤثر در دعوای اصلی باشد محکمه قرار تحقیقات خواهد داد .

ماده ۱۰۰ ش ـ قرار محکمه در باب تحقیقات با تعیین روز و محل رسیدگی در ظرف دو روز بطرفین ابلاغ میشود صاحب سند اصل سندی را که موضوع ادعای جعلیت است باید درموقع رسیدگی حاضر نماید والا محکمه میتواند بخواهش مدعی جعلیت سند مذکور را از جزء دلائل طرف خارج نماید .

ماده ۱۰۱ ش ـ تحقیقات بطوریکه در رسیدگی باصالت اسناد و تدقیق خط و مهر قانوناً مقرر است بعمل میآید وهرگاه رجوع باهل خبره وتحقیقات از شهود ومطلعین لازم باشد محکمه وظائف خود را موافق قانون انجام میدهد .

ماده ۱۰۲ ش ـ تا دو روز پس از ختم تحقیقات مدیر دفتر تعیین

جلسه نموده وبطرفین کتباً اطلاع میدهد نتیجهٔ تحقیقات درجلسهٔ محکمه قرائت و پس از استماع مذاکرات شفاهی طرفین محکمه قرار لازم درباب عدم جعلیت و یا جعلیت سند داده و در صورت اخیر سند جعلی را از عداد دلائل صاحب سند خارج مینماید.

ماده ۱۰۳ ش ــ درمواردیکه مدعی جعلیت شخص معینی را که در حال حیات است بساختن سند متهم نماید و تعقیب او ممکن باشد محکمهٔ حقوق سند مزبور را با اوراق راجعه بمسئله جعلیت نزد مدعی‌العموم میفرستد ودراینصورت هرگاه بواسطهٔ توافق مدعی‌عمومی ومستنطق برعدم تعقیب متهم یا رأی محکمهٔ‌استیناف درموقع اختلاف آنها و نحو آن امر جزائی درمحکمهٔ جزا قابل تعقیب نشد محکمهٔ حقوق خود بدعوای جعل رسیدگی میکند و اگر امر بمحکمهٔ جزا رفته و حکم مجعولیت صادر شد آن حکم درمحکمهٔ حقوق متبع خواهد بود. و اگر حکم تبرئه صادر گردید:

هرگاه حکم بعدم مجعولیت سند هم داده شده باشد و آن حکم مستند باشد بثبوت‌اصالت آن محکمهٔ حقوق دیگر وارد رسیدگی بجعل نمیشود و اگر حکم بمجعولیت داده نشده ویا حکم مستند بعدم احراز جعل باشد محکمهٔ حقوق میتواند داخل رسیدگی بدعوی‌جعل شود. و بر هرتقدیر حکم محکمهٔ حقوق‌درخصوص اعتبار سند منافی نیست با اینکه مدعی جعل دعوی خود را در محکمهٔ‌جزا اقامه نماید. واگر حکمی‌از محکمهٔ جزا برمجعولیت

سند برخلاف محکمهٔ حقوق صادر شد مستند اعادهٔ محاکمه در محکمهٔ حقوق خواهد گردید .

ماده ۱۰۴ ش ـ محکمهٔ حقوق پس از ارجاع امر بمدعی‌العموم رسیدگی بکار را توقیف نموده منتظر ختم عمل جزائی میشود و یا بخواهش یکـی از متداعیین رسیدگی بکار را تا اندازهٔ که مربوط بسند متنازع فیه و ادعای جعلیت نیست دنبـال کرده و باتمام میرساند .

ماده ۱۰۵ ش ـ هرگاه محکمهٔ حقوق حکم جعلیت سندی را داد برای پیدا کردن جاعل یا تعقیب اعمال کنندهٔ آن دوسیهٔ امر را نزد مدعی‌العموم میفرستد .

ماده ۱۰۶ ش ـ در حکمی که محکمـه در باب جعلیت اسناد میدهد باید تکلیف اسناد و نوشتجات راجعه بادعای جعلیت معین شود.

هرگـاه وجود اسناد و نوشتجات مزبوره در دفتر خانهٔ محکمه دیگر لـزومی نداشته باشد محکمـه قرار اعادهٔ آنهـا را بصاحبان آنها ازمتداعیین ومطلعین وغیره میدهد واسنادی که ادعای جعلیت بآنها شده ولی بجعلیت آنهـا حکم صـادر نشده است نیز بصاحبان آنها رد میشود وهمچنین اسنادی که از ادارات خواسته شده است و یا دریکی ازمؤسسات عمومی امانت بوده بخود آنها مسترد میشود .

ماده ۱۰۷ ش ـ در کلیهٔ موارد مذکوره در مـادهٔ قبل اعادهٔ اسناد ونوشتجات فقط وقتی بعمل میآید که حکم محکمـه در آن باب قطعی شود مگـر اینکه بواسطهٔ تقاضای ادارات یا مؤسسات عمومی صدور حکم مخصوص درباب استرداد لازم شود .

ماده ۱۰۸ ش ـ وقتیکه محکمه قرار جعلیت داد باید درهمان قرار تکلیف سند مجهول را معین کند که باید آنرا از بین برد یا قسمت مجعول را در روی خود سند ابطال کرده یا کلماتی‌را که محو کرده یا تغییر داده اند در روی سند اصلاح نمود.

اجرای قرار محکمه راجع بتکلیف سند پس از قطعی‌شدن حکم جعلیت و گذشتن مرحلهٔ تمیزی است وبتوسط محکمهٔ که‌آخرین حکم قطعی‌را صادر کرده باحضور مدعی‌العموم بعمل‌خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ ش ـ هیچکدام از اعضاء و منشی‌های محاکم حق ندارند از اسناد و نوشتجاتی که ادعای جعلیت بانها شده است سوادی بکسی بدهند مگر بحکم محکمه ولی از نوشتجاتی که ادعـای جعلیت بانها نشده است منشی محکمه برضایت طرفین میتواند سوادی بآنان بدهد.

ماده ۱۱۰ ش ـ هر گاه منشی هـای محاکم از مفاد ماده قبل تخلّف ورزند اولاً از شغل خودشان منفصل خواهند شد ثانیاً ـ از بیست الی چهل تومان از مقرری آنان کسر میشود.

۸ ـ در تدقیق خط و مهر

در مورد انکار و اظهار تردید یا ادّعای جعلیت

ماده ۱۱۱ ش ـ هر گاه طرفی که سندی بر علیه او ابراز شده خط ومهر سند را انکار یا درآن تردید نماید یا مدعی جعلیت آن بشود خط و مهر سند با خط ومهریکه صدورآن از صاحب سند مسلّم باشد تطبیق میگـردد و در این مورد در صورت ضرورت

ممکن است تطبیق در تحت نظارت عضو علی‌البدل یا مدیر دفتر بتعیین محکمه توسط سه نفر از اهل خبره که بتراضی طرفین یا در صورت عدم تراضی بقرعه معین شده اند بعمل آید و مراتب در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرسد .

ماده ۱۱۲ ش ـ اگر کسی که خط و مهر سند باو نسبت داده شده در حال حیات است سند با نوشتجات که صدور آنها از او مسلّم است تطبیق می‌شود و ممکن است آن شخص مجبور باستکتاب شود .

ماده ۱۱۳ ش ـ هر گاه طرفین در نوشتجاتیکه اساس تطبیق و معاینه اسناد میشود متفق نشدند نوشتجات ذیل را مأمور محکمه مأخذ معاینه و تطبیق قرار میدهد .

۱ ـ نوشتجاتی که دارای مهر یا امضای مصدّق درحضورمحکمه یا مباشر ثبت اسناد میباشد و یا آنهائیکه راجع بدعاوی بوده ودر حضور محکمه ممضی و مهر شده اند .

۲ ـ نوشتجات رسمیه که منکر در موقع دیگری نوشته باشد .

۳ ـ اسناد عادیه که منکر سابقاً اقرار واعتراف کرده باشد باینکه آن اسناد بخط و مهر اوست .

تبصره ـ خط ومهر اسنادی را که منکرانکار میکند اساس‌تطبیق نمیتوان قرار داد .

ماده ۱۱۴ ـ اگر اوراق و نوشتجاتی که باید تطبیق شود در یکی از ادارات باشد در مورد ادعای جعلیت باید اوراق مذکور را بمحل تطبیق بیاورند ادارات دولتی بقید مسئولیت مکلفند که حکم محکمه را در این باب مجری دارند و الا مدعی جعلیت که

از عدم اجرای حکم متضرر شده است حق دارد ادّعای خسارت را از متخلّف بنماید .

ماده ۱۱۵ ش ـ اگر حمل اوراق مذکور ممکن نباشد ویا دارندهٔ آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد محکمه میتواند حکمی صادر کند که بموجب آن تدقیق خط و مهر درمحلّی که نوشتجات و اوراق مذکوره واقع است بعمل آید .

ماده ۱۱٦ ش ـ اشخاصیکه نوشته شدن سند متنازع فیه یا مهر و امضاء شدن سند مزبور را دیده اند و همچنین اشخاصی که از بعضی اتفاقات مربوطه مطلعند و از اطلاعات آنان میتوان حقیقت مسئله را کشف نمود احضار شده و اظهارات آنان بعد از دادن التزام بصحت شهادت استماع و سند مذکوره بآنان ارائه و کلیهٔ اظهارات آنان در صورت مجلس قید شده وبامضای آنان میرسد .

ماده ۱۱۷ ش ـ پس از ختم تحقیقات و رسیدگی در خصوص صحت و سقم خط تکذیب شده یا تردید شده مطابق ماده ۹۴ رفتار خواهد شد .

۹ ـ تحقیقات محلّی

ماده ۱۱۸ ش ـ در مواردیکه صلاحیت محکمهٔ عدلیه برای محاکمه محرز شده و یکطرف یا طرفین باطلاع اهل محل متمسك شوند ولو اینکه بطور کلی ذکر کنند و اسامی مطلعین را نبرند محکمه میتواند تحقیقات محلّی بعمل آورد .

ماده ۱۱۹ ش ـ برای اجرای تحقیقات محلّی محکمه عضو علی‌البدل یا مدیر دفتر و درصورتیکه محل تحقیقات خارج از مقر محکمه باشد حاکم بدایت یا عضو علی‌البدل یا امین‌صلح آن

محل را مـأمور نموده وقت تحقیقات را مستقیماً یا بتوسط ادارهٔ نظمیهٔ محل بطرفین اطلاع میدهند .

ماده ۱۲۰ ش ـ طرفین میتوانند بعـد از ورود مأمور محکمه بمحل در باب تحقیقات تراضی بانتخاب اشخاصی نمایند که در محل ساکن یا مقیمند و نیز میتوانند در محـل تراضی نموده حل مسئله را بتصدیق مصدّقین که مرضیاً انتخاب کـرده اند واگذار نمایند .

ماده ۱۲۱ ش ـ مـأمور محکمـه صورت اشخـاصی را کـه متداعیین انتخاب کرده اند مرتب‌نموده بامضای طرفین میرساند.

ماده ۱۲۲ ـ درصورت عدم تراضی طرفین درانتخاب اشخاص مأمور محکمه اقدام باستماع مطلعین که طرفین یا یکی از آنان باو معرفی مینمایند میکند طرفین حق دارند که مطلعین خود را در موارد مفصله رد کنند :

۱ ـ درصورتیکه یکی‌از مطلعین خادم یا مخدوم یکی‌ازطرفین است . اشخاصیکه با یکـی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجهٔ سوم دارند یا قیم یا مباشر یا وکیل یکی‌از طرفین هستند ویا با یکی‌از متداعیین محاکمه‌دارند یا درقضیه ذینفعند .

ماده ۱۲۳ ش ـ ترتیب استعلام و اجرای تحقیقات از اشخاص مذکور در مادهٔ قبل بطوری است که برای شهود مقرر است و باید بقید التزام کتبی متعهد شوند که موافق حقیقت امر و حقانیت اطلاعات خودرا اظهار کنند .

ماده ۱۲۴ ش ـ عدم حضور متداعیین مانع از اجرای‌تحقیقات نخواهد بود .

ماده ۱۲۵ ش ـ تعیین صحت واعتبار تحقیقات محلّی منوط بنظر محکمه است مگر درمواردیکه طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و حل مسئله را فقط بتصدیق آنها واگذار کرده اند .

از ماده ۱۲٦ الی ۱۵۹ بموجب قانون تأمین مدعی به نسخ شده

قانون تأمین مدعی به

مصوّب ۲٦ و ۲۸ اسفند ۱۳۰۸

قسمت اول ـ در قواعد عمومی

ماده ۱ ✿ ازحین تقدیم عرضحال تا اعلان ختم محاکمه درمرحلهٔ بدوی ـ صلحیه یا ابتدائی میتوان تأمین مدعی به را تقاضا کرد .
بعد از صدور حکم حضوری یا حکم غیابی که مدّت اعتراض آن گذشته باشد نیز محکوم له بدوی میتواند از محکمهٔ که حکم را صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم به را بنماید واین درصورتی است که مدعی به قبلا تأمین نشده باشد درخواست تأمین درمحکمهٔ استیناف پذیرفته نمیشود .

ماده ۲ ✿ هر گاه دعوی بحکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمهٔ بدوی تقاضا بشود که قرار ارجاع بحکم را صادر کرده است .

ماده ۳ ✿ درصورتیکه محکمه درخواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی میتواند درحین محاکمه بشرط تقدیم دلایل جدید راجع بتأمین تجدید درخواست کند .

ماده ۴ ✿ درخواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که میزان یا عین مدعی به معین باشد .

ماده ۵ ✿ درموارد ذیل محکمه مکلف بصدور قرار تأمین است:

۱ ـ هر گاه مستند دعوی سند رسمی باشد یا سندعادی که دارای اعتبار سند رسمی شده است .

۲ ـ هر گاه مستند دعوی سند عادی بوده ولی مـدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی‌به باشد .

۳ ـ هر گاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتیکه ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آنرا تخمین خواهد کرد تأمین بدهد .

ماده ٦ ✿ در مورد اول مـادهٔ قبل پس از درخواست تأمین ـ در مورد ثانی پس از تشخیص اینکه مدعی علیه درصدد تضییع یا تفریط مدعی به است و در مورد ثالث آن مـاده پس از دادن تأمین برای جبران خسارات محکمه مکلف است بدون ابلاغ تقاضا بطرف قرار تأمین را صادر نماید .

ماده ۷ ✿ در غیر موارد مذکوره در ماده ۵ قبول درخواست تأمین الزامی نبوده ومنوط بنظر محکمه است لیکن اگر محکمه نظر بامارات قویه و نظر باینکه مدعی علیه در صـدد تضییع یا تفریط مدعی به است درخواست تأمین را قابل قبول دانست وقتی قرار تأمین را صادر خواهـد نمود که مستدعی تأمین جبران خسارتی را کـه ممکن است بطرف وارد آید و میزان آن را محکمه تخمین خواهد نمود تأمین نماید .

ماده ۸ ✿ محکمه مکلف است درظرف دو روز از تاریخ وصول

تقاضای تأمین رسیدگی کرده وقرار رد یا قبول آنرا بدهد مگر اینکه موجبات تأخیر از ناحیه مستدعی تأمین باشد .

ماده ۹ ❀ قرار تأمین مزبور باستثنای موردیکه در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلا فاصله بموقع اجرا گذارده میشود مگر اینکه مدعی علیه یا محکوم علیه در موقع اجرا در محل اجرای قرار حاضر بوده وبر آن قرار اعتراض نماید دراینصورت مدعی علیه یا محکوم علیه ملزم است اموال منقول یا غیر منقول خود راکه در تصرف دارد و مورد تأمین بوده انتقال بغیر ندهد و در صورت تخلف در حکم انتقال دهندهٔ مال غیر بوده و بمجازات کلاه بردار محکوم خواهد گردید .

ماده ۱۰ ❀ در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد وقتی قرار تأمین بموقع اجراگذارده میشود که بمدعی علیه یا محکوم علیه ابلاغ شده باشد مگر در موردیکه مدعی علیه یا محکوم علیه غایب بوده و بنا بر امارات قویه ابلاغ قرار باعث تضییع وتفریط مدعی به بشود در این صورت قرار پس از اجراء ابلاغ شده و مدعی علیه مطابق ماده ۹ حق اعتراض دارد .

ماده ۱۱ ❀ در مواردیکه مطابق مواد فوق مدعی علیه یا محکوم علیه بقرار اعتراض مینماید باید درظرف ده روز بمحکمه رجوع کند تا باعتراض رسیدگی شود هرگاه مدعی علیه یا محکوم ـ علیه درظرف مدت مذکور بمحکمه رجوع ننمود یا محکمه پس از رسیدگی اعتراض را بیمورد دید قرار تأمین مطابق مقررات این

قانون بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۱۲ ✿ قرارقبول یا ردّ تأمین قبل استیناف و تمیز نیست

ماده ۱۳ ✿ درصورتیکه مستدعی تأمین بموجب حکم قطعی محکوم به بطلان دعوی شد طرف او حق خواهد داشت خسارتی را که از تأمین متوجه شده است مطالبه کند .

قسمت دوّم - در اقسام تأمین مدعی به و محکوم به

ماده ۱٤ ✿ تأمین عبارت است از توقیف اموال منقول وغیر منقول.

ماده ۱۵ ✿ اموالی را که مطابق قوانین راجعه باجرای احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان تأمین توقیف نمود .

ماده ۱٦ ✿ تأمین مدعی به یامحکوم به توقیف مقداری از اموال منقول یا غیرمنقول مدعی علیه یامحکوم علیه که متناسب با میزان مدعی به یامحکوم به باشد بعمل می آید. هرگاه مدعی به یامحکوم به عین معین باشد مادام که توقیف آن عین ممکن است توقیف سایر اموال ممنوع است .

باستثنای آنچه راجع بمحصول دراین قانون مصرح است .

ماده ۱۷ ✿ مدعی علیه یامحکوم علیه میتواند تقاضای تبدیل مالی را که توقیف شده است بمال دیگر بنماید مشروط براینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث قیمت وسهولت فروش از مالیکه قبلا توقیف شده است کمتر نباشد ونیز مدعی علیه و یا محکوم علیه میتواند بادادن ضامن معتبر تقاضای رفع توقیف نماید درمواردیکه عین مدعی به یا عین محکوم به توقیف شده باشد تبدیل تأمین با

ضامن منوط برضایت مدعی یا محکوم‌له است .

ماده ۱۸ ❁ ضامنی که بموجب مادهٔ قبل داده میشود ممکنست یك یاچند نفر باشد درصورت‌تعدد ضامن هریك از آنها بایدصریحاً قید کنند که چه مقدار از مدعی به یا محکوم به را ضمانت میکنند .

ماده ۱۹ ❁ ضمانت اشخاص ذیل قبول نمیشود :

ـ مستخدمین وزارتعدلیه اعم از قضائی و اداری .

ـ وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود .

ـ اشخاصیکه بموجب قانون اهلیت معامله ندارند .

ماده ۲۰ ❁ قبول ضمانت‌راجع بمحکمهٔ است که قرار تأمین را داده است .

ماده ۲۱ ❁ کسی که ضامن میدهد باید ضامن را شخصاً در محکمه حاضر کرده یا ضمانت نامه بمهر و امضای خود ضامن که در ادارهٔ ثبت اسناد یا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده یا مورد تصدیق طرف باشد بمحکمه تقدیم کند ودر هرمورد ضامن دهنده مکلف است در صورت تقاضای طرف اعتبار ضامن ویا ضامنهای خودرا در محکمه ثابت کند .

ماده ۲۲ ❁ بعد از معرفی ضامن یا وصول ضمانت‌نامه محکمه روزی را معین میکند که طرفین درجلسهٔ محکمه حاضرشده در باب پذیرفتن ضامن مذاکره نمایند واین اقدام باید فوراً درجلسهٔ فوق‌العاده و خارج از نوبت بعمل آید .

ماده ۲۳ ❁ اگرمدعی یامحکوم‌له یاوکیل‌او در روزمعین حاضر

نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای تأمین کلیه یا قسمتی از مدعی‌به یا محکوم به کافی میداند قبول کند .

ماده ۲۴ ❀ ضمانت ضامنی که شخصاً درمحکمه حاضر میشود درصورت مجلس قید وبامضای اومیرسد - این ضمانت اثر ضمانتی را داردکه بموجب سند رسمی بعمل آمده باشد .

ماده ۲۵ ❀ هرگاه مدعی علیه بموجب حکم قطعی محکوم گردید ضامنی که برای تأمین مدعی به ضمانت کرده است باید از عهده محکوم‌به برآید .

وصول محکوم‌به ازضامن بعداز ابلاغ حکم محکومیت مدعی‌علیه او بهمان طریقی که برای اجرای احکام مقرر است بعمل میآید

قسمت سوم - در توقیف اموال غیرمنقول و محصول

ماده ۲۶ ❀ دفتر محکمه مکلف است در ظرف دو روز سواد قرار محکمه را در باب توقیف مال غیر منقول باداره ثبت‌اسناد و املاک محل وقوع‌ملک ارسال‌دارد در قرار مزبور بایداسم واسم‌پدر واسم خانواده و شغل مدعی علیه یا محکوم‌علیه و مقدار مدعی‌به یا محکوم‌به ونوع ملک توقیف شده صریحاً قید گردد .

هرگاه ملک بثبت رسیده باشد اداره‌ثبت‌اسناد واملاک باید درستون ملاحظات صفحه ازدفتراملاک که راجع بآن ملک‌است صدور قرار توقیف را یادداشت کند و اگر ملک بموجب دفتر املاک متعلق بمدعی علیه یامحکوم علیه نباشدآنرا نیز باید در ظرف دو روز بدفتر محکمه اطلاع دهد .

ماده ۲۷ ❋ بعد از زوال جهت توقیف رفع توقیف نیز بموجب قرار محکمه فوراً در جلسهٔ فوق‌العاده وخارج از نوبت بعمل میآید سواد این قرار نیز بطوریکه در مادهٔ قبل مقرراست باداره ثبت اسناد و املاک ارسال میشود تا در دفتر املاک قید گردد .

تبصره ـ حکم محکمهٔ بدایت ببطلان دعوی نیز رافع جهت توقیف است .

ماده ۲۸ ❋ توقیف اموال غیر منقول بمجرد ابلاغ قرار محکمه بمدعی‌علیه یا محکوم‌علیه بعمل می آید .

تبصره ـ توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف محصول آن نیست

ماده ۲۹ ❋ هرگاه ملکی که عین مدعی‌به یا محکوم به است توقیف شود مدعی‌علیه حق ندارد ابنیه آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد مگر باندازهٔ که برای حفظ خود ملك از خرابی لازم است

ماده ۳۰ ❋ توقیف محصول املاك وباغها ولو اینکه محصول عین مدعی‌به ویامحکوم‌به باشد قبل از برداشت وتعیین سهم مدعی‌علیه یا محکوم علیه ممنوع است مگر در مواردیکه سایر دارائی منقول و غیرمنقول مدعی‌علیه یامحکوم‌علیه برای تأمین مدعی‌به یا محکوم‌به کفایت نکند .

در صورتی که مدعی یا محکوم‌له نتواند برای طرف دارائی دیگری ارائه دهد و بدین جهت محصول ملك یا باغ قبل از برداشت و تعیین سهم توقیف شود مدعی‌علیه یامحکوم‌علیه حق دارد تقاضای

تبدیل نموده یا مطابق مقررات فوق ضـامن بدهد .
هر گاه مدعی‌علیه یا محکوم‌علیه تأمین دیگری که از حیث سهولت فروش وقیمت کمتر ازمحصول نباشد پیشنهاد کرد قبول این پیشنهاد الزامی‌است‌ولو اینکه محصول‌عین‌مدعی‌به یامحکوم‌به بوده و مدعی یا محکوم‌له رضایت بتبدیل ندهد .
هر گاه‌محصول عین مدعی‌به یا محکوم‌به باشد مدعی‌علیه یامحکوم علیه حق دارد تقاضا نماید بجای دارائی دیگر او عین محصول را توقیف نمایند ودر این‌صورت نیز تبدیل تأمین الزامی‌است .
ماده ۳۱ ❊ در مواردیکه مطابق ماده فوق ممکن است محصول توقیف شود بطریق ذیل عمل‌خواهد شد :
اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم علیه پس از وضع مالیات دولتی و مخارج معموله زراعتی‌از قبیل علوفه عوامل و بذر و خرج تنقیه قنات و مخارج عادی رودخانه باندازهٔ که سهم مدعی‌علیه یا محکوم‌علیه تعلق میگیرد بطوری که ذیلاً برای توقیف اموال منقول‌مقرر است توقیف خواهد گردید .
هر گاه محصول‌جمع آوری نشده باشد برداشت‌محصول خواه دفعةً باشد خواه بدفعات باحضور مأمور اجراء بعمل خواهدآمد.
مأمور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد .

مدعی یا محکوم له یا نمایندهٔ او نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت پس از برداشت هرقسمت ازمحصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد .

ماده ۳۲ ❁ هرگاه در میزان مخارج معموله زراعتی بین مدعی علیه یا محکوم علیه و طرف او و درصورت حاضرنبودن طرف بین مدعی علیه یا محکوم علیه و مأمور اجراء اختلاف باشد حد اقل میزان مزبور از محصول موضوع و بقیه توقیف میشود تا محکمهٔ که قرار توقیف صادر کرده تصمیم قطعی اتخاذ نماید .

ماده ۳۳ ❁ درصورتیکه محصول قبلاً فروخته شده وقیمت آن در موقع توقیف هنوز پرداخته نشده باشد قیمت نزد خریدار توقیف گردیده و اقساط آن در موقع وصول در صندوق عدلیه توقیف خواهد شد .

قسمت چهارم - در توقیف اموال منقول

ماده ۳۴ ❁ توقیف اموال منقول بترتیبی باید بعمل آید که در قوانین مربوطه باجرای احکام مصرح است .

ماده ۳۵ ❁ مهر و موم کردن اموال منقول یا سپردن آن بخود مدعی علیه یا محکوم علیه یا سپردن آن بشخص ثالث منوط بنظر محکمه و با رضایت مدعی و محکوم له سپردن آن بمدعی علیه یا محکوم علیه الزامی است .

ماده ۳۶ ❁ درصورتیکه اموال توقیف شده مهروموم شده باشد

شکستن یا محو کردن مهر مستلزم مجازاتی است که بموجب قانون مجازات عمومی برای این جرم مقرر است .

ماده ۳۷ ❁ توقیف عین اموالیکه ضایع شدنی است ممنوع است دراین‌صورت آن اموال بفروش رسیده وقیمت توقیف خواهدشد

ماده ۳۸ ❁ هر گاه اموال در نزد مدعی علیه یا محکوم علیه یا شخص ثالثی توقیف شود هر گونه تفریط یاتعدی نسبت بآن مال ازطرف شخصی که مال نزد اوتوقیف شده است مستلزم مجازات خیانت در امانت خواهد بود .

قسمت پنجم - مقررات مشترکه و توقیف طلب

ماده ۳۹ ❁ در هرمورد که مالی اعم از منقول یا غیر منقول توقیف شود وبیم آن رود که ادامهٔ توقیف عین مالی موجب ضایع شدن مال یا تنزل قیمت آن خواهد بود هر یك از طرفین حق تقاضای فروش دارد ولی هر گاه طرف دیگر موافق با فروش نبوده و ضرری راکه ازنفروختن مال ممکن است ناشی شود تأمین نماید مطابق نظر او عمل خواهد شد درصورت فروش مأمور اجراء نظارت داشته و قیمت آن را در صندوق عدلیه توقیف خواهد کرد ، مدعی یا محکوم له نیز حق نظارت در فروش دارد .

ماده ۴۰ ❁ هر گونه نقل و انتقال راجع بعین یا منافع (در صورتیکه منافع توقیف شده باشد) اموال توقیف شده اعم از اینکه اموال مزبوره منقول یا غیر منقول باشد غیر نافذ است و

انتقال دهنده تا موقعیکه جبران حقوق تضییع شدهٔ طرف را ننموده است توقیف خواهد شد .

ماده ۴۱ ۞ مقررات قانون ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ نسبت بمدعی علیه یا محکوم علیهی که درمورد تأمین مال غیر را بعوض مال خود معرفی مینماید مجری خواهد بود .

ماده ۴۲ ۞ هرگاه اموال یا وجوهی که توقیف میشود نزدشخص ثالث باشد یا مورد توقیف طلبی باشد که مدعی علیه یا محکوم علیه از شخص ثالث دارد سواد قرار توقیف بشخص مزبور ابلاغ و در نسخهٔ ثانی آن رسید دریافت میشود و مراتب فوراً به مدعی‌علیه یا محکوم علیه نیز اخطار میگردد .

ماده ۴۳ ۞ هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب باشد باید در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار توقیف مراتب را بمحکمهٔ که قرار را صادر کرده اطلاع دهد و الا مسئول پرداخت طلب یا تسلیم مال خواهد بود .

ماده ۴۴ ۞ هرگاه مستدعی تأمین ثابت نماید که درحین ابلاغ قرار توقیف بشخص ثالث مال یا طلب نزد شخص ثالث وجود داشته و بر خلاف واقع منکر شده است مادام که شخص ثالث حقوق تضییع شدهٔ مستدعی تأمین را جبران ننماید در توقیف خواهد ماند .

ماده ۴۵ ۞ هرگاه شخصیکه مال یاطلب نزد او توقیف شده‌از تسلیم مال یا تأدیه طلب امتناع نماید دائرهٔ اجراء معادل مال یا طلب توقیف شده را از اموال شخصی او استیفاء خواهد کرد و

در صورتیکه دسترس باموال او نباشد تا موقعیکه حقوق تضییع شدهٔ طرف را جبران ننموده در توقیف خواهد ماند .

۱۱ - جلب شخص ثالث

ماده ۱۵۹ ش - مدعی علیه در صورتیکه خودرا محق بجلب شخص ثالثی بمحکمه دانسته‌خواستار آن بشود باید ازروز ابلاغ عرضحال‌تا موعدیکه برای دادن لایحهٔ جوابیه مقرراست عرضحال دراین‌باب بمحکمه بدهند .

عرضحال باید با سواد مدارك جلب‌درسه نسخه باشد به‌ضمیمهٔ یك نسخه‌از سواد اسناد مدعی - مدیردفتر محکمه تا دو روز پس از وصول این‌عرضحال باید یك نسخهٔ آنرا بامدارك جلب برای مدعی و یك نسخهٔ دیگر آنرا با سواد اسناد مدعی و مدارك جلب برای شخص‌ثالث بفرستند .

ماده ۱۶۰ ش - مدعی نیز در صورتیکه بخواهد برای جواب بعتراض مدعی‌علیه شخص‌ثالثی را جلب کند باید تاآخرموعدیکه برای دادن جواب بلایحهٔ مدعی‌علیه مقرراست عرضحال جلب بدهد - ترتیب دادن این‌عرضحال و ارسال مدارك جلب و سواد اسناد مدعی‌علیه نظیر ترتیبی‌است که در فوق مقرر شده .

ماده ۱۶۱ ش - پس از جلب شخص ثالث بطریقی که درمواد فوق ذکرشده است جریان محاکمه در بارهٔ شخص ثالث مانند جریان محاکمهٔ اصلی است .

ماده ۱۶۲ ش - شخص ثالث مدعی‌علیه محسوب وتمام مقررات

راجع بمدعی‌علیه اصلی در بارهٔ او جاری است .

ماده ۱۶۳ ش ـ هرگاه شخص ثالث در مواعد مقرره جواب نداد یا در روز جلسه حاضر نشد و طرف او تقاضای رسیدگی غیابی نکرد طرفی که خواستار جلب شده بود میتواند در حین جریان محاکمهٔ اصلی یا پس از ختم آن مستقلاً اقامه دعوی بر او کند .

دخول شخص ثالث بدعوا

ماده ۱۶٤ ش ـ هرگاه شخص ثالثی بملاحظهٔ نفعی که برای او از محق شدن یکی از متداعیین حاصل است بخواهد در دعوائی شرکت نماید میتواند در هر مرحله از مراحل کار و در هر درجه (اعم از ابتدائی یا استیناف) عرضحال داده و در عرضحال اظهار نظر نماید که با کدام یك از متداعیین میخواهد شرکت نماید .

ماده ۱۶۵ ش ـ از قرار محکمه که راجع برد عرضحال مذکور در مادهٔ قبل صادر میشود متداعیین و شخص ثالث میتوانند اگر قرار محکمهٔ بدوی است باستیناف و اگر از محکمهٔ استیناف است بتمیز شکایت نمایند و این شکایت ممکن است قبل از شکایت از اصل دعوی بشود .

ماده ۱۶۶ ش ـ هرگاه دخالت شخص ثالث مربوط به محق شدن مدعی یا مدعی‌علیه نبوده و مقصود از دخالت او اظهار حق است مستقلاً نسبت بمالیکه موضوع دعوی مابین متداعیین است باید در عرضحال صریحاً قید شود که طرف او یکی از متـداعیین است یا هر دو طرف .

ماده ۱۶۷ ش ـ سایر ترتیبات محاکمه در موارد دخول شخص ثالث در هر درجه (اعم از ابتدائی یا استیناف) مطابق مقررات عمومی راجع بآن درجه است .

ماده ۱۶۸ ش ـ در مورد دخول شخص ثالث محکمه میتواند حکم راجع بدعوای اصلی را برای رسیدگی بدعوای شخص ثالث بتأخیر نینداخته و پس از صدور آن حکم بدعوای شخص ثالث رسیدگی نماید و این تفکیک درصورتی جائز است که دعوای اصلی در موقع ورود شخص ثالث قسمت عمدهٔ از مراحل خود را پیموده وقریب بختم باشد .

ماده ۱۶۹ ش ـ هرگاه کسی اقرار بامری نماید که دلیل حقانیت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست (۱)

در دلائل و تحقیقات

ماده ۲۶۰ ح ـ مواد عمومی راجع بدلایل و تأمین دلائل و امارات بترتیبی است که در مواد ۵۶ الی ۶۷ مقرر است (صفحه ۱۵) .

مواد ۵۶ و ۵۷ مذکور در ماده فوق بموجب قانون ت نسخ و ماده ذیل قائم‌مقام آنهاست .

ماده ۶۳ ت ـ مدعی باید ادعای خودرا ثابت نماید ومدعی‌علیه که اعتراض میکند باید اعتراض خودرا مدلل دارد هیچ محکمهٔ در صدد دلائل نباید برآید . مدرك حکم فقط دلائل اصحاب‌دعوی خواهد بود

---

(۱) ماده ۱۶۹ مربوط بمبحث اقرار است‌ولی در کلیه نسخ اشتباها جزء مبحث شخص ثالث قید شده است

از ماده ۲٦۱ تا ماده ۵۲٤ ح بموجب قانون آزمایش موقوف الاجراست و نیز از همان قسمت مواد ۲۹۱ و ۲۹۲ بموجب قانون اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه و از ماده ۳٦٤ تا ماده ۳۷۰ بموجب قانون تسریع محاکمات و از ماده ۳۷۱ تا ماده ٤۰۸ بموجب قانون تأمین مدعابه و مواد ٤۷۲ و ٤۷٤ و ۵۰٤ بموجب قانون تسریع نسخ‌شده‌اند

مبحث چهارم در اقرار و اسناد و دلائل و رسیدگی

۱ ـ اقرار

ماده ۱۷۰ ش ـ اقرار کتبی است درصورتیکه در یکی از نوشتجات که بمحکمه داده شده است اظهار شده باشد و شفاهی است درموردیکه درحین مذاکره در محکمه بعمل آید دراقرارشفاهی طرفی که میخواهد ازاقرارطرف دیگر استفاده نماید باید ازمحکمه خواهش کند که مخصوصاً اقرارمزبور درصورت مجلس قید شود

ماده ۱۷۱ ش ـ اگر محکمه ازدلائل وشواهد علم حاصل کرد باقرار شخص در حکم اقرار شفاهی است .

ماده ۱۷۲ ش ـ اقرار یکی از شرکاء دلیل است فقط نسبت بشخصی که اقرارکرده وشامل سایرشرکاء نمیشود مگراینکه بوجه قانونی ملزم باشند .

ماده ۱۷۳ ش ـ اقرار مدعی افلاس در امور راجعه باموال‌خود بملاحظهٔ حفظ حقوق دیگران منشأ حکم نمیشود تا افلاس‌یا عدم افلاس او معین‌شود .

۲ ـ اعتبار اسناد کتبی

ماده ۱۷۴ ش ـ محکمه نمیتواند هیچ سندی‌را بدون مداقه در مفاد آن وبدون دلیل رد کند .

ماده ۱۷۵ ش ـ اسنادیکه راجع بمعاملات و تعهدات و تقبلات میباشد بردو نوع است : اسناد رسمی و عادی .

ماده ۱۷۶ ش ـ اسناد رسمی از قرار تفصیل ذیل است :

۱ ـ اسنادیکه در ادارهٔ ثبت اسناد بطوریکه قانون معین کرده ثبت یا تصدیق شده باشد .

۲ ـ تسجیلات و تصدیقات محاضر شرعیه که مراجع عدلیه اند در امور راجع بآنها .

۳ ـ تصدیقات محاکم عدلیه درصورتیکه خارج از صلاحیت آنها نباشد وهمچنین تصدیقات ادارات دولتی در اموری که راجع بانهاست درصورتیکه تصدیق خارج ازصلاحیت آنها نباشد .

ماده ۱۷۷ ش ـ سندعادی سندی است که غیراز اسناد رسمی باشد

ماده ۱۷۸ ش ـ اسناد رسمیه در حق طرفین و وراث وقائم مقام آنها معتبراست تا اندازهٔ که قانون معین کرده (رجوع بقانون ثبت اسناد ومواد آتیه) .

ماده ۱۷۹ ش ـ اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را دارد و در بارهٔ طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است .

اولا ـ اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتسب الیه تصدیق نماید .

ثانیاً ـ در صورتیکه درمحکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفیکه رد کرده است فی الواقع امضاء یا مهر کرده .

ماده ۱۸۰ ش ـ درمقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد

رسمی را دارد هیچ نوع دعاعی مسموع نیست مگر اینکه طرف ادعای جعلیت نسبت بسند مزبوره بکند یا ثابت کند که اسناد مذکوره بجهتی از جهت قانونی از اعتبار افتاده است .

ماده ۱۸۱ ش ـ اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر ازطرف شخصی که سند باسم او نوشته شده و مهر یا امضای منتسب بو را دارد که در اینصورت هرگاه تصدیق نکند فقط میتواند منکر سند شود یا ادعای جعلیت نماید و درصورت انکار بر مدعی‌است که صحت انتساب سند را ثابت کند .

ماده ۱۸۲ ش ـ هرگاه رعایت قانون‌تمبر در اسنادی که موافق قانون مزبور بایستی تمبر شده وحق‌تمبر را بپردازد نشده باشد عدم رعایت قانون مزبور باعث رد آن اسناد در محاکم عدلیه نمیتواند بشود ولی‌درصورتیکه حق‌قانونی‌تمبر‌این‌نوع‌اسناد تأدیه نشده باشد محکمه موافق‌قانون‌تمبر مجازات خاطی را معین‌میکند .

ماده ۱۸۳ ش ـ سواد اسناد در صورتیکه بتوسط ادارات یا اشخاصی که صلاحیت تصدیق را دارند تصدیق شده باشد حکم اصل‌سند را دارد مگردر مواردیکه طرف مقابل‌عدم تطابق سواد را با اصل ادعا ثابت نماید .

ماده ۱۸۴ ش ـ در مواردیکه سواد مصدق حکم اصل سند را داردبجای اصل‌سند پذیرفته است مگر درمواردیکه قانون ابراز اصل‌سند را تقاضا میکند .

مواد ۱۸۵و۱۸۶ بموجب قانون اعتبراسناد تنظیم‌شده درخارجه مصوبه ۱۷و۲۱تیرماه ۱۳۰۹ نسخ و بجای آن مواد ذیل تصویب شده

ماده۱ ❀ محاکم ایران باسناد تنظیم‌شده درممالك خارجه همان اعتبار را خواهندداد که آن اسناد مطابق‌قوانین‌مملکتی که‌در آنجا تنظیم شده دارا میباشد مشروط باینکه :

اولا ـ اسناد مزبور بعلتی از علل قانونی از اعتبـار نیفتاده باشد
ثانیاً ـ مفاد آنها مخالف با قوانین ایران نباشد .
ثالثاً ـ قوانین مملکتی که اسناد در آنجا تنظیم‌شده ـ اسناد تنظیم شده در ایرانرا معتبر بداند .
رابعاً ـ نمایندهٔ قنسولی ایران در مملکتی که سند در آنجا تنظیم شده ویا نمایندهٔ قنسولی مملکت مزبور درایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم خود تنظیم یافته است .

ماده ۲ ❀ هرگاه موافقت سند با قوانین‌محل تنظیم خود بتوسط نمایندهٔ قنسولی‌خارجه در ایران تصدیق‌شده باشد قبول‌شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که در طهران وزارت امور خارجه ودر خارج ازطهران‌حکام ایالات و ولایات امضای نمایندهٔ قنسولی خارجه را تصدیق کرده باشند .

ماده ۱۸۷ ش ـ دفاتر تجارتی‌در مورد دعوای تاجری برتاجری در صورتیکه این‌دعوا از محاسبات ومطالبات تجارتی حاصل شده باشد دلیل‌حساب میشود .

ماده ۱۸۸ ش دفتر تجارتی‌درموارد مفصلهٔ‌ذیل‌دلیل‌محسوب نمیشود
۱ ـ درصورتیکه مدلل شود که اوراق جدیدی بدفترداخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد .
۲ ـ وقتیکه در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر

نفع صاحب دفتر باشد .
۳ ـ وقتیکه تاجر بموجب همان دفتر سابقاً اقامهٔ دعوی در باب طلبی نموده و مدلل شده است که تأدیهٔ طلب او شده است ودر ادعای خود بی‌حق است .
۴ ـ وقتیکه بحکم محکمه صاحب دفتر ورشکسته بتقصیر اعلام شده است .
۵ ـ در مواردیکه موافق قوانین تاجر مسلوب الحقوق اعلام شده است ـ در موارد مذکوره دفتر تجارتی که برنفع صاحب آن دلیل نمیشود بر ضرر او سندیت دارد .
ماده ۱۸۹ ـ امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد بر علیه امضا کننده دلیل است .
ماده ۱۹۰ ش ـ هرگاه امضای اجرای تعهدی در خود تعهد نامه نشده و در نوشتهٔ علیحده شده باشد آن نوشته برعلیه امضا کننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یا معامله مربوط است .
ماده ۱۹۱ ش ـ در اسناد رسمی تاریخ سند معتبر است ولی در اسناد عادی تاریخ سند فقط در بارهٔ اشخاصی معتبر است که در ترتیب آن شرکت نموده‌اند و همچنین در بارهٔ وراث و قائم‌مقام آنان . ولی سایر اشخاصی که ضرری برای خود درآن اسند تصور مینمایند میتوانند تاریخ سندرا تردید یا تکذیب نمایند (رجوع بماده ۱۷۸ الی ۱۸۱ بشود)
ماده ۱۹۲ ش ـ اسنادیکه درمحکمه ابراز میشود ومعتبرند ممکن

است بر نفع طرف مقابل دلیل باشد در این موارد ابراز کننده سند حق ندارد از سند خود استنکاف و یا ازمحکمه خواهش کند سند او را کأن لم یکن فرض کند .

ماده ۱۹۳ ش ـ اگر در حین ترتیب یا بعد از ترتیب یا ردّ و بدل اسناد رسمی فیمابین چند نفر بعضی از آنان مقاوله نامهٔ مخفیانه منعقد نمایند که نتیجهٔ آن نسخ کلیه یا بعضی از مواد آن باشد مقاولهٔ مذکوره فقط درحق اشخاصیکه آنرا امضاء یا مهر کرده‌اند معتبر خواهد بود وسایرین برعایت مفاد آن مجبور نمیباشند

۴ ـ در رسیدگی بصحت دلائل

آ ـ موادّ عمومی

ماده ۱۹۳ مکرر ش ـ رسیدگی بدلائل بخواهش یکی از متداعیین و یا بنظر خود محکمه بعمل میآید ولی محکمه وقتی برسیدگی دلائل اقدام میکند که در باب صحت آن مابین طرفین منازعه باشد .

ماده ۱۹۴ ش ـ رسیدگی بدلائل در جلسه علنی محکمه بعمل میآید .استثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را میتوان بعضو علی‌البدل یا مدیر دفتر محکمه (و در استیناف بیکی از اعضاء) محول کرد .

ماده ۱۹۵ ش ـ تاریخ ومحل رسیدگی بطرفین اطلاع داده‌میشود ومنوط بمیل متداعیین است که خودشان حاضر بشوند یاوکیل بفرستند

ماده ۱۹۶ ش ـ عدم حضور متداعیین بعداز اطلاع مانع از اجرای

تحقیقات و رسیدگی نمیشود مگر اینکه حضور آنان برای تصدیق اصالت و هویت موضوع تحقیقات لازم باشد .

مادهٔ ۱۹۷ ش ـ در باب تحقیقات صورت مجلس مرتب شده و بامضای متداعیین که حضور داشته اند میرسد .

ماده ۱۹۸ ش ـ هرگاه موضوع تحقیقات درحوزهٔ محکمهٔ دیگری واقع است سواد قرار محکمه که مشغول رسیدگی بدعوی است بدان محکمه ارسال میشود بعد از وصول سواد مزبور محکمهٔ مذکوره مکلف است که تحقیقات لازمه را بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات خود را بمحکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوی است بفرستند .

ب ـ در رسیدگی باسناد کتبی

ماده ۱۹۹ ش ـ رسیدگی باصل محاسبه و دفتر یا در محکمه بعمل می آید یا در محلی که اسناد کتبی آنجاست واین رسیدگی را میتوان درصورت‌لزوم بعضوعلی‌البدل یا مدیردفتر محول کرد

مادهٔ ۲۰۰ ش ـ موعد رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود که هرگاه بخواهند حاضر باشند .

ماده ۲۰۱ ش ـ در رسیدگی بمحاسبه ذیل هر صفحه را که رسیدگی شده مأمور محکمه و طرفین امضا میکنند و هرگاه مدعی و مدعی علیه متعدد باشند از هر طرف یکنفر انتخاب و ذیل صفحه را امضاء میکنند .

ماده ۲۰۲ ش ـ بعداز ختم تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده و تصریح مینمایند که مواد اختلافات یا منازعه کدام است.

ماده ۲۰۳ ش ـ هرگاه صورت محاسبه و حساب طولانی و درهم باشد محکمه میتواند برای واضح کردن آن اهل خبره را معین کند.

ماده ۲۰۴ ش ـ هرگاه در حین ابراز سندی که بزبان غیر فارسی نوشته شده است ترجمهٔ فارسی آن سند تقدیم میشود نظر باهمیت آن و مفاد آن منوط برأی محکمه است که بـه آن ترجمه اکتفا نماید و یا تحقیقات لازمه درتطابق آن باصل بعمل آورده ولی هرگاه طرفی که سند برضد آن ابراز شده است این تحقیقات را بخواهد محکمه باید آن را مجری دارد.

ماده ۲۰۵ ش ـ در مورد ماده قبل تحقیقات راجعه بترجمهٔ اسناد کتبی یا بتوسط مترجم عدلیه یا بتوسط خبره بعمل می‌آید.

ج ـ رجوع باهل خبره

ماده ۲۰۶ ش ـ در مواردیکه موضوع تحقیقات مطلبی است که اطلاعات مخصوصه لازم دارد محکمه میتواند بنظر خودش ویا بخواهش یکی‌از متداعیین بعقیدهٔ اهل خبره رجوع کند.

ماده ۲۰۷ ش ـ محکمه موضوع تحقیقات و اشخاصی را که برای تحقیقات انتخاب شده‌اند و موعد حضور آنان در محکمه یا جای دیگر در قرار خود معین میکند و در مسائلی که

تحقیقات مفصلهٔ دقیقانه لازم است عضو علی البدل یا مدیر دفتر خود را برای نظارت تحقیقات مزبوره مأمور میکند .

ماده ۲۰۸ ش ـ اهل خبره را باید طرفین بتراضی معین کنند و هرگاه تراضی نشد خود محکمه بقرعه معین میکند عدهٔ منتخبین باید طاق باشد ولااقل سه نفر مگر آنکه طرفین راضی باشند که یك خبره کافی است

ماده ۲۰۹ ش ـ فقط اشخاصی باید ممیزی را قبول کنند که بمناسبت علم یاشغل و یا کسب دارای معلوماتیکه لازم است باشند و ممیزین میتوانند استعفا نموده یا قانوناً مردود شوند .

ماده ۲۱۰ ش ـ درصورتیکه اهل خبره بتراضی طرفین تعیین شده باشند ردّ و یاتغییر آنها پذیرفته نمیشود مگر بتراضی و درصورتیکه در تعیین اهل خبره تراضی شده باشد ردّ آنان درمدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعیین راجع بتعیین اهل خبره باید اظهار شود مگر اینکه جهات ردّ معلوم شود ودرصورت اخیر ردّ اشخاص خبره که معین شده اند تاقبل ازصدور رأی آنها جائز است وجهات رد اهل خبره علاوه برعدم خبرویت همان جهات ردّ حکام است .

ماده ۲۱۱ ش ـ هرگاه تحقیقات درخارج از محلی که محکمه واقع است باید اجراشود محکمه میتواند تعیین اهل خبره را (در صورت عدم تراضی طرفین) بکسیکه مأموریت نظارت واجرای تحقیقات را دارد واگذار کند که در آنجا بقرعه معین کند .

ماده ۲۱۲ ش ـ اهل خبره باید عقیدهٔ خودرا باجهات آن کتباً اظهار کنند درصورتیکه اهل خبره نتوانند بنویسند یازبان فارسی را خوب

ندانند عقیدهٔ آنها را کسیکه از طرف محکمه مأمور نظارت است نوشته و این نکته را در صورت مجلس قید مینماید .

ماده ۲۱۳ ش ـ درصورتیکه تکمیل یا توضیح تحقیقات اهل خبره لازم شود محکمه میتواند تکمیل یا توضیح کامل را از آنان بخواهد و یاعقیدهٔ اشخاص خبرهٔ دیگریرا که مجدداً معین میشوند تحصیل کند .

ماده ۲۱۴ ش ـ حق‌الزحمهٔ اهل خبره را قبل از مباشرت آنان بتحقیقات درصورتیکه متداعیین معین نکرده‌اند باید محکمه تعیین کند و مقدار حق الزحمهٔ که معین میکنند بسته بکمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی است که اهل خبره متحمل شده‌اند ـ قرار محکمه دراین باب باید فوراً مجری شود واهل خبره نمیتوانند از این‌قرار محکمه شکایت نمایند .

ماده ۲۱۵ ش ـ درمواردیکه اهل خبره بعداز قبول مأموریت بدون عذر موجه حاضر نشوند یا حاضر شده و درموعد مقرر عقیدهٔ خود را اظهار ننمایند مستحق حق‌الزحمهٔ نیستند وبجای آنان موافق قانون اشخاص دیگری انتخاب یا معین خواهند شد

ماده ۲۱۶ ش ـ مخارج تحقیقات‌را بدواً هر کدام از متداعیین که رجوع بخبره‌را خواهش کرده باید بپردازد وهرگاه این‌اقدام‌را طرفین متفقاً خواهش کرده‌اند یابنظر محکمه رجوع باهل‌خبره لازم شده است مخارج بالمناصفه بعهدهٔ طرفین‌است .

ماده ۲۱۷ ش ـ درصورتیکه‌عقیدهٔ‌اهل‌خبره بااوضاع واحوال محقق ومعلوم مسئله موافقت نداشته‌باشد محکمه متابعت آن‌عقیده‌را نمینماید

د ـ در معاینهٔ محلّی

ماده ۲۱۸ ش ـ حاکم محکمه میتواند بنظر خودش ویابخواهش یکی ازمتداعیین برای معاینهٔ محلی خود بمحل رفته یاعضوعلی‌البدل یا مدیر دفترخود یا در صورتیکه محل خارج از حوزهٔ محکمه باشد حاکم بدایت یا امین صلح آن محل را مأمور معاینه نماید .

ماده ۲۱۹ ش ـ در قرارمحکمه راجع باجرای معاینهٔ محلی محل و موضوع و وقت معاینه باید معین شود .

ماده ۲۲۰ ش ـ صورت معاینه محلّی باید نوشته شود و بامضای اشخاصیکه معاینه را اجرا میدارند و متداعیین برسد نقشهٔ محل در صورت لزوم باید منضم بصورت مزبور بشود .

ماده ۲۲۱ ش ـ صورت مذکوره در جسهٔ محکمه قرائت میشود طرفین حق دارند که توضیحات شفاهی خود شان را بدهند ولی حق ندارند اعتراضی بکنند که بموجب معاینهٔ محلی مدلل شده ودرموقع ترتیب صورت معاینه آن اعتراض را نکرده اند .

ماده ۲۲۲ ش ـ صورت معاینهٔ محلّی را نمیتوان بواسطهٔ شهودی که درحین معاینه حاضرنبودندویاحاضر بوده واعتراضات خودرا در موقع صورت مجلس مزبور قید نکرده‌اند تکذیب کرد .

ماده ۲۲۳ ش ـ مخارج معاینهٔ‌محلی مطابق تعرفهٔ وزارتعدلیه‌است هرگاه معاینهٔ محلی را یکطرف خواستار شده مخارج آن برعهدهٔ اوست و اگر طرفین تقاضا کرده‌اند با بنظر محکمه بوده است بالمناصفه برعهدهٔ طرفین‌است .

مبحث پنجم ـ در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه

ماده ۲۲٤ ش ـ توقیف محاکمه درموارد مفصلهٔ ذیل بعمل میاید :
۱ ـ برضایت اصحاب دعوی .
۲ ـ در صورت فوت یا جنون یا مسلوب الحقوق شدن یکی از متداعیین یا وکیل یکی از آنها .

ماده ۲۲۵ش ـ درموارد فقرهٔ دوم مادهٔ قبل درصورتیکه محاکمه بدرجهٔ صدور حکم رسیده باشد یعنی مذاکرات شفاهی طرفین ختم شده باشد محکمه میتواند عقیدهٔ مدعی العموم را در مواردیکه قانون تقاضا میکند شنیده حکم بدهد .

ماده ۲۲٦ ش ـ درموقع عزیمت یکی ازمتداعیین بمحل مأموریت نظامی یا مأموریت دولتی یامسافرت عادی محاکمه توقیف نمیشود و محکـمه فقط مهلت کافی بعازم مسافرت یا مأموریت برای تعیین وکیل میدهد .

ماده۲۲۷ش ـ درصورت توقیف محاکمه محکمه میتواند بخواهش یکی از اصحاب دعوی مدعی به را موافق قانون تأمین نماید .

ماده ۲۲۸ ش تعقیب محاکمه بعداز توقیف با رضایت متداعیین و یا بخواهش یکی از آنان بعمل میآید ودرصورت آخری بایدعارض کتباً خواهش تعقیب محاکمه را بنماید .

ماده ۲۲۹ ش ـ تعقیب محاکمه درهمان محکمه بعمل میآید که توقیف شده است .

ماده ۲۳۰ ش ـ هرگاه محاکمه توقیف شده و در مدت یکسال

از تاریخ توقیف خواهش تعقیب محاکمه نشود آن محاکمه کأن لم یکن فرض خواهد شد و برای تجدید محاکمه عارض باید عرضحال مجدد بدهد .

ماده ۲۳۱ ش ـ هرگاه در دوسیهٔ محاکمهٔ توقیف شده اقرار و اعترافات طرف و اطلاع مطلعین ضبط شده باشد در محاکمهٔ مجدد متداعیین میتوانند از دوسیهٔ توقیف شده استفاده نمایند .

مبحث ششم ـ در رأی و حکم

ماده ۲۳۲ ش ـ رأی باید بامضای حاکم محکمه باشد و در جلسهٔ علنی محکمه قرائت شود ولو اینکه جلسهٔ محاکمه سری بوده .

ماده ۲۳۳ ش ـ محکمه بعداز امضای رأی حق تغییر آنرا ندارد .

ماده ۲۳۴ ش ـ در رأی نکات مفصلهٔ ذیل باید طور خلاصه قید شود :

۱ ـ تاریخ جلسه ۲ ـ اسم و شهرت مدعی و مدعی علیه .

۳ ـ موضوع دعوی وجهات ودلائل حکم وتصریح اجرای موقت درصورتیکه در آن باب رأی داده شده باشد وهمچنین تصریح باینکه مخارج محاکمه برعهدهٔ کیست .

ماده ۲۳۵ ش ـ رأی محکمه را باید خود حاکم انشاء کند .

ماده ۲۳۶ ش ـ حکم محکمه باید درظرف پنجروز از تاریخ صدور رأی انشاء شده بامضای حاکم محکمه ومدیر دفتر برسد .

ماده ۲۳۷ ش ـ رأی محکمه یا راجع به هیئت دعوی است کلیتاً و یا ببعضی مسائل که درحین رسیدگی بدعوی حادث ومطرح میشود رأی محکمه در صورت اولی حکم و در صورت ثانوی قرار

نامیده میشود .

ماده ۲۳۸ ش ـ احکام و قرارهای محکـمه را دفتر محکمه تهیه میکند .

ماده ۲۳۹ ش ـ درحکم باید نکات مفصلهٔ ذیل تصریح شده باشد

۱ ـ اسم‌وشهرت حاکم‌محکمه ۲ ـ اسم‌وشهرت متداعیین و وکلای آنها ۳ ـ موضوع دعوی وتقاضای متداعیین ۴ ـ خلاصهٔ عقیدهٔ مدعی‌العموم‌درصورتیکه‌اظهارعقیده کرده باشد ۵ ـ خلاصهٔ دلایل و اسناد هر یك از متداعیین ٦ ـ جهات و دلائل حکم ۷ ـ تصریح اجرای موقت درصورتیکه در آن باب‌رأی داده شده باشد ۸ ـ تصریح باینکه مخارج محاکمه بعهدهٔ کیست .

ماده ۲٤۰ ش ـ بعداز صدور حکم طرفین میتوانند آنرا دردفترخانهٔ محکمه قرائت نموده و سوادی ازآن یا از صورت مجلس و سایر اوراق دوسیه بگیرند .

ماده ۲٤۱ ش ـ مدیر دفتر تا پنجروز پس از صدور حکم باید سواد حکم‌را بمحکوم‌علیه یا وکیل او (بارعایت ماده۱۸۴ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوّب کمیسیون‌عدلیه‌مجلس‌شورای‌ملّی) ابلاغ کرده وهرگاه مخارج‌محاکمه پرداخته‌نشده باشدیادداشتی از محکمه بمدیر اجرا داده خواهدشد که مخارج‌را وصول نماید این یادداشت ازروزصدورحکم‌تا پنجروزبایدبمدیراجراداده شود

ماده ۲۴۲ ش ـ طرفین حق دارند سواد رأی کتبی محکمه را بخواهند . سوادها بامضای مدیر دفتر محکمه میرسد .

ماده ۲۴۳ ش ـ هرگاه مدیر دفتر قبل از اینکه حکم موافق قانون بامضا برسد سواد آنرا بکسی بدهد ازشغل خود منفصل و بخدمت دولتی قبول نخواهد شد .

ماده ۲۴۴ ش ـ هرگاه مدعی‌های عمومی عندالمداقه دراصل احکام ملاحظه کنند که برخلاف قوانین صادر شده است بوظیفهٔ خود رفتار مینمایند .

ماده ۲۴۵ ـ هیچ حکم یا قراری را نمیتوان مجری داشت مگر اینکه بطرفین یاوکیل آنان ابلاغ شده باشد . طریقهٔ ابلاغ احکام مطابق قواعدی است که برای ابلاغ عرضحال وسایر اوراق مقرر است .

ماده ۲۴۶ ش هرگاه وکیل استعفا کرده یا فوت شده باشد اعلانات و ابلاغات لازمه باقید جهة آن بموکل میشود .

مبحث هفتم ـ درحکم غیابی و اعتراض

مادهٔ ۲۴۷ ش ـ در اموری که محاکم عدلیه رسیدگی مینمایند اگر یکی‌از متداعیین جواب کتبی را که باید بمحکمه ارسال دارد در موقع مقرر ارسال ننماید یا درموعد مقرر حاضر نشود و اسقاط حضور هم ننماید محکمه بترتیب ذیل عمل خواهد کرد :

۱ ـ هرگاه تخلف از طرف مدعی‌علیه باشد محکمه بخواهش مدعی یا بقضیه رسیدگی کرده حکم میدهد و یا بمدعی علیه مهلت خواهد داد .

۲ ـ اگر تخلف ازطرف مدعی باشد بتقاضی محکمه مدعی‌علیه

عرضحال اورا ابطال و حکم خسارت وارده بر اورا میدهد .
۳ ـ هرگاه تخلف از طرفین باشد بدون اینکه خواهش رسیدگی غیابی کرده باشند یا از یکطرف باشد ولی تقاضای صدور حکم غیابی یا ابطال عرضحال نشود رسیدگی بدعوی از نوبت خارج و به آن کار رسیدگی نخواهد شد تا وقتیکه مدعی رسیدگی بدعوی را بخواهد

ماده ۲۴۸ ش ـ هرگاه مدعی علیه حاضر نشد ولی در جواب کتبی خود از محکمه خواهش نمود که درغیاب او بموجب جوابی که داده است رسیدگی کرده و حکم بدهد این حکم محکمه غیابی نخواهد شد در این موارد اگر مدعی علیه از محکمه خواهش کند که سواد حکم محکمه را باقامتگاهی که در تقاضانامه معرفی میکند برسانند ـ منوط بنظر محکمه است که حضور مدعی علیه را در این موارد برای دادن توضیحات شفاهی بخواهد یا نه

ماده ۲۴۹ ش ـ مدعی نیز میتواند خواهش کند که محکمه در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد و چنین حکمی غیابی محسوب نخواهد شد هرگاه حضور مدعی را محکمه برای دادن توضیحات شفاهی لازم بداند میتواند اورا احضار کند و اگر مدعی حاضر نشد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد و یا بخواهش مدعی علیه شروع برسیدگی میکند .

ماده ۲۵۰ ش ـ هرگاه مدعی علیه درجلسهٔ محاکمه حاضر نشده ولی قبل از اینکه محکمه رأی بدهد حاضر شد محکمه حضور اورا

پذیرفته توضیحات شفاهی که لازم بداند از او میخواهد ولی دلائل جدید یا تقاضای تجدید جلسه اراو پذیرفته نخواهد شد و حکمی که پس از آن صادر میشود غیابی محسوب نمیشود .

ماده ۲۵۱ ش ـ هر گاه در کاری مدعی علیهم متعدد باشند وبعضی هم حاضر شده وبرخی حاضر نشوند حکم محکمه بعداز رسیدگی بآنان که حاضر نشده‌اند غیابی خواهدبود ـ همینطوراست درموارد مدعی‌های متعدد حکمی که با حضور بعضی از آنان صادر میشود نسبت بغائبین از آنان غیابی محسوب خواهد بود .

ماده ۲۵۲ ش ـ مدیر دفتر باید سوادحکم محکمه‌را بمحکوم علیه غایب یا وکیل او درظرف پنجروز پس ازصدورحکم ابلاغ نماید .

ماده ۲۵۳ ش ـ محکوم‌علیه غائب میتواند برحکم غیابی اعتراض نماید و مدت این اعتراض ده روز است ـ قبل از انقضاء مدت مزبوره اجرای حکم غیابی جائز نیست مگر درمواردیکه محکمه قانوناً حکم اجرای موقت را داده باشد .

ماده ۲۵٤ ش مدت مذکوره در ماده قبل از تاریخ ابلاغ واقعی سواد حکم غیابی بمدعی علیه غائب حساب میشود و حق مسافت هم برای هر شش فرسخ محل اقامت محکوم علیه غائب از مقر محکمه یك روز منظور میشود .

ماده ۲۵۵ ش هر گاه محکوم علیه غایب در مدت مقرره اعتراض ننمود اعتراض‌او دیگر پذیرفته نخواهد شد ولی مشارالیه میتو اند در مدت مقرر حکم صادر را استیناف نماید .

ماده ۲۵٦ ش ـ دراعتراض خود برحکم غیابی محکوعلیه غایب باید یا جواب دعوی مدعی را بدهد یا اگر جواب خود را سابقاً داده است بآن اشاره کرده فسخ حکم غیابی را خواستار شود .

ماده ۲۵۷ ش ـ عرضحال اعتراض در دومورد بصاحبش عودت داده میشود :

۱ ـ درصورت انقضاء مدت اعتراض .

۲ ـ درصورتیکه وکیل وکالت نامهٔ خود را بعرضحال ضمیمه نکرده باشد ومراتب درصورت مجلس محاکمه قید میشود .

ماده ۲۵۸ ش ـ عرضحال اعتراض درموارد ذیل بلااثرمیماند و قرارمحکمه درآنباب بصاحب آن اعلام میشود که نواقص رارفع نماید.

۱ ـ وقتیکه موافق تعرفه که قانوناً مقرر است مخارج محاکمه تأدیه نشده باشد .

۲ ـ وقتیکه عدهٔ سواد ها بقدر کفایت نباشد (درصورتیکه سواد سندی باعتراض نامه منضم بوده باشد)

ماده ۲۵۹ ش ـ قرارمحکمه را درباب عدم قبول عرضحال اعتراض برحکم غیابی میتوان علیحده ازحکم غیابی محکمه دراصل دعوی استیناف نمود ولی قرار محکمه را درباب قبول عرضحال اعتراض فقط میتوان باحکم ثانوی در اصل دعوی استیناف کرد .

ماده ۲٦۰ ش ـ مدیردفتر درظرف دو روز سوادی ازعرضحال اعتراض ومنضمات آن برای طرف مقابل فرستاده و مشارالیه باید درظرف ده روز لایحهٔ جوابیه را بفرستد این لایحه با منضمات

آن بطرف ابلاغ شده درهمان موقع جلسهٔ محاکمه تعیین وبطرفین ابلاغ میشود .

ماده ۲۶۱ ش ـ هرگاه معترض پس از دادن لوایح درجلسهٔ محاکمه حاضرنشده بوده و همچنین اگرمحاکمه اختصاری باشد مدیردفتردرضمن ارسال عرضحال اعتراض ومنضمات روز جلسه را بطرفین ابلاغ میکند محکمه پس از رسیدگی مجدد حکم میدهد وحکم سابق از اعتبار خواهد افتاد .

ماده ۲۶۲ بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ و جای آن ماده ۶۵ بطریق ذیل مقرر شده است

ماده ۶۵ ت ـ قرار اجرای موقت احکام غیابی فقط باحکم قابل اعتراض است و دراینصورت محکمه مکلف است طرفین را خارج از نوبت احضار کرده وقبلا نسبت باعتراض برقرار رسیدگی کند .

ماده ۲۶۳ ش ـ هرگاه محکوم علیه غائب بعد از اعتراض و قبول اعتراض او برای رسیدگی ثانوی نیز حاضر نشد وحکم غیابی ثانوی صادر شد محکوم علیه دیگر نمیتواند بر حکم غیابی ثانوی مجدداً اعتراض نماید ولی میتواند حکم ثانوی را در مدت مقرر استیناف نماید .

ماده ۲۶۴ ش ـ هرگاه حکم غیابی بمحکوم علیه ابلاغ و محکوم له تقاضای اصدار ورقه اجرائیه نکرده و یا بعد از صدور ورقه اجرائیه عدم اجرای آن مستند بخود محکوم له باشد و یکسال از تاریخ صدور حکم غیابی درصورت اول و از تاریخ صدور ورقه اجرائیه در صورت دوم گذشته باشد حکم غیابی از اعتبار افتاده واگرمدعی بخواهد میتواند بارعایت قانون تجدید عریضه نماید .

مبحث هشتم - اجرای موقت

ماده ۲۶۵ ش - اجرای موقت احکام فقط بخواهش یکی از متداعیین میشود و آنهم مخصوص است بموارد مفصلهٔ ذیل :

۱ - وقتیکه حکم بموجب اسناد رسمی صادر شده ویا بموجب اسناد عادی که طرف اعتبار آن اسناد را اعتراف کرده .

۲ - وقتیکه موعد اجاره منقضی شده و بموجب حکم محکمه محکوم شده است برد یاتسلیم یاتخلیهٔ عین مستأجره .

۳ - در موقعیکه محکمه حکم کرده است که عین مدعی‌به از تصرف عدوانی خارج شده و بمالك ذیحق تسلیم شود .

۴ - وقتیکه در منازعات راجعه باجیر نمودن واجیر شدن حکم محکمه در باب مرخصی اجیر صادر شده است .

۵ - در کلیهٔ مواردیکه اوضاع واحوال مدلل کند که بواسطهٔ تأخیر اجرای حکم یاقرار محکمه خسارت کلی برای محکوم‌له حاصل خواهد شد ویا اینکه تأخیر باعث عدم اجرای حکم یا قرار درآتیه خواهد بود .

ماده ۲۶۶ ش - شخصی که تقاضای اجرای موقت میکند باید تأمینی بدهد و تأمینی که از اوخواسته میشود بطوری است که در قانون تأمین مدعابه معین است درصورتیکه محکوم‌به وجه نقد باشد بعد از وصول در صندوق عدلیه توقیف میشود و محتاج بتأمین دیگری نخواهد بود .

ماده ۲۶۷ ش - محکمه میتواند نسبت بخواهش اجرای موقت

موضوع کلی قرار اجرای بعضی از اجرای آنرا بدهد ولی درصورتیکه تفکیک جزء از کل ممکن باشد .

ماده ۲۶۸ ش ـ درصورتیکه از اجـزای موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی وارد بیاید که نتوان مقدار آنرا صحیحاً معین کرد و تأمین از محکوم له گرفت خواهش اجرای موقت پذیرفته نمیشود .

ماده ۲۶۹ ش ـ هرگاه مدعی تقاضای اجرای موقت کرده و محکمهٔ ابتدائی در حکم خود راجع باجرای موقت قراری نداده باشد دیگر نمیتواند درآن بـاب رأی بدهد و محکوم‌له فقط میتواند بمحکمهٔ استیناف رجوع نموده اجرای موقت را بخواهد .

ماده ۲۷۰ ش ـ محکمهٔ استیناف خواهش محکوم له را بطرف ابلاغ کرده معجلاً رسیدگی کرده حکم میدهد بدون اینکه رسیدگی بخواهش اجرای موقت را منوط برسیدگی بماهیت دعوی بداند .

باب دوّم

اصول محاکمات اختصاری

مبحث اوّل ـ موارد محاکمهٔ اختصاری

ماده ۲۷۱ ش ـ درموارد مفصلهٔ ذیل قواعد محاکمهٔ اختصری باید رعایت شود :

اولا ـ دعاوی حاصله از معاملات و قراردادهائی که موضوع آن وجه یا اموال منقوله باشد مشروط براینکه میزان مدعی به از ششصد تومان تجاوز نکند .

ثانیاً ـ دعاوی حاصله ازاجاره واستجارهٔ خانه وانبار و دکاکین و امثال آن .

ثالثاً ـ ادعای خسارت وارده بر اموال منقوله مشروط براینکه میزان بیش از ششصد تومان نباشد .

رابعاً ـ منازعات واختلافات که ازاجرای احکام حاصل میشود .

مبحث دوّم ـ ترتیب محاکمهٔ اختصاری

ماده ۲۷۲ ش ـ در محاکمهٔ اختصاری دفتر محکمه روز جلسهٔ رسیدگی را معین کرده طرفین را اخطار میکنند وسواد عرضحال و اسناد مدعی را برای مدعی‌علیه میفرستند ، اینموعد باید طوری معین شود که مابین ابلاغ احضارنامه و روز رسیدگی کمتر از پنج روز و بیشتر از ده روز نباشد . بموعد مزبور مدت مسافت هم اضافه میشود

ماده ۲۷۳ ش ـ در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی‌علیه از محکمه بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روزجلسه را زودتر از موعدیکه درمادهٔ قبل مقرر شده معین نماید .

ماده ۲۷۴ ش ـ مدعی باید تمام اسناد خود یا سواد آنها را با عرضحالی که میدهد تقدیم کند ومدعی‌علیه باید تمام اسناد خود را دراون جلسه محاکمه که حاضر میشود ابراز نماید .

ماده ۲۷۵ ش ـ درصورتیکه مدعی‌علیه نتوانسته باشد بواسطهٔ کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق‌دارد تعویق جلسه را تقاضا کند وهر گاه محکمه خواهش مدعی‌علیه رامقرون بصحت دانست جلسهٔ دیگری معین میکند وتأخیر آن جلسه دیگر جائز نیست مگر بتراضی طرفین

ماده ۲۷۶ ش ـ مدعی نیز میتواند تعویق جلسه را بخواهد ولی فقط درصورتیکه مدعی‌علیه اقامهٔ دلائلی کند که تکذیب آن برای مدعی مقدور نباشد مگر بارائه اسناد جدیدی دراینصورت برای حضر کردن اسناد جدید جلسهٔ دیگری معین‌میشود وتعویق‌جلسهٔ دیگرجائز نیست مگر بتراضی‌طرفین ـ هر گاه محکمه یقین‌حاصل کند که دعوی پیچیده ومشکل بوده وبمدافعات شفاهی واضح نمیشود میتواند بطرفین تکلیف کند که هر کدام در اوراق کتبی تقاضا و دلائل‌خودشان را بمحکمه تقدیم کنند .

ماده ۲۷۷ ش ـ سایر ترتیبات محاکمهٔ اختصاری مثل ترتیبات محاکمهٔ عدی است .

استیناف

از اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷

ماده ۳۵ ص ـ درهرحوزهٔ استینافی‌یك محکمهٔ استینافی‌تشکیل میشود ـ محاکم استیناف احکام و قرارهای محاکم ابتدائی حوزهٔ

خودرا درامور حقوقی وجزائی استینافاً رسیدگی مینمایند . وزیر عدلیه عدهٔ حوزه ها و شعب استیناف و مقر آنها را با ملاحظهٔ مقتضیات تعیین خواهد نمود .

ماده ۳٦ ص ـ هرمحکمهٔ استیناف مرکب است ازیکنفر رئیس و دونفرعضو ودرصورت تعدّد شعب رئیس‌شعبه اول‌سمت ریاست کل‌را خواهد داشت .

هر شعبهٔ استیناف ممکن است دارای یك عضو علی‌البدل باشد .

مادهٔ الحاقیه باصول تشکیلات مصوب ۲۷ ر۷ ر۱۱

برای رسیدگی استینافی به احکام و قرارهای حقوقی و جزائی محاکم ابتدائی محکمه استیناف ممکن است ازدونفرتشکیل‌شود و رأی آن دونفر درصورت اتفاق مناط اعتبار خواهد بود درهر موردیکه بین آن دونفر اختلاف نظر حاصل‌شود یکنفر دیگراز اعضاء استیناف به‌تعیین رئیس کل استیناف برای مشاوره ورأی در موضوع مورد اختلاف ضمیمه خواهد شد ـ در اینصورت رأی اکثریت قاطع‌است ـ درصورت نقض‌حکم محکمهٔ استیناف دیوان تمیز رسیدگی مجدد را به شعبه دیگر همان محکمه یا محکمهٔ استیناف حوزه دیگری ارجاع مینماید .

• کتاب دوّم ـ قانون آزمایش

مبحث اول ـ احکام قابل استیناف

ماده ۲۷۸ ش ـ احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی در موعدیکه قانون معین مینماید قابل استیناف است .

ماده ۲۷۹ ش ـ احکام مفصلهٔ ذیل قابل استیناف نیست :

۱ ـ احکامیکه از محاکم ابتدائی استینافاً صادر شده (نسبت باحکام محاکم صلحیه)

۲ ـ احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی که بواسطهٔ انقضای موعد استیناف قطعی شده‌اند .

۳ ـ حکم محکمهٔ ابتدائی که برطبق حکم محضر شرع مرضی‌الطرفین یا ترافع حضوری ویا مطابق حکم محکمهٔ شرعی صادر شده باشد .

۴ ـ احکامیکه بر طبق حکم حکم یا مصدقین صادر شده است که متداعیین بموجب سند در تعیین آنان تراضی کرده رأی آنها را قاطع دعوا دانسته اند .

۵ ـ درصورتیکه متداعیین بموجب سند تراضی کرده باشند که بدعوای آنان فقط یکدفعه رسیدگی و بطور قطعی حکم صادر شود .

۶ ـ احکام مستند باقرار .

اسناد یا صورت مجلس در دو مورد مذکور در فقرهٔ ۴ و ۵ باید

بامضای اصحاب دعوی ممضی باشد .
ماده ۲۸۰ ش ـ دعوائیکه غیرقابل استیناف است درصورتیکه متداعیین هم باستیناف آن راضی باشند و درحکم محکمهٔ ابتدائی هم ذکرنشده باشد که آن حکم بطور قطعی صادر شده است استیناف نمیشود حتی اگر اتفاقاً در آن حکم قید شده باشد که استیناف آن ممکن است باز آن حکم را استیناف نمیتوان نمود .
ماده ۲۸۱ ش ـ هیچیك از قرارها و اقدامات محکمه را نمیتوان قبل از حکم استیناف نمود مگر آنچه را که قانون قابل استیناف دانسته باشد .
ماده ۲۸۲ ش ـ لازم است تقاضای استیناف از طرف مدعی یا مدعی‌علیه ویاقائم‌مقام آنان مثل وراث واوصیاء و وکلاء مأذون در استیناف وسایراشخاصی که قانوناً این سمت را دارند بشود .

مبحث دوّم ـ در موعد استیناف

ماده ۲۸۳ ش ـ مهلتی که برای استیناف احکام محاکم ابتدائی معین شده است برای اشخاصیکه در ایران مقیمند ده روز است و برای کسانیکه در خارجه مقیمند مدت موافق ماده ۴۲ است مهلت استیناف ازتاریخ ابلاغ حکم محسوب میشود .
ماده ۲۸٤ ش ـ هرگاه در محل اقامت یکی ازمتداعیین که در ایران مقیمند محکمهٔ ابتدائی یا صلحیه نباشد بر مدت مقرر بهر ششفرسخ از محل اقامت مستأنف تا نزدیکترین محکمه یکروز علاوه میشود .

ماده ۲۸۵ ش ـ درموارد حکم غیابی مدت استیناف از روز انقضای مهلت اعتراض محسوب میشود .

ماده ۲۸۶ ش ـ مهلت استیناف قرارهای محکمه که قابل شکایت استینافی است از تاریخ اعلام قرار در محکمه و اگر اعلام نشده باشد از تاریخ ابلاغ ده روز است .

ماده ۲۸۷ ش ـ اگر صدور حکم از روی سند مجعول باشد مدت مهلت استیناف از تاریخ اثبات جعلیت آن سند در محکمه محسوب میشود . و اگر یکی از طرفین را سندی بوده باشد که مدار حکم بر آن سند است و محکومیت طرف مذکور بواسطهٔ کتمان آن در دست طرف مقابل باشد مهلت استیناف از تاریخ وصول آن سند بدست صاحب خود شروع میشود . در صورت آخری صاحب سند باید روز وصول سندرا بدست خود ثبت نماید .

ماده ۲۸۸ ش ـ درصورت فوت یا جنون مستأنف قبل از انقضای مدت استیناف جریان استیناف توقیف شده و ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بوراث یا قائم مقام مستأنف محسوب خواهد شد . ابلاغ حکمرا میتوان بتمام وراث من‌حیث‌المجموع نمود بدون تعیین اسم و شغل آنان .

ماده ۲۸۹ ش ـ با انقضای مدت استیناف حق استیناف هریک از طرفین ساقط میشود ولی اگر در مدت استیناف از طرف قائم مقام طرفین استیناف نشده باشد متضرر حق خواهد داشت که در محکمهٔ ابتدائی بر قائم مقام خود اقامهٔ دعوی نماید .

مبحث سوم - درعرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی

مادهٔ ۲۹۰ ش - استیناف دعوی بتقدیم عرضحال میشود و این عرضحال را میتوان مستقیماً بمحکمهٔ استیناف یامحکمهٔ که حکم داده است تقدیم کرد و یا محکمهٔ ابتدائی یا محکمهٔ صلحیهٔ محل اقامت مستأنف یا نزدیکترین محکمه بمحل اقامت او - تاریخ تقدیم عرضحال و ثبت آن در دفتر که بلافاصله باید بعمل آید ابتدای دعوای استینافی خواهد بود .

ماده ۲۹۱ ش - در عرضحال باید اسم و شهرت و شغل ومحل اقامت مستأنف ومستأنف‌علیه وحکم یا قراری که استیناف میشود واینکه صدور آن از کدام محکمه‌است وتاریخ ابلاغ آن بمستأنف و ادعا و اعتراضات مستأنف درج شود - وکالت نامه مصدق وکیل در صورتی که عرضحال راوکیل تقدیم میکند بایدضمیمهٔ عرضحال شود

ماده ۲۹۱ ش مکرر - هر عریضهٔ استینافی که دارای شرایط مذکوره در ماده ۲۹۰ نباشد بمجری نیفتاده و باید درظرف دو روز از تاریخ ورود عرضحال بدفترخانهٔ محکمهٔ که عرضحال بآنجا داده شده ازطرف دفترخانهٔ مذکوره بعارض اعلام شودکه درظرف دو روز ازتاریخ اعلام‌نواقص‌را رفع واگرمرتب شدن عریضهٔ جدیدی محتاج باشد تا انقضای مهلت استیناف تجدید نماید و اگرعرضحال را تکمیل نکرد عریضهٔ استیناف رد میشود .

ماده ۲۹۲ ش - در صورتیکه مهلت استیناف منقضی شده باشد

عرضحال مستأنف بموجب قرار محکمهٔ استیناف رد میشود .

ماده ۲۹۳ ش ـ اگر عرضحال مستقیماً بمحکمهٔ استیناف داده شود سواد مصدق عرضحال بامنضمات آن بمستأنف علیه ابلاغ میشود ومشارالیه درظرف ده روز لایحهٔ در دونسخه که متضمن جوابهای اوست ترتیب داده و بمحکمه تقدیم مینماید مدیر دفتر محکمه باید درظرف دو روز لایحه و منضمات آنرا برای مستأنف فرستاده و درهمان ضمن جلسه رسیدگی معین وبطرفین اعلام میشود .

ماده ۲۹۴ ش ـ درصورتیکه عرضحال استینافی بدفتر محکمهٔ داده شود که از محکمه حکم صادر شده است مدیر دفتر آنمحکمه مکلف است در ظرف دو روز سواد مصدق عرضحال و منضمات آنرا بمستأنف علیه ابلاغ نماید که مشارالیه درظرف ده روز لایحهٔ جوابیهٔ خودرا بفرستد و پس از انقضاء مدت مزبور مدیر دفتر در اولین پست عرضحال و منضمات ولایحهٔ جوابیه را اگر داده شده باشد بمحکمهٔ استیناف ارسال میدارد چنانچه عرضحال استینافی بمحکمهٔ دیگری تقدیم شده باشد آنمحکمه مکلف است آنرا بامنضمات در اولین پست بمحکمهٔ استیناف بفرستد .

ماده ۲۹۵ ش ـ هریک از مستأنف ومستأنف علیه باید شخصاً یا وکیل آنان در روز معین در محکمهٔ استیناف حضور بهمرسانند و اگر یکی از آنان برخلاف این قاعده رفتار کرد بموجب درخواست طرف حکم غیابی داده میشود ولی دراینصورت محکوم علیه میتواند

برحسب قانون درمحکمهٔ استیناف بآن حکم اعتراض نماید .

ماده ۲۹۶ ش ـ در موارد استیناف احکامی که با ترتیبات اختصاری صادرشده‌است ترتیب لایحه ازطرف مستأنف ومستأنف علیه لازم نیست ونسخهٔ ثانوی عرضحال بااحضاریه بطرف مقابل ابلاغ و برای جلسهٔ که معین شده‌است احضار میشود .

ماده ۲۹۷ ش ـ اگردرحکم مستأنف عنه قرار اجرای موقت داده نشده باشد استیناف ازحکم اجرای آنرا بتأخیر میاندازد .

ماده ۲۹۸ س بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ و بجای‌آن ماده ٦٦ بطریق ذیل تصویب گردیده است .

ماده ٦٦ ت ـ استیناف ازحکم موجب توقیف قراراجرای موقت نمیشود ولواینکه در ضمن استیناف ازحکم نسبت بقرار اجرای موقت نیز شکایت شده باشد ولی در این مورد محکمه مکلف است طرفین را خارج از نوبت احضار کرده قبلا بقرار اجرای موقت رسیدگی نماید .

ماده ۲۹۹ ش ـ اگرمحکمهٔ ابتدائی در مواردیکه قانوناً مأذون باصدارحکم قطعی بوده درحکم خود قطعی بودن حکم راقید ننماید و یا قید کنند که آن حکم قابل استیناف است استیناف آنحکم قبول نخواهدشدوهر گاه محکمه‌درمواردیکه مأذون باصدارحکم قطعی نبوده درحکم خود قطعی بودن آنرا قید کرده باشد استیناف آن حکم قبول خواهد شد . در مورد اخیر محکمهٔ استیناف اجرای حکم را تعطیل نمیکند تا وقتی که غیر قطعی بودن آن ثابت شود

مبحث چهارم - درشرائط و ترتیب رسیدگی استینافی

ماده ۳۰۰ ش - ممکن نیست که در محکمهٔ استیناف ادعای جدیدی نمود یعنی ادعای غیراز آنکه درمحکمهٔ ابتدائی شده‌است ولی دعاوی مفصله ادعای جدید محسوب نمیشود .

۱ - اگرمستأنف تقاضای تأدیهٔ قیمت مالی‌را بنماید که درمحکمهٔ ابتدائی محکوم‌به بوده است که طرف فروخته و یا مفقود داشته

۲ - درصورتیکه درمقابل اصل ادعا که راجع بطلب باشد ادعای تقاص یاحساب بشود .

۳ - ادعای وجه اجاره وسایر متفرعات ازقبیل‌ضرر وزیان که بعد ازصدور حکم ابتدائی بمدعی‌به اصلی تعلق گرفته .

تبصره - ابراز دلائل جدید ادعای جدید نیست .

ماده ۳۰۱ ش - کسی غیر از صاحبان دعوی که در محاکمهٔ ابتدائی بوده اند حق ندارد داخل دعوای استینافی‌شود مگر در مواردیکه قانون اجازه داده است .

ماده ۳۰۲ ش - اگرمستأنف دعوای خودرا بدون عذر موجه قانونی‌سه ماه متوالی‌ترک نماید بنابخواهش‌مستأنف علیه محکمه در صورتیکه هنوزازطرف مستأنف تقاضای‌تعقب نشده باشددرسقوط دعوای استینافی قراری داده وحکم محکمهٔ ابتدائی بمنزلهٔ حکم قطعی‌محسوب میشود اعم‌ازاینکه آن‌حکم‌درمحکمهٔ استیناف فسخ شده یانشده باشد .

ماده ۳۰۳ ش ـ اصول وقواعدیکه درمحاکم ابتدائی درخصوص ترتیبات محاکمه و صدورحکم رعایت میشود درمحاکم استیناف نیز فرعی خواهد بود مگردر مواردیکه صریحاً تکلیف آنها در اینباب معین است .

تبصره ـ درمواردیکه درمحاکم بدایت تحقیقات واجرای مقررات محکمه بعهدهٔ عضوعلی‌البدل یا مدیر دفترواگذارشده در آن موارد درمحکمهٔ استیناف یکی از اعضاء وعضوعلی‌البدل محکمه بتعیین رئیس اطاق آن وظایف را انجام میدهد .

ماده ۳۰۴ ش ـ هرگاه محکمهٔ استیناف اعتراضات مستانف را وارد دید حکم بدایت را فسخ کرده وخود حکم میدهد والاحکم ابتدائی را تأیید خواهد کرد .

ماده ۳۰۵ ش ـ پس ازاعلان ختم محاکمه محکمه هرگاه بتواند فوراً رأی میدهد والارئیس واعضاء باطاق مشاوره رفته وپس از مشاوره رأی میدهند ـ در امورغامضه که مشاورهٔ طولانی لازم داشته باشد محکمه میتواند منتهی تاپنج روز صدور رأی را بتأخیر بیندازد و این نکته باید در دوسیه قید شود .

ماده ۳۰٦ ش ـ اتخاذ رأی باین ترتیب بعمل میآید که رئیس محکمهٔ اول از رأی عضوی که نسبت بدیگران سابقهٔ خدمت قضائی او کمتر است شروع کرده و بعد ازهمه رأی خود را اظهار مینماید ورأی محکمه باید باکثریت آراء باشد .

ماده ۳۰۷ ش ـ هرگاه باحکامی که از محکمهٔ استنیاف غیاباً صادر میشود اعتراضی شود بدعوای اعتراض در خود محکمهٔ استیناف بروفق اصول محاکمات رسیدگی خواهد شد .
ماده ۳۰۸ ش ـ احکام حضوری که از محاکم استیناف صادر میشود وهمچنین احکامیکه غیاباً صادر شده ودر موعد مقرربرای اعتراض عریضه اعتراض‌داده نشده باشد قطعی محسوب میشود .

کتاب سوم

در وسائل فوق‌العاده برای اعتراض برحکم

مبحث اول ـ در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم

ماده ۳۰۹ ش ـ اگردرخصوص دعوائی‌حکمی‌صدرشود که بر حقوق‌شخص‌ثالث خللی‌وارد آورد آنشخص چه اصالتاً وچه‌بتوسط وکیل نه‌درحین‌محاکمه و صدورحکم بمحکمه احضارشده‌ونه‌در محاکمه دخالت کرده‌باشدممکن‌است که‌بر آن‌حکم‌اعتراض نماید.
ماده ۳۱۰ ش ـ درمورد مادهٔ قبل‌شخص ثالث حق‌دارد که بهر گونه‌حکم و قرار صادر ازمحاکم ابتدائی‌واستیناف اعتراض‌نماید وهمچنین‌حکم حکم‌درحق‌غیر از کسانیکه اورامعین کرده‌اند نافذ و مجری‌نیست ـ شخص ثالث میتواند برحکم اوهم اعتراض‌نماید
ماده ۳۱۱ ش ـاعتراض مذکور در دو مادهٔ قبل‌بردوقسم است :

اعتراض اصلی و اعتراض طاری (غیراصلی) . اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتدا از طرف شخص ثالث واقع شود در حالی که فیمابین او وشخصی که حکم درحق او صادر شده است سابقاً دعوائی بوقوع نرسیده باشد ـ اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض یکی از طرفین است برحکمی که سا بقاً ازیك محکمه صادر شده و در اثنای محاکمه طرف دیگر برای اثبات مدعای خود آن حکم را ابراز نموده .

ماده ۳۱۲ ش ـ هرگاه محقق شود که دعوای شخص معترض بی‌اصل است معترض بتحمل خساراتی کـه از بابت اعتراض او بطرف مقابل وارد آمده و ثابت شده محکوم میشود .

ماده ۳۱۳ ش ـ اعتراض اصلی را باید بموجب عریضه تقدیم نمود و این عریضه بمحکمهٔ رجوع میشود که حکم معترض‌علیه از آنجا صادرشده ترتیب محاکمه مثل ترتیب محاکمهٔ بدوی‌است.

ماده ۳۱۴ ش ـ اعتراض طاری (غیراصلی) بدون اینکه محتاج بتقدیم عرضحال جدید باشد بمحکمهٔ که دعوی در آنجا رؤیت میشود داده خواهـد شد ولی اگر درجهٔ آنمحکـمه پائین تراز محکمهٔ باشد که حکم معترض‌عایه را صادر کرده است لازم است که معترض عریضه بمحکـمهٔ که حکم را صادر کرده است تقدیم نماید و طرفین موافق اصول در آن محکمه محاکمه کنند .

ماده ۳۱۵ ش ـ ممکن است که اعتراض طاری(غیراصلی)تاروز

اجرای حکم معترض علیه اقامه شود وبعد از اجرای حکم معترض علیه هم شخص ثالث میتواند اعتراض نماید - هرگاه مدلل نماید که حقوقی که اساس ومأخذ اعتراض است بجهتی از جهات قانونی ساقط نشده است.

ماده ۳۱۶ ش - درصورت وقوع اعتراض طاری (غیر اصلی) از طرف شخص ثالث هرگاه محکمه موافق اصول و کیفیت مسئله مشاهده کند حکمیکه در خصوص اعتراض مذکور صادر میشود تغییر در اصل دعوی خواهد داد حکم اصل دعوی را بتأخیر انداخته منتظر نتیجهٔ دعوای اعتراض میشود والا بدعوای اصلی رسیدگی کرده منفرداً قطع مینماید.

ماده ۳۱۷ ش - اعتراض شخص ثالث اجرای احکام قطعی را بتأخیر نمی اندازد ولی اگر ثابت گردد که از اجرای حکم معترض علیه خطر یاضرری واقع خواهد شد که جبران آن در آتیه ممکن نخواهد بود محکمهٔ که دعوای اعتراض در آن اقامه شده است بعد از تحصیل تأمین صحیح از شخص معترض قراری در تأخیر اجرای حکم معترض علیه بمدت معین میدهد.

ماده ۳۱۸ ش - اگر محقق شود که اعتراض شخص ثالث مقبول است از حکم معترض علیه فقط مواد راجعه بحقوق شخص معترض رد میشود و باقی مواد حکم بحال خود باقی میماند ولی اگر مواد حکم مذکور غیر قابل تفکیک باشد دراینصورت کلیهٔ آن احکام رد میشود.

در اعادهٔ محاکمه

(تجدیدنظر) از اصول محاکمات حقوقی
مبحث اول ـ در موارد اعادهٔ محاکمه

ماده ۵۲۴ ح ـ درصورت وجود یکی از جهات اعادهٔ محاکمه در احکامی که بطور قطعی حضوراً ازمحاکم ابتدائی و استیناف صادر شده و همچنین در احکامیکه غیاباً صادر و قطعی شده (بواسطهٔ انقضای مدت اعتراض درمحکمهٔ استیناف وانقضای مدت استیناف احکام غیابی محکمهٔ ابتدائی)میتوان اعادهٔ محاکمه نمود .

ماده ۵۲۵ ح ـ در اینصورت باید خود یا وکیل شخصی که مستدعی اعادهٔ محاکمه است عریضهٔ متضمن استدعای خود تقدیم و جهة یا جهاتی راکه برای اعادهٔ محاکمه قانوناً معین شده است در عریضهٔ خود بیان نماید .

ماده ۵۲۶ ح ـ جهات اعادهٔ محاکمه ازقرارتفصیل ذیل است : ۱ ـ صدورحکم درمطلبی که موضوع ادعا نبوده ۲ ـ درصورتیکه حکم بمقدار بیشتر از مدعابه صادر شده است ۳ ـ درصورتیکه ازمحکمهٔ ابتدائی یا استیناف حکم قطعی صادرشده وحکم مذکور مغایرباحکم سابقی است که همان محکمه درخصوص همان دعوی و مابین همان اصحاب دعوا داده است بعبارة اخری در صورت صدورحکم جدیدی برخلاف حکم سابق بدون اینکه سبب قانونی وجود داشته وموجب این مغایرت باشد .

۴ ـ درموردیکه درمفاد یك حکم مواد متضاد باشد .
۵ ـ درصورتیکه طرف مقابل مستدعی اعادهٔ محاکمه حیله و تقلبی نموده باشد که درحکم محکمه اثری داشته باشد .
۶ ـ اگرثابت گردد که اسناد و نوشتجاتی که اساس حکم وقرار محکمه اتخاذ شده است مزور و مجعول بوده است .
۷ ـ اگر بعد از صدور حکم اسناد و نوشتجاتیکه راجع به آن حکم است بدست صاحب آن بیاید و ثابت شود که آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن بوده .
۸ ـ هرگاه محقق شود که درموردیکه قانوناً دخالت مدعی العموم را در محاکمهٔ حقوقی تقاضا میکند محاکمه بدون مداخلهٔ او شده و حکم برعلیه طرفی صادر شده که حضور مدعی العموم برای حفظ منافع اوست .

مبحث دوم ـ درموعد اعادهٔ محاکمه

ماده ۵۲۷ ح ـ مدت مهلت معینه برای اعادهٔ محاکمه همان است که برای استیناف قانوناً معین شده است و هرگاه عرضحال اعادهٔ محاکمه درظرف همان مدت داده نشود قبول نخواهد شد .

ماده ۵۲۸ ح ـ اگر حکم درحضور طرفین صادر شده باشد مدت استدعای اعادهٔ محاکمه در هریك از موارد مندرجه درمواد (۵۳۰) الی (۵۳۳) از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا بمحل اقامت آنان واگر غیابی باشد از انقضای مدت معینه برای اعتراض واستیناف یعنی از تاریخی که آن حکم بجریان افتاده محسوب میشود .

ماده ۵۲۹ ح ـ اگر سبب اعادهٔ محاکمه فقرهٔ اول و دوم ماده ۵۲۶ و طرفیکه متضرر شده‌است ادارهٔ خیرات عمومی باشد از موعد مقرر مستثنی است.

ماده ۵۳۰ ح ـ درمورد مادهٔ قبل هروقت مدعی (ادارهٔ خیرات عمومی) بتواند ثابت کند که حکم در خارج از موضوع ادعا یا زیادتر از مقدار مدعی‌به صادر شده حق اعادهٔ محاکمه را خواهد داشت.

ماده ۵۳۱ ح ـ مدت اعادهٔ محاکمه در مواردیکه از خصائص محاکم عدلیه است درحق صغار که ولی یا قیم نداشته‌اند ازتاریخ ابلاغ حکم بصغار یا بمحل اقامت آنان بعدازوصول بحد بلوغ محسوب میشود و هرگاه ولی یا قیم داشته اند در روز ابلاغ حکم بولی یا قیم محسوب میشود.

ماده ۵۳۲ ح ـ اگر سبب اعادهٔ محاکمه مجعول یامزور بودن اسنادی باشد که ابراز شده یابواسطهٔ حیله وتقلبی که طرف مقابل کرده و یا بجهة وجود بعضی اسناد و نوشتجات مکتومهٔ در نزد طرف مقابل یااشخاص دیگر که ابراز آنها درحین محاکمه نشده دراین سه مورد مهلت قانونی برای تقدیم عرضحال اعادهٔ محاکمه از روز ثبوت جعلیت اسناد یا محقق شدن حیله و تقلب طرف مقابل در محکمهٔ که صلاحیت دارد یاروز وصول نوشتجات مکتومه بدست صاحب آنها محسوب خواهد شد ولی در مورد کشف تقلب واسناد مکتومه لازم‌است که اثبات روزآن بواسطهٔ اسناد کتبی باشد.

ماده ۵۳۳ ح - اگر محکوم‌علیه قبل‌از انقضای مدت اعادهٔ محاکمه وفات کند یا مجنون شود ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یا ولی محسوب خواهد شد .

مبحث سوم - در استدعای اعادهٔ محاکمه و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۳۴ ح - عرضحال اعادهٔ محاکمه باید بهمان محکمه داده شود که حکم را صادر کرده است و همان هیئت حاکمه که حکم را داده‌اند اعادهٔ محاکمه مینمایند - اگر استدعای اعادهٔ محاکمه برای ابطال حکمی باشد که از یک محکمه صادر شده و درمحکمهٔ دیگر درحین رسیدگی بدعوای دیگر جزء دلائل اقامه شده است و استدعای اعادهٔ محاکمه بمحکمهٔ اخری داده شود آن محکمه مکلف است که عرضحال اعادهٔ محاکمه را بمحکمهٔ که حکم را صادر کرده است رجوع نماید و بر حسب موافق احوال وکیفیات مسئله کاری را که درتحت رسیدگی است تاختم اعادهٔ محاکمه توقیف نماید و یا رسیدگی را تعقیب کرده بانجام برساند .

ماده ۵۳۵ ح - و حالات راجع بود به در مواد ۵۳۸ و ۵۳۹ موجب ماده ۶۸ [illegible] از قسمت ۱۲ ماده ۷۶ همین قانون که منسوخ شده هرگاه [illegible] دیگری [illegible] محاکمه با این قانون باشد در آن قسمتی که مخالف است نسخ میشود [illegible] .

ماده ۵۳۶ ح - استدعای اعادهٔ محاکمه اجرای حکمی را که اعادهٔ آن استدعا شده است بتأخیر نمیندازد واگر تأخیر اجرای آن استدعا شده باشد محکمه نمیتواند بمجرد استدعا بهیچوجه

من الوجوه حکم بتأخیر اجرا نماید .
ماده ۵۳۷ ح - در محاکمهٔ که بموجب استدعا اعادهٔ محاکمه میشود غیراز جهاتیکه در مادهٔ ۵۲۶ مندرج است سبب دیگررا نمیتوان موضوع محاکمه قرار داد .
ماده ۵۳۸ ح - اگر ظاهر گردد که استدعای اعادهٔ محاکمه مبنی بر اساس نیست استدعای مذکور ردّ و عارض بتأدیه خسارت طرف مقابل از وجه نقدی که درصندوق محکمه ودیعه گذاشته است محکوم میشود و هرگاه طرف مقابل ثابت نماید که خسارت او بیش از مبلغی است که در صندوق محکمه ودیعه گذاشته است عارض غیر محق بتأدیهٔ باقی خسارت طرف مقابل نیز محکوم میشود .
ماده ۵۳۹ ح - اگر اسبابیکه برای اعادهٔ محاکمه ذکر شده موافق قانون موجود باشد قراری در محکمه داده میشود که بموجب آن استدعای اعادهٔ محاکمه قبول شده و مبلغی که در صندوق محکمه امانت است صاحب آن ردّ شود و اجرای حکم سابق بتأخیر افتد و طرفین بحالت قبل از صدور حکم سابق که باعث اعادهٔ محاکمه شده است معاودت مینمایندولی اگرمحکوم به سابق حاوی چندماده بوده واعادهٔ محاکمه راجع ببعضی از آن مواد باشد اجرای بقیهٔ مواد بتأخیر نمیافتد .
ماده ۵۴۰ ح - پس از اینکه محکمه درباب قبول اعادهٔ محاکمه قرار لازم داد بماهیت دعوی در همان محکمه با حضور طرفین رسیدگی و تحقیقات شده حکم جدیدی صادر میشود .

ماده ۵٤۱ ح ـ درخصوص حکمیکه بر حسب استدعای اعادهٔ محاکمه صادرشده است دیگر استدعای اعادهٔ محاکمه نمیتوان نمود

از ماده ۵٤۲ تا ماده ۵۸۷ بموجب قانون آزمایش موقوف لاجرا و نیز ازهمان قسمت مواد ۵٤٦ و ۵٦۷ بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ شده است

در تمیز

از قانون تسریع محاکمات

ماده ۴۷ ت ـ دیوان‌عالی تمیز بقدر لزوم دارای شعب خواهد بود رئیس شعبهٔ اول سمت ریاست کل دیوان تمیز را خواهد داشت هرشعبهٔ تمیزمرکب است از یك رئیس و سه مستشار که یکنفر از آنها بنوبت بتعیین رئیس شعبه عضو ممیز میشود . درصورتیکه شعبهٔ تمیز کامل بوده یعنی هرچهارنفر در موقع مشاوره و رأی حاضر باشندعضو ممیز خارج میشود و در صورتیکه در موقع مشاوره ورأی بیش ازسه نفرحاضرنباشندهرسه نفرشرکت درمشاوره خواهند داشت ولواینکه یکنفر از آنها عضو ممیز باشد .

ماده ۴۸ ت ـ هرگاه راپرت عضو ممیز بر ردّ عرضحال تمیزی باشد موضوع ردّ یا قبول آن بفوریت و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد .

از قانون آزمایش ۱ ـ مواد عمومی

ماده ۳۱۹ ش ـ احکام مفصلةالذیل قابل تمیز هستند .

۱ ـ احکام حضوری محاکم استیناف ۲ ـ احکام غیابی محاکم استیناف که مدت اعتراض بر آنها منقضی شده است .

۳ ـ احکام قطعی محاکم ابتدائیه ۴ ـ احکام قابل استیناف که از محاکم ابتدائی چه حضوراً وچه غیاباً صادرشده ولی بواسطهٔ انقضای مدت استیناف قطعی گشته‌اند .

ماده ۳۲۰ ش ـ احکام مفصله قابل تمیز نیستند :

۱ ـ احکامیکه ازمحاکم عدلیه برطبق حکم محضر شرع مرضی‌الطرفین یا تراضی حضوری و یا مطابق حکم محکمه شرعی صادر شده باشد .

۲ ـ احکامیکه مستند بقرار صریح باشد .

۳ ـ حکم حکم ومصدقین که طرفین در انتخاب آنان تراضی نموده و بموجب التزام قانونی حکم آنان‌را قاطع دانسته‌اند .

۴ ـ درصورتیکه طرفین بالتزام قانونی ملتزم بسقوط حق تمیز شده باشند .

۲- موعد تمیز

ماده ۳۲۱ ش ـ مهلت تمیز برای سکنهٔ ایران ده روز است باضافهٔ مدت مسافت ازمحل اقامت تا نزدیکترین محکمه (۱) و برای کسانیکه مقیم ممالك خارجه‌اند بترتیبی که درمادهٔ ۴۲ ذکر شده ابتدای این‌مدت از قرارتفصیل ذیل است :

۱ ـ برای احکام محاکم استیناف (آ) در صورتیکه حکم

---

۱ ـ بموجب ماده ٦٧ تسریع که در همین قسمت درج گردیده بصور نمیرود بتوان درهرحال بیشتری را به نزدیکترین محکمه داد .

حضوری باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) درصورتی که غیابی باشد از انقضای مدت اعتراض بر آن .

۲ ـ برای احکام محاکم ابتدائی (آ) درصورتی که حکم حضوری بطور قطعی صادر شده باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) اگر حکم حضوری قابل استیناف بوده و استیناف نشده باشد از روز انقضای مدت استیناف (ج) هرگاه حکم محکمهٔ ابتدائی غیابی باشد از روز انقضای مدت استیناف .

ماده ۳۲۲ ش ـ مدت تمیز بواسطهٔ فوت یا جنون محکوم‌علیه توقیف شده و ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یاقیم محسوب خواهدشد .

۳ ـ در ترتیب استدعای تمیز

ماده ۳۲۳ ش بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ و بجای آن ماده ۶۷ بطریق ذیل مقرر شده است

ماده ۶۷ ت ـ استدعای تمیز بموجب تقدیم عرضحال میشود واین عرضحال را میتوان مستقیماً بدفتر دیوان تمیز یا محکمهٔ که از حکم آن تقاضای تمیز میشود دادودرهرحال باید قبض رسید دریافت داشت

ماده ۳۲۴ ش ـ عرضحال درظرف مدت مذکور در ماده ۳۲۱ بیکی ازمقامات مذکور باید داده وثبت شود والا مدت تمیز منقضی خواهد شد و لازم است که در عرضحال تاریخ روز وماه وسال و اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی‌علیه واینکه حکمی که تمیز میشود از کدام محکمه صادر شده و تاریخ ابلاغ محکمه کی بوده است وجه مغایرتی باقانون دارد صریحاً قیدشود.

ماده ۳۲۵ ش ـ عرضحال مذکور درماده قبل باید منضم شود: ۱ـ سواد حکمی که تمیز میشود ۲ـ لایحه متضمن مواد ادعا وادلهٔ مستدعی تمیز وایضاح وتفاصیل اعتراضات او .

ماده ۳۲۶ ش ـ عرضحالی که بر وفق دو مادهٔ قبل کامل نباشد بجریان نیفتاده وباید درظرف دوروز ازطرف دفترمحکمهٔ که عرضحال بآنجا داده شده بمستدعی تمیز ابلاغ شود که درظرف پنجروز از تاریخ ابلاغ نواقص را رفع کند واگر در اینمدت عرضحال را تکمیل نکرد عرضحال تمیزی ردمیشود .

ماده ۳۲۷ ش ـ هرگاه محکمهٔ ابتدائی یااستیناف بدون سبب قانونی عرضحال را رد کند پس از شکایت بدیوان تمیزمحکمهٔ تمیزقراری در برقراری حق تمیزعرض داده ومهلتی که درهرحال نباید بیش ازمهلت قانونی باشدبرای تقدیم عرضحال معین میکندومراتب رابادارهٔ امور اطلاع میدهد .

ماده ۳۲۸ ش ـ استدعای تمیز اجرای احکام را تاوقتیکه احکام نقض نشده است بتأخیر نمیاندازد ولی هرگاه اجرای حکم موجب ضرر و زیانی برای مستدعی تمیزشود که تدارک آن در آتیه ممکن نباشد و مستدعی تمیز تأمین صحیح بطوری که برای تأمین مدعی به مصرح است بدهد براینکه درصورت عدم حقانیت مثل محکوم به را تسلیم طرف خواهد نمود اجرای حکم بتأخیر میافتد هرگاه لازم شود که محکوم به نقدی ودیعه گذاشته شود درطهران بصندوق وزارت عدلیه ودر ولایات بصندوق محکمه تسلیم میشود .

مادهٔ ۳۲۹ ش ـ مرجع تقاضای موقوف الاجراء ماندن حکم و گرفتن تأمین محکمه ایست که حکم مورد استدعای تمیز را داده است .

ماده ۳۳۰ ش ـ سواد عرضحال ولایحه که موافق ماده ۳۲۰ باید منضم بعرضحال باشد از طرف مدیر دفتر محکمه مصدق شده ودر عرض دوروز از تاریخ تقدیم آن بطرف مستدعی تمیز ابلاغ میشود واو مکلف است که در عرض ده روز از تاریخ وصول سواد عرضحال ولایحه منضمه آن لایحه جوابیه متضمن اظهارات ومدافعات وتمام ادلهٔ که برضد اعتراضات مستدعی تمیز دارد ترتیب داده وبدفتر محکمهٔ که تقدیم عرضحال بآنجا شده است بدهد .

ماده ۳۳۱ ش ـ درصورتیکه عریضهٔ تمیزی بمحکمهٔ ابتدائی یا استیناف تقدیم شده باشد مدیر دفتر محکمه مکلف است در ظرف دو روز سواد عرضحال ومنضمات آنرا مصدق نموده و بمدعی علیه ابلاغ نماید وپس از اینکه لایحهٔ جوابیه را در ظرف ده روز دریافت داشت توضیحات طرفین را ضمیمه دوسیه محکمه نزد خود نگاه داشته و اولین پست بمحکمهٔ تمیز ارسال دارد و اگر جواب طرف مستدعی تمیز پس از ده روز از رسید عریضهٔ تمیزی داده نشود پرونده بدون آن بمحکمهٔ تمیز فرستاده میشود ودر اینصورت مدیر دفتر محکمهٔ ابتدائی یا استیناف باید در یادداشتی که بعریضهٔ مذکوره منضم و بمحکمهٔ تمیز ارسال میدارد تاریخ تقدیم عرضحال ومنضمات آن و کیفیت حضوری که بمستدعی شده است تصریح نماید وهر نوع خسارتی که بواسطهٔ عدم رعایت این ماده و ماده ۳۳۰ بطرفین وارد آید

عریضه وباعث ضرریکی ازطرفین شود مجازات خواهد شد .

۴ ـ در احضار متداعیین و ترتیب رسیدگی

ماده ۳۳۲ ش ـ پس ازوصول عریضه بمحکمهٔ تمیز هرگاه محکمه حضورطرفین را لازم بداند طرفین را احضار و الابدون حضور طرفین رسیدگی خواهد کرد .

ماده ۳۳۳ ش ـ اوراق احضاریه که بخارج داده میشود باید از طرف رئیس دفترمحکمهٔ تمیزنزدرئیس محکمهٔ ابتدائی که درمحل اقامت احضارشونده واقع است فرستاده شود رئیس مذکور مکلف است که ورقهٔ مذکوره را بمحض وصول بشخص یا محل اقامت احضارشده موافق اصول احضارابلاغ ورسید احضارشونده را در ضمن مراسلهٔ جوابیه بدفترتمیز ارسال دارد رئیس هرشعبه عرایض و اعتراضات واجوبه واسناد طرفین را بدوسیهٔ محکمهٔ که حکم آن تمیز میشودبه نظریات بیك یاچند نفراز اعضای شعبه برای دادن راپورت معین مینماید

ماده ۳۳۴ ش ـ بعدازاینکه ممیز تحقیقات خودراتمام ودرحضور اعضاء قرائت نمود بدواً دیوان تمیزدرمسئلهٔ رد یاقبول عرضحال تمیزی موافق قانون مدافعه نموده قرار رد یا قبول رامیدهد وهرگاه قرارقبول داد شروع برسیدگی تمیزی دراصل دعوامینماید ورئیس شعبه آنچه راکه صلاح بدانند ازمتداعیین استفسار میکنند وسؤال وجواب را منشی نوشته طرفین در خاتمهٔ آن مهر وامضا مینمایند .

ماده ۳۳۵ ش ـ بعداز اتمام استیضاح ازطرفین درراپورت ممیز آنچه

ضرورت داشته باشد اصلاح میشود .
ماده ۳۳۶ ش ـ ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رأی بطریقی است که موافق اصول محاکمات مقرراست .
ماده ۳۳۷ ش ـ صورت رأی با امضاء اعضاء شعبه باید بمنشی تسلیم شود که در دفتر با قید نمره و تاریخ ثبت نماید .
ماده ۳۳۸ ش ـ هرگاه علاوه درنوشتجات و اوراقی که طرفین تقدیم کرده‌اند اطلاع بسایر نوشتجات مقتضی باشد محکمهٔ تمیز میتواند سایر اوراق را خواسته مطالعه نماید .
ماده ۳۳۹ ش ـ مقصود از تمیز تدقیق در حکمی است که تمیز شده و در صورت توافق حکم مذکور با قوانین و اصول محاکمه آن حکم ابرام و الا نقض میشود .

۵ ـ درموارد نقض و ابرام

ماده ۳۴۰ ش ـ در موارد چهارگانهٔ ذیل احکام نقض میشود .
۱ ـ اگر محکمهٔ که حکم داده است خارج از صلاحیت قانونی خود بدعوائی رسیدگی کرده .
۲ ـ هرگاه رسیدگی موافق صلاحیت قانونی محکمه بوده ولی حکم برخلاف قانون صادر شده .
۳ ـ اگر بادعائی بر خلاف اصول محاکمات رسیدگی شده و عدم رعایت اصول مذکوره بدرجهٔ اهمیت دارد که حکم را از اعتبار حکم قانونی میاندازد .

۴ ـ اگر احکامیکه از دو محکمه در یك موضوع و ماده صادر شده مباین همدیگر باشد .

ماده ۳٤۱ س بموجب قانون تسریع محاکمات نقض و بجای آن سه مادهٔ ذیل تصویب و مقرر گردیده است .

ماده ۲۷ ت ـ در موارد ذیل حکم محکمهٔ که صلاحیت ذاتی نداشته نقض خواهد شد ولواینکه در هیچیك از مراحل رسیدگی ایراد بصلاحیت نشده باشد .

۱ ـ هرگاه محکمهٔ ابتدائی درکاریکه ذاتاً درحدود صلاحیت محکمهٔ استیناف است و یا محکمهٔ استیناف درامریکه درصلاحیت محکمهٔ ابتدائی است حکم داده .

۲ ـ هرگاه محاکم عمومی در اموریکه در صلاحیت ذاتی محاکم شرع است حکم داده باشند .

۳ ـ هرگاه در دعوائی از محکمهٔ عدلیه حکمی صادر شده باشدکه رسیدگی به آن در حدود صلاحیت ذاتی محاکم عدلیه نبوده است .

ماده ۲۸ ت ـ اگر حکم از محکمهٔ صادر شده باشد که صلاحیت محلی نداشته فقط درصورتی نقض خواهد شدکه بر صلاحیت محلی محکمهٔ حاکمه درخود آن محکمه ایراد شده باشد.

ماده ۲۹ ت ـ جزدرموارد مذکوره دردومادهٔ قبل هیچ حکمی را بمستند عدم صلاحیت ذاتی یا محلی نمیتوان نقض نمود .

ماده ۳۴۲ ش ـ حکم صادر درخصوص دعوائی مادام که حکم مذکور باقوانین جاریه که درحین وقوع آن دعوا معتبر ومجری

بوده مخالف نباشد نقض نمیشود .
ماده ۳۴۳ ش ـ هرگاه عین مفاد حکم مطابق یکی از مواد قانونی است ولی موجه حکم بماده قانونی دیگر که معنی دیگری دارد تطبیق شده آن حکم نقض میشود .
ماده ۳۴۴ ش ـ اگر در دعوائیکه از قرارداد ناشی شده بمفاد صریح سند و یا بقانون و نظامنامه متعلق به آن قرار داد معنی دیگری داده شود حکم صادر در آن خصوص نقض میشود .
ماده ۳۴۵ ش ـ اصول و کیفیاتیکه برای تأیید مفاد حکمی در خود حکم مندرج است در محکمهٔ تمیز محقق و معتبر محسوب است ولی چنانچه اوراقی که اساس آن اصول و کیفیت است و یا از اسناد و نوشتجاتی که طرفین درحین محاکمه ابراز می کنند عدم صحت مندرجات مذکوره ثابت گردد حکم مذکور نقض میشود .
ماده ۳۴۶ ش ـ هرگاه در یکی از محاکم برخلاف اصول محاکمات بدعوائی رسیدگی شده باشد درد وموارد حکم آن محکمه نقض میشود .
۱ ـ هرگاه اصول محاکمات که رعایت نشده بوظایف محکمه راجع بوده و عدم رعایت اصول مزبوره بدرجهٔ اهمیت داشته که در حکم نافذ و مؤثر بوده و بهمان جهت نمیتوان حکم محکمه را قانونی دانست .
۲ ـ اگر مدعی یا مدعی‌علیه بعدم رعایت اصلی از اصول ترتیبات محاکمه اعتراض نموده باشند و بآن اعتراض رسیدگی نشده باشد

ماده ۳۴۷ ش ـ اگر احکام متغایر از یك محکمه و یا از محاکم ابتدائی که در حوزهٔ یك محکمهٔ استیناف هستند صادر شده و در موقع اعادهٔ محاکمه یا استیناف برخلاف قوانین مقرره نسخ نشده باشد در محکمهٔ تمیز نقض میشود .

ماده ۳۴۸ ش ـ هرگاه احکام متغایر از دو محکمه صادر شده و احکام مذکوره متعلق بیك دعوا و راجع بمتداعیین معین باشد بدون اینکه صورت قضیه تغییر کرده باشد در این صورت حکم ثانی نقض و حکم اولی نیز در صورتیکه مخالف قانون باشد نقض میشود .

ماده ۳۴۹ ش ـ اگر یك حکم مغایر صریح قانون باشد یا اصول محاکمات رعایت نشده باشد وآن عدم رعایت بدرجهٔ اهمیت داشته باشد که درحکم محکمه مؤثروآنرا ازاعتبار حکم قانونی بیندازد آن حکم نقض میشود ولو دلائلی که مستدعی تمیز برای نقض اقامه میکند کافی و موجب نقض نباشد .

٦ ـ دراقدام محکمهٔ تمیز بعداز نقض

ماده ۳۵۰ ش ـ محکمهٔ تمیز باصل وماهیت دعوائی که حکم آن را نقض میکند رسیدگی ننموده رسیدگی را بمحکمهٔ که قانون معین میکند محول میدارد .

ماده ۳۵۱ ش ـ اگرحکم بواسطهٔ عدم صلاحیت محکمه نقض شده محکمهٔ تمیز دعوی را مستقیماً بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد محول میکند و در سایر موارد بشعبهٔ دیگر همان محکمه که حکم منقوض را داده است رجوع میکند واگر

محکمه بیش از یك شعبه نداشته باشد خود دیوان تمیز محکمهٔ را که در عرض محکمهٔ حاکمه است معین ورسیدگی مجدد را بدان ارجاع مینماید .

مادهٔ ۳۵۲ ش ـ اگر یکی از دو حکم مغایر هم که بصورت قطعی صادر شده موافق قانون بوده دیگری نقض شود مجدداً بدعوی رسیدگی نمیشود .

ماده ۳۵۳ ش ـ برای تصحیح حکم منقوض به تجدید رسیدگی بدعوا بعد از نقض تقدیم عریضه جدید لازم نیست بلکه ارائهٔ حکم تمیز کافی است .

ماده ۳۵۴ ش ـ هرگاه حکمی درمحکمهٔ تمیز بواسطهٔ وجود یك یا چندین سبب از اسبابی که موجب نقض میشود نقض شده و برای تجدید رسیدگی بمحکمهٔ مرجوعه محول گشته مجدداً حکم ثانی که صادر میشود بهمان علل واسبابیکه مفاد حکم منقوض مبتنی بر آن بوده مستند باشد ومجدداً یکی از طرفین نقض آنرا بخواهد هیئت عمومی محکمهٔ تمیز درخصوص آن حکم تدقیقات جدیده بعمل آورده وعندالللزوم آنرا نقض میکنند واگر حکمی که در خصوص ثانی داده میشود مستند بهمان علل واسبابی باشد که موجب نقض حکم اولی شده بود محکمهٔ که رسیدگی دعوا بآن محول میشود بامتثال حکم محکمهٔ تمیز مکلف است .

ماده ۳۵۵ ش ـ درحکمی که از طرف محکمهٔ تمیز صادر میشود بایداسم وشهرت وشغل ومحل اقامت طرفین وحکمیکه بتمیز رجوع شده است وخلاصهٔ اعتراضات وادلهٔ طرفین وبطور روشن وکامل

اسبابیکه موجب نقض یا تصدیق آن حکم میشود ذکر گردد .

ماده ۳۵۶ ش ـ تمام احکام دیوان تمیز توسط مدعی‌العموم دیوان تمیز بوزیر عدلیه تقدیم میشود .

۷ـ در تمیزیکه از طرف مدعی‌العموم تقاضا میشود

ماده ۳۵۷ ش ـ چنانچه در قانون تشکیلات عدلیه مقرر است مدعی‌العموم دیوان تمیز حق دارد برای محافظت قانون حکم قطعی راکه برخلاف قوانین صادر شده تمیز نماید ـ (ماده ۷۸ ص صفحه ۵۸)

ماده ۳۵۸ ش ـ تقاضای تمیز از طرف مدعی‌العموم دیوان تمیز مدت ندارد هر وقت مطلع شد میتواند تمیز نماید .

ماده ۳۵۹ ش ـ در رسیدگی تمیزی که تقاضای آن از طرف مدعی‌العموم شده هرگاه حکم نقض شد نقض بلاارجاع خواهد بود .

۱ـ تشکیل محاکم شرع

ماده ۱ ـ محاکم شرع از محاکم اختصاصی است .

ماده ۲ ـ محاکم شرع برای فصل دعوی و انجام اموری تشکیل میشود که بموجب قوانین موضوعه مملکتی از وظایف حکام شرع است ـ رجوع بمحکمه شرع باید از طرف محاکم و ادارات مدعی عمومی بعمل آید .

ماده ۳ ـ محکمهٔ شرع تشکیل میشود از یك مجتهد

کتاب چهارم در اصول آئین دادرسی از ماده ۲۶۰ تا آخر که مربوط بشکایت از احکام شرعی است بضمیمه نظامنامه نوبتیکه راجع بتشکیلات و طرز رسیدگی و شکایت و صلاحیت محاکم شرع است بموجب قانون محاکم شرع مصوب نهم آذرماه ۱۳۱۰ نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب گردیده است

* جامع الشرایط .

برای محکمهٔ شرع طهران ممکن است یك یا دو معاون که بدرجهٔ اجتهاد رسیده باشند تعیین کرد - وظایف معاونین را وزارت عدلیه بموجب نظامنامه معین خواهد کرد - حوزهٔ هریك از محاکم شرع را وزیر عدلیه تعیین و اعلان میکند .

ماده ٤ ❁ - درحوزه‌هائی که وزارتعدلیه محکمهٔ شرع تشکیل نداده محضر رسمی قائم‌مقام محکمهٔ شرع خواهد بود - هر محضر رسمی تشکیل میشود از یك مجتهد جامع‌الشرایط - انتخاب محضر مطابق نظامنامه وزارت‌عدلیه بعمل خواهدآمد .

ماده ۵ ❁ - مرجع تجدید نظر در احکام محاکم شرع ولایات محکمهٔ شرع طهران‌است - مرجع تجدید نظر ازاحکام محکمهٔ شرع طهران و همچنین مرجع تجدید نظر در احکام محاکم شرع ولایات در مواردی که رسیدگی حاکم محکمهٔ شرع طهران بواسطهٔ مانع قانونی ممکن نباشد بترتیب مذکور در ماده ٦ معین خواهد شد .

ماده ٦ ❁ - محکمهٔ شرع طهران در جلسهٔ علنی با حضور متداعیین یا نمایندگان آنها و درصورت عدم‌حضور یکی ازطرفین یا نمایندهٔ او باحضور طرف دیگر یانمایندهٔ او ونمایندهٔ مدعی‌العموم بطریق قرعه یکنفر از مجتهدین جامع‌الشرائط طهران را برای تجدید نظر معین مینماید محکمهٔ شرع طهران فقط اسامی مجتهدینی را بقرعه میگذارد که از طرف وزارت عدلیه

برای دوسال معین و کتباً بمحکمه معرفی شده باشند وزارتعدلیه برای هردوسال فقط دونفر مجتهد جامع‌الشرایط مرکزرا میتواند بمحکمه شرع معرفی کند.

تبصره ـ هرگاه یکی‌از مجتهد مذکور در این ماده یا هردو بواسطهٔ مانع قانونی نتوانند بامری رسیدگی نمایند وزارت‌عدلیه برای تعیین حاکم شرع بطریق قرعه و رسیدگی بآن امر یك یا دو مجتهد دیگررا بمحکمهٔ شرع معرفی خواهدکرد.

۲ ـ موارد رجوع بشرع

ماده ۷ ـ رجوع بشرع در موارد ذیل بعمل می‌آید.

۱ ـ دعوای راجع باصل نکاح و طلاق.

۲ ـ مورد مذکور در مادهٔ ۱۰ قانون ازدواج مصوّب ۲۲ مرداد ماه ۱۳۱۰ (۱).

۳ ـ مواردی که قطع و فصل دعوا جز باقامهٔ بینه یا حلف و احلاف ممکن نیست و بموجب قانون مخصوص معین خواهد شد ولی مادام که موارد مزبور در ضمن قانون مخصوص معین نشده هیچ دعوائی‌را نمیتوان بعنوان اقامهٔ بینه وحلف و احلاف بمحکمهٔ شرع ارجاع نمود.

۴ ـ نصب قیم یا وصی یا ناظر یا ضم امین که بتقاضای مدعی‌العموم بعمل خواهدآمد.

---

۱ ـ در مورد استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجبار او زن میتواند برای تفریق از طریق محاکم عدلیه بحاکم شرع رجوع کند.

تبصره ـ ترتیب تقاضای مدّعی‌العموم ـ طرز اعمال حق نظارت مدّعی‌العموم در عملیات قیم ـ حدود مسئولیت اختیارات قیم موارد عزل قیم و بطورکلی حدود نظارت مدّعی‌العموم درامور مجانین و صغار و اشخاص غیر رشید درصورتیکه صغیر پدر یا جدّ پدری نداشته باشد بموجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه معین خواهد شد .

مرجع تقاضای عزل قیم محکمهٔ بدایت محل اقامت مولی‌علیه است

حکم محکمه در این مورد فقط قابل استیناف خواهد بود و مادامی‌که تکلیف قطعی معین نشده امور صغیر بموجب مقررات وزارت عدلیه اداره میشود .

۳ ـ صدور ابلاغ حکم شرعی

ماده ۸ ـ محکمهٔ شرع باید حکم خود را پس از صدور درظرف دو روز بدفتر محکمهٔ که امر را ارجاع کرده بفرستد مدیر دفتر محکمهٔ مزبور منتهی در ظرف دو روز حکم شرعی را برای ابلاغ بمتداعیین بمأمور ابلاغ خواهد داد .

۴ ـ تجدید نظر دراحکام محاکم شرع

ماده ۹ ـ احکام محاکم شرع قابل تجدید نظر است مگر در موارد ذیل :

۱ ـ درصورتیکه طرفین قبل از صدور حکم بموجب سند کتبی از حق اعتراض صرف نظر کرده باشند .

۲ ـ درصورتیکه حکم‌شرعی‌مستند باقرار شفاهی یا کتبی باشد ـ در مورد اقرار شفاهی اقرار باید در دوسیه ثبت و بامضای مقر رسیده باشد .

ماده ۱۰ ـ مهلت شکایت ده روز از تاریخ ابلاغ است .

ماده ۱۱ ـ شاکی باید عرضحال شکایت‌خودرا بدفتر محکمهٔ بدهد که امر را ارجاع بشرع کرده است .

ماده ۱۲ ـ عرضحال بایدحاوی‌تمام اعتراضاتی باشد که‌شاکی برحکم شرعی وارد میداند بعلاوه شاکی باید اسناد ومدارك‌خود را بعرضحال مزبور ضمیمه نمایدو پس‌از تقدیم‌آن دیگر اعتراض وسندجدیدی پذیرفته نخواهدشد مگر اینکه درمحکمهٔ شرع ثابت نماید اسنادی‌دارد که بدست‌آوردن‌آن درحیطهٔ اقتدار او نبوده .

ماده ۱۳ ـ پس‌از وصول عرضحال اعتراضی که قابل قبول است محکمه باید ازاصدارحکم برطبق حکم شرعی خود داری نماید ولی محکوم‌لـه حق دارد از آن محکمه تقاضای صدور تأمین نموده و محکمه اعم از اینکه بدوی یا استینافی باشد مکلف‌است برطبق مقررات قانون تأمین‌مدعابه رفتار کند

ماده ۱۴ ـ محکمه باید عرضحال اعتراضی را که قابل قبول است در ظرف دو روز پس‌از وصول‌آن با ضمائم بتوسط مدیر دفتر برای ابلاغ بطرف دعوی ارسال نماید ـ طرف دعوی مکلف است تا ده روز مدافعات کتبی خود را بدفتر محکمه تسلیم نموده رسید بگیرد و پس‌از مدت مزبور هیچ مدافعهٔ پذیرفته نخواهد شد .

ماده ۱۵ ✿ ـ پس از وصول مدافعات مدیر دفتر محکمه باید دوسیه را بمحکمهٔ شرع طهران بفرستد تا در صورتیکه محکمهٔ شرع طهران خود مرجع باشد رسیدگی نموده والا مطابق ماده ٦ رفتار کرده و دوسیه را نزد حاکم شرعی که مرجع خواهد بود ارسال دارد .

ماده ۱٦ ✿ ـ رأی محکمهٔ شرعی که مرجع رسیدگی است قاطع است باینطریق که اگر رأی بەرد اعتراض داد محکمهٔ که دعوی را ارجاع بشرع کرده بود حکمی برطبق حکم شرعی صادر نموده و بموقع اجرا خواهد گذاشت و هرگاه محکمهٔ شرع اعتراض را وارد ومؤثر دانست در ماهیت دعوی رسیدگی کرده رأی میدهد ومحکمهٔ عدلیه برطبق آن حکم صادر نموده وبموقع اجرامیگذارد

۵ ـ مواد متفرقه

ماده ۱۷ ✿ مرجع تجدید نظر از احکام محاضر شرع مرکز و ولایات (درصورتیکه مطابق قانون کار ازمجرای محاکم عدلیه در نتیجهٔ تراضی طرفین دعوی یا قرعه بآن محاضر رجوع شده باشد) نیز مطابق مقررات این قانون بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۸ ✿ ـ درکلیهٔ دعاوی کـه قبل از پانزدهم دیماه ۱۳۰۷ بمحاکم یامحاضر شرع یاحکام صلح ارجاع شده واز مواردی نیست که مطابق این قانون رسیدگی بآن از خصائص محاکم شرعی باشد هرگاه یکی از اطراف دعوی تقاضا نماید محکمهٔ که قضیه را ارجاع بشرع کرده بدعوای مزبور رسیدگی کند محکمه مکلف بقبول

این تقاضاست مشروط براینکه قبل از تسلیم تقاضانامه رأی کتبی محکمه یا محضر شرع یا حاکم صلح صادر نشده باشد .

تبصره ـ تقاضا کننده مکلف است پس از تسلیم تقاضانامه بمحکمهٔ که رسیدگی مدعوا را از آن محکمه میخواهد مفاد تقاضای خودرا کتباً بمحکمه یا محضری که مرجع دعوا بوده اطلاع دهد تا پس از آن تاریخ از طرف محکمهٔ شرع یا محضر شرع حکمی صادر نشود .

ماده ۱۹ ـ مجتهدین مذکور درمادهٔ ٦ راجع بتعیین قیم و سایر اموری که قانوناً راجع بحکام شرع باشدطرف رجوع مدعی العموم نیزخواهند بود .

ماده ۲۰ ـ درمورد دعاوی که قبلارسیدگی بآن بحکام‌صلح رجوع شده مرجع رسیدگی بشکایت ازاحکام‌حکام مزبوره‌محکمهٔ شرع‌طهران است .

ماده ۲۱ ـ برای سال‌جاری وزارت عدلیه تا ده روز پس‌از تاریخ‌اجراء این قانون مجتهدین مذکوردرمادهٔ٦ رامعین خواهد کرد.

در مواعد

از قانون اصول محاکمات حقوقی

مصوّب ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹

قواعد عمومی در حساب کردن مواعد

مادهٔ ۵۸۷ ح ـ مواعدی را که قانون معین کرده باید بنظر و

تصویب محکمه معین شود و موعدیراکه محکمـه معین میکند باید موافقت داشته باشد با امکان انجام امریکه برای ایفـای آن موعد تقاضا یا تعیین شده‌است (ماه که درمواعد قانون معین شده و میشود سی‌روز تمام است) .

ماده ۵۸۸ ح ـ هرگاه روزآخر موعد مصادف بشود با روز تعطیل ادارات آن روز که ادارات تعطیل است بحساب نمیرود و روزآخر موعد روزی خواهد بود که ادارات بعداز تعطیـل باز میشوند .

تبصره ـ در تعطیل ادارات اعیاد ملی و مملکـتی و روز های مخصوص سوگواری مذهبی رعایت خواهد شد .

ماده ۵۸۹ ح ـ هرگاه در روزی کـه برای حضور متداعیین در محکمه معین شده است محکمه جلسهٔ نداشته یـ مانعی برای رسیدگی داشته باشد انقضاء موعد روزی خواهد بود که محکمه جلسه داشته و حضر باشد .

ماده ۵۹۰ ح ـ در مواعدی که محکمـه روز و تاریخ انقضای آنرا مخصوصاً معین کرده‌است درهمان‌روز و تاریخ منقضی میشود

ازقانون تسریع محاکمات راجع بموعد

ماده ۱۷ ت ـ موعـد استیناف و تمیز کلیهٔ احکام و قرارهـا و اعتراض برحکم غیابی اعم از اینکه قرار یـا حکم از محاکـم صلحیه و بدایت و استیناف صادر شده و اعم از اینکـه حقوقی باشد یا جزائی و همچنین موعد اعادهٔ محاکمه و موعد شکایت از قرار های مستنطقین ده روز است ـ برای حسـاب کلیهٔ موعد

های قانونی که از روز ابلاغ یا اعلام حکم یا قرار شروع میشود روز ابلاغ یا اعلام جزء مدت محسوب نیست و تا فردای آخرین روز موعد میتوان عرضحال داد .

در دادن مهلت و تجدید مواعد

ماده ۵۹۱ ح ـ دادن مهلت فقط یك دفعه جائز است باستثنای دو مورد ذیل که میتوان بیش از یك دفعه مهلت داد .

۱ـ درصورت تراضی متداعیین یا اصحاب دعوا ۲ ـ درصورتی که تقاضا کنندهٔ مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاری که محکمه خواسته است بواسطهٔ حدوث موانعی بوده که رفع آن موانع در حیطهٔ اقتدار تقاضا کننده نبوده است .

ماده ۵۹۲ ح ـ دادن مهلت بعداز انقضای مدت قانونی درموارد ذیل ممنوع است :

۱ ـ برای اعتراض برحکم غیابی و تقدیم عرضحال استینافی چه از حکم و چه از قرار محکمه و عرضحال راجع باعتراض شخص ثالث بعداز صدور حکم و اعادهٔ محاکمه و تمیز .

۲ ـ وقتیکه متداعیین بعداز انقضای موعدی که معین شده بود مجدداً استمهال نمایند مگر اینکه درمورد فقرهٔ ثانوی بمحکمه ثابت نماید که در اعلام مدّت مهلت مزبوره سهو یا خطائی شده است که بدان جهة رعایت قوانین راجعه بموعد را ممکن نبود .

ماده ۵۹۳ ح ـ مرض متداعیین را با امکان توکیل نمیتوان جهة عدم استفاده از موعد و استمهال قرار داد .

ماده ۵۹٤ ح ـ خواهش تجدید موعد درصورتي پذیرفته‌است که موانع یا معاذیر تقاضا کننده مشروع بوده و رفع موانع در حیطهٔ اقتدار او نمیباشد.

ماده ۵۹۵ ح ـ خواهش تجدید موعد منقضی بمحکمهٔ راجع است که اوراق و نوشتجات بآن محکمه ارسال شده است و همان محکمه بتقاضای مزبور رسیدگی کرده قرار میدهد.

ماده ۵۹٦ ح ـ هرگاه کسی استدعای تجدید موعد نماید باید در ظرف دوهفته استدعای مزبور بعمل آید و ابتدای این موعد ازتاریخی است که محکمه قرار خود را در باب انقضای موعد مقرر اعلام نموده است ـ حق مسافت یکروز برای هرچهار فرسخ برموعد مزبور علاوه میشود.

ماده ۵۹۷ ح ـ سواد خواهش تقاضا کننده بطرف مقابل اعلام وتاریخ حضور طرفین درمحکمه معین و بآنان ابلاغ میشود.

ماده ۵۹۸ ح ـ درصورت قبول خواهش تقاضا کننده موعد جدیدی معین و این موعد جدید بهیچوجه نباید بیش از موعدی که قانوناً مقرر است باشد و ابتدای موعد مجدد از تاریخ اعلام قرارمحکمه درباب قبول خواهش تجدید موعد حساب خواهدشد.

ماده ٦٤ ت ـ محاکم میتوانند موعدیرا که برای حضور متداعیین معین کرده‌اند با رضایت خودآنها بتأخیر اندازند لیکن تأخیر انداختن موعد بتقاضای وکیل فقط در صورتی ممکن است که در هر مورد وکیل اجازهٔ مخصوصی از موکل خود داشته باشد.

تشکیلات دفاتر و اجرای محاکم

از اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷

ماده ۸۱ ص ـ هریك از محاکم صلح و بدایت و استیناف و محاکم شرع و تجارت یکنفر مدیر دفتر برای تنظیم دوسیه ها و تهیهٔ مقدمات محاکمه مطابق ترتیب مقرر در اصول محاکمات حقوقی درتحت ریاست ومسئولیت رئیس محکمه خواهد داشت درصورتیکه محکمه دارای چند شعبه باشد ممکن است هرشعبه مدیر مخصوصی داشته باشد . مدیردفتر هر شعبه در تحت ریاست و مسئولیت همان شعبه است .

ماده ۸۲ ص ـ هرمدیردفتر بقدرلزوم درتحت ریاست ومسئولیت خود تقریرنویس وثبات وضباط ومأمور احضار وابلاغ خواهدداشت .

ماده ۸۳ ص ـ هرمحکمه یکنفر مدیر اجراء درتحت ریاست و مسئولیت رئیس محکمه خواهد داشت ـ مدیر اجراء بقدر لزوم در تحت ریاست و مسئولیت خود مأمور اجراء دارد .

ماده ۸۴ ص ـ عدهٔ اجزاء دفتر و مأمورین احضار و اجراء را وزیر عدلیه تعیین خواهد کرد .

ماده ۸۵ ص ـ مأموریت اجرای احکام محاکم صلح نواحی با مأمورین نظمیه است ودرصورت لزوم مطابق ماده ۸۳ رفتار خواهدشد .

ماده ۸۶ ص ـ پارکه بدایت در نقاط لازمه یکنفر مدیردفتر در تحت ریاست ومسئولیت مدعی العموم بدایت خواهد داشت مدیردفتر بقدر لزوم اجزاء تحریری و مأمورین احضار در تحت ریاست و

مسئولیت خود دارد ـ کارهای دفتری هر شعبهٔ جزائی بدایت و مستنطقین با دفتر پارکه است .

ماده ۸۷ ص ـ در کلهٔ استیناف وتمیز بقدرلزوم اجزای تحریری و ثبت و ضبط خواهد داشت .

ماده ۸۸ ص ـ ادارهٔ دفتر تمیز بقدرلزوم اعضای تحریر وثبت و ضبط خواهد داشت .

ماده ۸۹ ص ـ درصورت لزوم محاکم میتوانند اجرای احکام را بمأمورین نظمیه و امنیه و حکام و نواب حکام رجوع نمایند .

مقررات مختلفه

راجع بمدیران و مأمورین اجراء و احضار

ماده ۹۰ ص ـ مدیران و مأمورین اجراء و مأمورین احضار نمیتوانند مأموریتی را قبول نمایند که راجع بعین آنها یا شخصی است که با آنها قرابت نسبی تا درجهٔ چهارم و یا قرابت سببی تا درجهٔ سوم دارند و همچنین اجرای احکامیرا که راجع است بمخدومین یا خادمین آنها واولیت در زمان سابق نمیتوانند قبول کنند دراینصورت اجرای حکم بتعیین رئیس محکمه بمدیر یا مأمور اجرای دیگراست واگردر آن حوزه مدیر یامأمور دیگری نباشد اجرای حکم بوسیلهٔ رئیس دفتر یا مأمورین دولتی دیگر بعمل خواهد آمد .

ماده ۹۱ ص ـ مجازات اداری مأمورین اجراءازقرارتفصیل ذیلست :

۱ ـ توبیخ ۲ ـ کسر مقرری ماهیانه الی یک ماه از یک تا ششماه

۳ ـ اخراج از خدمت .

مجازات های فوق‌را رئیس محکمه پس‌از جلب نظریات مدعی‌العموم محکمه بمسئولیت خود مجری خواهد کرد .

ماده ۹۲ ص ـ هر گاه بمدعی‌العموم معلوم شود که مدیر یامأمور اجراء وجوهی‌را که درنزد اوامانت بوده تفریط کرده‌است فوراً از محکمهٔ که مأمور درنزد آن مأموریت دارد قرارتوقیف اورا تاوقتی که‌وجوه‌تفریط‌شده پرداخت‌شود تقاضاخواهد کرد بعلاوه بمحکمهٔ صالحه جلب و موافق قانون مجازات خواهد شد .

ماده ۹۳ ص ـ هر گاه بواسطهٔ اقدامات غیرقانونی مأمورین اجراء خساراتی براشخاص‌واردشود مأمورین موافق قانون مجازات بتأدیهٔ خسارت محکوم میشوند .

ماده ۹۴ ص ـ درصورتیکه نسبت بمأمورین اجراءدرموقع اجراء احکام مقاومت یا سوء رفتاری شود مشارالیهم ازمأمورین مذکوردر ماده۸۳ استعانت نموده ومأمورین مزبور مکلفند بدون تأخیر به آنها کمك کنندواستعانت باید کتبی باشد مگر درموارد فوری .

ماده ۹۵ ص ـ هر گاه توهین‌یامقاومتی‌نسبت بمأمورین‌اجرا بشود مشارالیهم‌صورت مجلسی درآن‌باب مرتب نموده و بامضای شهودو مطلعین واجزای نظمیه وامنیه (درصورتی که باشند) می‌رسانند وهم چنین هر گاه نظمیه و امنیه وحکام ونواب حکام محل تقاضای آنها را انجام ندهند صورت مجلس مرتب شده و بامضای مطلعین میرسد .

ماده ۹۶ ص ـ صورت مجلس‌های مذکور درمادهٔ فوق بپارکهٔ بدایت فرستاده میشود تا تحقیقات لازمه و جلب مقصرین بمحکمهٔ صالحه بعمل آید .

ماده ۹۷ ص ـ مقررات مواد ۸۵ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ شامل مأمورین احضار نیز میشود .

حق‌الاجراء از قانون تسریع محاکمات

ماده ۷۴ ت ـ علاوه برحقوق معینی که بهریك‌از متصدیان اجرا داده میشود حق نسبی از حق‌الاجراء بطریق ذیل و برطبق نظامنامهٔ که از طرف وزارت عدلیه تنظیم خواهد شد دریافت می‌نمایند .

۱ ـ تا پانصد تومان حق‌الاجراء صدی سه .

۲ ـ از پانصد و یك تومان تا پنجهزار تومان حق‌الاجراء نسبت بمازاد صدی دو .

۳ ـ از مازاد بر پنجهزار تومان حق‌الاجراء ـ صدی یك .

در اجرای احکام محاکم عدلیه

از اصول محاکمات حقوقی

فصل اوّل ـ درقواعدعمومی

مبحث اوّل ـ در مقدّمات اجرا

ماده ۹۹۵ ح ـ هیچ حکمی از احکام محاکم عدلیه بموقع اجرا گذاشته نمیشود مگراینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردیکه قانون معین میکنند از محکمهٔ که صلاحیت

دارد صادر شده باشد .

ماده ۶۰۰ ح ـ احکام محاکم عدلیه فقط وقتی بموقع اجرا گذاشته‌میشود که‌محکوم‌له‌این‌تقاضارااز‌محکمه بکند و محکوم‌له که اجرای حکم خود را میخواهد باید کتباً یا شفاهاً صدور ورقهٔ اجرائیه را تقاضا نماید .

ماده ۶۰۱ ح ـ ورقه اجرا باید بامضای رئیس ومنشی محکمه رسیده بمهر محکمه ممهور باشد هرگاه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند یا حکم راجع باموال منقول یا غیرمنقول متعدد باشد میتوان بعدهٔ هرکدام ورقهٔ اجرائیه داد .

ماده ۶۰۲ ح ـ در ورقهٔ اجرائیه باید اسم مأمور اجرا صریحاً نوشته شود بعداز تبلیغ ورقه اجرائیه تمام‌عملیات‌اجرا بعهدهٔ اوست

ماده ۶۰۳ ح ـ مأمور اجرا مکلف است بتقاضای محکوم علیه اصل ورقه اجرائیه را باو ارائه دهد .

ماده ۶۰۴ ح ـ حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیباشد .

ماده ۶۰۵ ح ـ محکوم‌علیه و محکوم‌له میتوانند هر یك دو نفر شاهد برای‌حضور درحین‌عملیات‌اجرا دعوت‌نمایندولی‌عدم‌حضور شهود مانع از اجرای حکم نخواهد بود .

ماده ۶۰۶ ح ـ محکوم‌له حق دارد وسیلهٔ اجرای حکم‌را بمأمور اجرا بنماید و هرگاه مشارالیه آن وسیله‌را درنظر‌نگرفت تقاضا کند که این نکته در دفتر مشارالیه نوشته شود .

ماده ۶۰۷ ح ـ محکوم‌له حق‌دارد درحین‌عملیات‌اجراحاضر باشد

ولی نمیتواند دخالت در امر اجرا نموده تعلیماتی بدهد که از وظایف مأمور اجراست .

ماده ۶۰۸ ح - مأمور اجرا بایدمطالب مفصله‌را دردفترخودش درج نماید :

۱ - اسم و اسم پدر خود و محکمهٔ که از آن مأموریت دارد .

۲ - مفاد حکم محکمه که بموقع اجرا گذاشته میشود وتاریخ وصول‌ورقهٔاجرائیه باو ۳ - اسم‌وشهرت وشغل‌محکوم‌له ومحکوم علیه وشهودی که‌حاضرند ۴ - تاریخ شروع باجرا و محلی که در آنجاحکم اجرامیشود ۵ - اقداماتی که کرده‌است‌وتاریخ‌هراقدامی ۶ - تصریح بمهلت هائی که داده شده است ، توقیفاتی که درحین اجرابعمل آمده‌است۷- مقدارمحکوم‌به‌وتاریخ‌تسلیم آن بمحکوم‌له ۸ - حق اجرائی که بخزانه تسلیم شده است .

ماده ۶۰۹ ح - مأمور اجرا تقاضای محکوم‌له ومحکوم‌علیه باید سواد مصدق ازمندرجات دفترخود بآنان بدهد وحق‌سوادرا تعرفهٔ معین است .

ماده ۶۱۰ ح- بعدازمباشرت باجراء مأموراجراحق ندارد اجرای حکم‌را تعطیل یاتوقیف ویاقطع نماید مگر بقرار محکمهٔ که حکم داده‌است یا بابراز قبض محکوم‌له که ازمحکوم‌علیه مبلغ محکوم‌به رسیده‌است ویا بالاخره برضایتنامهٔ کتبی محکوم‌له‌در تعطیل یاتوقیف ویا قطع اجرا - تخلف‌مأمور اجرا ازوظیفه‌خود باعث مجازاتی که معین شده است خواهد بود .

ماده ۶۱۱ ح ـ مأمور اجراء محکوم‌به را بمحکوم‌له تسلیم نموده قبض رسید میگیرد وهرگاه محکوم‌به نباشد بمشارالیه داده شود بمحکمهٔ که حکم را داده‌است تسلیم میشود .

ماده ۶۱۲ ح ـ درصورتیکه مال محکوم‌علیه کفایت حق طلبکار یاطلبکاران را ننماید مأمور اجرا مبلغ محکوم‌به را بمحکمه تسلیم می‌نماید که موافق فصل ششم این باب رفتار بشود .

ماده ۶۱۳ ح ـ اجرای حکم را مأمور اجرا در روی ورقهٔ اجرا قید کرده بمحکمهٔ که آنرا داده است مسترد میدارد وبمحکوم‌علیه قبض اجرای حکم‌را میدهد .

ماده ۶۱۴ ح ـ هرگاه محکوم‌علیه درحین‌اجرا فوت شودتاززمان معین‌شدن‌ورثه یاقیم(درصورت‌صغیربودن آنها)اجراء توقیف‌میشود

ماده ۶۱۵ ح ـ شکایت از مأمورین اجرا وتخلفات آنان ازحدود قانونی بمدعی‌العموم محکمه راجع است که مأمور اجرا درآن محکمه مأموریت دارد ولی‌منازعات راجعه بمفاد احکام راجع‌است بمحکمهٔ که حکم داده است .

ماده ۶۱۶ ح ـ شکایت مزبوره باید در ظرف دو هفته از تاریخ وقوع مادهٔ شکایت یااظهارات بعمل آید والا بی‌اثر خواهد ماند .

ماده ۶۱۷ ح شکایت ازمأمورین‌اجرا باعث‌تعویق یاتوقیف‌اجرای حکم نمیشود مگر اینکه قرار محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد بتقاضای مدعی‌العموم درآن باب صادر شود .

ماده ۶۱۸ ح ـ در مورد حدوث‌اختلاف ومنازعه در مفاد حکم

تقدیم اظهار نامه باعث تأخیر اجرای حکم خواهد شد تا زمانیکه محکمهٔ که حکم را داده است قرار لازم را بدهد .

ماده ۶۱۹ ح - بعداز وصول اظهار نامه محکمه سواد اظهارنامه را بطرف مقابل ابلاغ نموده معجلا مشارالیه را برای رسیدگی احضارمی کند ولی عدم حضور احضارشده باعث تعویق رسیدگی و دادن قرار نمیشود .

مبحث دوّم - در کیفیت اجرا

ماده ۶۲۰ ح - هرگاه محکوم علیه طوعاً مدلول حکم محکمه را قبول ننموده مأمور اجرا بموجب مواد آتیه مدلول حکم را اجرا مینماید .

ماده ۶۲۱ ح - هرگاه محکوم به عین معین از منقول یا غیرمنقول است و برای مأمور اجرا ممکن است که گرفته بمحکوم له تسلیم نماید عین گرفته بذیحق خواهد داد و اگر برای تسلیم آن یا تخلیهٔ محل مدتی لازم باشد باندازهٔ لزوم مهلت داده میشود .

ماده ۶۲۲ ح - اگر محکوم علیه اقدام بتصرف دادن محکوم به نکند مأمور اجرا موافق قانون اقدام کرده تصرف محکوم له میدهد وهرگاه محکوم به عین معین است ولیکن محکوم علیه اصرار در انکار دارد یا مخفی کرده است و دسترسی آن شیئی نیست محکوم علیه ممتنع محسوب خواهد شد .

ماده ۶۲۳ ح - هرگاه محکوم علیه ممتنع مال منقول یا غیرمنقول دیگری دارد برای اداء دین او و بازای عین محکوم به توقیف میشود

(رجوع بفصل دوّم اینباب) واگر مال دیگری که دسترس بآن باشد نداشته باشد یا مال منقول یا غیرمنقول محکوم‌علیه ممتنع ایفای دین او را ننماید موافق مواد آتیه رفتار میشود .

مواد ٦٢٤ و ٦٢٥ و ٦٢٦ ح بموجب قانون اعسار و افلاس نسخ شده است .

ماده ٦٢٧ ح ـ هر گاه محکوم‌له ثابت نماید که محکوم‌علیه در صدد فراراست حق دارد توسط مأمور اجرا ضامن یا کفیل از او بخواهد ودرصورتیکه محکوم‌علیه امتناع ازدادن ضامن یا کفیل نماید بتقاضای محکوم‌له توقیف میشود .

از قانون تسریع محاکمات ـ قسمت یازدهم راجع باجراء

ماده ۵۲ ت ـ پس‌ازتسلیم ورقهٔ اجرائیه برئیس‌اجرامشارالیه مکلف است اسم مأمور ابلاغ را در روی آن قید و نسخهٔ ثانی‌را بوسیلهٔ مأمور باقامتگاه محکوم‌علیه ابلاغ نماید ـ در ورقهٔ که در دوسیه‌ضبط میشود تاریخ ابلاغ واینکه ابلاغ بچه ترتیب بعمل آمده است باید قید گردد .

ماده ۵۳ ت ـ هر گاه اقامتگاه محکوم‌علیه معین نباشد درضمن اعلاناتی که برای ابلاغ حکم میشود باید قید گردد که درصورت قطعیت حکم وصدور ورقهٔاجرائیه ورقه مزبوره یکدفعه اعلان و ده روز بعد از اعلان بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و در این صورت برای عملیات اجرائی دیگر هیچ قسم ابلاغ یااخطاری که قانوناً بمحکوم‌علیه حاضر میشود بعمل نخواهد آمد مگر اینکه محکوم‌علیه رئیس‌اجرا راکتباً ازمحل اقامت خود مطلع سازد .

ماده ٥٤ ت ـ هرگاه محل اقامت محکوم‌علیه معلوم نباشد ولی باموال او دسترس باشد رئیس اجرا درعین حالیکه باعلان ورقهٔ اجرائیه اقدام‌مینماید اموال محکوم‌علیه را هم معادل محکوم‌به در تحت توقیف احتیاطی در می‌آورد .

ماده ٥٥ ت ـ همینکه ورقهٔ اجرائیه باقامتگاه محکوم‌علیه ابلاغ شد محکوم‌علیه مکلف‌است که در ظرف ده‌روز مفاد آنرا بموقع اجرا بگذارد یا با محکوم له قراری برای اجرای حکم داده و رئیس اجرا را از قرار مزبور (که باید مصدّق محکوم‌له باشد) مسبوق نماید و یا مالی از خود نشان بدهد که با فروش آن مفاد حکم را بتوان بموقع اجرا گذاشت .

ماده ٥٦ ت ـ درصورتیکه محکوم‌علیه مدعی اعسار باشد باید در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ ورقهٔ اجرائیه بمحکمهٔ صلحه عرضحال اعسارداده وتصدیق دفتر محکمه را که حاکی از تقدیم عرضحال باشد برئیس اجرا تسلیم نماید .

ماده ٥٧ ت ـ محکوم‌علیهی که عرضحال اعسار نداده می‌تواند پس‌از توقیف شدن عرضحال اعسار بدهد لیکن در این‌صورت استخلاص او منوط بصدور و قطعیت حکم اعسر و یا تقاضای محکوم‌له خواهد بود .

ماده ٥٨ ت ـ محاکمهٔ اعسار اختصاری است و باید بفوریت و خارج از نوبت بعمل آید .

ماده ٥٩ ت ـ درصورتیکه مدعی‌اعسار درظرف یکماه بدون‌عذر موجه‌محاکمهٔ خودرا تعقیب نکرد بتقاضای‌محکوم‌له توقیف‌شده و تا

صدور حکم قطعی اعسار در توقیف خواهد ماند مگر اینکه محکوم‌له تقاضای استخلاص اورا بنماید .

ماده ۶۰ ت ـ رئیس محکمه مکلف است درموقع صدور ورقهٔ اجرائیه درآن ورقه قید نماید که هرگاه در ظرف ده روز محکوم‌علیه بهیچیك از طریق مذکور در ماده ۵۵ اقدام ننمود و یا عرضحال اعسار داد و نتوانست اعسار خود را ثابت کند و یا در مدت مقرر در مادهٔ ۵۹ محاکمهٔ خودرا تعقیب نکرد رئیس اجرا بتقاضای محکوم‌له محکوم‌علیه را توقیف مینماید .

تبصره ۱ ـ رئیس محکمه مکلف است در موقع صدور هر ورقهٔ اجرائیه درآن‌ورقه قیدنماید که عشریهٔ اجرا نیزاز محکوم علیه گرفته شود .

تبصره ۲ ـ اشخاص ذیل از توقیف مصون خواهند بود :
۱ ـ صغار ومجانین ۲ ـ زنان حامله یا زنانی که از وضع حمل آنان چهل روز نگذشته باشد ۳ ـ ولی‌طفل که بواسطهٔ توقیف او موئی‌علیه بیمعاش می‌ماند ۴ ـ مریضیکه طبیب حرکت یا توقیف اورا مضر بداند .

ماده ۶۱ ت ـ هرگاه محکوم‌له تقاضای خلاصی محکوم‌علیه توقیف شده را بنماید مجدداً می‌تواند تقاضای توقیف‌اورا بکند لیکن این تقاضا بیش‌از یکدفعه پذیرفته نخواهد شد .

ماده ۶۲ت ـ هرگاه پس‌از ثبوت اعسار برای محکوم‌علیه مالی یافت‌شود محکوم‌له می‌تواند اجرای حکم‌را نسبت‌بان‌مال تقاضا کند

فصل دوّم

درتوقیف اموال منقوله ـ مبحث اول درمواد عمومی

ماده ۶۲۸ ح ـ عدم حضور محکوم‌له و محکوم‌علیه و شهود مانع از اجرای توقیف نخواهد بود .

ماده ۶۲۹ ح ـ مأمور اجرا باید درمواد مفصله مأموری از نظمیه برای حضور در عملیت توقیف دعوت نماید :

۱ ـ هرگاه درب‌خانه یا اطاق بسته است و یا قفل است و باز نمی‌کنند ۲ ـ هرگاه توقیف درغیب محکوم‌علیه بعمل آید .

ماده ۶۳۰ ح ـ اشیاء مفصله که ازمستثنیات دین است توقیف نمی‌شود :

۱ ـ لباس واشیاء واسبابیکه برای رفع حوائج ضروریه مدیون و خانوادهٔ او لازم است .

۲ ـ آذوقهٔ موجوده بقدر احتیاج یکماهه مدیون و نفقه و کسوهٔ اشخاص واجب‌النفقه .

۳ ـ اسناد مدیون باستثنای کاغذهای قیمتی و سهام شرکت .

٤ ـ لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و همچنین اسلحه و ... اهل نظام حاضر خدمت .

۵ ـ اسباب وآلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دوابی که برای زراعت لازم است .

مبحث دوّم

در ترتیب صورتیکه از اموال منقوله برداشته میشود

ماده ۶۳۱ ح - قبل‌از توقیف اموال منقوله باید صورتی مرتب شود که در آن کلیهٔ اسامی اشیاء نوشته شود و در موقع لزوم کیل و وزن وعدد اشیاء معین شود درصورت اشیاء طلا ونقره هر گاه عیار آنها معین باشد قید میشود و در جواهرات عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین میشود و در کتابها اسم کتاب و مؤلف و تاریخ طبع و درصورت تصویر و پرده های نقاشی مفاد پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش و در مال‌التجاره چه در انبار باشد و چه درجای دیگر اسم مال‌التجاره وعدهٔ عدل و نمرهٔ آنها تصریح میشود از سهام و کاغذهای قیمتی عدد و نوع و قیمت اسمی آنها درصورت معین میشود .

ماده ۶۳۲ ح - درصورت اشیاء کلیه باید نو یا مستعمل بودن آنها قید شود .

ماده ۶۳۳ ح - درمواردیکه صورت اشیاء موجود باشد مأمور اجرا صورت جدیدی ترتیب نداده بهمان صورت رسیدگی کرده اختلاف را قید می کنند .

ماده ۶۳۴ ح- هر گاه نسبت باشیائیکه باید توقیف شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مأمور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار اورا قید میکنند .

ماده ۶۳۵ ح - عدد و کیل ووزن باید باتمام حروف وبااعداد نوشته

شود صورت باید قیطان کشیده و ممهور بمهر مأمور اجرا باشد .
ماده ٦۳٦ ح ـ درصورت باید تاریخ شروع و انجام نوشته شود و تصحیحات که درصورت سهو و اشتباه بعمل میآید در آخر صورت تصریح و بامضای مأمور اجرا برسد ـ تراشیدن و پاك کردن درصورت ممنوع است .
ماده ٦۳۷ ح ـ درمواردیکه دائن و مدیون و شهودحاضر باشند صورت بامضای آنها میرسد و هر گاه امتناع از امضاء نمایندمراتب در صورت قید میشود .
ماده ٦۳۸ ح ـ اشخاص مذکوره در مادهٔ قبل میتوانند ایرادات خود را درباب صورت مرتبه بمأمور اجرا اظهار نمایند وهر گاه مأمور اجرا ایرادات آنانرا قبول نکرد درآخر صورت جهت آنرا قید میکند .
ماده ٦۳۹ ح ـ بتقاضای داین ومدیون مأمور اجرا باید سوادی ازصورت مرتبه بانهابدهدحقی که از آنها گرفته میشودموافق تعرفه است
مادهٔ ٦٤۰ ح ـ هر گاه از اموال منقوله درجای محفوظ معینی باشد مأموراجرامدخل آنجارابسته ومهروموم مینماید وهر گاه اشیاء جای محفوظ ومعین نباشد بهر کدام ازاشیاء کاغذی وصل کرده مهر میکنند داین ومدیون نیزمیتوانند مهرخودرا پهلوی مهرمأمور اجرا بزنند .
ماده ٦٤۱ ح ـ هر گاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاء توقیف شده بشود باید اشیاء مزبوره را جدا کرده طوری توقیف نمایند که بتوان سر کشی و مراقبت نمود .
ماده ٦٤۲ ح ـ هر گاه داین ومدیون درموقع عملیت توقیف حاضر

نشوند یا حاضر شوند و ایرادی ننمایند بعد حق ایراد وشکایت را از اقدامات مأمور اجرا نخواهند داشت باستثنای مواردی که توقیف باید معجلا بدون انتظار حضور داین ومدیون مجری شود (مثلا در مورد توقیف اشیائی که ضایع شدنی است) .

مبحث سوم - در تقویم اموال منقوله

ماده ۶۴۳ ح - تقویم اموال منقوله درحین توقیف بعمل میآیدو درصورت درج میشود تقویم را داین میکند باحضور مدیون ودرصورت اختلاف درقیمت اشیاء هر کدام از طرفین حق دارند تقاضای تقویم مقوم را نمایند . مخارج مقوم بعهدهٔ شخصی است که او راخواستار شده است

ماده ۶۴۴ ح - هرگاه طرفین در انتخاب مقوم تراضی ننمایند یا طرفی حاضر نشود یاامتناع از تقویم نماید مدعی العموم ودرغیاب او رئیس محکمه مقوم را معین میکند عدهٔ مقومین باید طاق باشد و درصورتیکه اکثریت حاصل نشود حد وسط قیمتهای مقوم را مأمور اجرا اختیار می کند .

مبحث چهارم - درحفظ اموال توقیف شده

ماده ۶۴۵ ح - اموالیکه باید توقیف شود درهمانجاکه هست توقیف میشود و در صورت لزوم بجای محفوظی نقل میشود در هرحال باید اموال توقیف شده را بشخص مسئولی سپرد .

تبصره - اموال دیگری را باسم مال مدیون در غیر خانهٔ مدیون نمیتوان توقیف کرد .

ماده ۶۴۶ ح - هرگاه درانتخاب چنین شخص مسئولی داین و

مدیون تراضی نکردند مأمور اجرا معین میکند .

ماده ۶۴۷ ح ـ مأمور اجرا باید حتی المقدور کسی را معین نماید که دارائی داشته و مدیون نقل اشیاء بجای دیگری مسئول حفظ آن بشود .

ماده ۶۴۸ ح ـ مأمور اجرا نمیتواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال توقیف شده را باشخاص ذیل بسپارد .

۱ ـ باقوام واقربای خود تادرجهٔ سوم ۲ ـ بداین ومدیون وعیال آنان وهمچنین باشخاصیکه باداین ومدیون قرابت نسبی وسببی تادرجهٔ سوم دارند ومخدوم وخدمهٔ آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال توقیف شده پیدا نشود .

ماده ۶۴۹ ح ـ سواد صورت اموال توقیف شده بشخصی که مسئولیت حفظ را بر عهده گرفته داده شده وقبض رسید دریافت میشود

ماده ۶۵۰ ح ـ شخص حافظ حق الحفظ میگیرد وهرگاه داین ومدیون در اینباب تراضی نکردند حق مزبور موافق تعرفه مقرره خواهد بود .

ماده ۶۵۱ ح ـ حافظ اشیاء توقیف شده حق ندارد اشیاء توقیف شده را استعمال نماید یا بکسی بدهد والا از حق الحفظ مقرره محروم وبعلاوه مسئول خسارت وارده خواهد بود .

ماده ۶۵۲ ح ـ هر گاه حافظ اموال توقیف شده در مورد مذکوره تعدّی نماید علاوه بر تأدیه خسارت وارده از یک ماه تا یکسال بسته باهمیت تقصیر حبس خواهد شد .

ماده ۶۵۳ ح ـ هرگاه اشیاء توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ اشیاء مزبوره باید حساب آنرا بدهد .

ماده ۶۵۴ ح ـ حق الزحمة حافظ اشیاء توقیف شده را در صورتیکه مدیون امتناع از ادای دین کرده مشارالیه باطلاع مأمور اجرا میپردازد ودرصورتیکه اشیاء فروخته شود از بقیه اشیاء مبیعه داده میشود وهرگاه مدیون امتناع نکرده باشد داین تأدیه میکند .

مبحث پنجم ــ در توقیف اموال منقولهٔ مدیون که در نزد اشخاص ثالث است

ماده ۶۵۵ ح ـ هرگاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقولهٔ دیگری ازمدیون نزد اشخاص ثالث میباشد ورقهٔ اجرائیه درباب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ ورسیدورقه دریافت میشود ومراتب را فوراً بمحکوم علیه نیز کتباً اعلام مینمایند .

ماده ۶۵۶ ح ـ بموجب رسیدی که میسپارد اشخاص ثالث مکلفند که اموال توقیف شده را بصاحب آن ندهند .

ماده ۶۵۷ ح ـ مقامات رسمی بعداز گرفتن ورقه اجرائیه مکلفند که ازاموال محکوم علیه که درنزد آنهاست چیزی بمشارالیه ندهند مگر اشیائی که از مستثنیات دین است .

ماده ۶۵۸ ح ـنقض دو مادهٔ قبل موجب مسئولیت شخص ثالث ومقامات رسمی درمقابل محکوم له خواهد بودودرصورتیکه محکوم علیه مفلس باشد کسیکه مال را بمحکوم علیه داده باید تأدیهٔ خسارت محکوم له را بقدر آنچه داده بنماید .

ماده ۶۵۹ ح ـ هرگاه بموجب قرارداد اشخاص ثالث وجهی باقساط معینه بمحکوم‌علیه دادنی باشند در التزامیکه بعد از ابلاغ ورقهٔ اجرائیه میدهند باید صریحاً قید نمایند که چند قسط پرداخته شده و تأدیه اقساط دیگری بر ذمهٔ آنهاست یا نه و چه وقت خواهند داد و بعد از ابلاغ ورقهٔ اجرائیه باشخاص ثالث اقساط را باید در نزد خود آنان توقیف نمود یا در نزد امینی که متداعیین یا داین ومدیون انتخاب کرده‌اند و هرگاه تراضی نکنند در نزد امینی که محکمه معین میکند .

ماده ۶۶۰ ح ـ در مورد ماده قبل هرگاه معلوم شود اشخاص ثالث اطلاعاتی که داده‌اند موافقت باواقع امر ندارد و کمتر از آنچه نزد آنان بود صورت داده‌اند باید ازعهدهٔ خسارت محکوم‌له برآیند .

ماده ۶۶۱ ح ـ درصورتیکه حقوق دیوانی مدیون توقیف شود مراتب ذیل لازم‌الرعایه است :

۱ ـ هرگاه مدیون معیل یا صاحب اولاد باشد فقط ربع حقوق او بداین تأدیه میشود و الا ثلث .

۲ ـ خرج مسافرت و مواجب اهل نظم که درجنگ هستند توقیف نمیشود .

ماده ۶۶۲ ح ـ درمواردیکه طلب داین باید ازحقوق دیوانی پرداخته شود ورقهٔ اجرائیه باداره متبوعهٔ مدیون یا ادارهٔ لازمهٔ دیگر ابلاغ و کسر ازحقوق وتأدیه آن بداین بعهده رئیس آن اداره است .

فصل سوّم

در توقیف اموال غیرمنقوله ـ مبحث اول مواد عمومی

ماده ۶۶۳ ح ـ درمواردیکه محکوم‌علیه امتناع ازادای محکوم‌به نموده ومحکوم‌به غیرمنقول باید بتصرف طلبکار داده‌شود وهمچنین درمواردیکه تأدیهٔدین بایدازاموال‌غیرمنقوله مدیون بعمل آید مأمور اجرا اطلاع‌نامه بمدیون فرستاده اعلام میدارد که هرگاه درظرف دوماه‌ازتاریخ ابلاغ آن‌طلب داین تأدیه نشود مال‌غیرمنقول بتصرف محکوم‌له داده خواهدشد ویا ازمال مذکورادای دین بعمل‌خواهد آمد ـ درهمان وقتی که اعلان مذکور بعمل میآید مال غیر منقول مدیون توقیف و بدائره ثبت اسناد اطلاع داده میشود .

ماده ۶۶۴ ح ـ ازروزوصول‌اعلام‌مذکورمدیون نمیتواندمال‌غیر منقول‌را بکسی‌دیگر انتقال بدهد مگر بشرط معین درماده ۶۶۵ ونیز حق‌ندارداز اشیاء واسباب‌متعلقه به مال‌غیرمنقول‌چیزی بفروشدیاانتقال دهد. ازاشجار وجنگل‌فقط باندازهٔ‌میتواندببرد که برای حفظ مال غیرمنقول ازخرابی لازم باشد تخلف از مفاد این ماده مستلزم حبس است که بسته باهمیت تقصیر بنظر محکمه ازیکماه الی‌ششماه معین خواهد شد و بعلاوه در موقعیکه محکوم‌علیه معین باشد مسئول خسارتی است که بر داین وارد آمده است .

ماده ۶۶۵ ح ـ درمدت دوماه که معین شده قبل‌ازانقضای مدت مزبوره مدیون میتواند مال غیر منقول توقیف شده‌را بفروشد یا

رهن بگذارد :

۱ ـ درموردیکه قبل از اجرای صیغه معامله مبلغ محکوم به را باطلاع محکمهٔ که مال توقیف شده درحوزه آن واقع است بمدیون پرداخته قبض رسید دریافت دارد .

۲ ـ در صورت رضایت دائن در فروش مال غیر منقوله بتوسط مدیون .

ماده ٦٦٦ ح ـ قراردادها و تعهدات راجعه بمال غیر منقول در صورتیکه قبل از ابلاغ اطلاعنامه منعقد شده باشد بعداز آنهم درقوت خود باقی است ولی هر گاه قرارداد یا تعهدی بعداز ابلاغ اطلاعنامه منعقد شده باشد مدیون میتواند نقض آنرا از محکمه بخواهد در صورتیکه ثابت کند قراردادهای مذکوره بضرر مال غیرمنقول منعقد شده است .

مبحث دوم ـ در ترتیب صورت اموال غیرمنقوله

ماده ٦٦٧ ـ بعداز انقضاء موعد مذکوره در ماده ٦٦٣ مأمور اجرا بترتیب دادن صورت اموال غیر منقوله مباشرت میکنند و تاریخ اقدام خود را بمدیون اطلاع میدهد .

ماده ٦٦٨ ح ـ درصورت مزبور باید قید شود : ۱ ـ تاریخ و مفاد ورقهٔ اجرائیه که بموجب آن اجرای حکم بعمل می آید . ۲ ـ محلی که مال غیرمنقول درآنجا واقع است یعنی در کدام ولایت و بلوک و ناحیه یا شهر و محله واقع است . ۳ ـ توصیف مال غیر منقول بطریق اختصار ۴ ـ مال مزبور بطرف کدام ...

یك مالك است یامشاع . اشخاص دیگر حقی بآن مال دارند یانه و اگر دارند چه نوع حقی است . ملك مرهون است یانه و اگر مرهون است بچه مبلغ مرهون شده است .

ماده ٦٦٩ ح ـ و نیز درصورت مزبور باید تصریح شود :
۱ ـ حدود ملك وهمسایه های آن ۲ ـ مساحت ملك ازهرطرفی و اراضی و جنگل هرگاه معین باشد و مزارع و عدد قنوات ۳ ـ سایر اطلاعات راجعه بوضع ملك (از وضع زراعت وحشم و اسباب زراعت و مسافت از شهر و راههای معتبره و غیره) که کاشف از حال و وضع ملك تواند شد .

ماده ٦٧٠ ح ـ در صورتیکه نتوان مساحت تحقیقی ملك را معین کرد باید مأمور اجرا مقدار بذر افشان و حاصل را تحقیق کرده درصورت قید نماید .

ماده ٦٧١ ح ـ درصورت راجعه بخانه باید قید شود :
۱ ـ خانه ازچه ساخته شده ۲ ـ اندازهٔ خانه از عرض و طول و ارتفاع ۳ ـ عدهٔ اطاقها و انبار و زیرزمین وغیره ـ هرگاه خانه بچند قسمت یا حیاط علیحده تقسیم شده باشد که متصل بهمدیگر باشند صورت هریك جداگانه برداشته میشود .

ماده ٦٧٢ ح ـ درصورت راجعه بكارخانجات اطلاعات مصرحه درمادهٔ قبل قید میشود بعلاوه عدد ماشین آلات و تعیین حاصل کارخانه .

ماده ٦٧٣ ح ـ مدیون در حین ترتیب صورت باید اسناد راجعه بملك یامال غیر منقول را بمأمور اجرا ارائه بدهد وهرگاه ندهد حق

ندارد بعدها ازعدم صحت صورتی که مأمور اجرا ترتیب داده‌است شکایت کند .

ماده ۶۷۴ ح - هرگاه حدود یا قسمتی ازملك متنازع فیه باشد مراتب در صورت قید شده تصریح میشود که طرف منازعه کیست و درکجا بمنازعه رسیدگی میشود .

ماده ۶۷۵ ح - هرگاه قسمتی ازملك برای اداء دین کافی است صورت همان قسمت مرتب میشود مگراینکه قسمت را ازکل نتوان تجزیه کرد یا اگرقابل تجزیه باشد تجزیه باعث خرابی ملك شود .

ماده ۶۷۶ ح - صاحب ملکی که قابل تجزیه است حق دارد که قسمتی از آنرا در مقابل دین خود از کل تجزیه کرده همان را برای عملیات اجرا بمأمور اجراء واگذار کند .

مبحث سوم - در تقویم اموال غیرمنقوله

ماده ۶۷۷ ح - داین باید قیمت ملك را تا اتمام ترتیب صورت اموال غیر منقوله کتباً معین وامضاء نموده بمأمور اجرا بدهد این تقویمنامهٔ داین بمدیون درصورتیکه درحین ترتیب صورت حاضر بوده تبلیغ میشود .

ماده ۶۷۸ ح - صاحب ملك هرگاه تقویم داین را نازل دید حق دارد درظرف یکهفته ازتاریخ ابلاغ تقویم‌نامه باو قیمت ملك را ازروی حد وسط فائده خلص سه سال آخری ملك معین نموده وبمأمور اجرا بدهد هرگـاه صاحب ملك کمتر ازسه سال ملك بوده حد وسط فائده خالص زمان مالکیت خود را معین میکند .

تبصره ـ مقصود از فائده خالص منافعی است که برای مالک بعد از وضع مخارج عادیهٔ مرسومهٔ ملك ومالیات وعوارض دیوانی از هر قبیل میماند .

ماده ٦٧٩ ح ـ مدیون باید اطلاعاتی را که درجواب کتبی خود میدهد مبتنی براسناد وصورت حساب نموده و هرگاه لازم شود اسناد ونوشتجات مزبوره را ارائه دهد .

ماده ٦٨٠ ح ـ جواب کتبی مدیون بداین تبلیغ میشود و مشارالیه مختار است یاتقویم مالك را قبول کند و یا درصورت رد درظرف یکهفته باطلاعات مندرجه درآن کتباً اعتراض نماید .

ماده ٦٨١ ح ـ درصورتیکه مابین داین ومدیون درباب حدوسط فائده خالص ملك موافقت حاصل نشود باطلاعات اهل خبره رجوع میشود ـ عدهٔ خبره باید طاق باشد و هرگاه طرفین تراضی در انتخاب آنان نکردند مدعی العموم معین میکند وهرگاه مدعی العموم نباشد رئیس محکمه .

ماده ٦٨٢ ح ـ هرگاه مدیون حاضر نباشد مدعی العموم اهل خبره را معین میکند .

ماده ٦٨٣ ح ـ بعد ازتعیین حد وسط فایدهٔ خالص مال غیرمنقول قیمت عادله مال مزبور معین میشود باینطور که ازتحقیقات محلی باید معلوم گردد که نسبت حد وسط خالص عایدی درعرض سه سال آخری بقیمت ملك چیست وازنسبت مزبوره وحد وسط خالص عایدی مال غیر منقول توقیف شده درعرض سه سال که اهل خبره

معین کرده اند قیمت ملك را معین نمود .

ماده ۶۸۴ ح ـ بعد از ترتیب صورت مال غیر منقول وتقویم آن مأمور اجرا اوراق راجعه بمال مزبور را بمحکمهٔ که باید مال غیر منقول را بتصرف مدیون بدهد یا ازقیمت آن ادای طلب داین را بنماید میفرستند .

ماده ۶۸۵ ح ـ تحقیقات محلی بترتیبی بعمل میآید که در اصول محاکمات حقوقی مذکور است .

مبحث چهارم ــ در حفظ مال غیر منقول توقیف شده

ماده ۶۸۶ ح ـ مال غیر منقول بعداز ترتیب صورت وتقویم در تصرف مالك سابق موقتاً میماند بارعایت شرایطی که در ماده ۶۶۲ مذکور است .

ماده ۶۸۷ ح ـ مدیون درمورد مادهٔ قبل مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته وموافق آن تحویل بدهد .

ماده ۶۸۸ ح ـ درصورتیکه مال غیرمنقول در دست مدیون بماند مشارالیه مکلف است که حساب عایدات آنرا بدهد .

ماده ۶۸۹ ح ـ درصورتیکه منافع مال غیر منقول توقیف شود منافع مذکوره بامینی که داین ومدیون بتراضی معین کرده اند سپرده میشود و در صورت عدم تراضی بشخص امینی که مدعی العموم و اگر مدعی العموم نباشد رئیس محکمه کتباً معین میکند .

فصل چهارم در تأدیهٔ طلب داین

ماده ۶۹۰ ح ـ هر گاه بعداز انقضای موعدیکه برای تأدیهٔ طلب

داین معین شده طلب مزبور را مدیون ادا نکرد باطلاع مدعی العموم (در جائیکه مدعی‌العموم نباشد باطلاع رئیس محکمه) ورضایت داین عین‌مال توقیف شده را بقدرطلب بقیمتی که تقویم شده بداین میدهند اگرداین راضی‌نشد که ازعین بردارد بترتیبی که درفصل پنجم مذکور است باطلاع‌مدعی‌العموم ازمال باندازهٔ طلب داین‌درمعرض فروش گذاشته‌میشود وطلب داین‌تأدیه میشود وهرگاه مال قابل تجزیه نباشد تماماً فروخته شده و معادل طلب داین تأدیه وبقیه بصاحب مال مسترد میشود .

ماده ۶۹۱ ح ـ هرگاه مال نزد داین مرهون‌باشد بعداز انقضای مدت دین بمدیون اطلاع داده میشود که برای ادای دین حاضر شود درصورت عدم حضور وتأدیهٔ دین مال مرهون تقویم شده وبرضایت داین معادل طلب ازعین مال مرهون باو داده میشود و الا درحکم ماده قبل خواهد بود .

فصل پنجم ـ درفروش اموال توقیف شده

مبحث اول در فروش مال منقول

مادهٔ ۶۹۲ ح ـ بعداز ترتیب صورت مال وتقویم‌آن داین و مدیون باید بمأموراجرا اعلام‌نمایند که بتراضی‌درباب محل وموعد فروش چه قراری داده‌اند هرگاه طرفین‌دراینباب تراضی نکردند مأمور اجرا ازقرار مواد ذیل رفتار میکنند .

ماده ۶۹۳ ح ـ محل فروش‌را مأمور اجرا معین‌مینماید وبایدمحل

مزبور خارج ازمحل‌هائیکه ازطرف‌دولت یا بلدیه معین شده‌است نباشد و اگر محلها متعدد باشد یا معین نشده باشد در محلی فروش بعمل می‌آید که برای منافع مدیون ترجیح داشته باشد .

ماده ۶۹۴ ح ـ در مواردیکه حمل اموال منقوله بمحل دیگری باعث مخارج زیاد است اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشود بفروش میرسد .

ماده ۶۹۵ ح ـ فروش درحضور مأمور اجرا ومأمور نظمیه و یکنفر از طرف مدعی‌العموم باید بعمل آید .

ماده ۶۹۶ ح ـ موعد فروش‌را مأمور اجرا نظر بکمیت‌و کیفیت اشیاء توقیف‌شده معین میکنند وموعد مزبور نباید کمتراز یکهفته و بیش‌از دوماه‌باشدابتدای‌این‌موعد ازروزاتمام‌ترتیب‌صورت وتقویم است ـ دراشیاء ضایع شدنی یا اشیائیکه حفظ آنها باعث مخارج زیادی است میتوان موعدرا کمتر قرار داد .

ماده ۶۹۷ ح ـ تأخیر از موعد مقرر در مدهٔ قبل برضایت طلبکاران یا طلبکار ممکن است .

ماده ۶۹۸ ح ـ اعلان فروش را مأمور اجرا بعمل‌آورده و در اعلان باید محل وتاریخ (روزوساعت) فروش و اسم صاحب مال و تقویم آن تصریح شود .

ماده ۶۹۹ ح ـ اعلان باید لااقل یکهفته ودرموارد فوری لااقل یکروزقبل‌ازتاریخ فروش‌دراداره‌ٔ نظمیهٔ محل‌ومعابر نصب‌شودوهر

گاه قیمت مال بیش از شصت تومان باشد باید در روزنامه هم اعلان مزبور درج شود .

ماده ۷۰۰ ح ـ داین ومدیون میتوانند علاوه بر اعلاناتی که بواسطهٔ مأمور اجرا بعمل می آید خودشان هم بخرج خودشان اعلانات لازمه را درمطبوعات و غیره بعمل آورند .

ماده ۷۰۱ ح ـ درصورت تغییر روز فروش بحکم محکمه یا تراضی طرفین باید تغییر روز و جهة آن مجدداً اعلان شده و مراتب در دفتر مأمور اجرا قید شود .

ماده ۷۰۲ ح ـ مصنفات یامترجمات خطی وهمچنین مصنفات و مترجمات چاپی که هنوز برای خرید وفروش منتشر نشده بدون رضایت مصنفین ومترجمین درحال حیات آنان و بدون رضایت وارث و قائم مقام آنان درحالت ممات بمعرض بیع نمی آید .

ماده ۷۰۳ ح ـ هرگاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع و انتشار خود یا حق طبع را خریده یا باو منتقل شده باشد فروش مصنفات یامترجمات مذکور یاحق طبع جایزاست ولی هرگاه تعهدی منتقل الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده باشد خریدار ثانوی باید قبلا اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .

ماده ۷۰۴ ح ـ ابتیاع مصنفات ومترجمات وپرده های نقاشی وسایر صنایع مستظرفه حق مالکیت ادبی یا صناعی را بخرنده نمیدهند .

ماده ۷۰۵ ح ـ درروزهائی که برای فروش معین شده است مردم

میتوانند اشیاءرا معاینه نمایند فروش دردوساعت بظهرمانده شروع و یك بغروب مانده ختم میشود وهرگاه درروزمعین تمام نشد بروز دیگر محول میشود .

ماده ۷۰۶ ح - داین میتواند مثل سایر مردم درخرید شرکت نماید ولی أشخاصی که صورت را ترتیب داده اند یا تقویم کرده‌اند و همچنین اجزاء ادارهٔ نظمیه و مأمورین اجرا وسایر اشخاصیکه مباشر امر فروش هستند نمیتوانند در خرید شرکت کنند صاحب مال میتواند خواهش کند که بعضی از اموال اورا مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خودش قیمت مال را حاضر کرده منع از فروش نماید .

ماده ۷۰۷ ح - دروقت فروش مأمور اجرا قیمت هرچیزی را بطوری که داین و مدیون یا مقوم معین کرده‌اند اعلان کرده می‌پرسد کی بیشتر میدهد و قیمتی را که خرنده تکلیف میکند دودفعه بلند إعلام مینماید تا آنکه یقین حاصل نماید که دیگر کسی بیشتر نمیدهدآنوقت سه دفعه می‌گوید کی بیشتر میدهد و در دفعهٔ آخری چکش میزنند و بعد از آن دیگر اضافه قیمت قبول نمیشود و مال متعلق بکسی است که بالاترین قیمت را قبل از زدن چکش آخری قبول کرده .

ماده ۷۰۸ ح - تاریخ فروش و نمرهٔ شیئی فروخته شده و بالاترین قیمتی که داده شده است و اسم و شهرت خریدار در دفتر مأمور اجرا نوشته شده بامضای خریدار میرسد و اگر نتواند امضا کند کسی دیگر از طرف او امضاء میکند و جهت

قید می‌شود .
ماده ۷۰۹ ح ـ مشتری باید تمام قیمت را نقد بدهد مگر اینکه طرف اطمینان داین ومدیون ومأمور اجرا باشد یا داین قبول کند .
ماده ۷۱۰ ح ـ هر گاه مأمور اجرا مشاهده کند که مال فروخته شده برای ادای طلب داین کافی است فروش را توقیف نموده بقیهٔ مال را بصاحب آن مسترد میدارد .
ماده ۷۱۱ ح ـ درموارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد :
۱ ـ هر گاه مشتری حاضر نشود یا بیش از یکنفر نباشد .
۲ ـ درصورتیکه هیچکس بیش از قیمتیکه برای اشیاء درحین تقویم معین شده مشتری نشود .
ماده ۷۱۲ ح ـ درصورتیکه فروش بواسطهٔ حاضر نشدن مشتری بعمل نیامد طلبکاران میتوانند خواهش اعلان فروش جدید را نمایند یا اینکه اشیاء را بقیمتیکه معین شده بردارند رأی طلبکاران در این مورد نسبت باکثریت مبلغ طلب آنان مناط اعتبار است .
ماده ۷۱۳ ح ـ درصورتیکه در دفعهٔ دوم هم فروش بعمل نیاید اشیاء توقیف شده بصاحب آن مسترد شده طلبکاران میتوانند در صورتیکه راضی ببرداشتن عین مال نباشند تأدیهٔ طلب خودرا ازمال دیگر مدیون بخواهند .
ماده ۷۱۴ ح ـ درموارد ذیل فروش ازدرجهٔ اعتبار ساقط است :
۱ ـ هر گاه معلوم شود که شیئی فروخته شده مال مدیون نبوده است .
۲ ـ وقتیکه کسی مال را خریده است که حق خرید نداشته است .
۳ ـ وقتیکه مال را زودتر از موعد فروخته‌اند .
۴ ـ درصورتیکه کسی را بدون جهة قانونی مانع ازخریدن شده‌اند یا

بالاترین قیمت را که تکلیف کرده است رد کرده‌اند .
۵ ـ درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی‌العموم بعمل آمده باشد ـ در مورد فقرهٔ اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن برمیگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید . و هر گاه معلوم ومحقق شود که مواضعه در این باب مابین مدیون وطلبکاران بوده خریدار باید پول خودرا از مدیون و طلبکاران مطالبه نماید .

مبحث دوّم ـ درفروش اموال غیرمنقوله

ماده ۷۱۵ ح ـ ترتیبات فروش اموال غیر منقوله مثل اموال منقوله‌است باستثنای مواردیکه تکلیف آنها دراین‌مبحث‌معین‌است.
ماده ۷۱۶ ح ـ صورت اموال غیر منقوله برئیس محکمهٔ ابتدائی که مال غیر منقول در حوزهٔ آن واقع است داده میشود و مشارالیه مأمور اجرا را برای فروش مال معین میکند داین و مدیون نیز میتوانسند در انتخب مأمور مزبور تراضی نمایند فروش درشهری که مقر محکمهٔ ابتدائی است بعمل می‌آید .
ماده ۷۱۷ ح ـ موعد فروش مال غیرمنقول که کمتراز سیصد تومان قیمت داشته باشد یکماه است و مال که از سیصد تومان الی پنجهزارتومان قیمت‌داشته باشد دوماه و برای اموال غیرمنقوله که قیمتش بیش‌از پنجهزار تومان است سه ماه ـ ابتدای تاریخ مزبور از روز اعلان فروش است (چه توسط اوراق چه در مطبوعات) .
ماده ۷۱۸ ح ـ در اعلان باید تصریح شود :

۱ ـ اسم و شهرت صاحب ملك و طلبكار ۲ ـ اسم و اسم پدر و محل اقامت مأمور اجرا ۳ ـ محل مال غیرمنقول وتعریف مختصر آن ۴ ـ تصریح اینکه تمام ملك فروخته میشود یا قسمتی از آن و کدام قسمتها ۵ ـ ملك مرهون است یا نه و هرگاه مرهون است نزد کیست و با اجازهٔ او فروخته میشود ٦ ـ تاریخ و محل فروش ۷ ـ قیمتی که از آن مزایده شروع خواهد شد .

ماده ۷۱۹ ح ـ لااقل باید یکماه قبل از تاریخ فروش درخود ملك و در محلی که فروش بعمل خواهدآمد اعلان مزبور نصب شود .

ماده ۷۲۰ ح ـ اوراق راجعه بملك از صورت مرتبه و تقویم باید در دفترخانهٔ محکمه برای اشخاصی که میخواهند تحصیل اطلاعات نمایند حاضر باشد .

ماده ۷۲۱ ح ـ برای فروش هر مال غیر منقوله ورقهٔ ترتیب داده میشود که درآن اسم ملك و قیمتی را که فروش از آن شروع میشود درج مینمایند .

ماده ۷۲۲ ح ـ درحین فروش یکنفر امین از طرف رئیس محکمه و مدعی العموم حاضرشده نظارت مینمایند و بعدازقرائت ورقه مأمور اجرا میپرسد که کی بیشتر میدهد قیمتهائیکه تکلیف میشود در ورقه با اسم تکلیف کننده درج و بحضار اعلام میشود و بعد ورقه بامضای شخصی که بالاترین قیمت را داده است و داین و مدیون و مأمور اجرا و امین ناظر میرسد .

ماده ۷۲۳ ح ـ هرگاه فروش بعمل نیامد و کسی برقیمت تقویم

نیفزود طلبکاران میتوانند مال را بقیمتیکه تقویم شده بردارند یا تقاضای فروش جدید را در همان محل یا در شهری که بیشتر مرکزیت داشته باشد بنمایند .

ماده ۷۲٤ ح ـ هرگاه در دفعهٔ ثانی هم فروش بعمل نیامد طلبکاران باید مال را بقیمتی که مقوم معین کرده است قبول کنند و یا تأدیهٔ دین خود را از مال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۲۵ ح ـ درموارد ذیل فروش از درجهٔ اعتبار ساقط و خارج است :

۱ ـ هرگاه معلوم شود که مال مال مدیون نبوده است .

۲ ـ وقتیکه کسی مال را خریده است که حق خریدن را نداشته است .

۳ ـ وقتیکه مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند .

٤ ـ درصورتیکه کسی را بدون جهة قانونی مانع از خریدن آن شده اند یا بالاترین قیمتی را که تکلیف کرده است رد کنند .

۵ ـ درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد درمورد فقرهٔ اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن برمیگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هرگاه محقق شود که در این باب مواضعه مابین مدیون و طلبکاران بوده خریدار پول خود را از مدیون و طلبکاران باید مطالبه نماید .

ماده ۷۲٦ ح ـ هرگاه مال مشاع باشد صورتی از تمام مال برداشته میشود ولی سهم مدیون بفروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام مال را بخواهند در اینصورت حاصل فروش

مابین داین و شرکاء باندازهٔ سهم آنان تقسیم میشود و اگر منازعه مابین شرکاء و مدیون در سهم هریک باشد بعداز رسیدگی محکمه حاصل فروش تقسیم میشود .

ماده ۷۲۷ ح ـ مالك ملکی که صورت آن مرتب و تقویم شده است حق دارد ازمحکمه توقیف مزایده‌را بخواهد درصورتیکه بتواند ثابت کند که منافع خالص در عرض دوسال برای ادای دین او کافی است خواهش توقیف بمحکمهٔ داده میشود که مزایده در حوزهٔ آن بعمل میآید .

ماده ۷۲۸ ح ـ درمورد مادهٔ قبل مدیون باید تأمینات صحیحه درباب رسانیدن اقساط بدهد و انتخاب یکی‌از اقسام تأمین منوط بتراضی طرفین است .

هرگاه دررأس وعده داین قسط مقرررا نپرداخت طلبکار میتواند فروش ملك رامجدداً تقاضا کند یاقسط را ازموضوع تأمین بردارد .

ماده ۷۲۹ ح ـ شخص ثالث که حقی بملك توقیف شده دارد یا ملك توقیف شده را مال خود میداند میتواند برای توقیف مزایده عرضحال بمحکمهٔ که صلاحیت دارد بدهد ودراینمورد شخص ثالث با داین و مدیون احضار میشوند و بمحکمهٔ که باید مزایده درحوزهٔ آن بعمل آید مراتب اطلاع داده میشود .

ماده ۷۳۰ ح ـ درصورتیکه محکمه دلایل شخص ثالث را قوی یافت مزایده‌را توقیف ومدعی‌به داین را تاصدور حکم موافق قوانین تأمین مینماید ولی هرگاه حق شخص ثالث راجع بقسمتی از ملك باشد

مزایدهٔ سایر قسمتها توقیف نمیشود .

ماده ۷۳۱ ح ـ شکایت ازعدم رعایت قوانین راجعه بترتیب صورت وتقویم وسایر اقدامات مأمور اجرا درعرض یکهفته ازتاریخ وقوع ماده شکایت بمدعی‌العموم داده میشود و مشارالیه مأمور اجرا را تغییر داده بمادهٔ شکایت رسیدگی میکند .

ماده ۷۳۲ ح ـ شکایت از بی‌ترتیبی مزایده درظرف یکهفته بعد ازوقوع آن بمدعی‌العموم داده میشود ومدعی‌العموم هرگاه شکایت را صحیح دانست مراتب را بمحکمه رجوع میکند قبل‌از صدور حکم محکمه دراینمورد ملك بتصرف خریدار داده نمی‌شود .

فصل ششم

در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد

ماده ۷۳۳ ح ـ هرگاه حاصل فروش مال مدیون ایفای دین را ننماید باید بمحکمهٔ ابتدائی تسلیم شود وهرگاه طلبکاران تراضی در باب تقسیم آن نکردند بترتیب ذیل رفتار میشود :

ماده ۷۳٤ ح ـ رئیس محکمه یکی از اعضاء را معین میکند که تقسیم نامه را مرتب کند . تقسیم نامه بطلبکاران ارائه میشود که هر شکایتی دارند درظرف یکهفته‌ازتاریخ ارائهٔ تقسیم‌نامه بمحکمه بدهند

ماده ۷۳۵ ح ـ هرگاه شکایت اظهار نشود محکمه تقسیم‌نامه را امضاء میکند والارسیدگی کرده قرار قاطع میدهد .

ماده ۷۳٦ ح ـ طلبکاریکه ورقهٔ اجرائیهٔ خودرا بعداز امضای ورقهٔ

تقسیمنامه بمحکمه ابراز کرده است حق شرکت در تقسیم آن ندارد ولی طلبکار مزبور و همچنین طلبکارانی که بتمام حق خودشان نرسیده اند میتوانند ایفای حق خودشانرا از سایر اموال مدیون بخواهند و هرگاه مدیون چیزی نداشته باشد اعلام افلاس اورا تقاضا کنند .

فصل هفتم

در اتخاذ وسائل برای تأدیه دین

ماده ۷۳۷ ح هرگاه مال منقول وغیر منقول مدیون کفایت ادای دین را ننماید طلبکار میتواند ازمحکمه بخواهد که مدیون راحاضر کرده استعلام نماید که وسایل دیگری برای ادای دین دارد یانه و اگر دارد کدام است و محکمهٔ که مدیون در حوزهٔ آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد مدیون را احضار واظهارات اورا درصورت مجلس مینویسد .

ماده ۷۳۸ ح ـ مدیون میتواند خودش بدون احضار محکمهٔ که در حوزهٔ آن اقامت دارد درمحکمه حاضرشده اظهاراتی راجع باداء دین خود یا عدم قدرت بر اداء بنماید .

ماده ۷۳۹ ح ـ مدیون بعداز احضار درموعد مقرر در محکمه حاضر میشود وهرگاه محل اقامت مدیون در مقر محکمهٔ ابتدائی نباشد و بواسطهٔ بعد مسافت نتواند در محکمهٔ ابتدائی حاضر شود در نزدیکترین محکمهٔ صلح اظهارات خودرا مینماید و صورت مجلس معجلا ازمحکمهٔ صلح بمحکمهٔ ابتدائی فرستاده میشود که

برای موعد مقرر در محکمهٔ ابتدائی حاضر باشد .

ماده ۷٤۰ ح ـ هرگاه مدیون در محکمهٔ ابتدائی یا محکمهٔ صلح حاضر نشد رئیس محکمه حکم میدهد که اورا بمحکمهٔ ابتدائی یا محکمهٔ صلح جلب نمایند (موافق جلب درموارد امور جزائی) و هرگاه مدیون فرار کرد یاپنهان شد اقدام لازم در پیدا کردن مدیون بعمل آمده حکم محکمه وقرار محکمه درجلب او اعلان میشود .

ماده ۷٤۱ ح ـ بعداز پیدا کردن مدیون مشارالیه را بمحکمه حاضر میکنند و محکمه رسیدگی کرده قرار توقیف اورا بواسطهٔ عدم اطاعت حکم محکمه درباب احضار میدهد ومدیون از توقیف خارج نمیشود مگر بثبت افلاس خود یا بدادن کفیل (ضامن تن) .

ماده ۷٤۲ ح ـ هرگاه مدیون محکوم علیه افلاس خودرا ثابت کرد ولی معلوم شد که افلاس ازروی تقصیر هست بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب وموافق قانون مجازات محکوم خواهدشد .

مادهٔ ۷٤۳ ح ـ هرگاه مدیون قادر برای ادای دین باشدولی امتناع ازادای آن نماید واستیفای دین ازمال او ممکن نباشد محکمه بتقاضای داین حکم حبس اورا تا زمانیکه ادای دین نماید خواهدداد .

ماده ۷٤٤ ح ـ هرگاه مدیون بعد از دادن کفیل فرار کرد یا پنهان شد کفیل ملزم است باداء دین او و اگر نداد درحکم خود محکوم علیه است .

ماده ۷٤٥ ح ـ بموجب قانون تسریع محاکمات نسخ شده است .

ماده ۷٤٦ ح ـ مدیون که توقیف خودرا برخلاف قانون میداند

میتواند از مأمور اجرا تقاضا نماید که اورا نزد رئیس محکمهٔ ابتدائی ببرند ومأمور اجرا مکلف است بقید مسئولیت که این تقاضای اورا مجری دارد - رئیس محکمه هرگاه توقیف را برخلاف قانون دید فوراً حکم استخلاص مدیون را میدهد .

ماده ۷۴۷ ح - در دفتر مأمور اجرا بایدقیدشود : ۱ - ورقهٔ که مدرك حبس است ۲ - مقدار دین ۳ - مدت توقیف ۴ - محل اقامت طلبکار ۵ - مخارج اجرای قرار محکمه درباب توقیف .

ماده ۷۴۸ ح - هرگاه مدیون درمحکمه برای دادن توضیحات راجعه بادای دین حاضرشد باحضور طلبکاران باظهارات اورسیدگی میشود وهرگاه معلوم شود که مدیون مفلس نبوده وافلاس او جعلی است حکم بتوقیف اوشده موافق قانون مجازات میشود .

ماده ۷۴۹ ح - هرگاه مدیون مستخدم دولت باشد مأموراجرا فوراً قرار محکمه را درباب توقیف برئیس ادارهٔ متبوعهٔ مدیون اطلاع میدهد که اگر مال دیوان نزد او باشد گرفته شود - قرار محکمه درباب توقیف مدیون توسط رئیس اداره باید فوراً بموقع اجرا گذاشته شود .

باب هفتم - دراصلاح وحکمیت

فصل اول در صلح متداعیین

ماده ۷۵۰ ح - در هرمرحله از مراحل وهردوری از ادوار محاکمهٔ حقوقی طرفین میتوانند بمحکمه اعلام نمایند که میخواهند

منازعهٔ خودرا بصلح تمام نمایند .
تبصره ـ صلح متداعیین درمحکمهٔ تمیز باعث توقیف برسیدگی محکمهٔ مذکوره نمیشود ولی حکمی که صادرمیشود فقط برای محوفظت قانون است اثری برای متداعیین نخواهد داشت .
ماده ۷۵۱ ح ـ درصورتیکه درمحاکمه مدعی یامدعی علیه متعدد باشند هر کدام از آنان میتوانند علیحده از سایرین باطراف یااشخاصی که طرف هستند صلح نمایند .
ماده ۷۵۲ ح ـ اشخاصیکه میخواهند محاکمهٔ خودرا بصلح تمام نمایند یا باید عرضحال بمحکمه داده تقاضای صلح را بنمایندویاهرگاه درخارج صلح کرده اندصلح نامه رادراداره ثبت اسنادیامحکمهٔ صلح بتصدیق برسانندویادرمحکمه حاضرشده اقرار بصحت صلح کنند .
ماده ۷۵۳ ح ـ عرضحال تقاضای اصلاح که ممضی بامضای طرفین دعوی است وهرگاه عرضحال مزبور بایست یاتوسط وکیل بمحکمه ارسال میشود باید قبلادرمباشرت ثبت اسناد یا محکمهٔ صلح یایکی از ادارات رسمی مصدق شود .
ماده ۷۵۴ ح ـ درصورتیکه صلح باید درمحکمه داده شود قبل از ترتیب صلح نامه محکمه سؤالات لازمه راازطرفین نموده یقین حاصل مینماید که طرفین راضی بصلح هستند بشرایطی که تراضی حصل کرده اند صورت مجلس مرتب و بامضای طرفین واعضاء محکمه میرسد وبعد عقدصلح جاری میشود .
ماده ۷۵۵ ح ـ هرگاه صلح طرفین صورت نگیرد گذشت هائی

که طرفین هنگام تراضی بصلح بهمدیگر کرده اند لازم الرعایه نیست .

ماده ۷۵۶ ـ اموری که بصلح میگذرد بکلی قطع و تمام شده محسوب است و طرفین و وراث و قائم مقام آنان دیگر بهیچوجه نمیتوانند امور مزبوره را از سر بگیرند .

فصل دوم در حکمیت ـ که از ماده ۷۵۷ تا ماده ۷۸۰ است نسخ و بجای آن قانون حکمیت و قانون اصلاح حکمیت تصویب و ذیلا درج میگردد :

قانون حکمیت مصوّب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶

مادهٔ ۱ ❁ هر گاه در دعوی حقوقی یکی از متداعیین محکمهٔ صلح ـ بدایت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را بموافقت بااین تقاضا تکلیف و مطابق موادذیل رفتار خواهد کرد مشروط براینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسهٔ اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد .

ماده ۲ ❁ هر گاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرره تعیین حکم ننماید محکمه از طرف ممتنع حکم او و همچنین حکم ثالث را بقرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد هر گاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانکه تا دوماه مدعی حکم خودرا معین ننماید محکمه قرار ردّ عرضحال را صادر خواهد نمود و اینقرار قابل استیناف وتمیز نیست .

ماده ۳ ❁ محکمه در محاکمات عادی بعداز وصول اولین جواب کتبی مدعی‌علیه ودر محاکمات اختصاری بعداز استماع جواب مدعی‌علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر خواهد کرد ولی قبل‌ازصدورقرار حکمیت بایدبایرادات مدعی‌علیه رسیدگی کرده قراررد یاقبول ایرادرا بدهد . هرگاه پس ازرأی محاکم عالی یا بواسطهٔ انقضاء مدت استیناف وتمیز قابل استماع بودن دعواوصلاحیت محکمه ومتداعیین محرز شد محکمه قرارارجاع حکمیت خواهد داد این قرار قابل استیناف وتمیز نیست .

ماده ۴ ❁ ممکن است طرفین یکنفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هرکدام یك حکم معین کرده وحکم ثالث‌را بتراضی تعیین نمایند . هرگاه درتعیین حکم ثالث تراضی نشد محکمه در جلسهٔ که برای تعیین حکم وتنظیم حکم‌نامه مقرر داشته باحضور متداعیین ازبین عدهٔ ازاتباع ایران که کمتر ازسه نفرنباشند ومحکمه آنهارا نسبت به‌سنخ دعوی بصیر وخبیر بداند حکم ثالث را بقرعه معین خواهد کرد .

تبصره ــ صورت اسامی اشخاصیکه بقرعه گذاشته خواهد شد سه روز قبل از جلسه باید بطرفین داده شود .

ماده ۵ ❁ اشخاص ذیل نمیتوانند حکم ثالث شوند وخود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر بتراضی طرفین .

آ ــ کسیکه در دعوای مطروحه ذینفع باشد ب ــ کسیکه شخصاً یازوجه‌اش با یکی ازمتداعیین قرابت نسبی یاسببی تادرجهٔ

سوم دارد .

ج ـ کسیکه قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعیین است یا یکی از متداعیین مباشر امور اوست .

د ـ کسیکه خود یازوجه‌اش وارث یکی از متداعیین است .

هـ ـ کسیکه بایکی از متداعیین یااشخاصیکه باآنها قرابت سببی یانسبی تادرجهٔ سوم دارد محاکمهٔ جنائی یاجنحهٔ داشته یادارد .

و ـ کسیکه مابین او یازوجهٔ اویااقربای نسبی او تادرجهٔ سوم ویکی ازمتداعیین یازوجهٔ اویااقربای نسبی تا درجهٔ سوم دعوای حقوقی مطرح است .

تبصره ـ امتناع فوق‌الذکر و ردّ ازطرف متداعیین باید ازطرف حکم قبل از قبول حکمیت وازطرف متداعیین قبل‌ازقرعه بعمل آید مگر اینکه علت ردّ وامتناع پس از قرعه وقبل ازصدور رأی حکمیت ایجاد گردد .

ماده ٦ ـ کسانی بوسیلهٔ قرعه میتوانند حکم شوند که‌سن آنها بالغ بسی سال شمسی شده ـ درمقر محکمه‌حضور داشته وطرفین قبل‌ازقرعه دررد آنهامتفق نباشند ـ قضاة واعضاء پارکه‌نمیتوانند‌در حوزهٔ مأموریت خود قبول حکمیت نمایند مگر بتراضی طرفین ـ محکومین بجنحه وجنایت‌اشخاصیکه بعنوان‌جنحه وجنایت‌درتحت تعقیب هستند نمیتوانند مطلقاً بحکمیت معین شوند .

ماده ۷ ـ پس ازتعیین حکم محکمه قرارنامهٔ حکمیت را تنظیم کرده وفوراً بامضای طرفین‌دعوا ومنتها درظرف سه روز بامضای

حکمها میرساند . هر گاه یك یا چند نفراز حکمها ازقبول حکمیت استنکاف نمایند درظرف سه روز پس ازاستنکاف بجای مستنکف مطابق ماده هشتم تعیین حکم خواهد شد ـ پس ازقبول حکمیت حکمها یکنفر از بین خود معین خواهند کرد که محکمه سواد اوراق واسناد طرفین را پیش او بفرستد ـ درصورتیکه حکم یکنفر باشد سواد اوراق و اسناد پیش او فرستاده میشود ـ درقرارنامهٔ حکمیت نکات ذیل قید میشود :

آ ـ اسم و اسم خانواده و شغل متداعیین ب ـ میزان مدعی بترتیبی که درمواد راجع بعرضحال مقرر است ج ـ مدت حکمیت را که کمتر ازسه روزو بیش ازسی روز نخواهدشد محکمه معین مینماید وابتدای آن از روزی است که تمام حکمها کتباً حکمیت را قبول نموده اند ـ محکمه میتواند مدت حکمیت را بتقاضای اکثریت حکمها یکمرتبه و بتراضی طرفین دعوی هرچند بار که تقاضا نمایند تجدید کند ـ کسیکه قبول حکمیت کرد وقبل ازاتمام عمل ودادن رأی بدون عذرموجه استعفا نمود تا ده سال درهیچ قضیه نمیتواند حکم شود مگر بتراضی طرفین .

ماده ۞ درصورتیکه یکی ازحکمها تاسه جاسه مماطله و مسامحه ازحضور نماید یااصلا سه جلسه حاضر نشود بترتیب ذیل رفتار خواهد شد

آ ـ هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دوحکم دیگر رسیدگی کرده رأی خودرا درصورت توافق درظرف پنج روز خواهند دادو الامحکمه بتقاضای یکی ازمتداعیین برطبق ماده ۴ حکم مشترك را

تعیین مینماید .
ب ـ درصورت عدم حضور حکم مختص یکی ازمتداعیین حکم مشترك فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری‌را از طرف تقاضا خواهد کرد چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور تاپنجروز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترك و حکم مختص دیگری رسیدگی نموده رأی‌خواهندداد و درصورت عدم توافق‌محکمه برطبق‌مادهٔ ۴حکم مختص‌را بقرعه معین‌خواهد کرد.
حکمها دررسیدگی وحکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستندولی باید مخالفت باقوانین وشرائط قراردادحکمیت ننمایند ـ متداعیین اسناد و مدارك ولوایح خودرا بحکمها داده وحکمها میتوانند از آنهاتوضیحات‌شفاهی‌بخواهند ـ دررأی‌حکم باید اسم وشهرت متداعیین وحکم‌وموضوع منازعه ـ اسنادومدارك و دلائل رأی تصریح شود .
هرگاه پس‌ازختم رسیدگی دونفر از حکمها دررأی توافق‌نموده وحکم دیگرازامضای رأی امتناع نمایدسایرین امضاء نموده واین امتناع رادرحکم قید مینمایند ـ حکمیکه بامضای اکثریت حکمها رسیده‌است آن‌اعتبار رادارد که بامضای تمام‌حکمها رسیده باشد ـ محکمهٔ که قرارحکمیت داده مطابق رأی‌حکم ورقهٔ اجرائیه‌صادر خواهد کرد .

ماده ۹ ـ ازحُکم‌حَکم غیر منفرد ده‌روز پس از ابلاغ میتوان تقاضای‌تجدیدنظر کرد مگر اینکه درقراردادحکمیت بتراضی‌این

حق را اسقاط نموده باشند .
هیئت تجدید نظر تشکیل میشود از دو حکم مختص سابق بانضمام سه نفر از اشخاصیکه یا بتراضی یا بطریق ذیل معین میشوند ـ محکمه از بین شش نفر اشخاصیکه نسبت بسنخ دعوا آنها را بصیر میدانند وطرفین دعوا دررد آنها اتفاق نمینمایند سه نفر را بقرعه معین میکند ـ حکم هیئت تجدید نظر قطعی است .

تبصره ۱ ـ در دعاوی که مدعابه بیش از ده هزار تومان است بجای تجدید نظر فوق مستأنف بشرط دادن ودیعه (صدی چهار محکوم به) میتواند تقاضا کند در محکمهٔ استیناف صلاحیت دار در رأی حکمها بدواً تجدید نظر نماید حکم استیناف در صورتیکه رأی حکم را تأیید کند قابل تمیز نیست و این استیناف مانع از تأدیه حق الزحمهٔ حکمهای بدوی نخواهد بود .
تبصره ۲ ـ راجع بودیعه مواقف ماده ۴۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی رفتار خواهد شد (۱)

ماده ۱۰ ❁ ـ درموارد ذیل حکمیت مرفوع میشود :
آ ـ در صورت تراضی طرفین که باید کتباً بمحکمه ابلاغ شود
ب ـ درصورت فوت یا جنون یکی از متداعیین .

(۱) نظر باینکه ماده ۴۹۸ بحکم قانون آزمایش در جزء مواد دیگر فعلا موقوف الاجرا است و بدین جهة دراین کتاب درج نشده است لهذا آنقسمتی که مربوط بتبصره ۲ میباشد ذیلا نقل میگردد ـ (از مبلغ مذکور در صورتیکه مستأنف غیر محق در آید بمستأنف علیه در ازای مصارف محاکمه و خسارت وارده بر او که ثابت شده تأدیه خواهد شد و تأدیه مصارف محاکمه بر تأدیه خسارات مقدم است و اگر مستأنف محق شد مبلغ مذکور باو مسترد میشود)

ج ـ اگر در حین رسیدگی کشف احوال و اوضاعی شود که مربوط بجنحه و جنایت و در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تفکیک جهة حقوقی از جزائی ممکن نشود .

ماده ۱۱ ❀ ـ حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند ودرصورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد بتقاضای یکی ازمتداعیین آنرا فسخ مینمایند .

درموارد ذیل رأی حکم باطل واز درجهٔ اعتبار ساقط است .

آ ـ درصورتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت نبوده حکم داده باشند .

ب ـ وقتیکه برخلاف سند رسمی حکم داده باشند .

ج ـ وقتیکه طرفین باتفاق حکم حکم را رد نمایند .

ماده ۱۲ ❀ حق الزحمهٔ هریك نفر حکمهای بدوی ربع عشر مدعابه است که طرفین دعوی بالسویه خواهند پرداخت مگراینکه حکمها دررأی خود تقسیم را بین متداعیین بطریق دیگرقراربدهند حق الزحمهٔ حکمهای مشترك که برای تجدید نظر معین میشوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت .

حق الزحمه پس از رسیدگی وقطعی شدن رأی درصورت تقاضای تجدید نظر پرداخته میشود و محکمهٔ مربوطه مسئول وصول و ایصال آن خواهد بود .

تبصره ـ مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم عرضحال

داده میشود نخواهد بود و درصورت اقدامات اجرائی حق اجرا دو عشر عشریه است .

مادهٔ ۱۳ ❁ ـ درصورت تراضی طرفین درهر مرحله ازمراحل دعوی میتوان بحکمیت رجوع کردو دراینصورت حکم حکم قابل تجدید نظر نخواهد بود .

مادهٔ ۱۴ ❁ ـ هرگاه در محکمهٔ انتظامی معلوم شود که معرفی محکمهٔ اشخاص را بجهة حکم مشترك کلا یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یاغیر مستقیم مبنی برتبانی ومذاکرات سابقی بوده است حاکم محکمه محکوم بانفصال ابدی خواهد شد .

مادهٔ ۱۵ ❁ ـ نسبت بدعاوی حقوقی که فعلا در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی ازمتداعیین درجلسه اول بعداز تصویب این قانون تقاضای حکمیت نمایند برطبق این قانون رفتار خواهد شد

قانون راجع بقرار حکمیت

بین متعاملین مصوبه ۲ و ۱۴ تیرماه ۱۳۰۷

مادهٔ ۱ ❁ ـ درکلیهٔ معاملات طرفین متعاملین (میتوانند درضمن معامله شرط کنند که درصورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق حکمیت بعمل آید و همچنین درصورتی که ضمن معامله چنین شرطی نشده باشد میتوانند در صورت بروز اختلاف بطور تراضی حل آنرا بحکمیت رجوع کنند در دو مورد فوق مدعی باید درصورت بروز اختلاف واستنکاف یاتعلل طرف درتعیین حکم

تقاضای تعیین حکم را بوسیله دفتر محکمهٔ ابتدائی یا صلحیهٔ محل اقامت خود بطرف مقابل اخطار کند در اینصورت طرف مزبور مکلف است که در ظرف یك هفته از تاریخ رؤیت اخطار حکم خودرا معین و طرف دیگر معرفی کند وهرگاه درظرف مدت مزبور اقدام نکرد محکمه بتقاضای مدعی بر طبق قانون حکمیت اقدام خواهد کرد ـ محکمه باید مطابق حکم حکمها ورقهٔ اجرائیه صادر نماید اعم از اینکه حکم مطابق ترتیب فوق با مداخلهٔ محکمه تعیین شده یا طرفین بدون مراجعه بمحکمه تعیین نموده باشند و در هر صورت حکم حکم وقتی قابل اجرا است که حکمها با شرایط مقرره درقانون حکمیت از برای حکم ها تعیین شده وحکم آنها برخلاف اصول مسلمهٔ مملکتی نباشد .

قانون اصلاح قانون حکمیت

مصوب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۸

ماده ۱ ـ درموارد ذیل دعاوی را نمیتوان بحکمیت رجوع نمود مگراینکه متداعیین تراضی کرده یابموجب قوانین مخصوصه یا قرار داد قبلی طرفین قطع وفصل دعوی بطرفین حکمیت معین شده باشد .

۱ ـ کلیهٔ دعاوی راجعه بمحاکم صلحیه .

۲ـ درصورتیکه مدعی در عرضحال ویا مدعی علیه درمحاکمات عادی دراولین لایحهٔ خود و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه تقاضای حکمیت ننموده باشد .

۳ ـ درصورتیکه مستند دعوی منحصراً استشهاد باشد .

۴ ـ در صورتیکه دعوی مستند در محل اقامت کسیکه طرف او تقاضای حکمیت مینماید اقامه نشده باشد .

۵ ـ دعاوی تجارتی که مستند آن برات یا چك یافته طلب باشد .

۶ ـ درصورتیکه تقاضا کنندهٔ حکمیت قبلا عرضحال اعسار یا افلاس داده یا اصل موضوع دعوی اعسار یا افلاس باشد .

۷ ـ در صورت اقرار بدعوی نسبت بقسمتی که مورد اقرار بوده .

۸ ـ درصورتیکه مستند دعوی سند رسمی باشد .

ماده ۲ ـ درموارد ذیل ارجاع دعوی بحکمیت ممنوع است ولو طرفین تراضی نمایند .

۱ ـ دعاوی راجعه باصل زوجیت و بنوت .

۲ ـ دردعاوی راجعه بتوقیف و ورشکستگی .

ماده ۳ ـ دعوی تخلیه راجع بدکاکین ومغازه‌ها وامثال آنها اعم از اینکه در حدود صلاحیت صلحیه باشد یابدایت بتقاضای یکی ازطرفین بحکمیت رجوع خواهد شد .

دعوی تخلیه در سایر موارد اعم ازاینکه راجع بخانه یا ملك مزروعی وغیر آن باشد واعم‌ازاینکه‌درحدودصلاحیت صلحیه باشد یا بدایت ارجاع بحکمیت نیست مگر بتراضی طرفین دعوی.

ماده ۴ ـ دردعاوی که‌قبل یا بعداز ارجاع بحکمیت شخص ثالثی وارد یا جلب میشود هر گاه شخص مزبور بایکی از متداعیین مشترك المنفعه باشد حق تعیین حکم علیحده نخواهدداشت واگرمنافع

او بامنافع طرفین دعوی مختلف باشد حق دارد که یك نفر حکم اختصاصی معین کند ودر اینصورت حکم مشترك دو نفر خواهد بود که باید با موافقت هر سه طرف ویابقید قرعه معین شود وبطور کلی هر شخص ثالثی که باتمام اطراف دعوی مختلف المنفعه باشد حق تعیین یکنفر حکم اختصاصی داشته و بعدهٔ هر شخص ثالث یکنفر بعدهٔ حکمهای مشترك افزوده میشود مگر اینکه اشخاص ثالث با هم مشترك المنفعه باشند .

ماده ۵ ـ رأی هیئت تجدید نظر مذکور (درماده نهم قانون حکمیت) در آن قسمتی که مربوط بجریان امر است قطعی است ولی هر گاه یکی از متداعیین مدعی باشد که بامحرز گرفتن جریان امر رأی هیئت تجدید نظر را مخالف باقوانین مملکتی است محکمهٔ استیناف صلاحیت دار رسیدگی میکند وهر گاه شکایت را وارد دید رأی هیئت تجدید را ابطال نموده وخود مطابق قانونیکه باید تطبیق برمورد شود حکم صادر خواهد کرد حکم استیناف درصورتیکه رأی هیئت تجدید نظر را تأئید کند قابل تمیز نیست .

عرضحال استینافی شاکی وقتی پذیرفته خواهد شد که در موعد مقرر برای استیناف تقدیم شده و در آن تصریح کرده باشند که رأی هیئت تجدید نظر باکدام ماده ازمواد قوانین موضوعه مخالفت دارد بعلاوه قبض ودیعهٔ استینافی (صدی چهار محکوم به) بعرضحال ضمیمه شده باشد .

ماده ٦ قضات وصاحبمنصبان پارکهٔ بدایت واستیناف را که شاغل

خدمت هستند نمیتوان بحکمیت انتخاب نمودولو بتراضی اطراف دعوی ـ وکلاء رسمی عدلیه را نمیتوان بقرعه برای حکمیت انتخاب کرد .

ماده ۷ ✿ دعاوی که قبل از تاریخ اجرای اینقانون رجوع بحکم شده ومطابق اینقانون قابل ارجاع بحکمیت نیست در محکمهٔ که قرارحکمیت داده رسیدگی خواهدشد مشروط باینکه :

اولا ـ درتاریخ اجرای این قانون رأی حکم صادر نشده باشد .

ثانیاً ـ یکی از طرفین دعوی تقاضا کند که رسیدگی امر در محکمه عدلیه بعمل آید .

ماده ۸ ✿ کلیه مقررات قانون مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۰۶ راجع بحکمیت که مخالف این قانون باشد نسخ میگردد .

باب هشتم ـ اصول محاکمات حقوقی در مخارج عدلیه

فصل اوّل ـ درمخارج محاکمه

ماده ۷۸۰ ح ـ مخارج محاکمه عبارت است :

۱ ـ از حق تمبری که براوراقی که بمحکمه داده میشود تعلق می گیرد .

۲ ـ از حقی که برای خرج احکام اخذ میشود .

ماده ۷۸۱ ح ـ حق تمبر از عرضحال کتبی یاشفاهی وعرضحال متقابل واعتراض برحکم غیابی واعتراض شخص ثالث بعدازصدور حکم وعرضحال یاشکایت نامهٔ استینافی وعرضحال اعادهٔ محاکمه و

تمیزی ووکالت نامه والتزامنامه وورقهٔاجرائیه یکقران است باستثنای محاکم صلحیه که از اوراق مذکوره آنچه بمحاکم صلحیه داده میشود دهشاهی اخذ میشود .

ماده ۷۸۲ح ـ خرج احکام صادره از محاکم صلحیه وابتدائی نسبت بمبلغ مدعی به از قرار تومانی یکشاهی است .

ماده ۷۸۳ ح ـ ربع خرج احکام درحین دادن عرضحال وسه ربع دیگر درحین صدورحکم اخذ میشود .

هرگاه در عریضه قدر مدعی به معین نشده باشد باحضور مدعی معین میشود و در صورت تعیین مقدار مدعی به در وقت دادن عرضحال ممکن نباشد درمحاکم صلحیه دوقران ودرمحاکم ابتدائی پنجقران گرفته میشود وبقیه بعداز تعیین مدعی به درحین صدورحکم اخذ میشود .

ماده ۷۸۴ ح ـ محکمه مکلف است که مقدار مدعی به را قبل از صدور حکم معین نماید وهرگاه قیمت آنرا نتوان معین کرد یعنی مدعابه موضوع مالی نداشته باشد بقیهٔ خرج حکم درمحاکم صلحیه هشت قران ودرمحاکم ابتدائی دوتومان گرفته میشود .

ماده ۷۸۵ح ـ خرج احکام محاکم استیناف وحکمی که بعداز اعتراض بحکم غیابی صادرمیشود دو مقابل خرج حکم معمولی است مادهٔ (۷۸۲) ولی از محکوم به حکمیکه مورد استیناف یا اعتراض است دریافت میشود .

ماده ٦٨ ت ـ برای استیناف وتمیز و اعادهٔ محاکمه ودیعه گرفته

نمیشود ولـی مخارج محاکمه درمرحلهٔ استیناف وتمیز واعادهٔ محاکمه درموقع تقدیم‌عرضحال‌باید تماماً پرداخته شود والامطابق مواد ۲۹۱ مکرر و۳۲۶ اصول‌محاکمات اصلاح شده بموجب مادهٔ واحده (آزمایش) عمل خواهد شد .

مـاده ۷۸٦ ح بمـوجب قانـون تسریع محاکمات نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب گردیده است :

ماده ٦۹ ت برای‌استیناف وتمیزقرارهائیکه موافق‌قانون استیناف وتمیز آنها علیحده ازحکم جائز است مخارج ذیل دفعة درموقع تقدیم عرضحال دریافت خواهد شد .

۱ ــ برای استیناف ازقرار پنج قران .

۲ ــ برای تمیز ازقرار پانزده قران .

ماده ۷۸۷ ح ــ در مورد اعتراض شخص ثالث و اعادهٔ محاکمه و تمیز خرج حکم سه مقابل خرج حکم معمولی است (۷۸۲) و تابع قواعد ماده ۷۸۵ است .

ماده ۷۸۸ ح ــ خرج حکم در محکمه که پس‌از نقض محکمهٔ تمیزرسیدگی میکنند تومانی نیم شاهی است ازمحکوم‌به حکمی که نقض شده است .

ماده ۷۸۹ح ــ خرج قرار اجرای‌موقت که درمحکمهٔ عالی‌داده میشود قبل‌از دخول دراساس دعوی بطوری است که برای سایر قرارها مقرر است .

ماده ۷۹۰ ــ در ارجاع بشرع و قرار رجوع بحکمیت و قرار رجوع بمصدقین واهل خبره خواه بعد از قبول عرضحال‌خواه

درحین رسیدگی در محاکم صلحیه یکقران و در سایر محاکم پنجقران اخذ میشود .

ماده ۷۹۱ ح ـ ازقرارتوقیف اموال درمحاکم صلحیه دوقران و درسایر محاکم یك تومان دریافت میشود .

ماده ۷۹۲ ح ـ درخواهش کتبی یا شفاهی تأمین دلایل که از محاکم صلحیه میشود یك قران ودرصورت مجلس که مشعر بر اقدامات محکمهٔ صلحیه درتأمین دلایل است پنجقران دریافت میشود

فصل دوّم

درخرج اجرای حکم

مادهٔ ۷۹۳ ح ـ حقی که برای اجرای حکم بعداز اجراء اخذ میشود عشر مبلغ محکوم‌به است .

ماده ۷۹٤ ح ـ مخارجیکه درحین اجرای حکم پیش میآید از قبیل حق‌الزحمهٔ اهل‌خبره وتقویم اموال منقوله وغیر منقوله وحق حفظ اموال هرگاه بتراضی داین ومدیون معین نشده باشد تاوقتی که تعرفه‌آن مقرر واعلان شود موافق اجرةالمثل متعارفی توسط رئیس محکمه معین میشود .

فصل سوّم

در مخارج دفتر خانه

ماده ۷۹۵ ح ـ خرج سواد احکام و اوراقی که از دفترخانه طرفین مجازند بگیرند برای هرصفحه درمحاکم صلحیه یك‌قران

درسایر محاکم دوقران گرفته‌میشود . پانزده‌سطریك‌صفحه محسوب است وهرسطری بیست و پنج کلمه حساب میشود .

ماده ۷۹۶ ح ـ خرج مهر محکمه برای‌تصدیق مطابقت سواد با اصل یکقران است .

ماده ۷۹۷ ح ـ برای سایر تصدیقاتی که از دفترخانهٔ محکمه در حدود صلاحیت آنها داده میشود در محاکم صلحیه دوقران و در سایر محاکم چهار قران است .

فصل چهارم ـ درباب اشخاصیکه استطاعت تأدیهٔ مخارج عدلیه را ندارند که عبارت از مواد ۷۹۸ ـ ۷۹۹ ـ ۸۰۰ ـ ۸۰۱ ـ ۸۰۲ ـ ۸۰۳ ـ ۸۰۴ است بموجب قانون اعسار و افلاس مصوب آبان ماه ۱۳۱۰ شمسی که ذیلا درج میگردد نسخ شده است.

باب اوّل ـ اعسار و افلاس

ماده ۱ ❁ معسر کسی است که بواسطهٔ عدم دسترس باموال و دارائی خود موقتاً قادر بتأدیه مخارج عدلیه ویا محکوم‌به نباشد .

ماده ۲ ❁ مفلس کسی‌است که دارائی او برای پرداخت مخارج عدلیه ویا بدهی او کافی نیست .

فصل اوّل

اعسار در مورد مخارج عدلیه

ماده ۳ ❁ همینکه اعسار کسی ثابت شد از مراتب ذیل استفاده خواهد کرد :

۱ ـ معافیت موقتی از تأدیه تمام یاقسمتی ازمخارج عدلیه در مورد محاکمه که برای معافیت ازمخارج آن ادعای اعسار شده .
۲ ـ حق داشتن وکیل مطابق ماده ۱۷ اینقانون .
۳ ـ معافیت ازدادن تأمینیکه بایداتباع خارجه بدهند درصورتیکه مدعی ازاتباع خارجه باشد .
تبصره ـ در رسیدگی بدعوی اعسار مدعی موقتاً ازکلیه مخارج عدلیه مربوط بدعوی اعسار معاف خواهد بود .

ماده ۴ ۞ معافیت ازمخارج عدلیه باید برای هردعوائی علیحده تحصیل شود ولی معسرمیتواند درتمام مراحل مربوط بهمان دعوی از حکم اعسار استفاده کند .

ماده ۵ ۞ ـ مرجع رسیدگی بدعوی اعسار محکمه ایست که صلاحیت رسیدگی بدوی بدعوی اصلی دارد ولو اینکه دعوی اعسار برای معافیت ازمخارج مرحلهٔ استیناف یاتمیز باشد .

ماده ٦ ۞ ـ دعوی اعسار بطرفیت مدعی‌العموم اقامه خواهد شد هرگاه محکمهٔ صلاحیت دار صلحیه باشد مدیر دفتر صلحیه سمت نمایندگی مدعی‌العموم را خواهد داشت .

ماده ۷ ۞ ـ دعوی اعسار درصورتیکه برای معافیت ازپرداخت مخارج مرحلهٔ بدوی باشد بایدضمن عرضحال راجع بدعوی اصلی اقامه گردد ـ درصورتیکه برای معافیت ازمخارج مرحلهٔ استینافی وتمیزی باشد بوسیلهٔ عرضحال جداگانه درمحکمهٔ مذکور درماده ۵ اقامه خواهد شد .

ماده ۸ ❁ ـ مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی را که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند بعرضحال خود ضمیمه نماید ـ در شهادت نامهٔ مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت مخارج دعوائی که میخواهد اقامه کند با تعیین مبلغ آن تصریح گردد .

ماده ۹ ❁ ـ هویت شهودرا باید نظمیه و یا نایب‌الحکومه محل یا کدخدا تصدیق نماید مگر اینکه شهود در نزد محکمه معروف باشند .

ماده ۱۰ ❁ ـ محکمهٔ اعسار اختصاری است .

ماده ۱۱ ❁ ـ مدیر دفتر مکلف است درظرف دوروز ازتاریخ وصول عرضحال اعسار دوسیه را بنظر حاکم محکمه برساند تا چنانچه حاکم حضور شهود را در جلسهٔ محاکمه لازم بداند بمدعی اعسار اخطار شود که درروز مقرر شهود خودرا حاضر نماید ـ مدیر دفتر یك نسخه از عرضحال اعسار و ضمائم آنرا برای مدعی‌العموم و نسخهٔ دیگر را برای طرف دعوی اصلی ارسال و ضمناً روز جلسهٔ محاکمه را تعیین و ابلاغ مینماید .

طرف دعوای اصلی میتواند در موقع رسیدگی بدعوای اعسار حاضر شده و اگر دلائلی بر رد اعسار دارد بیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود

ماده ۱۲ ❁ ـ محکمه در روز جلسه بسند و شهادت شهود و امارات مستندهٔ هریك از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد ـ

محکمه میتواند بمدعی‌العموم وطرف‌دعوای اصلی درصورتیکه شهودی بر ردّ اعسار داشته باشد اخطار کند که شهود خود را برای تحقیقات در محکمه حاضر نماید .

ماده ۱۳ ـ حکم قبول اعسار قابل استیناف وتمیز نیست واز حکم ردّ اعسار فقط میتوان استیناف داد .

ماده ۱٤ ـ هرگاه حکم برد اعسار صادر شد بطریق ذیل رفتار میشود : اگر حکم بدایتاً صادر ودرظرف مدت قانونی استیناف داده نشده باشد مدعی اعسار مکلف است تاده روز پس از انقضاء مدت استیناف واگر حکم استینافاً صادرشده باشد تاده روز پس از ابلاغ آن مخارج عرضحال دعوای اصلی را تأدیه نماید والاقرار ردّ عرضحال دعوای اصلی صادر خواهد شد .

ماده ۱۵ ـ درصورتیکه دعوای اعسار برای معافیت ازمخارج استینافی یاتمیزی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی ازدفتر محکمهٔ که بدعوی رسیدگی میکند حاکی از تقدیم عرضحال اعسار گرفته در ظرف مدت قانونی بعرضحال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید .

ماده ۱۶ ـ اگر معسر فوت نماید وراث او حق نخواهند داشت از حکم دائر باعسار مورث خود استفاده کنند .

ماده ۱۷ ـ وکلای رسمی عدلیه مکلفند وکالت اشخاص معسر را موقتاً بطور مجانی قبول کنند ـ تعیین وکیل مجانی دراینموارد مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۸ ـ اگر تا ده سال از تاریخ قبول اعسار معسر متمکن

نگردید دیگر مخارجیکـه از پرداخت آن موقتاً معاف بوده است از او مطالبه نخواهد شد.

فصل دوّم ـ اعسار در مورد محکومٌ به

ماده ۱۹ ـ مرجع رسیدگی بدعوای اعسار درمورد محکومٌ به محکمه ایست که بدایتاً بدعوای اصلی رسیدگی کرده است.

ماده ۲۰ ـ دعوای اعساردرمورد محکومٌ به بطرفیت محکومٌ له دعوای اصلی اقامه خواهد شد.

ماده ۲۱ ـ در رسیدگی بدعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه بدعوای اعسار معاف است.

ماده ۲۲ ـ بعرضحال اعسار در مورد محکومٌ به اوراق ذیل باید ضمیمه شود.

۱ ـ مدارکی که مشعر باشد بر اینکه مدعی اعسار اموالی دارد که در دسترس او نیست با تعیین قیمت اموال مزبور.

۲ ـ شهادت کتبی لااقل چهارنفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی مدعی اعسار مطلع باشند ـ در شهادت نامهٔ مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکومٌ به با تعیین مبلغ آن تصریح شود.

ماده ۲۳ ـ مقررات مواد ۹ و ۱۰ وقسمت اول ماده ۱۱ و ماده ۱۲

(جز اخطار بمدعی‌العموم) در مورد اعسار نسبت بمحکوم‌به نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۲۴ ـ حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم‌به قابل استیناف و تمیز است.

فصل سوّم ـ افلاس

ماده ۲۵ ـ مدعی افلاس (خواه درمورد محکوم‌به و خواه در مورد هر دین دیگر) باید بمحکمهٔ صلحیهٔ محل اقامت خود عرضحال افلاس بدهد ـ بعرضحال مزبور صورت مشروحی از کلیهٔ دارائی مدعی افلاس اعم ازمطالبات واموال منقول و غیرمنقول وهمچنین صورت مفصلی از کلیهٔ قروض او بتعیین اسم و شغل ومحل‌اقامت طلبکاران و بابت قرض ضمیمه شود ـ کلیهٔ طلبکار های مدعی افلاس مدعی‌علیهم این دعوی محسوب میشوند.

ماده ۲۶ ـ مدعی افلاس ازتأدیه مخارج عدلیه معاف است ولی مخارج مزبور وهمچنین هرمصارف دیگر عدلیه ازدارائی او قبل‌از تقسیم بین طلبکاران موضوع خواهد شد.

مادهٔ ۲۷ ـ طرزرسیدگی بدعوی افلاس ـ طریقهٔ تعیین مدیر تصفیه ـ حدود اختیارات مدیر مزبور حتی برای فروش اموال مفلس و وصول مطالبات و اقامهٔ دعوی برعلیه مدیونین او و تشخیص مطالبات داینین ـ فروش اموال و تقسیم آن بین طلبکاران بموجب نظامنامهٔ که از طرف وزارت عدلیه تنظیم میشود معین خواهد شد.

در تقسیم دارائی مفلس بین طلبکاران اشخاصیکه نسبت بمال مفلس حق عینی داشته باشند درمورد خود آنمال و یا قیمت آن حق اولویت دارند .

ماده ۲۸ ـ کسیکه برای معافیت از مخارج عدلیه مدعی افلاس شود در حکم مدعی اعسار و مشمول کلیهٔ موارد مربوطه بکسی است که در مورد مخارج عدلیه ادعای اعسار کند .

فصل چهارم ـ مقررات جزائی

ماده ۲۹ ـ در مورد ردّ عرضحال اعسار بطریق ذیل رفتار میشود :

۱ ـ در صورتیکه ادعای اعسار برای معافیت از مخارج عدلیه باشد محکمه درضمن حکم ردّ اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم خواهد کرد :

الف ـ دو برابر مخارج دعوای اصلی در اولین مرحله که برای معافیت از مخارج آن عرضحال اعسار داده شده ـ در صورت تعقیب دعوای اصلی و در غیر اینصورت معادل آن مخارج .

ب ـ حق الوکالهٔ وکیل از بابت محاکمهٔ اعسار در صورتی که وکیل مطابق ماده ۱۷ برای او معین شده باشد وبشرط تقاضای وکیل

۲ ـ در صورتیکه ادعای اعسار در مورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم ردّ اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل علاوه برمحکوم به اصلی محکوم مینماید :

الف ـ بجای عشریه اجرائی معادل صدی پانزده محکوم به
ب ـ حق‌الوکالهٔ وکیل از بابت محاکمهٔ اعسار بشرح مذکور در قسمت (ب) فقرهٔ اول همین ماده .

ماده ۳۰ ـ هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهذا از حکم اعسار استفاده کرده است مقررات مادهٔ فوق در مورد او بموقع اجرا گذارده شده بعلاوه بیکماه تا ششماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

ماده ۳۱ ـ اگر پس از قبول اعسار یا افلاس ثابت شود که شهود قضیه عمداً شهادت دروغ داده یا برخلاف حقیقت تصدیق کرده اند بمجازات مذکور در قسمت اخیر مادهٔ ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد .

ماده ۳۲ اگر پس از صدور حکم اعسار یا افلاس معلوم شود که مدعی اعسار یا افلاس برخلاف واقع خود را معسر یا مفلس قلمداد کرده بمجازاتیکه برای کلاه بردار مقرر است محکوم خواهد شد .

ماده ۳۳ ـ هر کس که بنحوی از انحاء برای معسر یا مفلس قلمداد کردن کسیکه معسر یا مفلس نیست با او تبانی کرده و یا بر خلاف حقیقت خود را طلبکار معسر یا مفلس قلمداد ودر این موضوع با معسر یا مفلس تبانی کند شریك جرم مذکور در مادهٔ فوق محسوب خواهد شد .

فصل پنجم ـ مقررات مختلفه

ماده ۳۴ ـ از تاجر عرضحال اعسار یا افلاس پذیرفته نمیشود. تاجری که مدعی اعسار یا افلاس باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد.

ماده ۳۵ ـ در هر موقع که معسر یا مفلس بتأدیهٔ تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم بتأدیهٔ آن است نسبت بورقهٔ اجرائیه که برعلیه معسر یا مفلس صادر شده ـ مرور زمان از تاریخ تمکن جاری میشود و مدت آن ده سال است.

ماده ۳۶ ـ اگر کسی که معافیت از مخارج عدلیه را تحصیل کرده‌است در دعوای اصلی خود محکوم به بیحقی گردد محکوم‌له نیز از پرداخت بقیهٔ مخارج محاکمه که بمحکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود.

تبصره ـ مفاد اینماده در مواردی نیز مجری خواهد بود که در تاریخ اجرای این قانون هنوز بقیهٔ مخارج محاکمه از کسیکه طرف دعوی معسر بوده وصول نشده باشد.

ماده ۳۷ ـ در کلیهٔ اختیارات و حقوق مدنی مدعی اعسار یا افلاس که استفاده از آن مؤثر در تأدیهٔ دیون او باشد طلبکاران در مورد مدعی اعسار ومدیر تصفیه در مورد مدعی افلاس قائم مقام قانونی مدعی اعسار یا افلاس بوده وحق دارند بجای او از اختیارات وحقوق مزبوره استفاده کنند.

ماده ۳۸ ـ شخصیکه دارائی نداشته یا دارائی آن کافی برای

تأدیهٔ تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل وحرفهٔ خود بتوانند تمام یا بقیهٔ بدهی‌خود را درمدتی که بیش‌ازدوسال نباشدبپردازند درحکم معسر بوده ومحکمه (درمورد محکوم‌به) بادارهٔ ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجراء) با درنظر گرفتن مبلغ بدهی وعایدات بده کار ومعیشت ضروری‌او میزان وعدهٔ اقساطی راکه باید داده شود تعیین خواهد کرد .

ماده ۳۹ ـ کسیکه طلب خودرا بغیرمدیون انتقال داده وبعد از انتقال آنرا از مدیون سابق دریافت کرده و یا بدیگری انتقال دهد کلاه بردار محسوب میشود .

هرگاه مدیون بدهی خودرا بعداز انتقال بداین سابق تأدیه نماید منتقل الیه حق رجوع باو نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تأدیه دین انتقال را باطلاع مدیون رسانیده ویا اینکه مدیون بوسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است .

ماده ۴۰ ـ احکام اعساری که قبل از تاریخ اجرای این قانون برای معافیت ازمخارج عدلیه صادر شده است فقط در مورد دعاوی قابل استفاده خواهد بود که قبل از تاریخ مزبور اقامه شده باشد . حکم اعسار یاافلاس که راجع بتأدیهٔ محکوم‌به قبل از تاریخ اجراء این‌قانون صادر شده است فقط در موردی قابل استفاده خواهد بود که نسبت بآنمورد بخصوص و بطرفیت محکوم‌له صادر و قطعی شده باشد .

ماده ۴۱ ـ بدعوی اعساری که قبل‌از تاریخ‌اجرای این‌قانون‌در موردمخارج‌عدلیه‌وهمچنین بدعوی‌اعسار یاافلاس که قبل‌از تاریخ

مزبور درمورد محکوم‌به اقامه شده و در تاریخ مزبور نسبت بآن دعاوی حکم قطعی صادر نگردیده است مطابق مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد ولی محکمهٔ که عرضحال را قبول کرده نمیتوانند باستناد ماده ۵ یا ماده ۱۹ و ۲۵ اینقانون قرار عدم صلاحیت خود را صادر نماید.

فصل پنجم

قانون اصول محاکمات حقوقی
در تعلّق مخارج عدلیه

ماده ۸۰۵ ح ـ درمواردیکه اقدام محکمه بموجب قانون مستلزم تأدیهٔ حقی است اداء حق بعهدهٔ شخصی است که از محکمه آن اقدام را مطالبه مینماید ولی درحین صدور حکم پس از آن مخارج مزبور بطوریکه درمواد آتیه مذکور است بیکی از متداعیین تعلق میگیرد .

ماده ۸۰۶ ح ـ هرگاه طرفین یا یکی از آنان درضمن عقد لازم ملتزم شده باشند که درصورت محکوم‌علیه شدن مخارج عدلیه و خسارت طرف (یعنی محکوم له) را تأدیه نماید محکمه محکوم‌علیه را بتأدیهٔ حقوق مزبوره الزام مینماید .

ماده ۸۰۷ ح ـ هرگاه التزام مذکور در مادهٔ قبل داده نشده باشد مخارج عدلیه را رجوع کنندهٔ (یعنی شخصیکه خواستار اقدام یا قرار یا حکمی میشود) تأدیه مینماید چه عارض باشد وچه معروض ولی محکوم‌له حق دارد تأدیه مخارج عدلیه وخساراتی را که براو وارد شده است پس از صدور حکم قطعی از محکوم‌علیه بخواهد ومحکمه پس از رسیدگی و ثبوت خسارت و تعیین مقدار آن حکم آنرا میدهد .

ماده ۸۰۸ ح ـ خرج مواردیکه قانون اصول محاکمات استثناء مینماید بمحکوم علیه درصورت محکومیت او تعلق نخواهد گرفت (رجوع بماده ۲۱۶ و ۳۱۶ و ۳۲۷) (۱) .

ماده ۸۰۹ ح ـ دعاوی که از پنجتومان کمتر است از خرج عدلیه معاف است .

ماده ۸۱۰ ح ـ درصورت اصلاح ذات‌البین بترتیب ذیل رفتار میشود :

هر گاه اصلاح درجهٔ اول محکمه واقع شود فقط ربع دوم مخارج محکمه مطالبه میشود وهر گاه صلح درجلسات دیگر یادر وقتی واقع شود که رسیدگی دعوی بدرجهٔ صدور حکم رسیده است (یعنی مذاکرات شفاهی طرفین وعقیدهٔ مدعی العموم اصغاء شده) ربع دوم وسوم دریافت میشود وهر گاه طرفین بعداز صدور حکم صلح نمایند این صلح آنان مؤثر درتادیه مخارج محاکمه نخواهد بود .

ماده ۸۱۱ ح ـ درمورد مادهٔ قبل هر گاه طرفین معین نکردند که خرج محاکمه بعهدهٔ کیست بالمناصفه ازطرفین مطالبه میشود .

ماده ۸۱۲ ح ـ هر گاه بموجب حکم محکمه هردوطرف هریك از جهة محکوم‌له و محکوم‌علیه باشند مخارج محاکمه نسبت بمبلغ مدعی‌به یامحکوم‌به (ماده ۷۸۲ الی ۷۸۸ نسبت به بیحق بودن هریك از طرفین بهر کدام تعلق میابد) .

---

(۱) مو . ۳۵ و ۲۱۶ و ۲۲۳ تمیزی که جانشین مواد فوق است باید مراجعه نمود .

قانون شهادت و امارات

مصوبه ۲۵ و ۳۰ تیرماه ۱۳۰۸

ماده ۱ ✲ هیچیك از عقود وایقاعات وتعهدات رامگردرمواردی که قانون مستثناء کرده نمیتوان فقط بوسیله شهادت شفاهی یااستشهاد نامه اثبات کرد ولی این حکم مانع نخواهد بود که محاکم برای کشف حقیقت ومزیداطلاع ازقضیه باظهارات شهود رسیدگی نمایند

ماده ۲ ✲ درمورد عقود وایقاعات وتعهدات مذکور درماده فوق کسیکه مدعی است تعهد خود عمل کرده یابنحوی از انحاء قانونی بری شده نیز نمیتواند ادعای خودرا فقط بوسیله شهادت شفاهی یا استشهادنامه اثبات نماید .

ماده ۳ ✲ ـ در موارد ذیل حکم مقرر در دو مادهٔ فوق مجری نخواهد بود .

۱ ـ نسبت بعقود وایقاعات وتعهداتیکه موضوع آن معادل پنجاه تومان یا کمتر باشد .

۲ ـ در مواردیکه بعلت حوادث غیر عادی از قبیل حریق وسیل وزلزله وامثال آن کسی مال خودرا بدیگری سپرده وبرای صاحب مال تحصیل سند ممکن نبوده است و همچنین در مورد اموالیکه اشخاص درکاروانسرا یا مهمانخانه و حمام یا قهوه‌خانه و امثال آن میگذارند وعرفاً امانت محسوب است .

ماده ٤ ❁ ـ اگر موضوع تعهد عقد یا ایقاعی بیش از پنجاه تومان باشد نمیتوان آنرا فقط بوسیله شهادت شهود اثبات نمود اگر چه مدعی دعوی خودرا به پنجاه تومان یا کمتر تقلیل داده و یا از مازاد آن صرف نظر نماید .

ماده ٥ ❁ ـ هر گاه ثابت شود که مدعی به بمقوم پنجاه تومان یا کمتر بقیه یا جزو طلبی است که اصلاً از آن مبلغ متجاوز بوده مدعی به مزبور در حکم مدعی به بیش از پنجاه تومان خواهد بود .

ماده ٦ ❁ ـ در دعاوی مربوط باوراق هویت حکمیکه منحصراً باستناد شهادت شهود صادر شود مؤثر در معافیت از خدمت نظام وظیفه نخواهد بود .

ماده ۷ ❁ ـ امارات عبارت از اوضاع و احوالی است که نوعاً صحت و اظهارات یکی از طرفین دعوی را برساند هیچوقت نمیتوان باستناد امارات حکم داد مگر اینکه امارات موجوده قوی و موجه باشد در اینصورت نیز محکمه مکلف است اوضاع و احوالیرا که مدرک حکم قرار میدهد بطور روشن و کافی بتفصیل تشریح کند بعلاوه وقتی میتوان باستناد امارات حکم داد که بدعوی از نوع دعوی باشد که موافق این قانون اثبات آن بوسیله شهود ممکن است یا وجود امارات دلایل موجوده دیگر را تکمیل کند .

ماده ۸ ❁ ـ ماده دوم قانون دوم تیرماه ۱۳۰۷ راجع بطرز استماع شهادت شهود و تبصرهٔ ذیل آن نسخ میشود .

ماده ۹ ❁ ـ این قانون از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۰۸ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

قانون تصدیق انحصار وراثت

مصوب ۲۶ مهر ۱۳۰۹

ماده ۱ ۞ ـ درهرموردیکه یك یاچند نفر بخواهند مال متعلق بمتوفائی را اعم‌ازمنقول یاغیرمنقول یااسنادی که نزدغیراست‌بعنوان وراثت‌اخذنمایندویاطلب‌متوفائی رابین‌عنوان‌وصول کنند ومتصرف یامدیون بدون انکاروجود مال یادین یااسناد تصدیقی برای‌سمت‌ویا انحصار وراثت از آنها بخواهد باید بطریق ذیل رفتار شود :

ماده ۲ ۞ ـ شخص یااشخاص مزبور باید برای تحصیل‌تصدیق وراثت و عده وراث تقاضای کتبی بیکی از محاکم صلح محل اقامت دائمی متوفی یا محاکم ابتدائی که وظیفه صلحیه‌را انجام میدهندتقدیم کند درصورتیکه محل‌اقامت دائمی متوفی درخارج از مملکت باشد بیکی‌ازمحاکم صلح طهران باید مراجعه شود .

تبصره ـ درغیر اینمورد خواه اختلاف در وراثت بوده وخواه شخصیکه متصرف مال منقول یا غیر منقول است منکر باشد امر باقامه دعوی درمحاکم صلحه خاتمه خواهد یافت .

ماده ۳ (اصلاح شده در ۲۷ تیر ۱۳۱۳) امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفهٔ صلحیه را انجام میدهـد باید تمام ادله و اسناد مستدعی و یا مستدعین تصدیق‌را از ورقهٔ سجل احوال و شهادت شهود و غیره تحت نظر گرفته شرحی در مجلهٔ رسمی و یکی‌از جراید محل بخرج مستدعی یا مستـدعین سه دفعه متوالیاً ماهی یکدفعه اعلان کرده و پس از انقضاء سه‌ماه از تاریخ نشر اولین

اعلان در صورتیکه معترضی نبود تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عدهٔ وراث بمستدعی یا مستدعیان میدهد و در صورت اعتراض امین صلح و یا حاکم بدایتی که وظیفهٔ صلحیه را انجام میدهد مطابق اصول رسیدگی کرده حکم خواهد داد و این حکم قابل استیناف و تمیز خواهد بود درصورتیکه معترض ادعای خود را تا دو ماه تعقیب نکرد بتقاضای مستدعی یا مستدعیان حق اعتراض او ساقط و محکوم بادای خسرت میشود .

هرگاه مال منقول متعلق بمتوفی که مورد مطالبه واقع شده بیش از پانصد ریال قیمت نداشته باشد انتشار اعلان مذکور فوق بعمل نخواهد آمد و امین صلح یا حاکم بدایت باید خارج از نوبت بتمام ادله و اسناد مستدعی تصدیق رسیدگی کرده و شهود را (درصورتیکه باشد) استماع نموده رأی مقتضی راجع به دادن تصدیق یا رد تقاضا بدهد و در هر حال در این مورد مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ نخواهد شد ـ رأی محکمه دائر برد تقاضای تصدیق قابل استیناف و تمیز است .

در کلیه مواردکه مدعی العموم تشخیص بدهدکه متوفی بلاوارث بوده و تقاضای شخص یا اشخاص برای صدور تصدیق بی‌اساس است مثل مدعی خصوصی میتواند بر تقاضای مذکور اعتراض کند و در مواردی هم که مال منقول متعلق بمتوفی بیش از پانصد ریال قیمت نداشته و بر اثر تقاضای شخص یا اشخاص تصدیق انحصار وراثت صادر شده باشد درصورتیکه مدعی العموم متوفی را بلا

وارث بداند میتواند بر تصدیق مذکور اعتراض کند ودرهرحال مدعی‌العموم حق دارد از رأی محکمه که بر علیه او صادر شده استیناف و تمیز بخواهد ـ در مواردیکه اشخاص باستناد تصدیق انحصار وراثت که قبل از اجرای این قانون صادر شده مطالبهٔ مال یا حقی از دولت بنمایند مدعی‌العموم تا ۳ ماه از تاریخ اجرای این قانون حق اعتراض بر تصدیق مذکور خواهد داشت .

ماده ۴ ـ درصورتیکه بانبودن معترض رأی امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفهٔ صلحیه را انجام میدهد دایر برد تقاضای مستدعی یا مستدعیین تصدیق باشد مستدعی یا مستدعیین تصدیق میتوانند درظرف ده روز پس از ابلاغ رأی بنزدیکترین محکمهٔ بدایت شکایت کنند و رأی آن محکمهٔ بدایت پس از استماع عقیدهٔ مدعی‌العموم قطعی خواهد بود .

مادهٔ ۵ ـ مدیون و یامتصرف مال متوفی باید در مقابل اخذ اصل و یاسواد مصدق تصدیق امین صلح یاحاکم بدایت دینی خود را که بمتوفی داشته ومال متعلق باو را که نزد خود دارد بصاحب و یاصاحبان تصدیق تأدیه و یاتسلیم کند ـ درصورت استنکاف مسئول خسارت وارده بردارندگان تصدیق خواهد بود ودرصورت تأدیهٔ دین ویاتسلیم مال درمقابل هرمدعی وراثت بری محسوب خواهد شد ومدعی مزبور حق رجوع بشخص یا شخصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق باو را دریافت نموده‌اند .

ماده ٦ ✲ - اگر اموال منقول وغیر منقول و وجه نقد متعلق
باشخاص مجهول‌الوراث که درتصرف دولت ویا مؤسسات تجارتی
ویاصرافی وغیره ویااشخاص است درظرف ده‌سال نسبت بمال منقول
و وجه نقد وبیست سال نسبت بمال غیر منقول ازتاریخ فوت مالك
کسی بعنوان وراثت ادعا ننماید دیگر ادعائی پذیرفته نخواهد شد
و اموال مزبوره متعلق بدولت است که بمصرف مؤسسات خیریه برساند.

تبصره - مؤسسات تجارتی وصرافی وغیره ویااشخاصی که اموال
مجهول‌الوراث نزدآنها است مکلفند بوسیلهٔ پارکه های بدایت هر
محل آن اموال را تسلیم ویا تأدیه بدولت نمایند.

ماده ۷ ✲ - مفاد مواد فوق در موردی نیز باید رعایت شود که
ادارهٔ ثبت اسناد واملاك برای صدور سند مالکیت ویا تبدیل ملکی
که بنام متوفی ثبت شده است باسم وراث یا وارث او یا برای هر
مقصود دیگری ازتقاضا کننده سند مالکیت و یا تبدیل وغیره و
تصدیقی برای وراثت وعدهٔ وراث بخواهد.

ماده ۸ ✲ - مستدعی و مستدعیان تصدیق باید مخارج ذیل را
تأدیه نمایند:

۱ - برای رسیدگی درنزد امین صلح یا حاکم بدایت سی ریال
۲ - برای حق تصدیق ده ریال
۳ - برای هر سوادکه داده میشود پنج ریال

ماده ۹ ✲ - هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم بعد
وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده ویا باعلم بوجود وارثی

غیر از خود تحصیل تصدیق بر خلاف حقیقت کرده است کلاه بردار محسوب و علاوه بر ادای خسارات بمجازاتی که بموجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد .

ماده ۱۰ ✿ ـ هر شاهدی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت بر خلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و بمجازاتیکه برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد .

ماده ۱۱ ✿ ـ هر گاه متصرفین مال متعلق بشخص مجهول الوراث ویا مدیونین باشخاص مزبور بعد از انقضاء مدتی که بموجب ماده ۶ مقرر است مال ویا دین ویا منافع حصه از آنرا مطابق تبصره ماده مذکوره بدولت تسلیم ویا تأدیه ننمایند بمجازاتیکه بموجب قوانین جزائی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم خواهند شد .
در صورتیکه متصرف یا مدیون شرکت باشد مدیر شرکت ویا شعبهٔ آن که متصرف ویامدیون است مسئول اجرای مقررات تبصره ماده ۶ بوده ودرصورت تخلف بمجازات مذکوره فوق محکوم خواهد شد

ماده ۱۲ ✿ ـ اگر مال درمعرض تلف وتضییع بوده ویا اعتبار مدیون و یا کسیکه مال نزد اوست مشکوک باشد محکمه میتواند برای حفظ مال اقدامات لازمه را اعم از فروش یا تودیع آن محل معتبری ویا گرفتن ضامن بعمل آورد .

قانون راجع بقنوات

مصوب ۶ شهریور ۱۳۰۹

ماده ۱ ✿ ـ اگر کسی ملك چه قنات یا مجرای آبی در ممر غیر

و یادراراضی مباحه باشد تصرف صاحب چاه یاصاحب مجری درچاه و مجری فقط من حیث مالکیت قنات ومجری وبرای عملیات مربوطه به قنات ومجری خواهد بود وصاحب ملك میتواند دراطراف چاه ومجری ویااراضی واقعه بین دوچاه تاحریم چاه ومجری هرتصرفی که بخواهد بنماید مشروط بر آنکه تصرفات او موجب ضررصاحب قنات یامجری نشودونیز در اراضی مباحه واقعه دراطراف چاه یا مجری و یابین دو چاه اشخاص دیگر هم میتوانند با رعایت حریم که بموجب قانون مدنی معین است و سایر مقررات مربوطه باراضی مباحه تصرفاتی بنمایند که موجب ضرر صاحب قنات یا صاحب مجری نباشد.

ماده ۲ ـ هرگاه کسی مالك چاه قنات یامجرای آبی در ملك غیر باشد صاحب ملك حق ندارد صاحب مجری و یا صاحب چاه را از پاك کردن مجری یا چاه قنات خود ممانعت نماید اگرچه قنات یا مجرای آب بایر باشد لیکن در صورتیکه چاه قنات یا مجرای آب درداخله شهرها ویا داخله قصبات و یادر ابنیه و یا منزل واقعه در غیر شهرها وقصبات ویا در معابر عمومی باشد صاحب ملك یا متصدی آن میتواند صاحب قنات یا مجری را به برداشتن لای وغیره که ازچاه یامجری خارج میشود اجبار کند.

ماده ۳ ـ در املاك مزروعی مطلق ودرباغات ـ دهات وباغات قصبات وباغات خارج ازشهرها مشروط براینکه عرفاً اطلاق منزل بآنها نتوان کرد هرگاه کسی بخواهد چاه یا استخر یا مجرای قناتی احداث نماید یا برای اصلاح یا تکمیل قناتی چاه یا مجرای

ایجاد کند صاحبان املاك مزبوره حق ندارند (مشروط براینکه رعایت حریم شده باشد) جلوگیری نمایند ولی باید قیمت عادلهٔ زمین و اعیان آن که چاه و استخر و مجرای جدید در آنجا حفر میشود قبلا تأدیه گردد و علاوه صاحب ملك حق دارد تقاضا کند که صاحب چاه تعهد نماید برای جلوگیری از خطرات روی چاه را بپوشانند هر گاه درموضوع اینکه باز بودن روی چاه برای صاحب ملك خطراتی دارد یا خیر اختلاف باشد محکمه پس از رسیدگی حکم مقتضی صادر خواهد نمود .

درمورد املاك غیرقابل انتقال مثل موقوفات زمینی که چاه یا استخر یا مجرای جدید باید در آنجا حفر شود در مقابل حق الارض عادله بصاحب قنات یا مجری اجازهٔ حفر چاه یا استخر ویا مجری داده میشود .

ماده ۴ ـ هر گاه کسی برای کشیدن راه آب و خشکانیدن باطلاق متعلق بخود و یا برای بستن سد و یا سیل برگردان و جدا کردن آب از رودخانه و یا ردکردن جوی از رو یا زیر قنات یامجرای محتاج بتصرف درملك غیرباشد و نتواند باصاحب زمین در فروش یا اجارهٔ زمین تراضی نماید محکمه حکم میدهد که صاحب زمین اراضی لازمه را در مقابل قیمت عادله واگذار نماید و یا درمقابل مال الاجاره عادله و بمدتی که محکمه معین مینماید ویامدتیکه مناسب با انجام امور مزبور فوق باشد اجاره دهد اختیار هریك از دو شق فوق با صاحب زمین خواهد بود مگر در موارد املاك

غیر قابل انتقال که متصدی آن باید فقط حق الارض بگیرد.

تبصره ـ درموقعیکه دولت از نقطهٔ نظر مصالح عمومی یکی از اعمال مذکوره درمادهٔ فوق را بخواهد بعنوان حاکمیت انجام دهد مورد تابع مقررات قانون مخصوص خواهد بود .

ماده ۵ ـ درمورد مواد فوق اشخاصیکه ازاجبارصاحب زمین بفروش یا اجره زمین استفاده مینمایند مسئول مخارج ساختمان ناسمنهای لازمه ومخارج دیگر ازاین قبیل و بطورکلی مسئول هر خسارت دیگری نیز خواهد بود که از عملیات آنها برای صاحب زمین ایجاد میشود .

ماده ۶ ـ در هر موردیکه راجع بلزوم تصرف در ملك غیر و یاحدوث ضرربنحومذکوردرماده ۵ و یا تعیین قیمت ومال الاجاره عادله وحق الارض بین طرفین تراضی حاصل نشود تشخیص امر و یا تعیین قیمت و خسارت و یا میزان مال الاجاره وحق الارض موافق اصول محاکمات حقوقی بوسیله اهل خبره بعمل خواهد آمد .

ماده ۷ ـ هرگاه زمینی که چاه یامجری یااستخرباید درآنجا کنده شود بیکی از عملیات مذکوره درماده۴ باید درآن صورت بگیرد از اراضی خالصه باشد وزارت مالیه مکلف است زمینی را که لازم است بقیمت عادله بصاحب قنات بفروشد .

ماده ۸ ـ مفاد ماده ۵۹۴ قانون مدنی درمورد قنوات بایره نیز مجری خواهد بود مشروط براینکه شریك یاشرکاء حاضر برای

شرکت درمخارج تنقیه‌مالك بیش‌ازنصف‌قنات باشند ودرصورت تعیین قیمت و یا مال‌الاجاره و غیره بسته بنظر محکمه است که عنداللزوم بوسیلهٔ اهل خبره معین مینمایند .

ماده ۹ ـ هرگاه مالك قنات بایر و متروك بخواهد قنات یا رشتهٔجدید احداث کند مالك زمین مختاراست بجای قیمت عادله اراضی که برای حفرچاههای جدید لازم است تقاضا کند که مالك قنات بایر و متروك چاههای متروکه را مسطح کرده بمالك اراضی واگذار نماید .

قانون تسریع محاکمات با اصلاحاتی که در ۲۵ آبان ۱۳۱۰ بعمل آمده است

قسمت اوّل ـ مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ راجع بایرادات است که درمبحث ایرادات ذکر شده (صفحه ۶۱) .

قسمت دوّم ـ مواد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ راجع بقرارها در مبحث قرار درج شده (صفحه ۶۲) .

قسمت سوّم ـ مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ مقررات راجع بصلحیه است درمبحث اصول محاکمات درمحاکم صلحیه درج شده (صفحه ۱۸) .

قسمت چهارم ـ ماده ۱۷ راجع بمواعد درمبحث مواعد درج گردیده (صفحه ۱۵) .

قسمت پنجم ـ دردعاوی تجارتی

ماده ۱۸ ت ـ کلیه اموری که مطابق قوانین انجام آن بعهدهٔ محکمهٔ تجارت محوّل بوده از تاریخ اجرای این قانون بعهدهٔ محاکم حقوقی است .

ماده ۱۹ ت ـ در دعوی تجارتی محاکمه اختصاری است .

ماده ۲۰ ت ـ درمرحلهٔ بدوی دعاوی تجارتی هریک ازطرفین دعوی حق دارد تقاضا کند محاکمه و رأی با شرکت مصدقین تجارتی باشد .

ماده ۲۱ ت ـ تقاضا کننده باید در ضمن تقاضا مصدق خود را معرفی نموده و این تقاضا درصورتیکه از طرف مدعی باشد باید درضمن عرضحال و اگر از طرف مدعی‌علیه باشد منتهی تا ابتداء اولین جلسه بعمل آید .

ماده ۲۲ ت ـ عدم حضور مصدق مانع رسیدگی محکمه نیست و هریك از طرفین که مصدقش حاضر نشد درحکم کسی است که بحکومت رئیس محکمه تسلیم شده باشد ودراینصورت هرگاه درموقع رأی بین رئیس محکمه و مصدق حاضر توافق حاصل نشود رأی رئیس محکمه متبع است .

تبصره ـ حکم محکمه درحدود قانون قابل اعتراض واستیناف و تمیز خواهد بود .

ماده ۲۳ ت ـ در دعاوی تجارتی احکام محاکم کلیتاً قابل اجرای موقت است بشرط آنکه محکوم‌له مطابق مقررات قانون تأمین بدهد .

قسمت ششم ـ درتصحیح احکام

ماده ۲۴ ت ـ هرگاه محکمه در حساب اشتباه کرده و یا قسمتی ازمدعی‌به‌را که بثبوت رسیده‌سهواً درحکم ذکرنکرده باشد پس‌از صدورحکم وتاقبل‌ازصدور ورقهٔ اجرائیه حکم‌را تصحیح‌میکند .

این تصحیح حکم‌تلقی‌شده بطرفین دعوی‌ابلاغ خواهدشد ودرمدت‌قانونی‌مطابق‌مقررات قابل‌استیناف وتمیزاست ولی‌حکم‌در قسمتیکه موردا‌شتباه‌وسهونبوده ودرصورت قطعیت‌اجرا‌خواهدشد

ماده ۲۵ ت ــ محاکمی که استینافاً رسیدگی مینمایند نیز درموقعی که درحکم مورد رسیدگی جزسهو حساب یا ازقلم افتادن قسمتی از مدعابه که بثبوت رسیده اشکال دیگری مشاهده نکنند حکم را تنفیذ کرده وبتقاضای ذی‌نفع فقط مورد سهو یا اشتباه را تصحیح خواهند نمود این حکم تصحیح در مدت قانونی ومطابق مقررات قابل تمیز خواهد بود .

ماده ۲۶ ت ــ سهو و اشتباه مذکور درمادهٔ فوق درمرحلهٔ تمیزی موجب نقض حکم خواهد بود ولی شخص ذی‌نفع میتواند ازمحکمهٔ حاکمه تصحیح حکم را تقاضا نماید ــ اینحکم تصحیح در حدود مقررات قابل استیناف وتمیز است .

قسمت هفتم ــ نقض بعلت عدم صلاحیت ــ مواد ۲۷ و۲۸ و۲۹ در مبحث نقض و ابرام (تمیز) درج شده (صفحه ۱۴۰) .

قسمت هشتم ـ خسارات

ماده ۳۰ ت ــ هرکس میتواند قبل‌از تقدیم عرضحال بمحاکم عدلیه حق خودرا بوسیلهٔ اظهارنامه از طرف مطالبه نماید مشروط براینکه موعد مطالبه رسیده باشد ــ اظهارنامه بتوسط ثبت اسناد و یا دفتر محاکم یا دفتر حکومتی ابلاغ خواهدشد .

ماده ۳۱ ت ــ بطورکلی هرکس حق دارد اظهاراتیکه راجع بمعاملات و تعهدات خود با طرف دارد و بخواهد بوسیلهٔ رسمی بطرف بگوید بتوسط ثبت اسناد یا دفتر محاکم یا دفتر حکومتی اظهارنامه بفرستد .

ماده ۳۲ ت ــ درصورتیکه اظهارنامه مشعربتسلیم‌وجه‌یامال‌یا سندی

از طرف اظهار کننده باشد آنوجه یا مال یاسند باید در موقع تسلیم اظهارنامه بدفتر درتحت نظر وحفظت همان دفتر گذاشته شده باشد مگراینکه طرفین درموقع تعهد محل دیگری را معین کرده باشند .

ماده ۳۳ ت ـ مدعی حق دارد برای جبران خسارتی که از تأخیر تأدیه یا انجام تعهد و یا تسلیم مدعی به بو وارد شده یا میشود تقاضای جبران خسارت نماید این خسارت علاوه برخسارتی است که مدعی یا مدعی‌علیه‌حق دارند از بابت مخارج عدلیه وحق‌الوکاله که داده یا باید بدهند تقاضا کنند .

ماده ۳۴ ت ـ درمورد دعاوی غیر تجارتی که بر میت باشد و همچنین در مواردیکه مستند دعوی سند کتبی نبوده و مطابق قانون شهادت و امارات مصوب ۲۳ تیرماه ۱۳۰۸ محاکم میتوانند باستناد شهادت شهود امارات حکم دهند عمل بماده فوق از تاریخ صدور اولین حکمی که بر له مدعی صادر شده‌است خواهد بود .

ماده ۳۵ ت ـ محاکم مکلفند در صورت تقاضا مطابق مواد ذیل حکم بتأدیهٔ خسارت بدهند .

ماده۳۶ ت ـ دردعاوی که موضوع آن وجه‌نقداست‌خسارت‌تأخیر تأدیه معادل صدی ۱۵ محکوم‌به درسال است که بنسبت مدت‌تأخیر ازتاریخ ابلاغ اظهارنامه والاازتاریخ اقامه دعوی ودرموردمذکور درماده۳۴ ازتاریخ‌صدور اولین حکم تا روز تأدیه‌حساب میشود .

تبصره ۱ ـ درمورد این ماده خسارت محتاج باثبات نیست و

صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه وحکم کافی است .
تبصره ۲ ـ خسارت تأخیر تأدیه در مورد معاملاتی که بعنوان بیعشرط وبطور کلی هرمعامله که بحق استرداد مال (اعم ازمنقول وغیرمنقول) واقع شده مطابق این ماده نسبت باصل وجه معامله محسوب خواهد شد .

ماده ۳۷ ت ـ در دعوی که موضوع آن استرداد عین بوده (باستثناء موارد مذکور در تبصره۲ ماده فوق که خسارت مطابق مقررات تبصرهٔ مزبور حساب میشود) ومدعی مطالبه اجرت المثل و یا خسارت ناشی از تنزل قیمت نماید و همچنین درموارد دیگری که موضوع دعوی وجه نقدی است محکمه میزان خسارت را پس ازرسیدگی معین خواهد کرد لیکن در مورد اجرت المثل اعیان مستأجره محکمه مطابق میزان اجرت المسمی حکم خواهد داد مگر اینکه موجر مدعی باشد که میزان اجرت المثل زیاده از میزان اجرت المسمی است که در اینصورت محکمه نسبت بزیاده پس از رسیدگی حکم صادر خواهد کرد .

درمورد این ماده وماده قبل هرگاه بین متعاملین ترتیب خاصی مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر شده باشد محکمه موافق آن حکم خواهد داد .

ماده ۳۷ مکرر ت ـ نسبت بکلیه خساراتیکه قبل از ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۰ راجع بتأخیر تأدیه درمحاکم عدلیه مطالبه شده است مطابق

مقررات سابق قانون تسریع محاکمات عمل خواهد شد (صدی ۱۲)

ماده ۳۸ ت ـ دعوی خسارا تیرا که بعلت تأخیر تأدیه یا از بابت مخارج عدلیه وحق الوکاله وغیره و یا باستناد ماده ۳۷ میتوان اقامه کرد هر گاه درضمن جریان دعوای اصلی اقامه نشده باشد فقط تا سه سال از تاریخی که دعوای اصلی اعتبار دعوی مختومه را پیدا کرده میتوان اقامه نمود .

ماده ۳۹ ت ـ در دعاوی که رسیدگی بآن از خصائص محاکم شرع بوده حکم خسارت از محکمهٔ صادر خواهد شد که امر را ارجاع بشرع کرده است .

ماده ۴۰ ت ـ حکم خسارت مرحلهٔ تمیزی را از محکمهٔ باید تقضا نمود که از حکم آن محکمه تمیز خواسته شده و یا در صورت نقض حکم رسیدگی بدعوی بانجا ارجاع شده است ودر مورد خسارت مرحله تمیزی احکام صلحیه از محکمهٔ استینافی که تمیزاً رسیدگی کرده است .

ماده ۴۱ ت ـ میزان خسارت ناشی از تأخیر تأدیه را در صورتیکه خسارت مزبور ضمن جریان دعوای اصلی مطالبه شده باشد محکمه مطابق ماده ۳۶ تا روز صدور حکم معین کرده و درحکم خود قیدمیکند ونسبت بخسارتیکه از تاریخ صدور حکم تا روز وصول باید تأدیه شود بطورکلی حکم خواهدداد که اجرا درموقع حساب کرده و از محکوم علیه وصول نماید .

قسمت نهم - راجع بتسریع محاکمات

ماده ۴۲ ت - ازخسارتیکه بموجب ماده ٣٦ مورد حکم واقع میشود یك ثلث واز خسارتیکه بموجب ماده ۳۷ مورد حکم واقع میشود صدی پنج بصندوق عدلیه پرداخته خواهد شد .

ماده ٤٣ ت - درصورتیکه محکوم‌له مطالبهٔ خسارت تأخیرتأدیه نموده وبعد صرف‌نظر کند صدی۵ محکوم‌به درسال‌از روزابلاغ اظهار نامه والا از روز اقامهٔ دعوی تا روز وصول محکوم‌به بنفع صندوق عدلیه حکم میشود وتأدیه این‌مبلغ بعهدهٔ محکوم‌علیه‌است

ماده ٤٤ت - کلیهٔ عوائدی که ازاجرای‌مواد فوق بصندوق‌عدلیه واصل میشود در حساب مخصوصی گذارده شده و ذخیرهٔ خاصی تشکیل خواهد داد - ذخیرهٔ مزبور بدواً برای مخارج مواد ٤۵ و ٤٦ صرف شده و بقیهٔ آن بمصرف توسعهٔ تشکیلات قضائی خواهد رسید .

مادهٔ ٤۵ ت - برای ختم‌هردعوائی که درمرحله بدوی درظرف سه‌ماه ودر مرحلهٔ استینافی درظرف چهارماه ودرمرحلهٔ تمیزی در ظرف پنجماه از تاریخ تقدیم عرضحال‌حکم آن‌صادر نشده باشد محکمهٔ مربوطه جلسهٔ فوق‌العاده تشکیل‌خواهدداد ودرصورتیکه برای‌اتمام امرجلسات فوق‌العاده ضرورت پیدا کند فاصلهٔ بین‌جلسات بیش‌از سه روز نخواهدبود مگراینکه بعلل موجهی ازقبیل‌رجوع بخبره و امثال آن فاصلهٔ بیشتری لازم باشد .

ماده ٤٦ ت ـ در ابتدای هرسال وزارت عدلیه مجاز است برای خاتمه دادن بتمام یاقسمتی ازدعاوی سال قبل که محاکـم صلح و بدایت واستیناف وتمیز معوق مانده واز تاریخ تقدیم عرضحال بمحکمهٔ که دعوی بآن رجوع شده بیش ازسه ماه علاوه برمدتهای مذکوره درفوق گذشته محاکم فوق العاده صلح وشعب فوق العادهٔ ابتدائی و استیناف وتمیز بطور موقت تشکیل دهد .

قسمت دهم ـ راجع بتشکیلات دیوانعالی تمیز ومحکمهٔ عالی انتظامی

مواد ٤٧ و ٤٨ درمبحث تمیز ذکر شده است(صفحه ۱۳۱) .

ماده ٤٩ ت ـ محکمهٔ انتظامی تشکیل میشود ازسه نفر که حائز شرائط مذکور درماده ۲۲ قانون استخدام قضات باشند .

ماده ٥٠ ت ـ درصورت غیبت رئیس ییکی ازاعضاء محکمهٔ عالی انتظامی ازبین رؤساء واعضاء حاضر دیوانعالی تمیز یکنفر بقرعه معین شده ومحکمه را تکمیل خواهد نمود .

قرعه درشعبهٔ اول دیوان تمیز بعمل میآید واز بین اشخاصی خواهد بود که حائز سه شرط اول مذکـور در ماده ۲۲ قانون استخدام قضات باشند .

ماده ٥١ ت ـ هیئت تجدید نظر تشکیل میشود ازپنج نفر بترتیب ذیل : یکنفراز اعضاء محکمهٔ انتظامی بحکم قرعه درتحت نظر رئیس محکمهٔ انتظامی ازهیئت حکمه خارج وسه نفر ازبین اعضاء و

رؤسای تمیز در تحت نظر رئیس اول بقید قرعه معین میشوند حکم آن هیئت قطعی و تا سه روز پس از ابلاغ بوزیر عدلیه باید بموقع اجرا گذارده شود .

تبصره ۱ ـ در موقع تجدید نظر مدعی‌العموم تمیز شخصاً باید در هیئت تجدید نظر حاضر شود .

تبصره ۲ ـ محکومین بانفصال دائم از خدمت معلق نیستند تا وقتیکه حکم محکمهٔ انتظامی بواسطهٔ انقضاء موعد قطعی شده یا حکم هیئت تجدید نظر صادر شود .

قسمت یازدهم ـ راجع باجرا در مبحث اجرا درج گردیده (صفحه ۱٦۲) .

قسمت دوازدهم ـ مواد متفرقه

ماده ٦۳ ت ـ در مبحث دلائل ذکر شده (صفحه ۹۲)

ماده ٦٤ ت ـ در مبحث مواعد ذکر شده (صفحه ۱۵۳)

ماده ٦٦ ت ـ در مبحث حکم غیابی و اعتراض ذکر شده (صفحه ۱۱۳)

ماده ٦٦ ت ـ در مبحث استیناف درج شده (صفحه ۱۲۲)

ماده ٦۷ ت ـ در مبحث تمیز درج شده (صفحه ۱۳۵)

ماده ٦۸ ت ـ در مبحث مخارج عدلیه قید شده (صفحه ۲۰۴)

ماده ٦۹ ت ـ » » » » » » (صفحه ۲۰۵)

ماده ۷۰ ت ـ دفتر تمیز مکلف است عرضحالهای تمیزی نسبت باحکامی که مطابق ماده ۱۵ این قانون رسیدگی تمیزی را آن بمحکمه

استیناف رجوع گردیده وقبل از این تاریخ بدیوان تمیز تقدیم شده بلاتأخیر بدفتر محکمهٔ استیناف مربوطه احاله دهد تا مطابق مقررات این قانون عمل نمایند .

ماده ۷۱ ت ـ مقررات ماده ۷۰ شامل عرضحال های تمیزی که در تاریخ اجرای این قانون بعضو ممیز رجوع گردیده است نخواهد بود .

ماده ۷۲ ت ـ درمورد اوراق اجرائیهٔ که در اول مرداد ۱۳۰۹ تمام یا قسمتی از آن اجرا نشده و بهیچ حیث از طرق مذکور در ماده ۵۵ هم عمل نگردیده و یا محکوم علیه عرضحال اعسار نداده است برای اجراء بترتیب ذیل عمل میشود :

محکمه بتقاضای محکوم له ورقه اخطاریه صادر ودر آن قید خواهد نمود که هرگاه تا ده روز پس از ابلاغ اخطاریه (مطابق ماده ۵۳) محکوم علیه بهیچیك ازطرق مذکور در ماده ۵۵ اقدام ننمود و یا عرضحال اعسار داد و نتوانست اعسار خود را ثابت کند و یا در مدت مقرر در ماده ۵۹ محاکمهٔ خود را تعقیب نکرد رئیس اجرا بتقاضای محکوم له محکوم علیه را توقیف نماید لیکن اگر قبل از اول مرداد ۱۳۰۹ نسبت باوراق اجرائیه مذکور اقدامات اجرائی شده ومنتهی بتوقیف اموال محکوم علیه گردیده باشد ولو اینکه اموال مذکور برای تأدیه تمام محکوم به کفایت نکند محکوم له میتواند از صدور ورقهٔ اخطاریهٔ مذکور فوق صرف نظر کرده و تقاضای تعقیب اجرائیهٔ سابق را نماید در این صورت عملیات مزبوره تعقیب خواهد گردید تا حکم

اجراء شود .

ماده ۷۳ ت ــ درموقع صدوروروقة اجرائیه که مدیر ثبت مطابق قانون ثبت اسند واملاك صادرمیکند مدیرثبت باید درورقه‌اجرائیه مفاد ماده ۵۵ راقید نماید ونسبت باوراق اجرائیه که‌قبل‌از تاریخ اجرای این قانون از طرف مدیرثبت صادر شده اخطاریه مذکور در ماده ۷۳ را مدیر ثبت صادر خواهد کرد .

ماده ۷٤ ت ــ در مبحث تشکیلات اجراء ذکرشده(ص۱۵۷)

ماده ۷۵ ت ــ وزیرعدلیه‌مجازاست از بین اعضاء ورؤسای شعب تمیز واعضای پارکه تمیز ورئیس واعضای محکمة انتظامی ورؤسای‌محاکم‌وپارکه‌های‌استیناف بارعایت رتبه‌های‌قانونی‌رؤسا و اعضاء شعب‌تمیزورؤسای‌محاکم‌وپارکه‌های استیناف‌راتعیین نماید.

ماده ۷٦ ت ــ قوانین ذیل نسخ میشود :

۱ ــ باب اول‌اصول محاکمات حقوقی درمحاکم صلحیه باستثنای مواد مذکور درماده ۱۲ این‌قانون .

۲ ــ ماده (۱٦٦) و مواد (۳٦٤) تا (۳۷۰) اصول محاکمات حقوقی ومواد (۵۹ تا ٦۵) اصول‌محاکمات اصلاح‌شده بموجب ماده واحده (آزمایش) .

۳ ــ مواد (٤۷۳) و (٤۷٤) اصول محاکمات حقوقی و ماده (۲٦۲) اصول محاکمات اصلاح شده بموجب ماده واحده .

٤ ــ ماده (۵۰٤) اصول محاکمات حقوقی وماده (۲۹۸)اصول محاکمات اصلاح شده بموجب ماده واحده .

۵ ـ ماده (٥٤٦) اصول محاکمات حقوقی وماده (۳۲۳) اصول محاکمات اصلاح شده بموجب ماده واحده

٦ ـ ماده (٥٦٧) اصول محاکمات حقوقی وماده (۳٤۱) اصول محاکمات اصلاح‌شده بموجب ماده واحده وماده (۷۸٦) اصول محاکمات حقوقی

۷ ـ از ماده ۳ قانون حکمیت مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰٦ جمله (اینقرار قابل استیناف وتمیز است)

۸ ـ مواد (٤۳) تا (٤۷) اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ و ازماده ٤ قانون مزبور جمله (مثل محکمه تجارت)

۹ ـ قانون موقتی محاکم تجارت مصوب ۲٤ شعبان ۱۳۳۳ قمری مشتمل بر ٦۲ ماده و قانون تشکیل محاکم تجارت مصوب ۱٤ بهمن ماه ۱۳۰٤ شمسی

۱۰ ـ ماده ۲۷ ودو تبصره آن ماده (۳۲) قانون استخدام قضاة مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰٦ وماده (۳۸) و تبصرهٔ ذیل آن اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷

۱۱ ـ مواد راجع بودایع ومواعد وخسارات تنظیم شده بموجب ماده واحده .

۱۲ ـ هر یک از مقررات دیگری که مخالف این قانون باشد در آن قسمتی که مخالف است .

مادهٔ ۷۷ ت ـ بجز ماده (۷۵) که از تاریخ تصویب لازم الاجراست

سایر مقررات این قانون از اول مرداد ۳۰۹ بموقع اجرا گذارده می شود .

قانون جلوگیری از تصرف عدوانی

مصوب ۱۴ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۹

ماده ۱ ـ درهر موردی که کسی مال منقول یا غیرمنقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج مینماید یامزاحم استفادهٔ متصرف میشود مأمورین نظمیه ودرصورت نبودن آنها حکام ونواب حکام و در صورت نبودن آنها مأمورین امنیه مکلف هستند از مزاحمت ممانعت و از اقداماتیکه برای تصرف عدوانی میشود جلوگیری نمایند اگرچه عمل مزبوره باستناد ادعای حقی نسبت بآن مال باشد .

مادهٔ ۲ ـ هرگاه کسی مال غیرمنقولی راکه درتصرف غیر بوده بعنوان عدوان تصرف کرده باشد مأمورین حفظ انتظامات عمومی باید بحکم کتبی مدعی العموم محل مال مزبوررا بتصرف شاکی (متصرف اول) بدهند واین حکم وقتی داده میشود که از تاریخ تصرف عدوانی بیش ازیکماه نگذشته باشدهرگاه ازمقرمدعی العموم تا محل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشدحاکم یا نایب الحکومه که دراین مورد از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگی مدعی العموم معین میشوند حکم مذکور در فوق را خواهند داد ـ دراینمورد حاکم یانایب الحکومه باید در ظرف پنج روز راپورت اقدام خودرا برای مدعی العموم ارسال دارند .

ماده ۳ ـ در مورد ماده فوق که حاکم یانایب الحکومه سمت

نمایندگی مدعی العموم را دارند مسئول وزارت عدلیه بوده و رسیدگی بتقصیرات اداری آنها راجع بمادهٔ فوق باطلاع وزارت داخله در محکمهٔ اداری وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد .

ماده ۴ – در مورد مواد ۱ و ۲ پس از اینکه مال در تصرف متصرف اول ابقاء یا مجدداً بتصرف او داده شد و یا رفع مزاحمت از متصرف گردید دیگر مدعی العموم یا مأمورین مذکور در مواد فوق نمیتوانند آنرا از تصرف او خارج کرده یا تصمیمی مخالف تصمیم سابق خود اتخاذ کنند .

ماده ۵ – مأمورین مذکور در ماده ۲ حکم خود را نسبت بتصرف عدوانی باید کتباً بمدعی علیه ابلاغ نموده بلافاصله آنرا بموقع اجرا گذارند از این حکم تا ده روز پس از ابلاغ میتوان استیناف و شکایت کرد مرجع شکایت اگر حکم از طرف مدعی العموم بوده محکمهٔ بدایت محل و اگر از طرف حاکم یا نایب الحکومه بوده نزدیکترین محکمهٔ صلح خواهد بود .

ماده ۶ – مستأجر و مباشر و خدمه و رعیت و کارگر و بطور کلی اشخاصیکه مالی از قبل دیگری متصرفند میتوانند مطابق مواد فوق از تصرف عدوانی شکایت نمایند .

ماده ۷ – مستأجر پس از انقضای مدت اجره و همچنین هر امین دیگری درصورت مطالبهٔ مالک یاقائممقام یا مأذون ازطرف اوعین مستأجره ویا مال امانی را بتصرف کسیکه حق مطالبه دارد

نداد متصرف عـدوانی محسوب است مشروط باینکه از طرف کسی که حق مطالبه دارد بترتیب ذیل بآنها اخطار شده باشد .

مستأجر درصورتیکه اخطار لااقل یکماه قبل از انقضاء مدت اجاره بعمل آمده باشد پس از انقضـاء مـدت اجاره والا پس از یکماه از تاریخ اخطار متصرف عدوانی محسوب شده و مطابق این قانون با او رفتار خواهد شد .

سایر اشخاصیکه مال دیگریرا بطور امانی متصرف باشند پنجروز پس از اخطار و عدم تخلیه و رفع ید متصرف عدوانی محسوب خواهند شد ـ اخطار فوق بوسیلهٔ ادارهٔ ثبت اسناد یادفتر محکمهٔ بدایت یا دفتر محکمهٔ صلحیه بعمل میآید و اگر درمحل هیچیک از مراجع فوق نباشد بوسیلهٔ حاکم یا نایب‌الحکومه .

ماده ۸ * ـ درصورتیکه بین موجر و مستأجر راجع بتخلیهٔ ملک پس از انقضاء مدت اجاره و یا بین صاحب مال و امین مقررات و شرایط خاصی باشد وهمچنین درموارد مشمول مواد ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ قانون ثبت اسناد و املاک مقررات این قانون اجرا نخواهد شد (۱) .

ماده ۹ ـ اختلاف بین موجر ومستأجر دکان ومغازه وکاروانسرا راجع بتخلیه مشمول مواد فوق بوده و دعوی تخلیه مطابق قانون حکمیت قطع و فصل خواهد شد .

ماده ۱۰ ✿ ـ در صورتیکه مدعی تصرف عدوانی مطابق این قانون شکایت نکرده باشد میتواند درمدت مقرره قانونی موافق اصول محاکمات حقوقی مربوط بمحاکم صلحیه رفتار نماید .

قانون تعاون قضائی

مصوب ۲۴ تیر و۲ مرداد ماه ۱۳۰۹

ماده واحده ✿ محاکم‌عدلیه ومستنطقین‌ایران میتوانند تقاضائی راکه از طرف محاکم ویا مستنطقین ممالک خارجه راجع باستماع شهادت شهود و یاتحقیقات دیگر ازاین‌قبیل از آنها میشود انجام دهند مشروط براینکه محاکم ومستنطقین مملکتی نیز که این تحقیقات را تقاضا مینمایند نظیر این‌تقاضا را ازطرف محاکم و مستنطقین ایران بپذیرند .

قانون تعیین تکلیف دعاوی موجوده

بین اتباع ایران واتباع خارجه در محاکمات وکارگذاریهای وزارت امور خارجه
مصوبه ۲ و۸ خرداد ۱۳۰۸

ماده ۱ ✿ ـ کلیه دعاوی موجوده بین اتباع ایران وخارجه که در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ ازطرف محاکمات وزارت‌امور خارجه و یا از طرف حکام ایالات و ولایت نسبت به آنها حکم لازم‌الاجرا صادرنشده‌است‌بایدبمحاکم‌صلاحیت‌دارعدلیه‌احاله شود

ماده ۲ ــ نسبت بدعاوی مذکوره در مادهٔ فوق بطریق ذیل رفتار خواهد شد :

آ ــ دعوی که در مرحلهٔ ابتدائی تحت رسیدگی است متناسب صلاحیت بمحکمهٔ صلحیه یا ابتدائی رجوع خواهد شد ولی هر گاه در ضمن رسیدگی بدوی محکمات وزارت امور خارجه و کارگذاریها و یا حکام ایالات و ولایات قراری از قبیل قرار تحقیقات محلی و یا ارجاع بحکمیت وغیره صادر نموده باشند آن قرار بقوت خود باقی مانده و محکمه راجعه بآن ترتیب اثر خواهند داد .

ب ــ دعوی که در مرحلهٔ استینافی است بمحکمهٔ استیناف طهران حواله شده و در محکمهٔ مزبوره با رعایت قسمت اخیر مادهٔ ۱ رسیدگی خواهد شد .

ماده ۳ ــ حکم صادره در موضوع دعوی مذکوره در دو مادهٔ فوق بهمان طریق و در همان مواردی که مطابق اصول محاکمات حقوقی ممکن است قابل استیناف و تمیز و یا فقط قابل تمیز خواهد بود .

قانون اجازهٔ اخذ تأمین خسارت

و مخارج محاکمه از اتباع خارجه

مصوب ۲۸ شهریور و اول مهر ۱۳۰۸

ماده ۱ ــ اتباع خارجه عم از اینکه مدعی اصلی باشند و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردیده باشند در صورت تقاضای مدعی علیه برای تأدیهٔ مخارج محاکمه و خسارتیکه ممکن است بپرداخت آن

محکوم گردند تأمین بدهند .
تقاضای مزبور فقط از مدعی‌علیه تبعهٔ ایران پذیرفته میشود و باید درمحاکمهٔ عادی ضمن اولین لایحهٔ که بمحکمه داده میشود و در محاکمهٔ اختصاری در اولین جلسه عمل آید و الا مسموع نخواهد بود .
مادهٔ ۲ ـ محکمه درضمن قراریکه راجع بتأمین میدهد میزان آنرا معین خواهد کرد و مادامیکه تأمین داده نشده محاکمه متوقف خواهد ماند .
مادهٔ ۳ ـ تبعهٔ خارجه که درحدود دولت متبوع و اتباع ایران از دادن تأمین معاف هستند از دادن تأمین در ایران معاف خواهند بود .

قانون راجع باموال غیر منقول

اتباع خارجی که در تاریخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ بتصویب رسیده

مادهٔ ۱ ـ هر تبعهٔ خارجه مکلف است در ظرف مدت ... از تاریخ اجرای این قانون صورت املاک مزروعی خود را با تعیین محل و مشخصات آن بدفتر محکمهٔ بدایتی که ملک غیرمنقول در حوزهٔ آن واقع است در مقابل رسید تسلیم نموده و در همان موقع نیز مقوم کتباً معرفی نماید .
تبصره ـ توابع و متعلقات املاک مزروعی از قبیل قنوات چشمه سارها ـ باغات ـ مراتع و طواحین و امثال آن در حکم املاک مزروعی است .

ماده ۲ ـ رئیس محکمهٔ بدایت پس از وصول صورت مذکور در مادهٔ ۱ مقومی را که از طرف ادارهٔ مالیهٔ محل برای تقویم املاك بمحکمهٔ معرفی میشود مأمور خواهد کرد با مقومی که از طرف دارندهٔ ملك معین گردیده ملك را تقویم نمایند.

ماده ۳ ـ اگر در تعیین قیمت ملك بین مقوم مالیه ومقوم دارندهٔ ملك اختلاف نظر باشد مقومین بتراضی یکنفر سر مقوم تعیین خواهند نمود ودرصورت عدم تراضی رئیس محکمه ومدعی العموم بدایت سرمقوم را معین خواهد کرد.

تقویم سرمقوم درهرحال معتبر وقاطع خواهد بود.

ماده ٤ ـ هرمنت مزروعی که دارندهٔ آن در مدت مقرر بتکالیف مذکور در ماده ۱ عمل ننمود بوسیلهٔ مقومی که از طرف رئیس محکمه ومدعی العموم معین میشود تقویم خواهد شد دراین صورت دارندهٔ منت حق هیچگونه اعتراض بر تقویمی که بعمل آمده نخواهد داشت ـ مفد این ماده در مورد ملکی نیز مجری خواهد شد که مقوم معرفی شده از طرف دارندهٔ ملك از تقویم خود داری کند.

ماده ۵ ـ پس از اینکه قیمت ملك بطریق مذکور فوق معین گردید منت بمزایده بترتیبیکه در اصول محاکمات حقوقی برای مزایده مقرر است فروخته خواهد شد.

ماده ٦ ـ اگر منت بقیمت تقویمی ویا بیشتر خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده وسند انتقال آن از طرف

محکمهٔ بدایت بدولت داده میشود .

ماده ۷ ـ هر گاه دولت قیمت مزبور را نقداً بپردازد ملك را قطعاً تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را نقداً نپرداخت ملك تا پرداخت قیمت در تصرف دارندهٔ آن (یا وراث او) باقی مانده و دارندهٔ ملك آنرا بخرج خود اداره کرده و منافع آن را تملك خواهد نمود تا موقعیکه دولت قیمت ملك را نپرداخته است دارندهٔ ملك حق خواهد داشت بهر نحو و هر قیمتی که بخواهد ملك را با اطلاع دولت بیکی از اتباع ایران انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید وذمهٔ دولت ودارندهٔ ملك نسبت بهم بری خواهد شد

ماده ۸ ـ هر گاه دولت قیمت ملك را نپرداخت و بعد خواست آنرا تأدیه کند هریك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در اینصورت تقویم برطبق مواد ۲ و ۳ بعمل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین میشود باید تأدیه کند .

ماده ۹ ـ جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهدهٔ طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیهٔ موارد حق الزحمهٔ مقومیکه دارندهٔ ملك معین مینماید و همچنین حق الزحمهٔ مقومیکه از طرف محکمهٔ مدعی العموم مطابق مده ۴ اینقانون معین میشود ونصف حق الزحمهٔ سرمقوم و تمام مخارج مزایده بعهده دارندهٔ ملك خواهد بود .

ماده ۱۰ هر نقل وانتقال راجع باموال غیر منقول که تا تاریخ

اجرای این قانون از طرف اتباع خارجه باتباع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی باتباع ایران که از تاریخ اجرای این قانون تا مدت مقرر در ماده ۱ بعمل آید معتبر است .

ماده ۱۱ — هر نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود اعم از اینکه تبعهٔ خارجه مستقیماً ناقل بوده یا ملک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده باشد تبعهٔ خارجه ضامن درك و مسئول کشف فساد خواهد بود .

ماده ۱۲ — این قانون از اول امرداد ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

قانون راجع باتباع ترکه خارجه

مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱

ماده واحده — وزارت عدلیه مجاز است ترتیب محافظت و اداره و تصفیه ترکهٔ اتباع خارجه را که در ایران یا در خارجه فوت کرده و در ایران اموالی دارند با رعایت حقوق عمومی بین‌المللی و نصوص معاهدات مطابق نظامنامه معین نماید .

قوانین راجع بمرور زمان

اول ـ قانون مرور زمان مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ ضمن قانون ثبت عمومی املاك

ماده ۳ ـ مدت مرور زمان نسبت بقبل از تصویب این قانون از تاریخ منشأ دعوی چهل سال شمسی است صاحب دعوی میتواند هر گاه از تاریخ منشأ دعوی کمتر از چهل سال گذشته از بقیهٔ مدت تا چهل سال شمسی استفاده کند باین ترتیب :

در هر دعوائی نسبت بعین غیرمنقول که بعنوان مالکیت در تصرف کسی است هر گاه تاریخ منشأ و سبب تولید دعوی چهل سال شمسی زیاد مقدم بر تصویب این قانون بوده و در مدت چهل سال شمسی هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه شده متقاضی مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در مرحلهٔ ابتدائی عمل آید محکمه قرار منع تعقیب دعوی را خواهد داد و هر گاه تاریخ و منشأ و سبب تولید دعوی کمتر از چهل سال شمسی باشد . خاتمه چهل سال شمسی پذیرفته خواهد شد .

مدت مرور زمان راجع بدعوی نسبت بعین غیرمنقول که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ منشأ دعوی بیست سال است

تبصره ـ در مرحلهٔ استینافی فقط وقتی میتوان از مرور زمان استفاده کرد که از حکم غیابی استیناف شده باشد .

ماده ۴ ـ (اصلاح شده در ۲ ۱۳ ۱۲) ایراد مرور زمان

خواه قبل‌از رسیدگی بدعوی وخواه درضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و این قرار درصورتیکه مبنی برقبول ایراد باشد مستقلا قابل استیناف و تمیز است و مادامی که تکلیف قرار در مراحل استیناف وتمیز معین نشود محکمهٔ ابتدائی رسیدگی را بتأخیر خواهد انداخت ـ هرگاه قرار محکمه مبنی بر ردّ ایراد باشد استیناف یاتمیز آن فقط با حکم در ماهیت دعوی ممکن خواهد بود طلبکاران و ضامن مدعی‌علیه میتوانند درصورتیکه عدم استناد مدعی‌علیه بمرور زمان موجب ضرر آنها باشد وارد دعوی شده بمرور زمان استناد نمایند ـ در صورتیکه مدعی‌علیه اقرار بمالکیت مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین است اگر مدعی‌علیه درسندی که بخط یا امضای مسلم اوست اقرار بمالکیت مدعی کرده وازتاریخ سندمرورزمان نگذشته باشد
ماده ۵ ـ مرور زمان برعلیه کسانیکه بعلت خطر جانی یا ناموسی و یا بعلت مخاطره در اموال خود یا اقرباء نزدیک خود نتوانسته اند اقامهٔ دعوی نمایند جاری نمیشود مگر بعداز زوال مانع ـ مرورزمان برعلیه کسانیکه تحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و سفیه جاری نمیشود زوج و زوجه نمیتوانند نسبت بیکدیگر ازمرور زمان مذکور درماده سوّم استفاده نمایند ـ نسبت باملاکیکه دردفتر ثبت املاک ثبت شده است مرور زمان جاری نمیشود ـ مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وقتی

ممکن است که بواسطهٔ مرور مدت معینه در این قانون حاصل شده باشد ـ اسقاط مرور زمان باید صریح باشد .

متولی وقیم و ولی وهمچنین کسیکه ممنوع ازتصرف درمالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای اوحاصل شده است اسقاط کند .

۲ ـ قانون مرور زمان اموال منقوله

مصوب تیرماه ۱۳۰۸

ماده ۱ ۞ در دعاوی راجع بحقوقی که باقساط ماهیانه یا کمتر از یکماه تأدیه میشود بمنزلهٔ مال الاجاره و مال الصلح راجع بمنافع اموال غیر منقول و همچنین [illegible] دعوی راجع بقیمت یا حقی که بنا بر عرف و عادت [illegible] کمی پرداخت میگردد از قبیل قیمت خوراک و [illegible] حق العلاج طبیب و حق الوکاله و امثال آن مدت مرور زمان [illegible] است .

ماده ۲ ۞ در [illegible] دعاوی [illegible] راجع [illegible] منقول و غیر منقول [illegible] دعوی [illegible] و وقف [illegible] مال غیر منقول مدت مرور زمان [illegible] است .

ماده ۳ ۞ ـ مدت مرور زمان [illegible] روزی شروع میشود که [illegible] مال یا صاحب حق [illegible] دین مستحق مطالبه میگردد . در دعاوی راجع [illegible] صغار ومحجورین مطلقاً مرور زمان [illegible] شروع [illegible] رفع حجر محسوب میشود در دعاوی راجع بحقوق [illegible] مرور زمان از تاریخی شروع میشود که [illegible] حق [illegible] جلوگیری شده [illegible] در دعاوی راجع [illegible] محدود بمدت معین [illegible] و همچنین [illegible] دعاوی راجع [illegible]

برای انجام آن مدتی معین شده ، عندالمطالبه باید انجام شود مادا که بوسیلهٔ اظهارنامهٔ رسمی رد ودیعه یا انجام تعهد تقاضا نشده مرور زمان جاری نمیشود درمورد طلبیکه وثیقه منقول یاغیرمنقول دارد مادام که وثیقه درتصرف طلبکاراست مرورزمان جاری نخواهد شد نسبت بدعوای استرداد وثیقه مدت مرورزمان ازروزی شروع میشود که وثیقه بوسیلهٔ ادای دین حق دیگری نشده باشد . زوج وزوجه وهمچنین پدرو مادرو جد و جده و اولاد مطلقهٔ وبرادر وبرادر و خواهرو خواهر وبرادر و خواهر در دعوی بر میتوانند نسبت بیکدیگر ازمرور زمان استفاده نمایند .

در دعوی متقابل هر گاه مدت مرور زمان منقضی شده باشد تاروز اولین جلسهٔ محاکمه درمحاکمات اختصاری وتاریخ تقدیم اولین لایحه درمحاکمات عادی برای اقامهٔ دعوای متقابل مهلت داده میشود

ماده ۴ — هرگاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد وسیلهٔ عرضحال رسمی یا اظهاریهٔ قانونی حق خودرا مطالبه نماید مدت مرور زمان منقطع میشود وبرای حصول مرور زمان گذشتن مدت جدیدی لازم است. اینمدت جدید درمورد مرور زمان ده ساله سه سال ودرمورد مرور زمان سه ساله یکسال علاوه برنقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود — مرور زمان را بیش از یکمرتبه نمیتوان منقطع نمود .

ماده ۵ — درموارد ذیل انقطاع مرور زمان حاصل نمیشود :

دارد.
ـ درصورتیکه مدعی دعوای خودرا مسترد دارد.
۳ ـ درصورتیکه عرضحال بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی نداشته داده شده وتا سه ماه پس از ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت دعوی در محکمهٔ صلاحیت‌دار اقامه شود.

ماده ۶ ـ مفاد تبصرهٔ ماده ۳ و مواد ۴ و ۵ قانون ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ راجع بثبت عمومی املاک ومرور زمان باستثنای آنچه که مخصوص باملاک ثبت شده در دوسره املاک ثبت درمورد کلیهٔ دعاوی رعایت خواهد شد.

ماده ۷ ـ مفاد ماده ۴ و ۵ این قانون نسبت بدعوی مالکیت و وقفیت اموال‌غیرمنقول نیزمجری است ولی‌درصورت انقطاع‌مدت مرور زمان جدید بحساب علاوه بر بقیهٔ مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود.

ماده ۸ ـ مدت مرور زمان کلیهٔ دعاوی‌مذکور درماده ۱ و ۲ باستثنای دعوای مالکیت و وقفیت اموال غیر منقول که در تاریخ اجرای این قانون‌مطابق‌مقررات فوق‌مرور زمان نسبت بآنها حاصل شده یا کمتر ازدوسال بحصول مرور زمان مانده باشد تادو سال در محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد مشروط بر اینکه در تاریخ اجرای این قانون‌از تاریخ منشأ وتولید دعوی تا آخرین تعقیب بیش از سی‌سال نگذشته باشد.

ماده ۹ ـ مقررات اینقانون بهیچوجه نسخ مقررات قانون تجارت وقوانین دیگر راجع بمرور زمان نخواهد بود.

ماده ۱۰ ✿ - این قانون از تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۸ بموقع اجر گذاشته میشود .

۳- قانون متمم قانون مرور زمان اموال منقول

مصوبه ۱۳ تیرماه ۱۳۱۰

ماده ۱ ✿ - اگر کسی بوسیلهٔ عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خودرا از دیگری مطالبه نماید وبعد معلوم شود که طرف در تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهار نامه در حال حیات نبوده و یااگر طرف شرکتی بوده آن شرکت درتاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یـا اظهار نامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراث متوفی و یا برعلیه اشخاص یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحله شده‌اند وبا مسئول تعهدات او میباشند کافی خواهد بود .

ماده ۲ ✿ - تقدیم عرضحال رسمی و یا اظهارنامهٔ قانونی بعنوان وراث بدون تعیین اسامی یا محل اقامت آنان و یا بعنوان اشخاص یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحلی گردیده ویا مسئول تعهدات او میباشد برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود .

ماده ۳ ✿ - اگر کسی قبل از انقضای مهلت دوسالـه که بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان مصوب ۲ تیرماه ۱۳۰۸ مقرراست بوسیلهٔ عرضحال رسمی یا اظهارنامهٔ قانونی حق خودرا مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شده ومدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ انقطاع خواهد بود علاوه بربقیهٔ

مدت دوسال قبل از انقطاع.
انقطاع مهلت مذکور فقط یکدفعه ممکنست.

قانون راجع بدعاوی بین اشخاص و دولت
مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹

ماده ۱ ــ اموال غیرمنقولی که تا تاریخ ۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۴ قمری در تصرف مالکانهٔ دولت بوده و همچنین اموال غیر منقولیکه از تاریخ مزبور ببعد دولت درنتیجهٔ معامله یااقرار دادی تحصیل کرده بملکیت قطعی دولت شناخته میشود مگر اینکه از طرف دولتی واگذاری اموال مزبوره باشخاص قبل ار تصویب اینقانون تصدیق وبتصرف داده شده باشد.

ماده ۲ ــ اموال غیر منقول اشخاصیکه دولت درنتیجهٔ تمردو یاغی گری آنها آن اموال را از تصرفشان خارج یاضبط نموده یا بنماید ودرظرف ده سال ارتصویب این قانون در مورد املاکیکه قبل از تصویب این قانون بتصرف دولت در آمده وده سال بعداز تاریخ تصرف در مورد اموالیکه بعد از تصویب اینقانون بتصرف دولت در بیاید کلاً یا بعضاً از طرف هیئت وزراء بصاحبان آنها واگذار نشود جزء املاك خالصه محسوب و بملکیت قطعی دولت شناخته خواهد شد.

ماده ۳ ــ مدت مرورزمان در دعاوی دولت نسبت باموال غیر منقول ودر دعاوی افراد نسبت باموال غیر منقول دولت ۲۵ سال شمسی است.

دعاوی دولت راجع بتیول از این قاعده مستثنی بوده و مشمول مرور زمان دعاوی‌است .

ماده ۴ ـ کلیهٔ دعاوی دولت براشخاص و دعاوی اشخاص بردولت نسبت باموال غیرمنقول و حقوق متعلقه بآن و دعاوی ناشیه از اعمال حاکمیت دولت نسبت باموال منقول و همچنین دعاوی منقول ناشیه از اعمال تصدی که منشأ تولید آن قبل از ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ باشد ونیز دعاوی بانك ایران براشخاص و دعاوی اشخاص بر بانك ایران بمرجعیت محاکمات مالیه قطع و فصل خواهد شد ـ در سایر موارد مرجع رسیدگی محاکم عدلیه است .

تبصره ـ اعمال تصدی اعمالی‌است که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه اعمال افراد انجام میدهد مانند خرید و فروش و اجاره و استجاره و امثال آن .

ماده ۵ (اصلاح شده در۱۳۱۳) درصورتیکه املاکی از طرف دولت باشخاصی به مالکیت واگذار و تصرف داده شده باشد و مورد ادعای شخص ثالثی بشود و مدرك مالکیت و تصرف فقط تلقی از دولت باشد مرجع رسیدگی بمالکیت دولت محاکمات مالیه خواهد بود .

ماده ٦ ـ کلیهٔ دعاوی که مطابق این‌قانون صلاحیت‌رسیدگی بآن‌محاکمات مالیه است ولوابنکه فعلا درمحاکم عدلیه‌درجریان باشد درصورتیکه تمام مراحل قانونی را طی نکرده باشد و یا بواسطه نگذشتن مدتهای قانونی قطعی نشده باشد باید در

محاکمات مالیه قطع و فصل شود .

ماده ۷ ـ درمواردیکه مطابق این قانون صلاحیت رسیدگی بدعاوی با محاکمات مالیه است اعتراضاتیکه راجع بثبت املاك بعمل آمده یامیآیدومعترضین درموعد قانونی بمحاکمات مالیه یاعدلیه رجوع نموده یابمحاکمات مالیه بعداً رجوع مینمایند قطع وفصل دعوی از طریق محاکمات مالیه بحکمیت رجوع خواهد شد .

ماده ۸ ـ اصول تشکیلات محاکمات مالیه و طرز رسیدگی بدعاوی در محاکمات مالیه وطرزحکمیت و اجراء احکام مطابق نظامنامه هائی خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید

ماده ۹ ـ اخذ ودیعه ممنوع وعرضحال مطابق تعرفهٔ محاکم ابتدائی و درصورت تجدید نظر مطابق تعرفهٔ محاکم استیناف عدلیه تمبر خواهد شد .

ماده ۱۰ ـ ماده واحده ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ راجع بدعاوی دولت وافراد و تبصرهٔ آن ملغی است و این قانون از تاریخ ۱۵ آبانماه ۱۳۰۹ بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

قانون راجع بدعاوی بین اشخاص و ادارهٔ اوقاف

مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱

ماده ۱ ـ دعاوی ادارهٔ اوقاف براشخاص و دعاوی اشخاص بر ادارهٔ اوقاف راجع بموقفیت اموال منقول وغیرمنقول یا بالعکس مشمول مادهٔ ۴ قانون ۱۳ آبانماه ۱۳۰۹ راجع بدعاوی بین اشخاص

و دولت نبوده و در محاکم عدلیه قطع و فصل خواهد شد قبل از تاریخ اجرای این قانون باستناد مادهٔ مذکور محاکم قرار عدم صلاحیت صادر کرده و آن قرار قطعی شده باشد .

ماده ۲ ✿ ـ این قانون از اول خرداد ماه ۱۳۱۱ بموقع ا. گذارده خواهد شد .

از قانون ثبت شرکتها

مصوب ۳ خرداد ماه ۱۳۱۰

ماده ۴ ✿ ـ هر شرکت خارجی که از تاریخ اجراء این قانون در ایران بوسیلهٔ شعبه یا نماینده مشغول بامور تجارتی یا صنعتی یا مالـی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید درصورتیکه این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه باداره ثبت کافی نباشد رئیس محکمهٔ ابتدائی طهران بتقاضای نمایند شرکتها تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد .

ماده ۵ ✿ ـ اشخاصیکه بعنوان نمایندگی یامدیریت شعبهٔ شرکتها خارجی در ایران اقدام بامور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده وقبل از انقضاء موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند بتقاضای مدعی العمو بدایت و بحکم محکمهٔ ابتدائی طهران محکوم بجزای نقدی ا ۵۰ تومان تا هزارتومان خواهند شد وعلاوه محکمه برای هررو تأخیر پس از صدور حکم متخلف را بتأدیهٔ ۱۵ الی ۵۰ توما محکوم خواهد کرد وهرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس

تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبهٔ شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود .

ماده ۶ ـ در مورد شرکتهای خارجی که شرائط عملیات آنها بموجب امتیازنامه صحیح ومنظمی مقرراست وصحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیرمادهٔ فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هرروز تأخیر بعدازصدور حکم ازقرار روزی ده الی یکصد تومان است

از قانون ثبت علائم تجارتی و اختراعات

مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰

ماده ۶ کسیکه تقاضای ثبت علامتی را مینماید باید شخصاً و یا توسط وکیل ثبت آنرا از شعبهٔ مخصوصی که در دفتر محکمهٔ ابتدائی طهران برای این امر تشکیل میشود بموجب اظهارنامه بخواهد این اظهارنامه باید بلافاصله بعدازتسلیم بشعبهٔ مزبور دردفتر خاصی ثبت و در مقابل آن رسید داده شود .

ماده ۷ ـ متصدی شعبهٔ مزبور در ماده فوق باید تا ۱۵ روز از تاریخ وصول اظهار نامه و ضمائم آن تکلیف قبول یا رد آنرا معین نماید درصورتیکه تقاضای ثبت رد شود علل رد باید صریحاً ذکر گردد ـ تقاضا کننده میتواند از تصمیم رد تا ده روز از تاریخ ابلاغ آن برئیس محکمهٔ اول ابتدائی طهران شکایت کند ـ حکم محکمه قابل استیناف و تمیز خواهد بود .

ماده ۱۷ ـ اگراعتراض قبل از آنکه علامت متعرض علیه بثبت رسیده باشدبعمل آید بایدبترتیب ودرموعدیکه در نظامنامهٔ مذکور درماده۲۳مقرر میشود بتقاضا کننده ثبت علامت ابلاغ گردد تا در

صورتی که باعتراض تسلیم نشده و تقاضای خود را مسترد ننمود معترض در مدت مقرر در نظامنامهٔ فوق‌الذکر بمحکمهٔ ابتدائی طهران رجوع کند .

درمورد این ماده عملیات راجعه بثبت متوقف خواهد ماند لیکن هر گاه معترض در ظرف مدتیکه بموجب نظامنامه مذکور فوق مقرر میشود بمحکمه رجوع ننمود و یا بعداز رجوع دعوای خود را تعقیب نکرد علامت واسم معترض علیه ثبت و وجوهیکه معترض تأدیه نموده بنفع دولت ضبط خواهد شد .

ماده ۱۸ ✿ ـ هر گاه اعتراض راجع بعلامت ثبت شده باشد معترض باید مستقیماً درمحکمهٔ ابتدائی طهران اقامهٔ دعوی کرده و ابطال ثبت را تقاضا نماید .

ماده ۱۹ ✿ ـ جز در مواردیکه بموجب نظامنامهای وزارتعدلیه استثناء شود اصول رسیدگی مطابق اصول محاکمات تجارتی است و در هر حال حکم محکمه در حدود قوانین قابل استیناف و تمیز خواهد بود .

تبصره ـ مفاد حکم قطعی باید بخرج محکوم له در مجلهٔ رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید یومیهٔ طهران منتشر شود محکوم له میتواند مخارج مزبور رادرجزء خسارت ازمحکوم علیه مطالبه نماید .

ماده ۲۰ ✿ ـ هر گاه معترض ثابت کند که نسبت بعلامت بواسطهٔ سابقهٔ استعمال مستمر قبل از تقاضای ثبت حق تقدم داشته محکمه حکم خواهدداد که آن علامت باسم متعرض ثبت شود واگرعلامت مورد

اعتراض قبلا در ادارهٔ ثبت اسناد بثبت رسیده باشد محکمه حکم خواهد داد که ثبت سابق ابطال و علامت بنام معترض ثبت گردد .
ماده ۲۱ ✿ ترتیبات مقررهٔ فوق در موردی نیز رعایت خواهد شد که اعتراض راجع بثبت انتقال علامت یا ثبت تغییر خود علامت و یا راجع بثبت تغییر محصولاتی باشد که علامت برای تشخیص و امتیاز آن بکار میرود
ماده ۳۱ ✿ ـ مفاد مواد ٦ و ۷ و ۸ اینقانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد .

از اصلاح قانون سجل احوال

مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۱۰

ماده ۸ ✿ ـ هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمهٔ ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محکمهٔ صلح بعمل میآید و تا موقعیکه از طرف محکمهٔ مزبور اسناد مذکور بموجب حکمی ابطال نشود این اسناد اعتبار خود باقی خواهند بود وفقط محاکم مزبور میتوانند بتصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیهٔ دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی مزبور ورقهٔ جدید صادر مینماید .
در ورقهٔ جدید باید این نکته قید شود که بموجب حکم محکمه و برای اصلاح ورقهٔ سابق صادر شده است ـ حکمی که بموجب اینماده صادر میشود فقط در بارهٔ متداعیین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است .
تبصره ۱ ـ هر گاه اوراق سجل احوال از حیث مقررات

مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض ادارهٔ نظام وظیفه یا ادارهٔ سجل احوال گردد بطریقی که بموجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد (۱).

تبصره ۲ ـ اشتباهاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سجل احوال از طرف ادارهٔ مربوطه بعمل آمده باشد میتوان باموافقت ادارهٔ سجل احوال وصاحب ورقه تصحیح نمود لیکن این تصحیح در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

تبصرهٔ ۳ ـ اگردر دعوائی که برای تصحیح اوراق سجل احوال درمحکمه اقامه میشود ادارهٔ سجل احوال مستقیماً سمت مدعی یا مدعی علیه رانداشته باشد محکمه مکلف است دوسیه رابادارهٔ سجل احوال ذی مدخل احاله نماید وادارهٔ مزبوره باید فوراً عقیدهٔ خود راکتباً با دوسیهٔ امر بمحکمه تسلیم کند و محکمه پس از ملاحظهٔ عقیدهٔ ادارهٔ مزبوره مطابق مقررات قانونی حکم مقتضی را صادر مینماید.

از قانون ازدواج

که از اول مهر ۱۳۱۰ اجرا شده

ماده ۴ ـ طرفین عقد ازدواج میتوانند هرشرطیکه مخالف بامقتضای عقد مزبور نباشد درضمن عقد ازدواج یاعقدلازم دیگر

---

(۱) ماده ۹ مربوط باصول محاکمات حقوقی نیست و بایستی قضیه در کمیسیون مخصوص مشورت صاحب منصبان ارشد ادارهٔ نظام وظیفه و اشخاص دیگر حل شود.

بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهردرمدت معینی غایب شده یاترك انفاق نموده یابرعلیه حیوة زن سوء قصد کرده یاسوء رفتاری نماید که زندگانی زناشوئی غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل درتوکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط درمحکمه وصدورحکم قطعی خودرا بطلاق باین مطلقه سازد .

تبصره ـ در مورد این ماده محاکمه بین زن و شوهردر محکمهٔ ابتدائی مطابق اصول محاکمات حقوقی عمل خواهدآمد .

حکم بدایت قابل استیناف وتمیز است ـ مدت مرور زمان ششماه از وقوع امری است که حق استفاده ازشرط میدهد .

ماده ۱۰ ـ زن میتواند درمورد استنکاف شوهر ازدادن نفقه بمحکمه رجوع کند ـ دراینصورت محکمه میزان نفقه رامعین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد .

هرگاه اجرای حکم مزبور ممکن نباشد زن میتواند برای تفریق ازطریق محاکم عدلیه بحاکم شرع رجوع کند .

قانون راجع بانکار زوجیت

مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱

ماده ۱ ـ هرگاه مردی درمقابل دعوی زن راجع بحقوق مالی ناشی ازعقد ازدواج اعم ازصداق ونفقه وغیره انکار زوجیت کند وبعد معلوم شود این انکار بی اساس بوده محکمهٔ که بدعوای مالی رسیدگی مینماید مرد را علاوه بر تأدیهٔ حقوق مالی بهشت

روزالی ۳ ماه حبس تأدیبی ویا بصد تاهزار ریال جزای نقدی و یا هردو مجازات محکوم خواهد نمود .

حکم فوق دربارهٔ کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یاحقوق مالی دیگر ناشی ازعقد ازدواج شده و باعلم بزوجیت زن آنرا انکار نمایند .

ماده ۲۰ ـ زنیکه برخلاف واقع ادعای زوجیت ومطالبهٔ حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسیکه بعنوان قائم مقام قانونی زنی برای مطالبهٔ حقوق مالی ناشی ازعقد ازدواج باعلم بعدم زوجیت اقامهٔ دعوی نماید بمجازات حبس از هشت روز تا دوماه ویاجزای نقدی ازصدتا هزارریال ویا بهر دومجازات محکوم خواهد شد .

از قانون تجارت

مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۱۱

نظر باینکه بعضی ازمواد قانون تجارت که مربوط بتکلیف محکمهٔ ابتدائی است بسایر مواد قانون مزبور ارتباط داشته و درج کلیهٔ آنها موجب تفصیل میشد ونظر باینکه قانون تجارت اخیراً منظم و تدوین شده ازدرج عین مواد صرف نظر گردید فقط نمرهٔ مواد مربوطه را ذکر مینمید که بقانون تجارت مراجعه شود .

ماده ۱۵ وازماده ۲۰۲ تاآخرماده ۲۱۸ وماده ۲۱۹ وازماده ۳۲۲ تاآخرماده ۳۳۴ و ماده ۳۹۲ وباب یازدهم که ازماده ۴۱۳ شروع میشود .

بعضی از مواد منسوخهٔ اصول محاکمات حقوقی

اگرچه مبحث‌های شهود وحلف و تحلیف قانون اصول محاکمات حقوقی درضمن باب اول بموجب ماده۷٦قانون تسریع محاکمات نسخ شده است ولی چون درقانون شهادت و امارات در بعضی از موارد بشهادت شهود ترتیب اثرداده شده و چون درقانون محاکم شرع ذکری ازحلف و تحلیف بمیان آمده است بی‌مناسبت ندیده که مواد راجع بشهود وحلف وتحلیف نیز درخاتمهٔ این مجموعه تحت عنوان مواد منسوخه درج شود .

در باب شهود

ماده ٦۸ ح ـ هرگاه در دعاوی که راجع بمحاکم صلحیه است طرفین یا طرفی محتاج باقامهٔ شهود شدند ومحکمهٔ صلح اقامهٔ آنرا مفید و موافق قانون دانست موضوع شهادت را معین کرده بطرفین اعلام میدارد

ماده ٦۹ ح ـ در روز معین شهود درمحکمه حاضر شده بعد از اظهار اسم و شغل و سن و محل اقامت خودشان متعهد میشوند که حقیقت را بگویند و هرگاه شهود قرابت نسبی یا سببی با یکی از متداعیین داشتــه باشند نیز اظهار داشتــه ودرجهٔ قرابت خود را معین میکنند وهمچنین اگرخادم یا مخدوم یکی ازمتداعیین باشند نیز اعلام میدارند ودرموارد قرابت ویا خادم ومخدوم بودن شهود درامور شرعیه مواقق ماده (۷۴) عمل مینمایند .

ماده ۷۰ ح ـ شهودشهادت خودشان‌را یك یك در حضورحاکم صلح ومتداعیین (هرگاه حاضر باشند) ادا مینمایند . وهرگاه یکی از متداعیین اظهاری راجع بر ردّ شهود داشته باشند پس از اظهار

درصورت مجلس قید شده وبامضای رد کننده میرسد وهرگاه رد کننده سواد نداشته باشد یا نتواند امضا کند این نکته در صورت مجلس قید میشود ـ قبول یا عدم قبول حاکم صلح رد کننده را بقانون شرع انور خواهد بود .

ماده ۷۱ ح ـ متداعیین حق ندارند در حین ادای شهادت کلام شهود را قطع کنند ولی بعداز آن حاکم میتواند بخواهش طرفین یاخودش رسماً سئوالات لازمه را ازشهود بکند .

ماده ۷۲ ح ـ هرگاه برای غوررسی شهادت شهود معاینهٔ محل لازم یامفید باشد حاکم صلح شهادت شهودرا درمحل استماع میکند

ماده ۷۳ ح ـ شهادت شهودباقید اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت وقرابت وتعهدی که داده‌اند تماماً درصورت مجلس درج وبرای هر یك ازشهود قرائت شده بامضای آنهامیرسد . ودرصورت بیسوادی یاعدم استطاعت امضاء این نکته درصورت مجلس قید میشود وبعد صورت مجلس بامضای حاکم صلح وتقریر نویس میرسد .

ماده ٧٤ ح ـ کیفیت اداء و شروط شهادت و احتلاف شهود و احتلاف اظهارات آنها و رد و جرح شهود بعد از اداء شهادت یا امتناع آنها ازاداء شهادت وسایر مسائل راجعه بشهود موافق قوانین شرع انور حواهد بود .

مبحث سوم ـ درحلف وتحلیف

ماده ۷۵ ح ـ درمواردیکه محاکمهٔ طرفین منجر بحلف وتحلیف شود این نکته درصورت مجلس قید وحلف وتحلیف درحضور حاکم صلح (عفیه) بعمل حواهدآمد .

ماده ۷۶ ح ـ اینان بقسم راجع بخود متداعیین است و ربطی بوکیل ندارد .

نظامنامهٔ مأمورین صلح

۹/۱۰/۱۳

راجع بحکمیت مشترك

نظر بماده ۱۱ قانون مأمورین صلح مقرر میدارد :

ماده ۱ ـ در موردیکه مطابق بند ب ـ ماده سوم قانون مأمورین صلح مصوب تیرماه ۱۳۰۹ مأمور صلح باید دعاوی مطروحهٔ نزد خودرا رجوع بحکمیت نماید مقررات ذیل لازم الرعایه خواهد بود

ماده ۲ ـ مأمور صلح باید بطرفین تکلیف نماید که یك نفر را بتراضی بحکمیت مشترك انتخاب ومعرفی کنند هرگاه طرفین در تعیین حکم مزبور مخالفت نمودند رسیدگی دعوی بهمان یکنفر رجوع خواهد شد .

ماده ۳ ـ هرگاه طرفین اختلاف در تعیین حکم مشترك توافق نکنند مأمور صلح بانها تکلیف مینماید که هریك پنجنفر را کتباً بسمت حکم اختصاصی معرفی نمایند .

ماده ٤ ـ هریك از طرفین باید فی المجلس ویا لااقل در ظرف پنج روز اسامی پنجنفر مذکور را کتباً در پاکت سربسته بمأمور صلح بدهد .

ماده ۵ ـ مأمور صلح پاکتها را درحضور طرفین و اشخاص دیگری اگر باشندباز کرده واسامی راکه نوشته شده‌است قرائت مینماید هرگاه بین اشخاصی که‌طرفین معین کرده‌اند یکنفر ، شد که

هردو طرف اورا معرفی کرده‌اند همان یکنفر بسمت حکم مشترك طرفین معین ورسیدگی بدعوی باو رجوع خواهدشد. هرگاه‌دربین اشخاصی که طرفین مطابق ماده ۴ پیشنهاد کرده اند عدهٔ اشخاص مورد قبول طرفین بیش ازیکنفر باشد مأمور صلح بطرفین تکالیف مینماید که یکی از آنها را متفقاً بعنوان‌حکم مشترك معرفی‌نمایند و اگر بین طرفین در انتخاب آن یکنفر توافق حاصل نشود مأمور صلح فی‌المجلس یکی‌از آنهارا بطریق‌قرعه معین‌ورسیدگی‌بدعوی را بهمان یکنفر ارجاع مینماید .

ماده ٦ ـ هرگاه طرفین درانتخاب حکم مشترك تراضی ننمایند ودر جزو اسامی که مطابق ماده ۴ میدهند شخص‌مشترکی یافت نشود هریك باید یك حکم اختصاصی‌معین ومعرفی کند وطرفین بحکمهای مزبور اختیار دهند که در صورت عدم موفقیت بحل اختلاف یکنفر را متفقاً بعنوان سرحکم معین نمایند .

ماده ۷ـ درصورتیکه حکمین اختصاصی‌درظرف یکماه ازتاریخ ارجاع امـر بآنها موفق بحل اختلاف نشوند باید متفقاً یکنفر را بعنوان سرحکم معین نمایند هرگاه حکمهای اختصاصی درتعیین سرحکم توافق نکردند هر یك ازحکمها باید فی‌المجلس یا در ظرف پنجروز اسامی پنج نفررا کتباً ودر پاکت سربسته بمأمور صلح بدهند ـ مأمور صلح پاکتهارا درحضور حکمها باز کرده وبطریق ذیل‌عمل خواهد کرد :

الف ـ هرگاه دربین اشخاصیکه حکمها معرفی کرده اند یکنفر باشد که هردو حکم اورا معرفی کـرده اند همان یکنفر بسمت حکم مشترك معین خواهد شد .
ب ـ درصورتیکه بیش از یکنفر مورد قبول حکمین باشد از بین اشخاص یکنفر بقید قرعه معین خواهد شد .
ج ـ اگربین اشخاص معرفی شده هیچکس طرف قبول حکمین نباشد یکنفر از بین مجموع اشخاص پیشنهاد شده بقید قـرعه تعیین میشود .
ماده ۸ ـ پس از تعیین سرحکم هر حکمی که باتفاق یا اکثریت داده شود مناط اعتبار خواهد بود .
ماده ۹ ـ همینکه حکم یاحکمها رأی خودرا دادند ورأی مزبور بمأمور صلح تسلیم گردید مأمورمزبور باید برطبق آن حکم صادر وبطرفین ابلاغ نماید .
ماده ۱۰ ـ ازحکمیکه مأمور صلح بـرطبق رأی حکم صادر مینماید میتوان استیناف داد ـ موعد استیناف ده روز است روز ابلاغ جزء مدت ده روز محسوب نیست وتا فردای آخرین روز موعد میتوان عرضحال داد ـ این نکات باید درضمن ابلاغ قیدشود

قوانین مصوب ۱۳۱۲

اول - قانون راجع به‌امور قضائی و اداری لرستان

مصوب ۱۸ تیر ۱۳۱۲

ماده ۱ - دولت مجاز است برای امور قضائی و اداری لرستان بجای قوانین عادی باستثنای قوانین مجازاتی وقوانین ثبت در آن قسمتی که مربوط بترتیب ثبت املاك ورسمیت اسناد است نظامنامهٔ تدوین کرده وبموقع اجرا گذارد - سه سال پس‌ازتاریخ اجرای این قانون قوانین‌عادی بقوت خود برخواهد گشت.

ماده ۲ - برای رسیدگی بدعاوی بین افرادایلات ساکن‌لرستان بایکدیگر ویا دعاوی‌آنها درلرستان باسایر اشخص هیئت حاکمه مرکب خواهد بود از سه نفرمگر در مواردی که مطابق نظامنامه هیئت وزراء محکمه‌عادی مرجع رسیدگی باشد - احکام هیئت حاکمهٔ فوق در دعاوی که مدعی‌به آن از پنجهزار ریال تجاوز نکند قطعی وغیرقابل شکایت خواهد بود.

رسیدگی استینافی بدعاوی که مدعی‌به‌آن ازمبلغ مزبور تجاوز کند بعهدهٔ محکمه مرکب از سه نفر خواهد بود که در طهران تشکیل‌میشود - حکم این‌محکمه قابل تمیز نیست.

هیئت مذکور در قسمت اول این‌ماده مامور جزائی نیز که مطابق قانون جنحه تشخیص شده رسیدگی خواهدکرد وحکم‌آن در صورتیکه بدو ماه حبس یا کمترویا بجزای نقدی صادر شده باشد

قطعی و غیر قابل شکایت است و در غیر این صورت در یکی از شعب جزائی محکمهٔ استیناف غرب بآن رسیدگی خواهد شد .

دوم ـ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم
مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۱۲

مادهٔ واحده ـ نسبت باحوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان برسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد وعادات مسلّمهٔ متداوله درمذهب آنان را جز درمواردی که مقررات قانون راجع بانتظامات عمومی باشد بطریق ذیل رعایت نمایند

۱ ـ درمسائل مربوطه بنکاح وطلاق عادات وقواعد مسلّمهٔ متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است .

۲ـ درمسائل مربوطه بارث و وصیت عادات وقواعد مسلّمهٔ متداوله در مذهب متوفی .

۳ ـ درمسائل مربوطه بفرزند خواندگی عادات وقواعد مسلّمهٔ متداوله درمذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است .

سوّم ـ قانون راجع به بدهی واردین بمهمانخانه و پانسیون‌ها
مصوب اول شهریور ۱۳۱۲

ماده ۱ ـ صاحبان مهمانخانه و پانسیون و جاهای مانند آن حق دارند مادام که وارد یا مسافر بدهی خودرا از بابت کرایهٔ منزل وقیمت غذا وسایر چیزهائیکه مصرف کرده‌اند نپرداخته از خروج اشیاء و اثاثیهٔ متعلق باو بمنزل بدهی او جلوگیری کرده ودرشهرها ازمامورین نظمیه ودرخارج شهرها ازمامورین امنیه

توقیف اشیاء مذکور را تقاضا کنند .
هر گاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون حق مانع خروج اسباب یا اثاثیه شده و یا توقیف آنرا تقاضا کرده‌اند علاوه بر جبران خسارت مالی مسافر یا وارد بجزای نقدی از پنجاه تا هزار ریال محکوم خواهد شد .
تبصره ـ حق استفاده ازاین ماده مخصوص کسانی است که قبلاً کرایهٔ منزل وقیمت غذا وغیره را اعلان و در محلی که هر وارد بتواند آنرا به بیند الصاق کرده باشند .
مادهٔ ۲ ـ هر کس درمهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن واردشده وپس از بیتوته یاصرف غذا وغیره باستناد نداشتن مالی از تأدیهٔ کرایه منزل یا قیمت چیزهائیکه مصرف کرده خودداری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی بحبس تأدیبی از ۸ روز تا ۱۵ روز محکوم خواهد شد .

قانون ثبت اسناد و املاك با تمام اصلاحاتی که تا آخر مرداد ۱۳۱۳ بعمل آمده است

باب اوّل ـ تشکیلات اداری ثبت

ماده ۱ ـ در هر حوزهٔ ابتدائی باقتضاء اهمیت محل یك اداره یا دایرهٔ ثبت اسناد و املاك تأسیس میشود ممکن است هر اداره یا دایرهٔ ثبت دارای شعبی باشد .

ماده ۲ ـ مدیران و نمایندگان ثبت و مسئولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمیتوانند انجام وظیفه نمایند ـ اقدامات آنها در خارج از آن محل اثر قانونی ندارد .

ماده ۳ ـ در هر اداره یا دایرهٔ ثبت بتناسب توسعهٔ آن یك یا چند نفر محقق ثبت برای رفع اختلافات و اعتراضات ناشی از تقاضای ثبت املاك معین خواهد شد .

ماده ۴ ـ انتخاب محققین ثبت از بین مستخدمین وزارت عدلیه مطابق نظامنامهٔ که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود بعمل میآید .

ماده ۵ ـ حدود صلاحیت وطرز رسیدگی محققین ثبت بموجب نظامنامه معین خواهد شد در مواردیکه رأی محقق ثبت قابل استیناف است محکمهٔ بدایت مرجع استینافی خواهد بود و رسیدگی تمیزی حکم محکمهٔ بدایت مطابق قوانین عمومی در محکمهٔ استیناف بعمل خواهد آمد .

ماده ۶ ـ برای رسیدگی بامور راجع بجریان ثبت مطابق نظامنامهٔ

که وزارت عدلیه معین خواهد کرد هیئت نظارت ثبت مرکب از مدعی‌العموم دیوان عالی تمیز و مدیر کل ادارهٔ تهیهٔ لوایح قانونی و مدیر کل ثبت تشکیل میشود .

ماده ۷ ـ دفاتر لازم برای ثبت اسناد واملاك وعده ونوع وترتیب آنها مطابق نظامنامهٔ که از طرف وزارت عدلیه تنظیم میشود معین خواهد شد .

مادهٔ ۸ ـ مراجعه بدفاتر املاك برای اشخاص ذینفع مطابق مقررات نظامنامهٔ وزارت عدلیه جایز است .

باب دوّم ـ ثبت عمومی

فصل اوّل ـ اعلان ثبت و تحدید حدود

ماده ۹ ـ در نقاطیکه ادارهٔ ثبت موجود است از تاریخ اجرای این قانون و در سایر نقاط پس از تشکیل اداره یا دائرهٔ ثبت وزارت عدلیه حوزهٔ هر اداره یا دائرهٔ ثبت را به چند ناحیه‌تقسیم کرده و بثبت‌کلیهٔ اموال غیرمنقول واقعه درهر ناحیه اقدام میکند .

ماده ۱۰ ـ قبل‌از اقدام بثبت عمومی املاك هر ناحیه حدود ناحیهٔ مزبور و اینکه املاك واقعه در آن ناحیه باید بثبت برسد بوسیلهٔ اعلان در جرايد باطلاع عموم خواهد رسید ـ اعلان مزبور در ظرف ۳۰ روز سه مرتبه منتشر میشود .

ماده ۱۱ ـ از تاریخ انتشار اولین اعلان مذکور در ماده فوق‌تا ۶۰ روز باید کلیه اشخاصیکه مالك متصرف املاك واقعه در آن ناحیه هستند و اشخاص مذکور درمواد ۲۷ و ۳۲ بوسیله اظهارنامه

تقاضای ثبت نمایند . ادارهٔ ثبت مکلف است تا نود روز پس از انتشار اولین اعلان فوق‌الذکر صورت کلیهٔ اشخاصی را که اظهارنامه داده‌اند با نوع ملك و نمرهٔ که از طرف ادارهٔ ثبت برای هر ملك معین شده درجرائد اعلان نماید و این اعلان تا شصت روز هر بیست روز یك نوبت منتشر خواهد شد .

ماده ۱۲ ــ هر ملکی که نسبت بآن اظهارنامه داده نشده باشد درضمن اعلان نوبتی مذکور در مادهٔ فوق بعنوان مجهول‌المالك اعلان خواهد شد ولی تا ده سال از تاریخ انتشار اولین اعلان نوبتی اشخاصیکه مطابق ماده ۱۱ حق تقاضای ثبت‌دارند میتوانند نسبت بآن ملك تقاضای ثبت بنمایند اعلانات نوبتی این قبیل اشخاص آنچه تا آخر فروردین هرسال برسد در آخر فروردین‌ماه و آنچه تا اول مهر باداره داده شود در آخر مهر ماه همان سال طریق مذکور درقسمت‌اخیر مادهٔ ۱۱ انتشار خواهد یافت اگر تا انقضای ده سال مذکور در فوق هیچکس تقاضای ثبت ملکی را که مجهول‌المالك اعلان شده ننماید ادارهٔ ثبت بتقاضای مدعی‌العموم بدایت محل مطابق قسمت اخیر مادهٔ ۱۱ ملك‌را باسم دولت اعلان کرده و بموجب مقررات این‌قانون سند مالکیت‌صادرخواهد نمود تا قیمت یا منافع آن مطابق قانون مدنی بمصرف خیریه برسد .

ماده ۱۳ ــ کسانیکه تقاضای ثبت ملکی را که مجهول‌المالك اعلان‌شده بنمایند بایدصدی ۲۵ علاوه برحق‌الثبت‌معمولی بپردازند مگر در موارد ذیل :

الف ـ اگر ملك یا املاك مورد تقاضای ثبت دو هزار ریال یا کمتر قیمت داشته باشد حق‌الثبت معمولی پرداخته خواهد شد .

ب ـ اگرملك یا املاك مورد تقاضای ثبت بیش از دو هزار ریال و منتهی بیست هزار ریال قیمت داشته باشد تا دوهزار ریال حق‌الثبت معمولی و نسبت مازاد دو هزار ریال تا بیست هزار ریال صدی ده علاوه بر حق‌الثبت معمولی حق‌الثبت باید تأدیه شود در مورد املاکی که مطابق ماده ۱۲ بنام دولت ثبت میشود حق‌الثبت معمولی اخذخواهد شد وحق‌الثبت مزبور درصورتیکه ملك عایدی داشته باشد از عواید و الا موافق نظامنامهٔ وزارتعدلیه از قیمت آن اخذ میشود .

ماده ۱۳ مکرر مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۳ ـ درمورد اعیانی که زارعین در املاك مزروعی متعلق بغیر دارند و به تبع اصل ملك یا مستقلاً مجهول‌المالك اعلان شده‌است تقاضای ثبت ازطرف زارعین نسبت باعیانی مزبور با همان حق‌الثبت معمولی وبدون تأدیهٔ وجه در ماده ۱۳ اصلاحی مصوب ۷ مرداد ۱۳۱۲ قبول خواهد شد اگرچه قیمت آن بیش از دوهزار ریال باشد .

تبصره ۱ ـ در مورد این ماده مقصود از زارعین کلیهٔ ساکنین املاك مزروعی است اگرچه شغل آنها زراعت نباشد باستثناء مالك اصل رقبه .

تبصره ۲ ـ کلیه املاکی که مجهول‌المالك اعلان شده یا درسال ۳۱۳ مجهول‌المالك اعلان شود چنانچه تا آخر اسفند ۳۱۳

تقاضای ثبت آن بشود از پرداخت وجه علاوه مقرر در مادهٔ ۱۳ اصلاحی معاف بوده و همان حق‌الثبت معمولی اخذ خواهد شد .

ماده ۱٤ ـ تحدید حدود املاك واقعه درهر ناحیه متدرجاً بترتیب نمرهٔ املاك مطابق نظامنامهٔ وزارت عدلیه بعمل می آید و تقاضا کنندگان ثبت و مجاورین برای روز تحدید حدود بوسیلهٔ اعلان احضار میشوند ـ این اعلان لا اقل بیست روز قبل از تحدید حدود یك مرتبه در جرائد منتشر میشود بعلاوه مطابق نظامنامهٔ وزارت عدلیه در محل نیز اعلانی منتشر خواهد شد .

مادهٔ ۱۵ ـ اگر تقاضا کننده در موقع تحدید حدود خود یا نماینده‌اش حاضر نباشد ملك مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد .

هر گاه مجاورین نیز درموقع تحدید حدود حاضر نشوند وباین جهت حدود ملك تعیین نگردد اعلان تحدید حدود نسبت به آن املاك تجدید میشود و اگر برای مرتبهٔ دوم نیز تقاضا کننده و مجاورین هیچ یك حاضر نشده و تحدید حدود بعمل نیاید حق‌الثبت ملك دو برابر اخذ خواهد شد .

فصل دوّم ـ اعتراض

ماده ۱٦ ـ هر کس نسبت بملك مورد ثبت اعتراضی داشته باشد باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰ روز اقامهٔ دعوی نماید عرضحال مزبور مستقیماً باداره یا دایره یا شعبهٔ ثبتی که در ضمن اعلان نوبتی معین شده‌است تسلیم میشود در مقابل عرضحال باید

رسید داده شود درصورتیکه عرضحال در مدت قانونی داده شده باشد ادارهٔ ثبت آنرا نزد محقق ثبت و یا دفتر محکمهٔ که مرجع رسیدگی است ارسال میدارد اگر ادارهٔ ثبت تشخیص دهد که عرضحال خارج ازمدت داده شده کتباً نظر خودرا اظهار خواهد کرد وبحاکم محکمهٔ ابتدائی محل اطلاع میدهد تا حاکم مزبور درجلسهٔ اداری موافق نظامنامهٔ وزارت عدلیه رسیدگی کرده رأی دهد ـ رأی حاکم محکمهٔ ابتدائی در این موضوع قاطع است .

ماده ۱۷ ـ هر گاه راجع بملك مورد تقاضای ثبت بین تقاضا کننده و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوائی اقامه شده و درجریان باشد کسی که طرف دعوی یا تقاضا کننده است باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰روز تصدیق محکمه‌را مشعر بجریان دعوی بادارهٔ ثبت تسلیم نماید والاحق او ساقط خواهد شد

تبصره ـ در مواردیکه ادارهٔ ثبت تشخیص دهد تصدیق مزبور خارج از مدت بادارهٔ ثبت تسلیم گردیده موافق مادهٔ ۱٦ عمل خواهد شد .

مادهٔ ۱۸ ـ درصورتیکه محکمه یا محقق ثبت قرارعدم صلاحیت خودرا صادر نماید مکلف است پس ازقطعیت قرار مزبور بتقاضای مدعی دوسیهٔ عمل را برای مرجع صلاحیت دار بفرستند در این مورد تحدید عرضحال لازم نیست .

اگر معترض پس از تقدیم عرضحال در مدت شصت روز دعوای خود را تعقیب نکرد (مسکوت گذاشت) محکمه یا محقق ثبت

مکلف است بتقضای مستدعی ثبت قرار اسقاط دعوای اعتراض را صادر نماید از این قرار میتوان استیناف داد ـ رأی استیناف قابل تمیز نیست .

ماده ۱۹ ـ درصورتیکه درجلسهٔ مقرر برای محاکمه یا رسیدگی محقق ثبت معترض یا وکیل او حاضر نشود ومطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی بتقاضای مستدعی ثبت عرضحال او ابطال گردد تجدید عرضحال فقط در طرف ده روز پس از ابلاغ قرار ابطال برای یکمرتبه ممکن خواهد بود در اینمورد عرضحال مستقیماً بمحقق ثبت یا دفتر محکمهٔ صلاحیت دار داده خواهد شد .

تبصره ـ در مواردی نیز که بموجب مواد ۱٦ و ۱۷ اصول محاکمات آزمایش عرضحال رد میشود مفاد این ماده لازم الرعایه است

ماده ۲۰ ـ مجاورینی که نسبت بحدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود بوسیلهٔ اداره ثبت بمرجع صلاحیت دار عرضحال دهد مقررات مواد ۱٦ ـ ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ (باستثنای مدت اعتراض که سی روزاست) در اینمورد نیز رعایت خواهد شد تقاضا کنندهٔ ثبتی که خود یا نماینده‌اش در موقع تحدید حدود حاضر نبوده وملك مورد تقاضای او با حدود اظهارشده ازطرف مجاورین مطابق مادهٔ ۱۵ تحدید شده میتواند مطابق مقررات این ماده عرضحال اعتراض دهد .

فصل سوم ـ در آثار ثبت

ماده ۲۱ ـ پس از اتمام عملیات مقدماتی ثبت ملك در دفتر املاك ثبت شده وسند مالکیت مطابق ثبت دفتر املاك داده میشود .

ماده ۲۲ ـ همینکه ملکی مطابق قانون در دفتر املاك ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملك باسم او ثبت شده ویا کسی را که ملك مزبور باو منتقل گردیده واین انتقال نیز دردفتراملاك بثبت رسیده یا اینکه ملك مزبور از مالك رسمی ارثاً باو رسیده باشد مالك خواهد شناخت .

درمورد ارث هم ملك وقتی در دفتر املاك باسم وراث ثبت میشود که وراثت وانحصار آنها محرز و در سهم‌الارث بین آنها توافق بوده ویا درصورت اختلاف حکم‌نهائی در آن باب صادرشده باشد

تبصره ـ حکم نهائی عبارت ازحکمی‌است که بواسطهٔ طی‌مراحل قانونی و یا بواسطهٔ انقضاء مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوائی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود .

ماده ۲۳ ـ ثبت ملك بحقوق کسانی که در آن ملك مجرای آب یا چاه قنات (اعم از دائر و بائر) دارند بهیچ عنوان و در هیچ صورت خللی وارد نمیآورد .

ماده ۲۴ ـ پس از انقضای مدت اعتراض دعوی اینکه درضمن جریان ثبت تضییع حقی از کسی شده پذیرفته نخواهد شد نه بعنوان عین نه بعنوان قیمت نه بهیچ عنوان دیگر خواه حقوقی

باشد خواه جزائی .

درمورد مذکور در مادهٔ ٤٤ مطابق مادهٔ ٤٥ و درموارد مذکور درمواد ١٠٥ - ١٠٦ - ١٠٧ - ١٠٨ - ١٠٩ - ١١٦ - ١١٧ مطابق مقررات جزائی مذکور در باب ششم این قانون رفتار خواهدشد

ماده ۲۵ ـ چنانچه درجریان عملیات مقدماتی ثبت اشتباه مؤثری واقع شده یا بشود بطریق ذیل رفتار خواهد شد :

هرگاه اشتباه از عملیات خود تقاضاکنندهٔ ثبت ناشی شده باشد کلیهٔ عملیاتی که در نتیجهٔ آن اشتباه و یا بعد از آن بعمل آمده و یا اشتباه مربوط بآن بوده باطل وملك بایدبا تأدیهٔ حق‌الثبت جدید بثبت برسد دراینمورد اعلانات مربوطه مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه منتشر خواهد شد .

هرگاه اشتباه از عملیات مأمورین ثبت ناشی شده باشد آن اشتباه باید بعداز اتمام عملیات تحدید حدود هر ناحیه بوسیلهٔ اعلان اصلاحی تصحیح شود در این صورت معترض که حق او در اثر آن اشتباه ساقط شده بود میتواند مطابق مقررات این قانون عرضحال اعتراض بدهد ـ درهر یك از دوصورت فوق تشخیص وقوع و مؤثر بودن اشتباه و عملی که برای رفع آن باید بعمل آید بعهدهٔ هیئت نظارت ثبت اسناد و املاك خواهد بود و رأی هیئت مزبور قطع است .

ماده ۲٦ ـ در مورد انتقال تمام یا قسمتی از ملك ثبت شده و یا واگذاری حقی نسبت بعین آن ملك و همچنین در مورد

عمری و رقبی و سکنی و معاملات راجع بانتقال منافع ملک برای مدتی بیش از سه سال بترتیب ذیل عمل خواهد شد .
سند معامله در دفتر اسناد رسمی یا دفتر معاملات غیرمنقول ثبت و خلاصهٔ آن در دفتر املاک ذیل صورت ثبت ملک قید میشود و بهمین طریق خلاصهٔ کلیهٔ انتقالات در دفتر املاک بترتیب تاریخ ذیل یکدیگر بثبت خواهد رسید .
شرایط و ترتیب ثبت خلاصهٔ انتقالات در دفتر املاک و تجدید اوراق مالکیت بموجب نظامنامهٔ وزارت عدلیه معین خواهد شد .
ماده ۲۷ ـ کسانیکه در مورد املاک وقف و حبس و ثلث باقی باید تقاضای ثبت بدهند و همچنین کسانی که نسبت به ثبت این قبیل املاک باید عرضحال اعتراض داده و حقوق وقف و حبس و ثلث باقی را حفظ کنند بموجب نظامنامهٔ وزارت عدلیه معین خواهد شد .
ماده ۲۸ ـ هرگاه نسبت باین قبیل املاک بعنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نمایندهٔ اوقافی که بموجب نظامنامه مکلف بدادن عرضحال اعتراض و تعقیب دعوی و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است دراثر تبانی بتکلیف خود عمل ننماید بمجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد .
در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملك دیگری بدون ذکر حقوق ارتفاقی املاك وقف وحبس وثلث باقی شده است هرگاه اشخاص مذکور درفوق در اثر تبانی بتکلیف خود عمل ننمایند بمجازات خائنین در امانت محکوم میشوند .

ماده ۲۹ ـ مخارج راجع بثبت املاك مذكور درفوق درصورتی که ملك مورد تقاضا عایدات نداشته و برای امور خیریه تخصیص داده شده باشد و همچنین مخارج محاکمه اعتراض از محل مبرات مطلقه و موقوفات مجهول المصرف داده میشود و در صورت عدم کفایت این عایدات مخارج گرفته نخواهد شد .

ماده ۳۰ ـ درمواردیکه ادارهٔ اوقاف تقاضای ثبت میدهد مخارج راجع بثبت را خود مستقیماً از عایدات موقوفه مورد تقاضا وصول خواهد نمود .

برای ثبت مساجد و اماکن متبرکه ومدارس قدیمه و تکایا وآب انبارهای عمومی تقاضای ثبت از طرف متولی یا ادارهٔ اوقاف بدون اخذ حق‌الثبت و مخارج مقدماتی پذیرفته خواهد شد .

ماده ۳۱ ـ ثبت رقبه بعنوان وقفیت و حبس مثبت تولیت نیست

ماده ۳۲ ـ تقاضای ثبت نسبت باملاك دولت بعهدهٔ مالیهٔ محل و نسبت باملاك ومؤسسات بلدی وخیریه بر عهدهٔ رئیس مؤسسه و نسبت باملاك شرکت‌ها بعهدهٔ مدیر شرکت و در مورد املاك مهجورین بعهدهٔ ولی یا قیم آنها است .

ماده ۳۳ ـ نسبت باملاکی که با شرط خیار یا بعنوان قطعی با شرط نذر خارج و یا بعنوان قطعی باشرط وکالت منتقل شده است و بطور کلی نسبت باملاکی که بعنوان صلح یا بهر عنوان دیگر با حق استرداد قبل از تاریخ اجرای این قانون انتقال داده شده اعم از اینکه مدت خیار یا عمل به شرط و بطور

کلی مدت حق استرداد منقضی شده یا نشده باشد و اعم از اینکه ملك در تصرف انتقال دهنده باشد یا در تصرف انتقال گیرنده حق تقاضای ثبت با انتقال دهنده است مگر در موارد ذیل که اظهارنامه فقط از منتقل الیه پذیرفته میشود :

۱ ـ درصورتیکه ملك قبل از تاریخ اجرای این قانون بموجب حکم نهائی بملکیت قطعی منتقل الیه محکوم شده باشد .

۲ ـ در صورتیکه پس از انقضاء مدت استرداد انتقال دهنده مالکیت قطعی (بدون حق استرداد) انتقال گیرنده را کتباً تصدیق کرده باشد .

ماده اول ـ فقره ۳ ماده ۳۳ قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۲۶ اسفند ماه ۳۱۰ بطریق ذیل اصلاح میشود .

فقرهٔ ۳ ـ درصورتیکه در تاریخ اجرای قانون مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ ملك مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده بوده ولااقل پنجسال از انقضاء موعد حق استرداد تا تاریخ مزبور گذشته باشد مشروط بدو شرط ذیل :

الف ـ از انقضاء موعد حق استرداد تا تاریخ اجرای قانون بهمن ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنده یا قائم مقام قانونی او بوسیله عرضحال یا اظهار نامه رسمی اعتراض بمالکیت انتقال گیرنده نشده باشد .

ب ـ درصورتیکه تا تاریخ تصویب این قانون ۲۸ دیماه ۳۱۲ حکم قطعی برعلیه انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او صادر نشده باشد

ماده ۲ ـ **الف** ـ مقصود از حکم مقرر در قسمت اول ماده ۳۸

قانون ثبت اسناد واملاك مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱۰ راجع بمعاملات مذکور در ماده ۳۳ این قانون اینست که اگر چه انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او عین مورد معامله را مطالبه کرده باشد محاکم مکلفند برطبق مفاد ماده ۳۴ و دوتبصرهٔ آن(۱) وماده ۳۸ ـ قانون مزبور برد اصل وجه و متفرعات مذکور در ماده ۳۴ حکم صادر نمایند مگر اینکه انتقال دهنده قبل از حکم بتسلیم عین مال درمقابل اصل حاضر شود که در این صورت بتسلیم عین و متفرعات حکم صادر خواهد شد .

ب ـ در صورتیکه مدعی اصلی وجه و متفرعات را مطالبه کند محکمه نمیتواند حکم بتسلیم عین بدهد ولو اینکه انتقال دهنده بتسلیم عین مال حاضر شود .

ماده ۳ ـ در صورتیکه مال مورد معامله با حق استرداد در تصرف شخص دیگری غیر از انتقال دهنده یا وارث او باشد انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او برای وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات میتواند هر یك از انتقال دهنده یا وارث او و یاکسیکه عین مورد معامله‌را متصرف‌است اقامه دعوی نماید و رجوع بهر یك مانع مراجعه بدیگری نخواهد بود .

هرگاه بمتصرف رجوع شد و حاصل از فروش ملك کفایت اصل و متفرعات را نکرد مدعی میتواند برای بقیه بانتقال دهنده رجوع کند و انتقال گیرنده میتواند در صورتیکه متصرف عالم بمعاملهٔ

(۱) ماده ۳۴ که دارای دوتبصره بود نسخ شده وماده ۳۴ اصلاحی دارای شش تبصره است و در اینجا تبصره ٤ و قسمت اخیر تبصرهٔ ۵ ممکن است قائم مقام دو تبصرهٔ سابق باشد

اولیه بوده برای بقیهٔ طلب خود در حدود مدتی که مورد معامله در تصرف متصرف بوده مشارالیه نیز مراجعه کند اعم از اینکه متصرف استیفای منفعت کرده یا نکرده باشد .

ماده ۴ ـ هرگاه انتقال گیرنده عین مال مورد معامله با حق استرداد را ادعا کرده باشد و باستناد مقررات قانون ثبت راجع بآن نوع معاملات در مطالبه عین محکوم شده باشد طرف دعوای او حق مطالبهٔ خسارت محاکمه از او نخواهد داشت .

ماده ۵ ـ این قانون از دهم بهمن ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده میشود .

تبصره ۱ ـ کلیهٔ معاملات با حق استرداد ولو آنکه در ظاهر معامله با حق استرداد نباشد مشمول جمیع مقررات راجعه بمعاملات با حق استرداد خواهد بود اعم از اینکه معامله بین متعاملین محصور بوده و یا برای تأمین حق استرداد شخص ثالثی را بای نحو کان مداخله داده باشند .

تبصرهٔ ۲ ـ درمواردی که مطابق این ماده انتقال دهنده تقاضای ثبت میکند باید حق انتقال گیرنده را در تقاضانامهٔ خود قید نماید و این حق درضمن اعلان با تصریح باسم طرف ذکر خواهد شد .

ماده ۳۴ ـ درمورد معاملات مذکوره در مادهٔ ۳۳ هرگاه انتقال دهنده در ظرف مدت از حق خود استفاده نکرد انتقال گیرنده میتواند فروش مال مورد معامله را از اداره ثبت تقاضا نماید در اینصورت اداره ثبت بانتقال دهنده اخطار میکند که هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه اصل وجه معامله را با اجرت

المسمای عقب افتاده و خسارت تأخیر تأدیه نسبت باصل از روز انقضاء مدت حق استرداد بانتقال گیرنده تأدیه ننماید مورد معامله بمزایده گذارده میشود و برای تعیین قیمتی که مزایده از آن قیمت شروع میشود باید ملك بقیمت عادله تقویم شود ودرصورتیکه تعیین قیمت عادله محتاج باهل خبره باشد یك یا چند نفر خبره بتراضی طرفین و در صورت عدم تراضی سه نفر اهل خبره بقرعه معین شده و بعد از تقویم مال مورد معامله یك خمس از قیمتی که خبره معین نموده کسر و مزایده از آن قیمت شروع میشود و بعد از فروش وجه آن بمیزان طلب بانتقال گیرنده داده میشود اگرچه مدیون طلبکار دیگری هم داشته باشد و اگر در روز مزایده حریداری نبود یا مبلغی که مزایده از آن شروع شده بفروش نرسید از مال مزبور بهمان قیمت یعنی قیمت عادله با کسر خمس آن بمقدار طلب بانتقال گیرنده داده میشود و ادارهٔ ثبت سند قطعی بانتقال گیرنده خواهدداد ولی مؤسسات بانکی از این قاعده مستثنی بوده وباید ملك مورد معامله بطریق مزایده بفروش برسد.

تبصره ۱ ـ املاکی که مورد تقاضای مزایده بوده و هنوز بفروش نرسیده و سند قطعی بخریدار داده نشده ازحیث مزایده و تقویم و واگذاری بمنتقل الیه مشمول این قانون خواهد بود.

تبصره ۲ ـ درصورت تعیین قیمت بوسیلهٔ اهل خبره که بقرعه معین شده باشند هرگاه یکطرف اعتراض قابل توجهی بر تقویم اهل خبره بنماید درظرف ده روز بعداز ابلاغ تصدیق اهل خبره او حق دارد برای یك نوبت تجدید نظر بخواهد در اینصورت

خبره های دیگری برای تعیین قیمت انتخاب خواهند شد .
تبصره ۳ـ محل تقویم مال مورد مزایده و انتخاب خبره بتراضی یا بقرعه وترتیب قرعه و تجدیدنظر درتصدیق خبره وحق الزحمهٔ آنان وسایرترتیبات بموجب نظامنامهٔ وزارت عدلیه معین خواهدشد
تبصره ۴ ـ در مورد معاملات مذکوره در ماده ۳۴ خسارت تأخیر تأدیه باصل وجه مورد معامله از تاریخ انقضاء مدت حق استرداد تعلق خواهد گرفت ـ درمورد سایر معاملات استقراضی تعلق خسارت تأخیر اداء مشروط بتقدیم اظهار نامه یا عرضحال است و از تاریخ ابلاغ اظهار نامه یا تقدیم عرضحال محسوب میشود ولی بطور کلی تعلق خسارت تأخیر اداء درصورتی است که وجه التزامی بین طرفین درضمن معاملهٔ اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معاملهٔ دیگری که التزام مزبور راجع بمعاملهٔ اصلی باشد و مدیون در صورت تأخیر اداء بطور مستقیم یا غیرمستقیم بتأدیهٔ آن ملزم نشده باشد .
تبصره ۵ ـ مقررات این ماده بمعاملاتی که موافق ماده ۳۳ نسبت بعین منقول واقع شده مجری خواهد بود ولی در موردیکه عین منقول قابل تجزیه نباشد باید مال مزبور بمزایده بفروش رسیده و طلب دائن تأدیه گردد . معاملات شرطی که موضوع آن مال ذمهٔ باشد (از قبیل بیع شرط روغن و امثال آن) دائن فقط حق دارد اصل طلب خود را با وجه التزام (در صورتیکه معین شده باشد) یا خسارات تأخیر تأدیه از تاریخ انقضاء مدت مطالبه نماید .

تبصره ٦ ـ درصورتیکه پس از اخطار ادارهٔ ثبت اسناد بانتقال دهنده در ظرف مدت دو ماه انتقال دهنده یا انتقال گیرنده معاملهٔ خود را ختم نماید ادارهٔ ثبت اسناد حق مطالبهٔ حق‌الاجری را نخواهد داشت .

ماده ۳۵ ـ محاکم عدلیه در هیچ مورد نسبت بوجه التزام مقرر در معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات استقراضی بیش از صدی پانزده در سال به نسبت مدت تأخیر حکم نداده و ادارات ثبت بیش از صدی دوازده در سال ورقهٔ لازم الأجری صادر نخواهند کرد .

ماده ۳٦ ـ خسارت تأخیر تأدیه در صورتیکه در محاکم عدلیه موردمطالبه واقع‌شودمشمول‌مواد۴۲و ۴۴ قانون‌تسریع محاکمات خواهد بود و در صورتیکه بوسیلهٔ ادارهٔ ثبت مأخوذ شود ازقرار صدی دوازده در سال بوده و تمام‌آن بطلبکار داده میشود .
وجه التزام درصورتیکه در محاکم عدلیه مورد مطالبه واقع شود و بیش از صدی ده باشد مازاد از صدی ده تا صدی پانزده نیز مشمول‌مواد ۴۲ و ۴۴ قانون‌تسریع محاکمات‌است‌وچنانچه صدی ده یا کمتر باشد تمام آن با محکوم‌له داده خواهد شد و هرگاه وجه‌التزام بوسیلهٔ ادارهٔ ثبت مأخوذشود منتهی‌ازقرارصدی دوازده درسال است که تماماً بطلبکار داده میشود .

ماده ۳۷ ـ نسبت بمعاملات مذکور در مادهٔ ۳۳ که قبل ازتاریخ اجرای این قانون و پس‌از ثبت ملك واقع شده مقررات مادهٔ ۳۴ لازم‌الرعایه خواهد بود .

ماده ۳۸ ـ در موضوع انتقالات مذکور در مادهٔ ۳۳ که قبل از تاریخ اجرای این قانون واقع شده محاکم مکلفند در مواردیکه مطابق مادهٔ مزبور حق تقاضای ثبت بانتقال دهنده داده شده برطبق مادهٔ ۳۴ حکم بردّ اصل و اجور وغیره داده و در مواردیکه حق تقاضای ثبت بانتقال گیرنده داده شده است حکم بمالکیت انتقال گیرنده بدهند اعم از اینکه نسبت بملك مورد معامله تقاضای ثبت شده یا نشده باشد .

نسبت بمعاملات مذکوره درمادهٔ ۳۳ که پس از تاریخ اجرای این قانون واقع شود محاکم و ادارات ثبت مکلفند مدلول مادهٔ ۳۴ را بموقع اجراء گذارند .

ماده ۳۹ ـ حقوقی که در مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۳۸ برای انتقال دهنده مقرر است قبل از انقضاء مدت حق استرداد قابل اسقاط نیست ـ هر قرارداد مخالف این ترتیب باطل وکان‌لم‌یکن خواهد بود خواه قبل از این قانون باشد خواه بعد و اعم ازاینکه بموجب سند رسمی باشد یا غیر رسمی .

ماده ۴۰ ـ تخلف قضاة و مأمورین دولت از مقررات مواد ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۵ ـ ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۳۹ مستلزم مجازات انتظامی از درجهٔ ۴ ببالا است .

ماده ۴۱ ـ در صورتیکه در اثناء مدت عملیات مقدماتی تقاضا کنندهٔ ثبت ملك مورد تقاضا را کلاً یا بعضاً بدیگری منتقل کند انتقال دهنده مکلف است تا ده روز از تاریخ انتقال شخصاً یا بتوسط

وکیل ثابت‌الوکاله در ادارهٔ ثبت اسناد حاضر و معاملهٔ خود را کتباً اطلاع دهد .

ماده ۴۲ ـ هرگاه مورد انتقال ملکی باشد که نسبت بآن عرضحال اعتراض داده شده است انتقال دهنده مکلف است درحین انتقال انتقال گیرنده را از وجود معترض ودوظرف ده روز از تاریخ انتقال معترض را ازوقوع انتقال واسم انتقال گیرنده بوسیلهٔ اظهار نامهٔ رسمی مسبوق نماید و اگر انتقال دهنده درحین انتقال از اعتراضی که شده‌است رسماً مطلع نبوده ویا عرضحال اعتراض بعد از انتقال داده شود انتقال دهنده مکلف است درظرف ده روز ازتاریخ اطلاع رسمی معترض را بوسیلهٔ اظهارنامهٔ رسمی از وقوع انتقال واسم منتقل‌الیه و انتقال گیرنده را درهمان مدت و بهمان طریق‌ازوقوع اعتراض مسبوق کند ـ منتقل‌الیه بمحض ابلاغ اظهار نامه درمقابل معترض قائم مقام انتقال دهنده شده و دعوی بدون تجدید عرضحال بطرفیت اوجریان خواهد یافت ـ

انتقال دهنده ای که مطابق مقررات فوق عمل‌ننماید مسئول هر ضرر وخسارتی خواهد بود که از تخلف او بر انتقال گیرنده و یا معترض واردگردد و مادام که ضرر و خسارت مزبور را جبران نکرده است تقاضای انتقال گیرنده یا معترض توقیف خواهد شد .

تبصره ـ هرگاه معترض حقوق ادعائیهٔ خود را بدیگری انتقال دهد آن شخص بدون تجدید عرضحال قائم مقام او شده و از

مواعدی که برای معترض در تاریخ انتقال باقی است استفاده خواهد کرد .

ماده ۴۳ ـ هرگاه انتقال بموجب سند عادی بوده و انتقال‌دهنده معامله خودرا باداره ثبت اسناد اطلاع نداد چنانچه مدت اعتراض باقی است منتقل الیه مطابق مقررات عرضحال میدهد و چنانچه مدت منقضی‌شده منتقل الیه میتواند بوسیله اظهارنامه بانتقال‌دهنده اخطار نماید هرگاه مشار الیه معامله را در ظرف مدت ده روز از تاریخ اخطاریه تصدیق نمود ملك بنام انتقال گیرنده ثبت و الا ملك بنام انتقال دهنده ثبت وانتقال گیرنده بموجب ماده ۱۰۵ و۱۱۴ میتواند انتقال دهنده را تعقیب نماید . هرگاه انتقال بموجب سند عادی بوده و انتقال دهنده مطابق ماده ۴۱ عمل نماید و یا انتقال بموجب سند رسمی باشد بترتیب ذیل عمل خواهد شد :

اگر اعلانات نوبتی منتشر نشده ملك باسم انتقال گیرنده اعلان میشود و اگر اعلانات در جریان باشد بقیهٔ اعلانات بنام انتقال گیرنده با قید انتقال اصلاح میشود و اگر رجوع باداره‌ٔ ثبت بعد از اتمام اعلانات باشد ملك باسم انتقال گیرنده بثبت خواهدرسید اگرمعلوم‌شود سندرسمی‌انتقال مجعول بوده مرتکب به ۵ تا ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم و بعلاوه مفاد ماده ۱۱۴ در بارهٔ او مجری خواهد شد .

ماده ۴۴ ـ هرگاه کسی که نسبت بملك مورد ثبت اقامهٔ دعوی کرده قبل از انقضای موعد های مقرر در مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹

فوت کرده یا مجنون یا محجور شود مستدعی ثبت مکلف است مراتب را باداره ثبت و پارکهٔ بدایت صلاحیت دار کتباً اطلاع داده و پس از معین شدن قائم مقام قانونی باو از طریق محقق ثبت یا محکمهٔ مربوطه اخطار نماید که مشار الیه در ظرف شصت روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه دعوی را تعقیب کند .

هر گاه قائم‌مقام قانونی در مدت مقرر دعوی را تعقیب نکرد محکمه یا محقق ثبت قرار اسقاط دعوی را صادر میکند ـ این قرار فقط قابل استیناف است .

ماده ۴۵ ـ اگر بواسطهٔ عدم اقدام در مورد مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ملکی بثبت رسیده و بعد معلوم شود عدم تعقیب یا عدم ابراز تصدیق بعلت فوت یا جنون یا حجر طرف دعوی با مستدعی ثبت بوده و احطار مذکور در مواد فوق هم با اینکه مستدعی ثبت به فوت یا جنون یا حجر عالم بوده بعمل نیامده است قائم مقام قانونی متوفی و یا مجنون و یا محجور میتواند در ظرف پنج سال از بابت قیمت ملک و اجور و خسارات در محکمهٔ حقوق بوسیلهٔ عرضحال جدید بر علیه مستدعی ثبت اقامهٔ دعوی نماید . مبدء پنج سال مذکور فوق در مورد وراث کبیر و وراثی که ولی خاص (پدر یا جد پدری یا وصی منصوب مسلّم الوصایه) دارند از تاریخ فوت و در غیر این موارد از تاریخ تعیین قیم یا مدیر تصفیه محسوب میشود . در مورد این ماده چنانچه مستدعی ثبت محکوم گردد وملک را قبلا بدیگری انتقال داده و در موقع اجرای حکم مفلس باشد و ثابت شود برای

فرار از ادای حق طرف خود را مفلس کرده بحبس تأدیبی از یکسال تا دو سال محکوم خواهد شد ـ تعقیب جزائی در این مورد منوط بشکایت مدعی خصوصی است و با استرداد شکایت تعقیب موقوف میشود .

باب سوّم ـ ثبت اسناد

فصل اول ـ مواد عمومی

ماده ٤٦ ـ ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل :

۱ ـ کلیهٔ عقود و معاملات راجع بعین یا منافع املاکی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده باشد .

۲ ـ کلیهٔ معاملات راجع بحقوقی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است .

ماده ٤٧ ـ در نقاطی که ادارهٔ ثبت اسناد و املاك و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است :

۱ ـ کلیهٔ عقود و معاملات راجعه بعین یا منافع اموال غیرمنقوله که در دفتر املاك ثبت نشده .

۲ ـ صلح نامه و هبه نامه و شرکت نامه .

ماده ۴۸ ـ سندیکه مطابق مواد فوق باید بثبت برسد و بثبت نرسیده در هیچ یك از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد .

ماده ٤۹ ـ وظایف مسئولین دفاتر از قرار ذیل است :

۱ ـ ثبت کردن اسناد مطابق مقررات قانون .

۲ ـ دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده باشخاصیکه مطابق مقررات حق گرفتن سواد دارند .
۳ ـ تصدیق صحت امضاء .
۴ ـ قبول و حفظ اسنادی که امانت میگذارند .

ماده ۵۰ ـ هرگاه مسئول دفتر در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد میکند تردید داشته باشد باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضوراً هویت آنان را تصدیق نموده و مسئول دفتر مراتب را در دفتر ثبت و بامضای شهود رسانیده و این نکته را در خود اسناد قید نماید .

ماده ۵۱ ـ در مورد مادهٔ فوق شاهدی که یکطرف از اصحاب معامله را معرفی مینماید نمیتواند معرف طرف دیگر باشد .

ماده ۵۲ ـ وقتیکه مسئول دفتر نتواند بوسیلهٔ شهود معروف ومعتمد هویت اشخاص را معین کند باید از ثبت نمودن سند امتناع نماید .

ماده ۵۳ ـ مسئول دفتر نمیتواند اسنادی را که بمنفعت خود یا کسانیکه درتحت ولایت یا وصایت یا قیمومت او واقعند یا با او قرابت نسبی تا درجهٔ چهارم یا سببی تا درجهٔ سوم دارند و یادر خدمت او هستند ثبت نماید .

ماده ۵۴ ـ در مواقعی که مسئول دفتر بواسطهٔ مرض و امثال آن از انجام وظیفه معذور است عمل ثبت بعهدهٔ مسئول دفتر دیگری که درآن حوزه مأموریت دارد واگذار خواهد شد در مورد مادهٔ ۵۳ اگر مسئول دفتر منحصر بفرد باشد مشار الیه با

حضور امین صلح ومدعی‌العموم محل یا نمایندهٔ او سند را ثبت خواهد کرد .

ماده ۵۵ ـ مسئول‌دفتر باید نمره وتاریخ ثبت‌را با تعیین دفتری که سند درآن ثبت شده در روی هر سندی که ثبت میشود قید کرده و بامضای خود ممضی و بمهر دائرهٔ ثبت برساند .

ماده ۵۶ ـ اسناد باید حرف بحرف ازاول تاآخرمتن وحاشیه سجل وظهر ثبت شود .

ماده ۵۷ ـ مسئول دفتر نباید معاملات اشخاصی را که مجنون یا غیر رشید یا بنحوی دیگر از انحاء قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگراینکه معامله بوسیلهٔ قائم‌مقام قانونی‌اشخاص مزبور واقع شود .

ماده ۵۸ ـ شهود باید موثق باشند علاوه بر این ورقهٔ هویت (سجل‌احوال) خودرا ارائه دهند .

ماده ۵۹ ـ شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نخواهد شد :

۱ ـ غیررشید یا محجور .

۲ ـ کور یا گنگ .

۳ ـ اشخاص ذی نفع در معامله .

۴ ـ خدمهٔ مسئول دفتر .

۵ ـ خدمهٔ اصحاب معامله .

ماده ۶۰ ـ مسئول دفتر ثبت نباید اسناد راجع بمعاملاتی‌راکه مدلول‌آن مخالفت‌صریح با قوانین موضوعهٔ مملکتی داشته باشد ثبت نماید .

ماده ٦١ ـ هرگاه طرفین معامله یا شهود زبان فارسی را ندانند و مسئول دفتر نیز زبان آنها را نداند اظهارات آنها بوسیلهٔ مترجم رسمی ترجمه خواهد شد.

ترتیب تعیین مترجمین رسمی و میزان حقی که برای ترجمه و تصدیق ترجمه و سواد برداری از نقشه و تصدیق صحت سواد نقشه اخذ میشود بموجب نظامنامه از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ٦٢ ـ تراشیدن و پاك كردن و الحاق كردن بهر نحوی از انحاء در دفاتر ثبت اسناد واملاك ممنوع است کلیهٔ الحاقات و آنچه که بجای کلمات تراشیده شده ویا درمحل پاك شده نوشته میشود از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ٦٣ ـ طرفین معامله یا وکلای آنها باید ثبت سندرا ملاحظه نموده و مطابقت آن ثبت با اصل سند بتوسط مشارالیهم و مسئول دفتر ثبت تصدیق گردد.

درمورد اسنادیکه فقط برای یکطرف ایجاد تعهد مینماید تصدیق وامضای طرف متعهد کافی خواهد بود.

ماده ٦٤ ـ درصورتیکه طرفین معامله و یا یکی از آنها کور یا کر و گنگ بی سواد باشند علاوه برمعرفین هر یك ازاشخاص مزبوره باید بمعیت خود یکنفر ازمعتمدین خودرا حاضرنماید که درموقع قرائت ثبت و امضای آن حضور بهمرسانند مگر اینکه بین خود معرفین کسی باشد که طرف اعتماد آنهاست ـ معتمد مزبور درمورد اشخاص کر و گنگ باید از جملهٔ اشخاصی باشد که بتواند بآنها

باشاره مطلب‌را بفهماند در مورد اینماده مراتب در سندی که ثبت میشود درستون ملاحظات دفتر باید قید گردد .

ماده ۶۵ ـ امضای ثبت سند پس از قرائت آن بتوسط طرفین معامله یا وکلای آنها دلیل رضایت آنها خواهد بود .

ماده ۶۶ ـ درموقعیکه معامله راجع باشخاص بیسواد است علاوه بر معرفین حضور یکنفرمطلع با سواد نیز که طرف اعتماد شخص بیسواد باشد لازم است مگر درصورتیکه بین خود معرفین شخص با سوادی باشد که طرف اعتماد شخص بیسواد است .

ماده ۶۷ ـ ثبت سند باید برای شخص بیسواد قرائت شده واین قرائت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفترثبت قید وازطرف معتمد امضاء گردد معامله کننده بیسواد نیز باید علامت انگشت‌خود را ذیل‌ثبت سند بگذارد .

ماده ۶۸ ـ هرگاه سندی بواسطهٔ تقصیر یا غفلت مسئول دفتر از اعتبار افتاده باشد مسئول مذکور باید علاوه برمجازات های مقرر ازعهدهٔ کلیهٔ خسارات وارده نیز برآید .

ماده ۶۹ ـ هرگاه بر طبق شرایط مقرر بین طرفین و با اطلاع مراجع ثبت احد متعاملین معامله را فسخ ویا متعهدی تعهد خودرا انجام دهد وطرف مقابل حاضر نبوده یا نشود مراجع مزبور پس ازملاحظهٔ قبض صندوق ادارهٔ ثبت حاکی از ودیعه گذاردن مورد معامله در صورتیکه عبارت از وجه نقد یا مال منقول دیگر باشد و پس از تأمین حقوق طرف مقابل در غیر اینصورت مراتب را در

دفتر قید و بطرف اخطار مینماید که حق خودرا اخذ وبرای باطل نمودن ثبت حاضر گردد .

فصل دوم ـ آثار ثبت اسناد

ماده ۷۰ ـ سندیکه مطابق قوانین بثبت رسیده رسمی است وتمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبرخواهد بود مگر اینکه مجعولیت آن سند ثابت شود . انکار مندرجات اسناد رسمی راجع باخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال یا تعهد بتأدیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست مأمورین قضائی یا اداری که از راه حقوقی یاجزائی انکار فوقرا مورد رسیدگی قرارداده ویا بنحوی از انحاء مندرجات سند رسمی را درخصوص رسید وجه یا مال یا تعهد بتأدیهٔ وجه یا تسلیم مال معتبر ندانند بششماه تا یکسال انفصال موقت محکوم خواهند شد .

تبصره ـ هرگاه کسیکه بموجب سند رسمی اقرار باخذ وجه یا مالی کرده یا تأدیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده مدعی شود که اقرار یاتعهد او درمقابل سند رسمی یا عادی یا حواله یا برات یاچك یا فته‌طلبی بوده‌است که طرف معامله باو داده و آن تعهد انجام نشده و یا حواله یا برات یا چك یا فته‌طلب پرداخت نگردیده است این دعوی قابل رسیدگی خواهد بود .

ماده ۷۱ ـ اسناد ثبت شده در قسمت راجعه بمعاملات و تعهدات مندرجه در آنها نسبت بطرفین یاطرفی که‌تعهد کرده وکلیهٔ اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب میشوند رسمیت و اعتبار

خواهند داشت .

ماده ۷۲ ـ کلیه معاملات راجعه باموال غیر منقوله که بر طبق مقررات راجعه بثبت املاک ثبت شده است نسبت بطرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود .

ماده ۷۳ ـ قضات و مأمورین دیگر دولتی که از اعتبار دادن باسناد ثبت شده استنکاف نمایند در محکمه انتظامی یا اداری تعقیب میشوند و در صورتیکه این تقصیر قضات یا مأمورین بدون جهت قانونی باشد و بهمین جهت ضرر مسلم نسبت بصاحبان اسناد رسمی متوجه شود محکمهٔ انتظامی یا اداری علاوه بر مجازات اداری آنهارا بجبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود .

ماده ۷۴ ـ سوادی که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده است بمنزلهٔ اصل سند خواهد بود مگر در صورت اثبات عدم مطابقت سواد با ثبت دفتر .

فصل سوم ـ در امانت اسناد

ماده ۷۵ ـ هر کس بخواهد سند خود را در ادارهٔ ثبت اسناد امانت بگذارد باید آنرا در پاکت و بالفاف دیگری که لاک و مهر شده باشد گذاشته وشخصاً روی پاکت تاریخ تسلیم امانت را باتمام حروف درحضورمسئول دفترقید کندو درصورتیکه نتواند بنویسد باید دو نفر شاهد تاریخ مزبور را در روی لفافه یا پاکت نوشته امضاء و مهر کنند .

ماده ۷۶ ـ مسئول دفتر پس از تصدیق تاریخ تسلیم نمرهٔ ترتیبی امانت را تعیین نموده و پاکت یا لفافه را بمهر ادارهٔ ثبت اسناد رسانیده و در دفتر مخصوصی همان نمرهٔ ترتیبی را که اتخاذ کرده باسم امانت گذار و تاریخ امانت و اسامی شهود اگر باشند قید میکند و بمهر و امضاء امانت گذار و شهود نیز خواهد رسانید .

ماده ۷۷ ـ اشخاصی که سند خود را امانت میگذارند میتوانند قبل از آنکه آنها را در پاکت و یا لفافه دیگری گذارده مهر کنند تقاضای سواد بنمایند در اینصورت مسئول دفتر سواد مصدق خواهد داد ولی باید در روی سواد مزبور قید شود که این سواد مطابق با اصلی است که در ادارهٔ ثبت اسناد و املاك امانت گذاشته شده و بهیچوجه رسمیت ندارد مگر اینکه آن سند قبلاً مطابق مقررات ثبت شده باشد در اینصورت دائرهٔ ثبت اسناد و املاك میتواند سواد مصدق سند را بطوری که در اینقانون مقرراست بدهد .

ماده ۷۸ ـ در موقع امانت گذاشتن اسناد مسئول دفتر باید کلیهٔ مشخصات و ممیزات پاکت یا لفافه امانتی را در ستون مخصوص دفتر قید نموده و بامضاء خود و امانت گذار و شهود ممضی دارد و پس از آن رسیدی که مشتمل بر نمره و مشخصات پاکت یا لفافه امانت است بامانت گذار بدهد .

مادة ۷۹ ـ استرداد اسناد امانتی باین ترتیب بعمل میآید که در ستون ملاحظات دفتر امانت و درمقابل ثبتی که از امانات سند بعمل آمده شخصیکه سند را پس میگیرد با حضور دو نفر شاهد رسید

نوشته و آنرا امضاء مینماید .

ماده ۸۰ ـ تاریخ استرداد باید در ذیل رسید با تمام حروف قید شود و همچنین اسم مسئول دفتر و مبلغ حق‌الحفاظه که اخذ میشود درج خواهد شد .

باب چهارم ـ دفاتر اسناد رسمی

ماده ۸۱ ـ درنقاطی که وزارت عدلیه مقتضی بداند برای تنظیم اسناد رسمی دفاتر رسمی بعدهٔ کافی معین خواهد کرد ـ هر دفتر رسمی اسناد مرکب است از یکنفر صاحب دفتر ولااقل یکنفر نمایندهٔ ادارهٔ ثبت اسناد .

ماده ۸۲ ـ هیچ دفتری را نمیتوان رسمیت داد مگر اینکه صاحب آن درضمن تقاضا نامهٔ خود تبعیت از قوانین و نظامات وزارت عدلیه را راجع ثبت اسناد تعهد نماید .

ماده ۸۳ ـ حوزهٔ صلاحیت هریك ازدفاتراسناد رسمی بموجب نظامنامه های وزارت عدلیه معین خواهد شد .

ماده ۸۴ ـ نمایندهٔ که ازطرف ادارهٔ کل ثبت اسناد واملاك برای هر دفتری تعیین میشود باید در اوقات کار در دفتر اسناد رسمی حاضر باشد تا هر معامله و تعهدی که واقع میشود پس از ثبت در دفتر صاحب دفتر در دفترخود ثبت نماید در هر یك از این دو دفتر باید نمرهٔ صفحهٔ دفتر دیگری که سند در آن ثبت شده است قید گردد .

ماده ۸۵ ـ هرگاه دفتر اسناد رسمی که باید با رعایت مادهٔ (۸۲) معین شود درمحضر یکی‌از مجتهدین جامع‌الشرایط باشد حضور نماینده (بشرط اجازهٔ وزارت‌عدلیه) در دفتر لازم نبوده و سندی که مطابق مقررات از دفتر صادر شده و بادارهٔ ثبت صدور آن از ناحیهٔ صاحب‌دفتر مسلّم باشد در دفتر اداره بثبت خواهد رسید .

ماده ۸۶ ـ درصورتیکه تقاضای ثبت سندی‌شود تحصیل اطمینان ازهویت متعاملین‌یاطرفی که‌تعهد کرده بعهدهٔ صاحب‌دفتراست واگر مشارالیه شخصاً آنهارا نشناسد باید برطبق‌مواد اینقانون رفتارنماید و درصورت تخلّف مشمول مادهٔ ۱۰۲ اینقانون خواهد بود .

ماده ۸۷ ـ شهود ومعرفین‌واصحاب معامله باید دفتر صاحب دفتر رامطابق مواد (۵۰ و ۶۳) اینقانون امضاء نمایند ولی در دفتر ثبت نماینده فقط امضاء اصحاب معامله کافی خواهد بود .

ماده ۸۸ ـ درمورد املاکی که مطابق‌اینقانون بثبت نرسیده‌دفاتر اسناد رسمی وهمچنین‌دوائرثبت‌اسناد واملاک (در دفترمخصوص) میتوانند هر نوع معامله و تعهد و نقل و انتقال را راجع بعین غیر منقول یا منافع آن ثبت نمایند ولی این قبیل اسناد فقط نسبت بطرفین یا طرفی که تعهد کرده و قائم مقام قانونی آنها رسمیت خواهد داشت .

ماده ۸۹ ـ از عایدات حاصله از حق‌الثبت صاحب دفتر بترتیب ذیل سهم خواهد برد :

تا ششصد ریال در ماه نصف ـ ازششصد ویك ریال تاچهار هزار

ریال نسبت بمازاد خمس ـ از چهار هزار و یکریال تا ده هزار ریال نسبت بمازاد از چهار هزار ریال عشر .

ماده ۹۰ ـ عایدات حاصله از حق الثبت دفاتر اسناد رسمی پس از پرداخت سهم صاحبان دفاتر جزء عایدات عمومی محسوب و تسلیم خزانه خواهد شد .

ماده ۹۱ ـ باستثنای مواردیکه برای دفاتر اسناد رسمی مطابق اینقانون ترتیب خاصی معین شده مقررات اینقانون در دفاتر اسناد رسمی نیز لازم الرعایه واعتبار اسناد ثبت شده در دفاتر رسمی همان است که در مادهٔ (۷۰ و ۷۱) مقرر شده است .

باب پنجم ـ اجراء مفاد اسناد رسمی

ماده ۹۲ ـ مدلول کلیهٔ اسناد رسمی راجع بدیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجرا است مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت آن باشد .

ماده ۹۳ ـ کلیهٔ اسناد رسمی راجع بمعاملات املاك ثبت شده مستقلاً وبدون مراجعه بمحاکم لازم الاجراء است .

ماده ۹٤ ـ سندی که باید اجراء شود و صاحب سند تقاضای اجرای آنرا نموده بدستور مدیر ثبت بموقع اجرا گذارده میشود

ماده ۹۵ ـ عموم ضابطین عدلیه و سایر قوای دولتی مکلف هستند که درمواقعی که ازطرف مأمورین اجرا بآنها مراجعه میشود دراجرای مفاد ورقهٔ اجرائیه اقدام کنند .

ماده ۹۶ ـ اجرای اسناد رسمی مطابق نظامنامهٔ مخصوص خواهد بود که وزارت عدلیه تنظیم خواهد کرد .

ماده ۹۷ ـ دستوراجراء ورفع اختلافات راجع بعملیات اجرائی با مدیر ثبت است .

ماده ۹۸ ـ مرجع شکایت از اجـرای ثبت مدعی‌العموم بدایت محل است .

ماده ۹۹ ـ ادعای مجعولیت سند رسمی عملیات راجع باجرای آنرا موقوف نمیکند مگر پس از اینکه مستنطق قرار مجرمیت متهم را صادر ومدعی‌العموم هم موافقت کرده باشد .

باب ششم ـ جرائم و مجازات

ماده ۱۰۰ ـ هریك از مستخدمین واجزاء ثبت اسناد واملاك وصاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی ازجرمهای ذیلرا مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و بمجازاتیکه برای جعـل و تزویر اسناد رسمی مقرراست محکوم خواهد شد :

اولا ـ اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند .

ثانیاً ـ سندی را بدون حضور اشخاصی کـه مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید .

ثالثاً ـ سندی راباسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند .

رابعاً ـ تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یامؤخر دردفتر ثبت کند .

خامساً ـ تمام یاقسمتی ازدفاتر ثبت رامعدوم یامکتوم کند یاورقی

از آن دفاتر را بکشد یا بوسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد .

سادساً ـ اسناد انتقالی را باعلم بعدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند

سابعاً ـ سندی را که بطور وضوح سندیت نداشته و یا ازسندیت افتاده ثبت کند .

ماده ۱۰۱ ـ هرگاه اعضاء ثبت اسناد واملاك سندی را که مفاد آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته ثبت کند از یکسال تا سه سال ازخدمات دولتی منفصل خواهد شد .

ماده ۱۰۲ ـ هر یك از اعضاء ثبت اسناد واملاك قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یـا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت نماید بمجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید .

ماده ۱۰۳ ـ هر یك از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد واملاك عمداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد درحکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود .

ماده ۱۰۴ ـ درموارد تقصیراتی که مجازات آنها بموجب اینباب معین نشده مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاك که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری میشوند موافق مقررات قوانین جزائی و یا قانون استخدام تعقیب و مجازات خواهند شد .

ماده ۱۰۵ ـ جز در مورد مذکور در مادهٔ ۳۳ (راجع ببیع شرط و امثال آن) هرکس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلاً

بدیگری انتقال داده یا با علم باینکه بنحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید کلاه بردار محسوب میشود و همچنین است اگر در موقع تقاضا مالک بوده ولی در موقع ثبت ملك در دفتر ثبت املاك مالك نبوده‌و معهذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار ادارهٔ ثبت حاضر برای تصدیق حق طرف نباشد .

ماده ۱۰۶ ـ مقررات فوق درمورد وارثی‌نیزجاری است اگر با علم بانتقال ملك ازطرف مورث خود یا با علم باینکه بنحوی از انحاء قانونی‌سلب مالکیت ازمورث اوشده بوده است تقاضای ثبت آن ملك یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملك را باسم خودکرده و یا مطابق‌قسمت اخیر مادهٔ فوق پس‌از اخطار ادارهٔ ثبت رفتار نکند ـ درتمام اینموارد علم وارث باید بوسیلهٔ امضاء یا مهر و یا نوشته بخط خود او محرز شود .

ماده ۱۰۷ ـ هرکس‌بعنوان اجاره یا عمری یا رقبی‌و یاسکنی و یا مباشرت و بطور کلی هرکس نسبت بملکی امین محسوب بوده و بعنوان مالکیت تقاضای ثبت‌آن را بکند بمجازات کلاه بردار محکوم خواهد شد .

ماده ۱۰۸ ـ هرگاه شخصیکه ملکرا بیکی ازعناوین مذکورهٔ در فوق متصرف بوده شخصاً تقاضای ثبت ننموده ولی بواسطهٔ خیانت یا تبانی او ملك بنام دیگری بثبت برسد بطریق‌ذیل‌عمل خواهد شد :

الف ـ اگر کسیکه ملك باسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو بعنوان مجرم اصلی بمجازات کلاه بردار محکوم شده و نسبت بخسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود .

ب ـ هرگاه کسیکه ملك بنام اوبثبت رسیده مشمول هیچ یك از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور بهیچ عنوان اعم ازحقوقی وجزائی قابل تعقیب نیست ولی امین بعنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق مادهٔ ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و بعلاوه برای جبران خسارت صاحب ملك در توقیف خواهد ماند درصورتیکه درطرف پنج سال نتوانست با تأدیهٔ خسارت یا ازطریق دیگری رضایت مدعی خصوصی را فراهم سازد وزیر عدلیه ازمقام سلطنت عفو اورا استدعا میکند .

ماده ۱۰۹ ـ هر کس نسبت بملکی که درتصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاه بردار محسوب میشود ـ اختلافات راجع بتصرف در حدود مشمول این ماده نیست .

ماده ۱۱۰ ـ درمورد مواد فوق وهمچنین درکلیهٔ مواد دیگر اینقانون اظهارنامهٔ که در مورد ثبت عمومی املاك داده میشود بمنزلهٔ تقاضا نامه است .

ماده ۱۱۱ ـ در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول بشکایت مدعی خصوصی است (مقصود ازمواد قبل مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ میباشد) .

ماده ۱۱۱ مکرر ـ اگر مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاك موقوفه عام‌المنفعه‌را بعنوان متولی یا متصدی و یا املاك مولی علیه را بعنوان ولایت یا قیمومت در تصرف دارد تعقیب جزائی موکول بشکایت مدعی خصوصی نیست .

ماده ۱۱۲ ـ درصورتیکه مدعی‌خصوصی قبل از صدورحکم نهائی شکایت خودرا مسترد داشت تعقیب متروك خواهد شد .

ماده ۱۱۳ ـتجدید شکایت ازمدعی‌خصوصی پذیرفته نمیشود .

مادهٔ ۱۱۴ ـ در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ (باستثنای مورد مذکور در بند ب مادهٔ ۱۰۸) مجرم علاوه برمجازات مقرر برای‌جرم کلاه‌برداری‌تا موقعیکه بوسیلهٔ تصدیق حق مدعی‌خصوصی‌در ادارهٔ ثبت املاك یا بوسائل دیگرخساراتی را که مستقیماً بواسطهٔ تقاضای ثبت ، صدور سند مالکیت بطرف وارد آورده ومدعی‌خصوصی بوسیلهٔ تقدیم عرضحال مطالبه نموده و موردحکم واقع شده‌جبران‌ننماید درتوقیف خواهد ماند.تعیین میزان‌خسارت بامحکمه‌ایست که بجنبهٔ جزائی‌رسیدگی کرده ولو اینکه عرضحال‌خسارت ازطرف مدعی‌خصوصی‌پس‌ازصدورحکم جزائی داده شده باشد و خسارات غیرمستقیم (خسارات ناشی از محاکمه) مطابق اصول معموله تعیین و وصول خواهد شد .

ماده ۱۱۵ ـ هرکس یکی از اعمال مشروحه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و۱۰۷و ۱۰۸ و ۱۰۹ را قبل‌از اول اسفند ۱۳۰۸ مرتکب شده و تا اول خرداد ۱۳۰۹ بوسیلهٔ تصدیق حق طرف در دفاتر ثبت یا بوسایل دیگر خسارات وارده بر صاحب ملك را جبران

ننموده کلاه بردار محسوب شده و علاوه برمجازات مقرر برای این جرم تا موقعی که خسارت وارده برطرف رامطابق مادهٔ ۱۱۴ جبران نکرده در توقیف خواهد ماند .

ماده ۱۱٦ ــ در موارد املاکی که برهن یا بیکی از عناوین مذکوره در مادهٔ ۳۳ انتقال داده شده راهن یا انتقال دهنده مکلف است حق‌طرف را درضمن اظهارنامهٔ خود قید نماید در صورتیکه راهن یاانتقال دهنده باین تکلیف عمل ننموده مرتهن یاانتقال گیرنده میتواند تایکسال‌ازتاریخ انقضاء مدت حق‌استرداد یا رهن بوسیلهٔ اظهار نامهٔ رسمی حق خود را مطالبه کند ــ هر گاه درظرف ۱۰ روز ازتاریخ ابلاغ اظهار نامه راهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد کلاه بردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و۱۱۲ و۱۱۳ مطابق مادهٔ ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد .

اگراخطارقبل‌از انقضاء مدت حق استرداد و یا رهن بعمل آمده باشد راهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم‌خواهد بود که در صورت‌بقاء ملك بملکیت او حق‌طرف‌را تا ده روز پس‌از ابلاغ اظهار نامه در ادارهٔ ثبت تصدیق ننماید و در صورتیکه ملك بملکیت او باقی نباشد وقتی مجرم محسوب‌خواهد شد که تاده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن حق مرتهن یا انتقال گیرنده‌را تأدیه نکند .

تبصره ــ مرتهن یا انتقال گیرنده‌که درظرف مدت یکسال اخطار مذکور در فوق را نکرد مادامی که مرور زمان منقول

شامل طلب او نشده حق مطالبهٔ طلب خودرا خواهد داشت .
ماده ۱۱۷ ـ هر کس بموجب سند رسمی یا عادی نسبت بعین یا منفعت مالی (اعم‌ازمنقول‌یاغیرمنقول) حقی‌بشخص یا اشخاصی داده و بعد نسبت بهمان‌عین یا منفعت بموجب سند رسمی‌معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید بحبس با اعمال‌شاقه ازسه تا ده سال محکوم خواهد شد .

باب هفتم ـ تعرفه و مخارج ثبت اسناد و املاك

ماده ۱۱۸ ـ حقوقی که در ادارهٔ ثبت اسناد و املاك و دفاتر رسمی اخذ میشود مطابق مواد ذیل خواهد بود :
ماده ۱۱۹ ـ برای ثبت ملك در دفتر املاك علاوه بر مخارج مقدماتی هرده ریالی ده دینار حق‌الثبت مأخوذ میشود .
ماده ۱۲۰ ـ حق‌الثبت املاك مطابق نظامنامهٔ وزارت عدلیه باقساط دریافت خواهد شد .
ماده ۱۲۱ ـ حق‌الثبت اسم تجارتی‌ازدو ریال طلا تا یك پهلوی است که مطابق نظامنامهٔ وزارت عدلیه اخذ خواهد شد .
ماده ۱۲۲ ـ حق‌الثبت شرکتها مطابق قانـون ثبت شرکتها و حق‌الثبت شرکتهای بیمه مطابق قانون مصوب ٦ آذر ماه ۱۳۱۰ و حق‌الثبت شرکتهای‌حمل و نقل‌بحری و هوائی معادل یکربع و حق‌الثبت شرکتهای‌حمل ونقل بری معادل یك ثلث حق‌الثبتی است که مطابق قانون خرداد ۱۳۱۰ برای شرکتها مقرراست .
تبصره ـ حق‌الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری و هوائی

مطابق نظامنامهٔ وزارت عدلیه ممکن است باقساط تأدیه شود .
ماده ۱۲۳ ـ تعرفهٔ ثبت اسناد باستثنای مـواد ذیل برای هر ده ریال دو دینار و نیم است هرگاه منافع بطورعمومی انتقال‌داده شود ازمنافع ده ساله حق‌الثبت اخذ خواهد شد .
ماده ۱۲۴ ـ برای‌ثبت اسنادی که تعیین‌قیمت موضوع آنها ممکن نباشد برای هر سند ده ریال مأخوذ خواهد شد برای تصدیقاتی که از ادارهٔ ثبت گرفته میشود هر تصدیقی ده ریال وبرای‌المثنی سند مالکیت درصورتیکه مطابق‌ورقهٔ مالکیت قیمت ملك پنجهزار ریال یاکمتر باشد پنج ریال برای هرنسخه و درصورتیکه قیمت ملك مطابق ورقهٔ مذکور بیش‌ازپنجهزار ریال‌باشد ده ریال‌برای هرنسخه اخذ خواهد شد .
ماده ۱۲۵ ـ برای ثبت بروات و حوالجات تجارتی هر هزار ریال ۲۵ دینار اخذ و کسور هزار ریال بمنزلـهٔ هـزار ریال حساب میشود .
ماده ۱۲۶ ـ ازبابت مخارج حرکت بخارج ازمقر اداره یاشعبهٔ ثبت در مورد ثبت املاك علاوه برمخارج حمل و نقل‌که بعهدهٔ مستدعی ثبت‌است برای مهندسین شبانه روزی بیست ریال وبرای نماینده هشت ریال دریافت میشود .
مادهٔ ۱۲۷ ـ در موقع ثبت عمومی‌املاك خورده مالکین‌مخارج حرکت وکرایهٔ حمل ونقل‌بتناسب سهام آنها دراملاك گرفته میشود
ماده ۱۲۸ ـ حق‌الودیعه اسناد و اوراق ازبابت هربسته ممهور ماهی دو ریال است حق‌الودیعهٔ ششماهه قبلاً اخذ خواهد شد .

ماده ۱۲۹ ـ برای دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده برای هر صفحه که نمونهٔ آنرا وزارت عدلیه معین مینماید پنج ریال است ـ کسر صفحه یك صفحه تمام محسوب میشود .

ماده ۱۳۰ـ برای دادن سواد مصدق از اوراق واسناد ثبت نشده صفحهٔ سه ریال گرفته میشود کسر صفحه یك صفحه محسوب است

ماده ۱۳۱ ـ حق‌الاجرای اسناد لازم‌الاجرا نیم‌عشر و از کسی که اجرا برعلیه او است اخذ خواهد شد مگراینکه دائن بدون حق تقاضای اجرا نموده باشد که دراین‌صورت نسبت بآن‌قسمتی که دائن حق نداشته ازخود او مأخوذ میگردد .

ماده ۱۳۲ ـ برای تصدیق صحت هر امضاء پنج ریال مأخوذ میشود

ماده ۱۳۳ ـ کلیهٔ مخارج و حقوق فوق الذکر باستثنای حق‌الاجراء بعهدهٔ طرفی است که تقاضای ثبت مینماید مگر اینکه بین طرفین متعاهدین ترتیب دیگر مقرر شده باشد .

ماده ۱۳۴ ـ سوادهائی که ازطرف محاکم و مدعیان عمومی و مستنطقین تقاضا میشود از حقوق دولتی معاف خواهد بود ولی در صورتیکه سوادهای مزبوره را بدون علت وسبب تقاضا کرده باشند علاوه برمجازات اداری دوبرابر حق معمولی از تقاضا کننده اخذ خواهد شد .

ماده ۱۳۵ ـ بر کلیهٔ حقوقی که ادارهٔ ثبت بموجب مواد فوق مأخوذ میدارد باستثنای حق‌الاجرا صدی بیست و پنج اضافه میشود

عوائد حاصله از صدی بیست و پنج فوق الذکر در حساب مخصوص گذارده‌شده وسرمایهٔ ذخیرهٔخاصی راتشکیل خواهد داد سرمایهٔ مزبور منحصراً و بترتیب ذیل بمصرف خواهد رسید :

الف ـ برای تکمیل تشکیلات و توسعهٔ ادارهٔ ثبت اسناد و املاك در مملکت منتهاسی در صد .

ب ـ برای تکمیل تشکیلات عدلیه و توسعه آن در مملکت هفتاد در صد .

صرف ذخیرهٔ فوق الذکر درغیر موارد مذکور فوق ممنوع است

ماده ۱۳۶ ـ درموقع اخذکلیهٔ حقوقیکه ادارهٔ ثبت وصول میکند مبالغ های کمتر از ده دینار ـ ده دینار اخذ خواهد شد .

باب هشتم ـ مواد مخصوصه

ماده ۱۳۷ ـ هر یك از مستخدمین ثبت که بعنوان کفالت شغل بالاتری را اشغال نماید حق‌دارد نصف حقوق رتبهٔ خود و نصف حقوق بودجهٔ مقامی را که متکفل است دریافت دارد مشروط بر اینکه شغل بالاتر نمایندگی ـ مسئولیت دفتر ـ مدیریت ضبط ـ معاونت یا ریاست یکی از شعب یا دوائر و ادارات ثبت خارج از مرکز باشد .

ماده ۱۳۸ ـ اگر اراضی که قبلاً جزء شارع عام یا میدان های عمومی بوده و باین جهت قابل ثبت نبوده است ازشارع یا میدان عمومی بودن‌خارج وجزء املاك خصوصی‌شهر گردد و یا ازطرف بلدیه بدیگری انتقال یابد بلدیه یا مالك جدید میتواند نسبت بآن

اراضی تقاضای ثبت نماید .

ماده ۱۳۹ ـ در نقطهٔ که اعلان ثبت عمومی شده و در تاریخ اجرای اینقانون موعد مقرر برای تقدیم اظهارنامه ها منقضی گردیده و اعلان نوبتی منتشر شده ادارهٔ ثبت نسبت باملاکی که اظهار نامه های مربوط بآنها عودت داده نشده است اعلان منتشر و بکسانی که حق تقاضای ثبت دارند شصت روز مهلت خواهد داد تا تقاضای ثبت نمایند درمورد اظهارنامه هائی که درظرف مدت مزبوره داده میشود و یاقبل از این تاریخ ولی درخارج ازمدت داده شده است مطابق ماده ۱۳ عمل خواهد شد .

املاکی که نسبت بآنها درمدت مذکورفوق تقاضانامه داده نشود بعنوان مجهول المالك اعلان و تابع مقررات مذکور در ماده ۱۲ خواهد بود اگر چه قبل ازتاریخ اجرای این قانون ادارهٔ ثبت آن ملك رادر نتیجهٔ تحقیقات خود باسم اشخاصی اعلان کرده باشد

ماده ۱۴۰ ـ املاکی که قبل از تاریخ اجرای اینقانون تقاضای ثبت آنها شده است چنانچه اولین اعلان نوبتی آنها منتشر شده باشد مطابق مقررات قانون ثبت اسناد واملاك مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ بثبت خواهد رسید وهرگاه اولین اعلان نوبتی منتشر نشده باشد ثبت ملك برطبق مقررات اینقانون بعمل خواهد آمد مگر اینکه تقاضا کنندهٔ ثبت تقاضا نماید که اعلانات مطابق قانون فوق الذکر بجریان افتد ولی در اینصورت نیز فقط انتشار اعلان و تحدید حدود بر طبق مقررات قانون سابق بوده و سایرجریانات از اعتراض وغیره تابع مقررات این قانون خواهد بود .

ماده ۱۴۱ ـ از تاریخ اجرای اینقانـون کلیه مواعدی که در این قانون معین شده بهمان ترتیب که در مادهٔ ۱۷ قانون تسریع محاکمات مقرر است محسوب خواهد شد .

ماده ۱۴۲ ـ قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ وقانون ثبت اماکن متبرکه وغیره مصوب ۲۹ مهرماه ۱۳۰۹ نسخ و این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۱۱ بموقـع اجرا گذارده خواهد شد .

غلطنامه

صفحه	سطر	صحیح	غلط
٤	١٤	مستنطق	مستنطقین
۲۹	قدیم ۱۸ جدید ۱۲	صلاحیت بین محاکم	صلاحیت محاکم
«	« ۱۹ « ۱۳	مرجع حل اختلاف	مرجع اختلاف
«	« ۲۲ « ۱۷	ومحاکمات مالیه	ومالیه
۱۰۷	۲۰	محکمه به‌تقاضای	به‌تقاضای محکمه
۱۰۸	۱۰	دراین مواردمیتواندمدعی‌علیه	دراین مواردا‌گرمدعی‌علیه
۱۲۱	۲۰	محکوم‌علیه غایب	محکوم‌علیه
۱۴۱	۳	اسباب موجه	موجه
۱۶۰	۲	نباید	نباشد
۲۲۱	١٤ـ١٦	ماده ۳ـ امین صلح	ماده ۳ اصلاح‌شده در ۲۷ تیر ۱۳۱۴

یادداشت برای تغییرات

چاپ سوّم

مجموعهٔ اصول محاکمات حقوقی که تحت نظر آقای کمانگر تدوین گردیده مزایای ذیل‌را نسبت بمجموعه‌های سابق دارد .

علائم قوانین

ح]- اصول محاکمات حقوقی سابق

ص]- اصول تشکیلات عدلیه

س]- اصول محاکمات حقوقی اصلاح شده (آزمایش)

ت]- قانون تجارت

سمرد]- سایر قوانین محاکمه

مجانی است

ضمیمه

چاپ سوم مجموعه اصول محاکمات حقوقی

اصلاحات تا آخر سنه ۱۳۱۳

آقایانیکه چاپ سوم را قبلاً خریداری نموده اند

ارائه داده جزوه را دریافت دارند.

مرکز فروش قانون جزائی و حقوقی بصور کلی

طهران ـ ناصریه شجاعی و گاستنه

چاپخانه فردین و برادر ـ طهران

قوانینی که درسنهٔ ۱۳۱۳ بعد ازتدوین چاپ سوم اصول محاکمات حقوقی تصویب و یا تغییر کرده است

۱ ـ الحاق ماده ۱۰ به قانون قنوات مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳
۲ ـ ماده واحده راجع به رشد متعاملین « « « «
۳ ـ الحاق دو ماده ۱۳ و ۱۴ به قانون انحصار وراثت مصوب اول آذر ۱۳۱۳ .
۴ـ ماده واحده راجع بخیانت ولی قهری مصوب اول آذر ۱۳۱۳
۵ ـ قانون اعسار مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۳ .
۶ ـ قانون اوقاف مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۳ .
۷ ـ قانون حکمیت مصوب ۲۰ بهمن ۱۳۱۳ .

۱ ـ ماده ۱۰ قانون قنوات

هرگاه اشخاص متعدد در رودخانه و یا نهر ویا چشمه و یا قناتی برای مشروب ساختن اراضی معینی حق آبه داشته باشند و یك یا چند نفر از آنها بخواهند از حق مزبور برای مشروب نمودن زمین دیگری یا تغییرمجرای اختصاصی استفاده کنند شرکاء دیگر آب یا مجری حق ممانعت نخواهند داشت مشروط بر اینکه ازاین اقدام ضرری متوجه اشخاص ذی‌حق نشود .

در مورد این ماده اهل خبره معین میکنند که چه مقدار آب و یا

چه مقدار از زمان استفاده باید بعلت استفاده کردن از آب در نقطه پائین‌تر کاسته شود مگر اینکه در تعیین مقدار مزبور بین شرکاء اختلافی موجود نباشد .

۲ ـ قانون راجع برشد متعاملین

مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳

ماده واحده ـ از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات باستثناء نکاح و طلاق محاکم عدلیه وادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که بسن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور واناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام بانجام معامله یا عقد و یا ایقاعات بطرفیت مدعی‌العموم در محاکم ثابت شده باشد ـ اشخاصیکه سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند درمحاکم عدلیه وادارات دولتی ودفاتر اسناد رسمی رشیدمحسوب میشوند مگراینکه عدم رشد آنها بطرفیت مدعی‌العموم در محاکم ثابت گردد .

مناط تشخیص بین اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود .

۳ ـ تکمیل قانون تصدیق انحصار وراثت

مصوب اول آذر ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ دو ماده ذیل بعنوان ماده ۱۳ و ماده ۱۴ بقانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود :

ماده ۱۳ ـ امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام میدهد درصورتیکه مدرك استشهادنامه بوده وهویت شهودباانتساب

امضاء یامهر به‌منتسب‌الیه درنزد محکمه معلوم‌نبوده ویامفاد‌شهادت مجمل و مبهم باشد میتواند شهود را احضار کرده وشهادت آنان را استماع کند.

چنانچه شاهد درخارج ازمقرمحکمه ساکن باشد تحقیق ازشاهد بوسیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه محل‌اقامت شاهد بعمل خواهد آمد.

در تصدیق انحصار وراثت امین صلح یا حاکم بدایت باید نسبتی راکه مستدعی یا مستدعیان‌تصدیق با مورث خود دارند وهمچنین نسبت سهم‌الارث آنها را از متروکات بنحو اشاعه معین نماید.

ماده ۱۴ ـ هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای‌تقدیم اظهارنامه ثبت املاك و یا بطورکلی مربوط بامور مذکور درماده ۷ بعمل‌آید تقاضاکننده باید تصدیقی‌ازاداره ثبت مشعر برلزوم‌اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و بتقاضانامهٔ خودضمیمه نماید.

دراینصورت امین‌صلح یاحاکم بدایت اعلان مذکوردرماده۳ را باداره ثبت محل ارسال میدارد تا جزء اعلانات ثبت منتشرشده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد.

در مورد این‌ماده فقط نصف مخارج مذکور درماده ۸ اخذ خواهد شد.

۴ـ قانون راجع بخیانت ولی قهری

مصوب اول آذر ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ ولی قهری (پدر یا جد) هرگاه درمقام اتلاف مال‌صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعدازثبوت خیانت اونسبت باموال

مولّیٌ علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه مثل مورد ماده ۱۲۷۹ قانون مدنی حاکم یکنفر امین بولی منضم میکند.

۵ـ قانون اعسار مصوبه ۲۰ آذر ۱۳۱۳

ماده ۱ ـ معسر کسی است که بواسطه عدم کفایت دارائی یاعدم دسترسی بمال خود قادر بتأدیه مخارج محاکمه یادیون خودنباشد.

فصل اول

اعسار درمورد مخارج محاکمه

ماده ۲ ـ همینکه اعسار کسی ثابت شد از نتایج ذیل استفاده خواهد کرد:

۱ ـ معافیت موقتی از تأدیه تمام یا قسمتی از مخارج محاکمه در مورد دعوائی که برای معافیت از مخارج آن ادعای اعسار شده.

۲ ـ حق داشتن وکیل مجانی مطابق ماده هیجده این قانون.

۳ـ معافیت ازدادن تأمینی که باید اتباع خارجه بدهند درصورتیکه مدعی از اتباع خارجه باشد.

تبصره ـ دررسیدگی بدعوی اعسار مدعی موقتاً ازکلیه مخارج محاکمه مربوطه بدعوی اعسار معاف خواهد بود.

ماده ۳ ـ معافیت از مخارج محاکمه بایدبرای هردعوائی علیحده تحصیل شود ولی معسر میتواند در تمام مراحل مربوطه بهمان دعوی از حکم اعسار استفاده کند.

در مورد دعاوی متعدده که مدعی اعسار دریکمرتبه دفعتاً اقامه نماید حکم اعسار که نسبت بیکی از دعاوی صادر شود نسبت بسایر دعاوی هم سمت خواهد داشت.

ماده ۴ – مرجع رسیدگی بدعوی اعسار محکمه‌ایست که صلاحیت رسیدگی بدوی بدعوی اصلی را دارد دعوی اعسار برای معافیت ازمخارج مرحله استیناف یا تمیز نیز بمحکمهٔ راجع است که مدایهٔ بدعوی اصلی رسیدگی کرده است.

ماده ۵ – دعوی اعسار بطرفیت مدعی‌العموم ومدعی‌علیه دعوای اصلی اقامه خواهدشد هرگاه محکمه صلاحیت‌دار صلحیه باشد مدیر دفتر صلحیه سمت نمایندگی مدعی‌العموم را خواهد داشت.

ماده ۶ – دعوی اعسار درصورتیکه برای معافیت از پرداخت مخارج مرحله بدوی باشد باید ضمن عرضحال راجع بدعوی اصلی اقامه کرده در صورتیکه برای معافیت از مخارج مرحله استینافی یا تمیزی باشد بوسیله عرضحال جداگانه در محکمه مذکور در ماده ۴ اقامه خواهد شد.

ماده ۷ – مدعی اعسار باید شهادت کتبی لا اقل ۴ نفر از اشخاصی را که از وضع معیشت زندگانی او مطلع باشند به عرضحال خود ضمیمه نماید.

درشهادت نامه مذکور باید اسم وشغل ووسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت مخارج دعوئی که میخواهد اقامه کند با تعیین مبلغ آن تصریح گردد.

ماده ۸ – هویت شهود را باید نظمیه و یا نایب الحکومهٔ محل یا کدخدا تصدیق نماید مگر اینکه شهود در نزد محکمه معروف باشند.

ماده ۹ – محاکمهٔ اعسار اختصاری است.

ماده ۱۰ – مدیر دفتر مکلف است درظرف دوروز از تاریخ وصول عرضحال اعسار دوسیه را بنظر حاکم محکمه برساند تا حاکم محکمه

حضورشهود را درجلسه محاکمه لازم بداند بمدعی اعسار اخطار شود که درروز مقررشهود خودرا حاضرنماید مدیر دفتر یك نسخه از عرضحال اعسار و مدارك اعساروضمائم آنرا برای مدعی العموم ونسخهٔ دیگررا برای طرف دعوی اصلی ارسال وضمناً روزجلسهٔ محاکمه را تعیین و ابلاغ مینماید طرف دعوای اصلی میتواند در موقع رسیدگی بدعوی اعسارحاضرشده واگردلائلی بررد اعسار دارد بیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی وصدور حکم نخواهد بود .

مادّه ۱۱ ـ هرگاه درجلسه رسیدگی یکی ازطرفین دعوی اصلی تقاضای رسیدگی نماید و طرف دیگر غایب باشد محکمه برحسب تقاضای مزبور بدعوی اعسار رسیدگی نموده حکم صادرخواهد کرد و این حکم حضوری محسوب است .

ودرصورتی هم که رسیدگی بدعوی ازنوبت خارج شد یا محاکمه توقیف شده باشد تقاضای یکی از اشخاص مذکور برای تعقیب در رسیدگی کافی است .

مادّه ۱۲ ـ محکمه درروزجلسه باستناد وشهادت شهود وامارات مستنده هریك از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد و هرگاه محکمه نسبت بقسمتی ازمدعی بعرضحال اعسار دعوی را ثابت و نسبت بقسمتی غیرثابت دانست حکم بمعافیت مدعی نسبت بهمان قسمت که ثابت شده خواهد داد .

محکمه میتواند بمدعی العموم وطرف دعوای اصلی درصورتیکه شهودی در رد اعسار داشته باشند اخطار کند که شهود خودرا

ماده ۱۳ ـ حکم قبول اعسار قابل استیناف و تمیز نیست و از حکم رد اعسار فقط میتوان استیناف داد .

ماده ۱۴ ـ هر گاه حکم بـر رد اعسار صادر شد بطریق ذیل رفتار میشود :

اگر حکم بدایة صادر و در ظرف مدت قانونی استیناف داده نشده باشد مدعی اعسار مکلف است تا ده روز پس از انقضاء مدت استیناف و اگر حکم استینافاً صادر شده باشد تا ده روز پس از ابلاغ آن مخارج عرضحال اصلی را تأدیه نماید والاقرار رد عرضحال دعوی اصلی صادر خواهد شد .

ماده ۱۵ ـ در صورتیکه دعوی اعسار برای معافیت از مخارج استینافی یا تمیزی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر محکمهٔ که باعسار رسیدگی میکند حاکی از تقدیم عرضحال اعسار گرفته درظرف مدت قانونی بعرضحال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید ولی بجریان افتادن عرضحال استینافی یا تمیزی موقوف بتعیین نتیجهٔ عرضحال اعسار است .

ماده ۱۶ ـ درمورد ماده قبل هر گاه مدعی اعسار عرضحال خود را تا یکماه تعقیب نکرد ویا درظرف مدت یکماه بلا تعقیب گذاشت عرضحال مزبور بتقاضای طرف دعوای اصلی رد و مطابق ماده ۱۴ رفتار میشود .

ماده ۱۷ ـ اگر معسر فوت نماید وراث او حق نخواهند داشت از حکم دائر باعسار مورث خود استفاده کنند .

ماده ۱۸ ـ وکلای رسمی عدلیه مکلفند وکالت اشخاص معسر

را موقتاً بطور مجانی قبول کنند تعیین وکیل مجانی دراین موارد مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۹ ـ اگر تا ده سال از تاریخ قبول اعسار معسر متمکن نگردید دیگر مخارجی که از پرداخت آن موقتاً معاف بوده است از او مطالبه نخواهد شد .

فصل دوم

اعسار در مورد محکوم به

ماده ۲۰ ـ مرجع رسیدگی بدعوای اعساردرمورد محکوم به محکمه ایست که بدایتاً بدعوای اصلی رسیدگی کرده است .

دعوای اعسار درمقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد درمحکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد .

ماده ۲۱ ـ دعوای اعسار درمورد محکوم‌به بطرفیت محکوم‌له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم‌الاجرای ثبت اسناد بطرفیت متعهدله اقامه خواهد شد .

ماده ۲۲ ـ دررسیدگی بدعوای اعساردرمورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز دعوی اعسار کند موقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه بدعوی اعسار معاف است .

ماده ۲۳ ـ مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصیکه از وضع معیشت و زندگانی اومطلع باشند بعرضحال خود ضمیمه نماید .

در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار وعدم تمکن او برای پرداخت محکوم به یا دین با تعیین

مبلغ آن تصریح شود .

ماده ۲٤ ـ مقررات مواد ۸ و ۹ وقسمت اول ماده ۱۰ وماده ۱۱ و ماده ۱۲ (جز اخطار بمدعی‌العموم) درمورد اعسار نسبت به محکوم به یا دین نیز رعایت خواهد شد .

ماده ۲۵ ـ در صورت غیبت مدعی اعسار درجلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی بدعوی مزبور کافی است .

ماده۲۶ ـ حکم رد یا قبول اعسار درمورد محکوم‌به قابل استیناف و تمیز است .

فصل سوم

مقررات جزائی

ماده ۲۷ ـ درمورد رد عرضحال اعسار بطریق ذیل رفتار میشود:

۱ ـ درصورتیکه ادعای اعسار راجع بمعافیت از مخارج عدلیه باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم خواهد کرد:

الف ـ دو برابر مخارج دعوای اصلی درمرحلهٔ که برای معافیت از مخارج آن عرضحال اعسار داده شده درصورت تعقیب دعوای اصلی و در غیر این صورت معادل آن مخارج .

ب ـ حق‌الوکاله وکیل بابت محاکمه اعسار درصورتیکه وکیلی مطابق ماده ۱۸ برای او معین شده باشد وبشرط تقاضای وکیل .

۲ ـ در صورتیکه ادعای اعسار درمورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم مینماید :

الف ـ مخارج محاکمه اعسار معادل دو برابر مخارج معمولی
ب ـ حق‌الوکاله وکیل ازبابت محاکمه اعسار بشرح مذکور در قسمت (ب) فقره اول همین ماده .

ماده ۲۸ ـ مفاد قسمت ۲ ازماده ۲۷ در مورد رداعسار درمقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم‌الرعایه است .

ماده ۲۹ ـ اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسرقلمداد کرده بحبس تأدیبی از یکماه تا شش ماه محکوم خواهد شد .

ماده ۳۰ ـ اگر پس‌ازقبول اعسارثابت شود که شهود قضیه عامداً شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده بمجازات مذکور در قسمت اخیرماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد .

ماده ۳۱ ـ هرگاه معلوم شود پس‌ازصدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده ومعهذا ازحکم اعسار استفاده کرده‌است بتقاضای محکوم‌له یا متعهدله جزائاً تعقیب و بحبس تأدیبی تا ۲ ماه محکوم خواهد شد .

ماده ۳۲ ـ هرکس که بنحوی ازانحاء برای معسرقلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبانی کرده ویابرخلاف حقیقت خودرا طلبکار معسر قلمداد و در اینموضوع با معسر تبانی کند شریك جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد .

فصل چهارم
مقررات مختلفه

ماده ۳۳ ـ از تاجرعرضحال اعسار پذیرفته نمی شود ـ تاجری

که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد .

کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود .

ماده ۳۴ ـ در هر موقع که معسر بتأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم بتأدیه آنست نسبت بورقه اجرائیه که بر علیه معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری میشود و مدت آن ده سال است .

ماده ۳۵ ـ اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به بیحقی گردد محکوم له نیز از پرداخت بقیه مخارج محاکمه که بمحکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود .

ماده ۳۶ ـ در کلیه اختیارات وحقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد طلبکاران او قائم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند .

ماده ۳۷ ـ اشخاصیکه دارائی نداشته یا دارائی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفهٔ خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خودرا بپردازند محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم الاجرا) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان ومدت وعدهٔ اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد .

ماده ۳۸ ـ کسیکه طلب خودرا بغیر مدیون انتقال داده و بعد از

انتقال آن را از مدیون سابق خود دریافت کرده و یا بدیگری انتقال دهد کلاه بردار محسوب میشود .

هرگاه مدیون مدعی خودرا بعداز انتقال بداین سابق تأدیه نماید منتقل‌الیه حق رجوع باونخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تأدیه دین انتقال را باطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون بوسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است .

ماده ۳۹ ـ ازتاریخ اجراء این قانون دیگردعوائی بعنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت بدعوای افلاسی که قبل‌از تاریخ اجرای این قانون اقامه‌شده برطبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام میشود .

ماده ۴۰ ـ قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول‌محاکماتی که بموجب قانون مزبور نسخ شده بحال منسوخی باقی میمانند و این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود .

۶ ـ قانون اوقاف مصوب ۴ دیماه ۱۳۱۳

ماده ۱ ـ اداره کردن موقوفاتیکه متولی ندارد یا مجهول‌التولیه است با وزارت معارف و اوقاف است و در صورتیکه متصدی داشته باشد ممکن است وزارت مزبوره در دست او ابقاء نماید.

تبصره ـ مقصود از مجهول‌التولیه آنست که متولی شخص معین یا شخص معین نیز بحسب اوصاف که بالاخره منطبق بشخص معینی میشود و معلوم نباشد .

ماده ۲ ـ نسبت بموقوفات عامه که متولی مخصوص دارد وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته و بر طبق مواد ٦ و ۷ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ و ضمیمه آن رفتار خواهد نمود .

تبصره ۱ ـ عمران و آبادی رقبات موقوفات بر هر مصرفی مقدم است .

تبصره ۲ ـ موقوفاتیکه تولیت آن با سلطان عصر است مشمول این قانون نخواهد بود .

ماده ۳ ـ اموال غیرمنقول که برحسب نذر ویا وصیت ویاحبس منفع آن بطور دائم یا در مدتیکه کمتر از ۱۸ سال نباشد برای مصارف عامه تخصیص داده شده مشمول مواد ۱ و ۲ این قانون خواهد بود .

تبصره ـ نظارت وزارت اوقاف در جمع و خرج مؤسسات خیریه وهمچنین نظارت در آبهائیکه وقف درشهرها است مجانی خواهد بود .

ماده ٤ ـ وزارت معارف و اوقاف در موقوفات خاصه باستثناء موارد ماده ۷ مداخله ندارد .

ماده ٥ ـ در موقوفات عامه که اداره آن مستقیماً با وزارت معارف و اوقاف است از حیث تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت و اقامه دعوی و طرفیت در دعوی و غیره وزارت مزبوره مانند متولی مخصوص خواهد بود .

و در موقوفات عامه که نظارت آن با اداره اوقاف است حق تقاضای ثبت و اعتراض بر آن و اقامه دعوی دارد و اگر متولی

طرف دعوی واقع شده باشد میتواند بعنوان ثـالث داخل در محاکمه شده ودرصورت محکوم شدن متولی برحکم اعتراض نماید

تبصره ـ در موقوفات خاصه هرگاه تقاضای ثبت بعنوان ملکیت شد وزارت اوقاف مکلف است اعتراض دهد .

ماده ٦ ـ درموارد مذکور درماده قبل وزارت معارف و اوقاف ازپرداخت مخارج محاکمه معاف خواهد بود چنانچه ملك عایدی داشته باشد و در تصرف وزارت اوقاف بـاشد یا بموجب حکم قطعی بتصرف وزارت مزبوره درآید باید بعداً مخارج محاکمه را بپردازد .

ماده ۷ ـ بیع وقف و تبدیل آن درموردیکه مطابق مواد (۸۸ و ۸۹) قانون مدنی جایز است باید باطلاع و تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود و همچنین است اجاره موقوفات خاصه که بیش از ده سال باشد .

ماده ۸ ـ درمواردیکه اداره تحقیق اوقاف خائن بودن متولی را احراز نمود موقتاً ناظری بر او خواهد گماشت و اداره اوقاف در محاکم صالحه اقامه دعوی نموده پس از اثبات خیانت متولی برای ضم امین باداره مدعی عمومی مراجعه مینمایـد که مطابق مقررات برای ضم امین اقدام شود وممکن است در اینصورت خود اداره اوقاف بعنوان امین منضم معین گردد .

ماده ۹ ـ حق‌التولیه موقوفاتیکه مستـقلا وزارت اوقـاف اداره مینماید مطابق وقفنامه خواهد بود و در صورت عدم وقفنامه یك عشر از عایدات خالص دریافت میدارد و بـرای نظارت در سایر موقوفات عامه وزارت اوقاف نیم عشر ازعوائد خالص دریافت میدارد

تبصره ۱ ـ نسبت بموقوفات مریضخانها ومدارس وزارت اوقاف صدی سه حق‌التولیه وصدی دوحق‌النظاره دریافت خواهد نمود .

تبصره ۲ ـ وزارت معارف واوقاف عوائد حاصله ازحق‌النظاره را بعد از مخارج وصول که نباید از صدی ده کل عایدات مزبور تجاوز کند بمصرف ساختمان و تعمیرات ابـنیه تاریخی و مرمت مدارس‌قدیمه واماکن و آثارمقدسه‌ملی‌خواهدرسانید. درصورتیکه موارد مصرف درحوزه وقف باشد حق تقدم خواهد داشت .

ماده ۱۰ ـ نظامنامه راجع بطرز اداره موقوفاتیکه اداره آن با وزارت معارف و اوقاف‌است وطرزاجرای نظارت درموقوفاتیکه وزارت مزبوره نظارت دارد و نظامنامه تعیین‌مصارف موقوفاتیکه مجهول‌المصرف و یا مصرف آن مطلق مبرات و یا صرف منافع آن در مصرفیکه واقف قرار داده معتذر است وهمچنین‌نظامنامه اجرای مواد این قانون را باید ورارت اوقاف تنظیم کرده و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجراگذارد .

۷ ـ قانون حکمیت مصوب ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۳

ماده ۱ ـ کلیه اشخاصیکه اهلیت اقامه دعوی را دارند می توانند بتراضی اختلافات ومنازعه خودرا درحقوق واموال اعم ازاینکه در محاکم عدلیه طرح شده یا نشده باشد درصورت طرح درهر مرحله که‌باشد میتوانندبتراضی‌بحکمیت یك‌یاچندنفررجوع کنند .

ماده ۲ ـ متعاملین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرار داد علیحده ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق‌حکمیت بعمل‌آید و نیزمیتوانند حکم‌یا حکمهای

خودرا قبل ازتولید اختلاف معین کنند معذلك درمورد معاملات واقع بین اتباع ایران واتباع خارجه طرف ایرانی نمیتوانند مادام که اختلاف تولید نشده است بنحوی از انحاء ملزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بحکمیت یك یا چند نفر و یا بحکمیت هیئتی رجوع نماید که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیئت دارای همان تابعیت باشد که طرف معامله دارد هرقراردادی که مخالف این حکم باشد باطل و بلا اثر است .

ماده ۳ ـ درقرارداد حکمیت باید نکات ذیل ذکر شود :

۱ ـ مشخصات طرفین و حکمها ازقبیل اسم واسم خانوادگی و غیره بطوری که رافع اشتباه باشد .

۲ ـ موضوع اختلاف که باید بحکمیت قطع شود .

ماده ۴ ـ درمورد ماده ۲ هرگاه طرفین حکم یاحکمهای خودرا در ضمن معامله یا قرارداد معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف یك طرف حکم خودرا معین ننماید طرف دیگرمیتواند حکم خودرا معین کرده بوسیله اظهارنامه رسمی اورا بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خودرا معین و معرفی کند دراین صورت طرف مذکور مکلف است که درظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و با رعایت مدت مسافت حکم خودرا معین و اعلام کند و هرگاه تا انقضاء مدت مذکور اقدام ننمود محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف را دارد بتقاضای طرفی که حکم خودرا معین کرده است حکم طرف دیگر را معین خواهد نمود در صورتیکه نسبت باصل معامله یا قرارداد راجعه بحکمیت بین طرفین اختلافی باشد محکمه قبلاً بآن رسیدگی

کرده پس ازاحرازمبادرت بتعیین حکم ممتنع مینماید ولی مادام که حکم معین از طرف محکمه بحکم طرف ابلاغ نشده است طرف ممتنع میتواند حکم خودرا معین و معرفی کند ترتیب فوق در موارد ذیل نیز رعایت خواهد شد.

۱ ـ هرگاه بموجب قرارداد بین طرفین حل اختلاف باید بحکم واحد رجوع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند درانتخاب حکم مزبور تراضی کنند.

۲ ـ درصورتیکه حکم یکی ازطرفین فوت کند یا استعفا دهد و طرف مزبورنخواهد جانشین اورا معین کند.

۳ـ درصورتیکه طرفین نخواهند یا نتوانند درانتخاب حکم ثالث تراضی نمایند.

محکمهٔ صلاحیت دار برای تعیین حکم محکمه است که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد.

ماده ۵ـ هرگاه درقرارداد حکمیت عده حکمها معین نشده باشد وطرفین نتوانند درتعیین عده حکمها توافق کنند هریك ازطرفین باید یکنفرحکم اختصاصی وهردو متفقاً یك نفرحکم ثالث معین کنند

ماده ۶ـ اگردرقرارداد حکمیت مدت اختیار حکمها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود وابتداء آن از روزی است که تمام حکمها کتباً قبول حکمیت راکرده اند.

ماده ۷ـ درموردیکه محکمه بجای طرفین یا یکی ازآنها تعیین حکم میکنند باید لااقل اسم دوبرابر عده‌ای راکه باید معین شود و واجد شرایط مقرره هستند نوشته و حکم یا حکمهای لازم را

از بین آنها بطریق قرعه معین میکنند .

ماده ۸ ـ اشخاص ذیل را مطلقاً نمیتوان بحکمیت معین کرد :

۱ ـ محکومین بجنایت و کسانیکه باتهام ارتکاب جنایتی تحت تعقیب هستند .

۲ ـ محکومین بجنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق حکم شدن محروم کرده باشد .

ماده ۹ ـ اشخاص ذیل بوسیله قرعه به حکمیت انتخاب نمیشوند :

۱ ـ کسانیکه سن آنها کمتر از سی باشد .

۲ ـ کسانیکه در مقر محکمهٔ که حکم را معین میکنند مقیم یا ساکن نیستند .

ماده ۱۰ ـ اشخاص ذیل را نمیتوان بقید قرعه بسمت حکم مشترك معین کرد مگر بتراضی طرفین :

۱ ـ کسی که در دعوی ذی نفع باشد .

۲ ـ اشخاصیکه با یکی از متداعیین قرابت سببی یا نسبی تا درجهٔ دوم از طبقه سوم دارند .

۳ ـ کسیکه قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از متداعیین یا یکی از متداعیین مباشر امور اوست .

۴ ـ کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعیین است .

۵ ـ کسیکه با یکی از متداعیین یا با اشخاصیکه با یکی از آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند محاکمه جنائی یا جنحه سابقاً یا فعلا داشته باشد .

۶ ـ کسیکه شخصاً یا زوجهٔ او و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی

تا درجه دوم از طبقه سوم او یا یکی ازمتداعیین یا زوجه و یایکی از اقرباء نسبی یـا سببی تا درجه دویم از طبقه سوم او محاکمه حقوقی دارد .

۷ ـ قضات وصاحبمنصبان بدایت واستیناف وحکام وسایرمأمورین دولت در حوزه مأموریت خود .

ماده ۱۱ ـ بعد از کشیدن قرعه وتعیین حکم هریك از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه درصورت حضور وابلاغ باو درصورت غیبت تا ده روز حکم معین را رد کند مگر آنکه موجبات رد بعداً حادث شده باشد که در اینصورت ابتداء مدت از روزی است که علت حادث شده محکمه پس ازوصول اعتراض رسیدگی کرده هرگاه آنرا وارد دید حکم دیگری را بجای حکم مردود معین میکند .

ماده ۱۲ ـ بعد از تعیین حکم یا حکمها طرفین حق عزل آنها را ندارند مگر بتراضی یکدیگر .

ماده ۱۳ ـ پس ازقبول حکمیت حکمها حق استعفاء ندارند مگر در صورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت یا ناخوشی وامثال آن حکمی که بدون داشتن عذرموجه استعفا دهد تا ۵سال بطریق قرعه به حکمیت معین نخواهد شدودرصورتیکه دردوجلسه بدون عذر مـوجه حاضر نشود حکمهائیکه در جلسات حاضر شده اند مراتب را بمحکمه مربوطه اطلاع میدهند و محکمه دیگری را بجای او معین میکند مگر آنکه طرفین بحکمیت خود آن حکم تراضی کنند .

ماده ۱٤ ـ هرگاه حکمها در مدت معین در قرارداد حکمیت

یا مدتی را که قانون معین کرده است رأی ندهند حکمیت آنان کان‌لم یکن خواهد بود مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند

ماده ۱۵ ـ شخص ثالثی که مطابق قانون جلب شده و یا قبل ویا بعد ازارجاع اختلاف بحکمیت وارد دعوی میشود میتواند با طرفین اصلی درارجاع امر بحکمیت وتعیین حکم یا حکمهای تعیین شده تراضی کند واگر موافقت حاصل نکرد بدعوی مشارالیه مطابق مقررات مستقلا رسیدگی خواهد شد .

ماده ۱۶ ـ طرفین باید اسناد ومدارك خودرا به حکم بدهند و حکمها نیز میتوانند توضیحات لازمه را از آنها بخواهند ـ هرگاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه یا جنایت ودررأی حکم مؤثربوده و تفکیك جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح یا طلاق یا نسب بوده ورفع اختلاف درامریکه راجع بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق یا نسب شود حکمها باید دعوی را بمحکمه ارجاع کننده یا محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد رجوع کنند و پس از صدور حکم قطعی درموضوع امرجزائی یا اصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها ابلاغ میشود ومدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید میگردد .

حکمها نمیتوانند برخلاف مفاد حکم مربوط بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی دهند .

دعوی جعل و تزویر در سند بدون تعیین جاعل ومزور ویا در صورتیکه تعقیب جاعل ومزور بجهتی ازجهات قانونی ممکن نباشد

ازقبیل امور جنحه یا جنایت نیست .

ماده ۱۷ ـ درموارد ذیل حکمیت از بین میرود :

۱ ـ درصورت تراضی کتبی طرفین .

۲ ـ درصورت فوت یا حجر یکی ازطرفین .

ماده ۱۸ ـ حکمها در رسیدگی و رأی تابع قواعد اصول محاکمه نیستند ولی باید شرایط قرارداد حکمیت‌را رعایت کنند.

رأی حکم باید موجه بوده ومخالف باقوانین معتوی (قوانین موجد حق) نباشد .

ماده ۱۹ ـ درصورتیکه حکمها اختیارصلح داشته‌باشند میتوانند دعوی را بصلح خاتمه دهند .

ماده ۲۰ ـ اگریکی ازحکمها درموقع رسیدگی ومشاوره‌حاضر بوده ولی برای دادن رأی بدون عذر موجه حاضر نشود یا از دادن رأی امتناع نماید رأییکه باکثریت صادرمیشود مناط اعتبار است عدم حضور ویا امتناع حکم از دادن رأی یا از امضاء آن باید در ورقهٔ حکم قید شود .

ماده ۲۱ ـ پس ازوصول رأی حکم مدیردفتر با اطلاع رئیس محکمه آنرا عیناً در دوسیه عمل ثبت کرده مطابقت ثبت را بـا اصل بتصدیق و امضاء رئیس محکمه میرساند و اصل حکم را برای ابلاغ باصحاب دعوی میفرستـد .

ماده ۲۲ ـ هرگاه محکوم‌علیه تا ده‌روز بعد از ابلاغ باو طوعاً حکم را اجرا نکرد محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت و یا محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بتقاضای‌طرف ذی‌نفع برطبق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر کند

ماده ۲۳ ــ هر گاه طرفین رأی حکم را باتفاق رد کنند حکم بلااثر خواهد شد .

ماده ۲۴ ــ حکمها مکلف هستند رأی خودرا درمدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضاء مدت حکمیت صادر شده باشد هر یك ازطرفین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت قانونی فسخ آنرا ازمحکمه ارجاع کننده و یـا محکمهٔ که صلاحیت رسیدگی بـاصل دعوی را دارد بخواهد .

ماده ۲۵ ــ هر گاه حکمها در حسابی اشتباه کرده که این اشتباه در رأی مؤثر باشد ویا قسمتی از مدعی‌به را که مورد رسیدگی بوده اشتباهاً دررأی‌خود ذکرنکرده باشند طرف ذی‌نفع میتواند درصورتیکه مدت حکمیت باقی‌باشد تصحیح آنرا ازخودحکمها و الا در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی حکمها از محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت یا از محکمه صالحه بخواهد .

ماده ۲۶ ــ در موارد ذیل رأی حکم اساساً بـاطل و از درجهٔ اعتبار ساقط است :

۱ ــ در صورتیکه رأی مخالف با قانون باشد .

۲ ــ وقتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود و یـا نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت نبوده است رأی داده باشند .

۳ ــ در موردیکه برخلاف سند رسمی که بجهتی ازجهات قانونی از اعتبار نیفتاده است رأی داده باشند .

ماده ۲۷ ــ درمورد ماده فوق‌هریك ازطرفین میتواند ازمحکمهٔ که‌دعوی‌راارجاع‌بحکمیت کرده یامحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی

باصل دعوی را دارد بطلان رأی حکم را بخواهد در اینصورت محکمه مکلف است بتقاضای مزبور رسیدگی کرده هرگاه رأی برطبق ماده فوق باطل باشد حکم به بطلان آن بدهد رد تقاضای ابطال رأی حکم و حکم به بطلان آن فقط قابل استیناف است درصورتیکه رد تقاضا یا حکم به بطلان از محکمه استیناف صادر شده باشد قابل تمیز است .

در مورد این ماده هرگاه ورقه اجرائیه صادر شده باشد محکمه باید فوراً وقبل از تعیین جلسه بدلائل تقاضا کننده توجه کرده هرگاه دلائل راقوی یافت قراری دائر بتوقیف ورقه اجرائیه صادرنماید .

ماده ۲۸ ـ درصورتیکه دعوی درمرحله تمیزی رجوع بحکمیت شده باشد تقاضای ابطال باید از محکمهٔ بعمل آید که حکم مورد استدعاء تمیز را داده بوده است .

رد تقاضای ابطال ویا حکم ببطلان رأی حکم صادر ازاین محکمه فقط قابل تمیز خواهد بود .

ماده ۲۹ ـ عرضحال استینافی و تمیزی از حیث مخارج ومدت و طرز تنظیم و همچنین رسیدگی بدعوی تابع مقررات اصول محاکمات حقوقی است .

ماده ۳۰ ـ رأی حکم فقط درباره طرفین دعوی واشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم‌مقام آنان نافذاست و نسبت باشخاص خارج بهیچوجه تأثیری نخواهد داشت .

ماده ۳۱ ـ حق‌الزحمه حکم اختصاصی هریك ازطرفین بعهده خود آنطرف و حق‌الزحمه حکم مشترك بعهده طرفین است که باید بالمناصفه بپردازندمعذلك حکمها میتوانند درضمن حکم خود

ترتیب تقسیم مزبور را بترتیب دیگری مقرر کنند مگر اینکه بین طرفین قرارداد خاصی در ترتیب پرداخت حق‌الحکمیه حکم ها مقرر شده باشد .

ماده ۳۲ ـ هر گاه بین حکم و طرف یا طرفین دعوی ترتیب خاصی معین نشده باشد حق‌الزحمه حکمها بطریق ذیل خواهدبود

صد هزار ریال مدعی‌به ۰.۵٪ برای کلیه حکمها

ازصد هزار و یکریال تا دویست هزار ریال ۰.۴٪

از دویست هزار و یکریال تا ۵۰۰ هزار ریال ۰.۳٪

از ۵۰۰هزار ریال به بالا ۰.۲٪

حق‌الزحمه حکمها اعم از اینکه قرار داد خاصی بین حکم ها و اصحاب‌دعوی شده باشد ویا بترتیب فوق وصول ومطابق قرارداد درصورتیکه قرارداد خاصی باشد والا بلسویه بین حکمها تقسیم میشود .

ماده ۳۳ ـ درمورد دعاوی که بموجب قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ واصلاح آن رجوع بحکمیت شده است هر گاه درموقع اجراء این قانون مدت حکمیت مطابق قوانین مزبوره منقضی گشته وحکمها رأی خودرا نداده باشند و طرفین دعوی بتجدید یاتمدید مدّت حکمیت تراضی نکنند بر طبق این قانون عمل خواهد شد .

ماده ۳۴ ـ نسبت بدعاوی که سابقاً یکی از طرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع بحکمیت کرده ولی‌درتاریخ تصویب‌این قانون هنوز قراری ازمحکمه صادر نشده ویا آنکه هنوز تمام حکمها بترتیب مقرر درقانون ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ تعیین نشده اند یا آنکه هنوز بحکمها ابلاغ نشده‌باشد تقاضای مزبور کان‌لم‌یکن

بوده ومطابق این قانون باید عمل بشود .

ماده ۳۵ ـ نسبت بدعاوی که حکمهای بدوی طبق قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ رای خودرا داده وبرحسب تقاضای طرفین یا یك طرف رجوع بحکمیت تجدید نظر شده ولی حکمهائی که برای تجدید نظر تعیین شده اند هنوز در موضوع قضیه اظهار نظر نکرده‌اند حکمهای مزبورمکلفند که درظرف دوماه از تاریخ تصویب این قانون رای خودرا صادر واعلام دارند والا هریك از طرفین میتوانند درظرف ده روز از تاریخ انقضاء مدت مذکور درفوق ار رأی حکم های بدوی استیناف بخواهند .

دراین صورت حق الزحمه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد .

ماده ۳۶ ـ دعاوی ذیل قابل ارجاع بحکمیت نیست :

۱ ـ دعاوی راجعه به توقف و ورشکستگی .

۲ ـ دعاوی راجعه باصل نکاح وطلاق وفسخ نکاح و نقل مدت ونسب.

ماده ۳۷ ـ در مورد اختلافات مابین زن و شوهر راجعه بسوء رفتار وعدم تمکین و نفقه و کسوه وسکنی و نیز مخارج طفلی که بر عهده شوهر و در حضانت زن باشد از طرف هریك از زوجین طرح شود محاکم می‌توانند بتقاضای هر یك از طرفین دعوی را ارجاع بحکمیت نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین حکم لا اقل دونفررا از بین اقرباء طرفین ودرصورتی که درمحل سکونت خود اقرباء نداشته باشند ازاشخاصی که با آنهامعاشرت ودوستی دارند تعیین کنند حکمها مکلفند حتی الامکان

سعی دراصلاح بین زوجین نموده ودرصورتیکه قادر باصلاح شوند رأی خود را در تشخیص ذیحق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان مخارج زن یاطفل درصورتی که موضوع دعوی مخارج باشد بمحکمه تقدیم دارند ومحکمه پس از وصول برطبق رأی حکم ها حکم خواهد داد اگر بین حکمها (درصورتیکه عده آنها زوج باشد) توافق نظرحاصل نشود خودآنها میتوانند یکنفررا بعنوان حکم ثالث متراضی وچنانچه درتعیین ثالث تراضی نشود بقرعه تعیین کنند و در اینصورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است .

محکمه در انتخاب حکمها باید بی طرفی و انصاف آنهارا بحسن اخلاق رعایت نماید .

هریک ازطرفین می تواند درصورتیکه از رای حکمها شکایت داشته باشند اعتراضات خودرا درظرف یکماه بعد از ابلاغ رأی بمحکمه بدهند و محکمه در صورتیکه اعتراضات را وارد بداند خود بموضوع رسیدگی کرده حکم میدهد این حکم فقط قابل استیناف است - مرجع دعاوی فوق الذکر محکمهٔ بدایت است و درنقاطیکه محکمه بدایت نباشد بمحکمهٔ صلحیه ودرجاهائیکه محکمه صلح هم نباشد بمأمورین صلح رجوع میشود .

مادّه ۳۸ - ازتاریخ پس از تصویب اجراء و قانون حکمیت مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون حکمیت مصوبه ۱۱ فروردین ۱۳۰۸ نسخ میشود ومواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی که بموجب قانون اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود کماکان بحال منسوخی باقی می ماند .